

آئینه رمضان

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: آئینه رمضان

محمد حسین فلاح زاده/تدوین مرکز تحقیقات حج مشخصات نشر: تهران مشعر،

۱۳۸۲،

مشخصات ظاهری: ص ۲۸۰

شابک: ۹۶۴-۶۲۹۳-۵۲-۲۱۰۰۰۰ ریال؛ ۹۶۴-۶۲۹۳-۵۲-۲۱۰۰۰۰ ریال یادداشت:

فارسی - عربی یادداشت: عنوان دیگر: آئین رمضان مناسبتها، احکام ادعیه و آداب

یادداشت: کتابنامه ص ۲۸

عنوان دیگر: آئین رمضان مناسبتها، احکام ادعیه و آداب

عنوان دیگر: آئین رمضان مناسبتها، احکام آداب موضوع: رمضان موضوع: رمضان -

- احادیث موضوع: دعاهاى ماه رمضان موضوع: رمضان -- آداب و رسوم موضوع:

روزه شناسه افزوده: حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت مرکز تحقیقات

حج رده بندی کنگره: BP/۱۸۸۹/۱۳۸۲

رده بندی دیویی: ۳۵۴/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۳-۲۵۳

ص: ۱

پیشگفتار

باسمه تعالی

عظمت و شرافت زمانها و زمینها یکسان نیست. در تمام زمین، مکه را حرم خدا و در

همه زمان، ماه رمضان را «ماه خدا» نامیده‌اند.

روزه داران ماه خدا و زائران حرم خدا هر دو از میهمانان پروردگارند. این ماه و آن شهر دارای ویژگیهایی است که احکام و آداب ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است.

از این رو بر آن شدیم نوشته حاضر را برای علاقمندان، آماده کنیم، ولی از آنجا که از وقت تصمیم‌گیری تا ماه رمضان فاصله چندانی نبود، بیشتر مطالب آن را از متنهایی برگرفتیم که پیشتر منتشر شده و در دسترس اهل مطالعه قرار گرفته بود. سعی ما در تهیه این مجموعه آن است که مطالب را گزینش کرده با نظم و ترتیب و زیر عنوان مربوط به خود بیاوریم و اینک آن را در چهار بخش سامان می‌دهیم:

بخش اول: در محضر ماه مبارک رمضان.

بخش دوم: مناسبتها.

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

ص: ۷

ص: ۸

ص: ۹

ص: ۱۰

ص: ۱۱

ص: ۱۲

بخش سوم: احکام روزه.

بخش چهارم: ادعیه و آداب ماه رمضان.

انتشار این دفتر، گام اول این راه است و امیدواریم که اهل دقت و نظر، ما را از راهنماییهای خود بهره‌مند سازند. تا در آینده بتوانیم کتابی سودمندتر تقدیم نماییم. یادآوری دو نکته:

۱- بخش دوم این کتاب (احکام) مطابق با فتاوی حضرت امام خمینی قدس سره می‌باشد. و مواردی که با فتاوی سایر مراجع تفاوت دارد و اختلاف فتوا به حدی است که عمل به متن کتاب موجب بطلان عمل یا ترک واجبی برای مقلدان سایر مراجع می‌باشد، فتاوی مراجع بزرگ تقلید در پایان همان صفحه آورده شده است تا برای مقلدان آن بزرگواران نیز مفید باشد.

۲- با کمال احترام به مقام مراجع عظام تقلید، جهت حفظ اختصار، در حواشی کتاب، تنها به لقب معروف آنان اکتفا شده است.

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

معاونت آموزش و تحقیقات بعثه مقام معظم رهبری

پاییز ۱۳۷۷ ه. ش.

سلام بر رمضان

رمضان، دعوت است و تو مهمان.

رمضان دعوتی است معنوی و تو میهمان خدایی.

مگر نه اینکه مهمان باید به دلخواه صاحبخانه رفتار کند؟

مگر نه اینکه هر چه را میزبان آورد باید تناول کرد و هر جا که او گفت، آرمید؟! ...

تو اینک، در کجای جهانی؟ و جایگاه تو در پهنه خلقت کجاست؟

برای چه آمده‌ای؟

از کجا آمده‌ای و به کجا خواهی رفت؟

تا کجا می‌توانی پرواز کنی و با کدام بال و پر و به سوی کدام مقصود و در کدام

جهت؟

آیا خود را شناخته‌ای تا بدانی که برای چه کاری؟

آیا استعدادهایت را بازشناسی کرده‌ای که بدانی تا کجا می‌توانی پیش بروی؟

و ... اساساً مال این جهانی یا متعلق به آن جهان؟

برای بقایی یا فنا؟

ص: ۱۳

ص: ۱۴

برای ماندن یا رفتن؟ برای عروج یا سقوط؟ برای صعود یا برای هبوط؟ ...

هیچ اندیشیده‌ای که در پرواز، چه عاملی نیرویت می‌دهد و کدام عامل، بال و پرت را

می‌شکند؟

در حرکت، چه انگیزه‌ای به سوی بهشت می‌برد و کدام نیت در آتش می‌افکند؟

چه عملی از حرکت بازت می‌دارد و کدامین عمل شتابانش می‌کند؟

چه کاری به عفونت «خود خواهی» گرفتارت می‌کند و چه کاری به طراوت و عطر

«خداجویی» و «خدایابی» می‌رساند؟!

ابلیس را شناخته‌ای تا از دشمنی‌اش در امان باشی؟

شیطان را شناخته‌ای تا از وسوسه‌هایش مصونیت یابی؟

با «نفس اماره» و میدان عملش و زمینه تلاش و اغوایش آشنا شده‌ای تا در آن میدان، از

پشت، ضربه نخوری، بلکه بتوانی پشتِ نفس را بر خاک بمالی و به زمین برسانی، با

نیروی تقوا و با فن «جهاد اکبر»؟

راه رشد و تزکیه و عوامل «فلاح» و علل «فجور» را می‌دانی؟

دنیای «تو در تو» و شگفت «دل» را گشته‌ای؟

«نفس» هزار چهره را شناخته‌ای تا با هر نقابی که بر نفسانیت می‌زند و پیش می‌آید آنرا

بشناسی و از هر جا حمله آورد، به ضدّ حمله پردازی و هر گاه زهر ریخت، پاد زهر بکار بری؟

«رمضان»، برای سلوک این راه است.

برای هجرت درونی است. برای سیر در دنیای باطن است.

برای مرور بر نفسانیات و اخلاقیات است.

برای آنست که ملکات نفسانی را در جان خویش پرورش دهی.

ص: ۱۵

برای آنست که ارزشهای متعالی را در عمق وجود خویش جای دهی و پدید آوری.

برای آنست که «اخلاق»، جزء بافت درونی تو شود، نه حرکت خشک بیرونی.

اگر دل را در اختیار صالحات گذاشتی،

اگر شوق به خیر و تقوا در عشق به الله را در دل مشتعل ساختی.

دیگر «حسنات» و «صالحات»، جریان زلالی می شود که خودبه خود از آن چشمه

می جوشد و از درون به بیرون سرایت می کند و از «قلب»، به «اندام» می رسد، و از «دل»

بر «دیده» تأثیر می گذارد.

اگر به دیدار رمضان می روی، - که لقاء خداوند نیز می باشد - باید چهره جان را هم

بیارایی و «جمال باطن» را هم داشته باشی.

اخلاق، زیبایی درون است که به ظاهر، جاری می شود.

تقوا، هدایت باطنی است که در عمل خارجی، راه می نماید.

رمضان، فرصت محاسبه است.

تو اگر سالک راه هدایتی،

تو اگر به «خودسازی» علاقه مندی

تو اگر برای رشد و کمال خود، بهایی قائل هستی.

فرصت رمضان را مغتنم بشمار.

فضایل اخلاقی خود را بازرسی و بازشناسی کن.

اگر نیست، پدید آور،

اگر هست، تقویت کن.

اگر اندک است، افزونش ساز،

ص: ۱۶

اگر بسیار است، سپاس خدا بگو.

اگر متزلزل است، استوارش کن،

اگر گهگاه است، استمرارش بخش.

خلاصه ... در این ماه، به «خود» برس.

تو، یک «از پیش ساخته تغییرناپذیر» نیستی.

تو بر جبر، سرشته نشده‌ای.

تو «چگونه بودن» و «چگونه شدن» خویش رامی توانی انتخاب کنی.

ترسیم سیمای اخلاق در دست توست.

چهره را می توان با «آرایش» یا «آلایش»، زیبا یا زشت کرد.

چهره باطن هم توسط اخلاق، قابل تغییر و زشت و زیبا شدن است.

رمضان، فرصت استفاده از «نفعات رب» است.

جان را در مسیر وزش این نسیم قرار بده، تا طیران معنوی کند.

دل را به آوای ملکوتی «سحر» ها و «نجوا» ها و «مناجات» ها و «تلاوت» ها بسپار.

رمضان، موسم «عبادت» است و عبادت، غذای روح است.

رمضان، فصل مناجات و دعاست. و دعا، نردبان تعالی جان است.

رمضان، دوره تزکیه و تهذیب و تربیت و ساختن و مقاومت کردن و تحمل نمودن

است.

ایام عفاف و کنترل و امساک و توجه به خدا و تقرب به پروردگار است.

دریغ ... که این فرصت بگذرد و کاری نکنی که خدا را از خویش راضی کنی.
از تو حرکت و همت، از خدا برکت و توفیق ... ان شاء الله. (۱)

بخش اول در محضر ماه مبارک رمضان

الف: اهمیت روزه و ماه مبارک رمضان

اگر ما در هر نمازی چند بار از خدای سبحان استعانت می‌کنیم و می‌گوییم:
اَيَّاكَ نَعْبُدُ وَاَيَّاكَ نَسْتَعِينُ، راه کمک رسانی را هم خدا بیان فرموده است. یعنی این
چنین نیست که شما به ما بگویید: کمک برسان و ما رایگان کمک برسانیم، اگر سخن
از اَيَّاكَ نَسْتَعِينُ است راهش را هم قرآن به ما آموخت که:
وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ. (۲)

و این صبر به «صوم» تفسیر و تطبیق شده است. در بیان نورانی امام صادق علیه السلام
هست که می‌فرماید: وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ قَالَ يَعْنِي بِالصَّبْرِ الصَّوْمَ، آن گاه فرمود:
«اِذَا نَزَلَتْ بِالرَّجُلِ نَازِلَةٌ اَوْ الشَّدَّةُ فَلْيَصُمْ». (۳)

۱- برگرفته از کتاب روایت انقلاب، ج ۲، استاد جواد محدثی.

۲- سوره بقره، آیه ۴۵ و ۱۵۳

۳- روضة المتقين ج ۳ ص ۲۲۸

ص: ۲۰

نه تنها در مسأله جنگ بلکه اگر مشکلات دیگری هم برای انسان پیش آید برای حل آن مشکلات، روزه بگیرد.

باید دید این روزه چه نقشی دارد که مشکل را حل می کند؟ انسان را به کجا می رساند که بر مشکل پیروز می شود؟ این امساک ظاهری است یا اسراری دارد که آن اسرار روح را به مقام بالا می رساند و روح بلند بر طبیعت فائق می شود؟ فرمود برای پیروزی بر شدائد روزه بگیرید، خدا از این راه به شما کمک می رساند، چون «الصَّوْمُ لِي وَ أَنَا أَجْزَىٰ بِهِ» اگر کسی برای خدا روزه گرفت، چون کارها به دست اوست مشکل را حل می کند، فرمود:

ما کارها را برای افراد که در مسیر مستقیم اند راحت می کنیم: وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ *
فَسَنِيَسِرُهُ لِيَسْرَىٰ.

در عظمت ماه مبارک

رسول الله صلی الله علیه و آله از ماه مبارک رمضان به «شهر الله» یاد فرمود: «قد أقبِل اليكم شهر الله» ماه خدا به شما روی کرد، چون در این ماه صوم الله مطرح است، چون روزه مال خداست و این ماه، ماه روزه است، لذا ماه مبارک رمضان را شهر الله می نامند، چه این که ماه رجب «شهر ولایت» است و ماه شعبان هم «شهر نبوت و رسالت». و در دعاهای ماه رجب فرمودند که از خداوند متعال بخواهید که زمینه توفیق ماه مبارک رمضان از هم اکنون برای شما مهیا و فراهم بشود. اینطور نیست که هر کس بتواند به عظمت ماه مبارک رمضان راه بیابد قبل از این که مقدماتی را طی کرده باشد.

ص: ۲۱

در روایتی فرمودند: شما نگویید: رمضان آمد، رمضان رفت، بگویید: شهر رمضان آمد و شهر رمضان رفت، زیرا رمضان اسمی از اسمهای مبارک خدای سبحان است. اگر انسان در این شهرالله به لقاءالله نرسد به باطن روزه نرسیده است، بلکه یک روزه‌ای در سطح طبیعت گرفته است و پاداشی را هم که به او می‌دهند در همان سطح است. این که می‌فرماید: «الصَّوْمُ لِي وَ أَنَا اجْزِي بِهِ» یعنی روزه مال من است و من شخصاً جزای روزه‌دار را خواهم داد. سخن از «من» است، خودش را مطرح می‌کند، روزه ماه من است و من هستم که جزای روزه‌دار را می‌دهم، به فرشتگان نمی‌گویم او را بهشت ببرید، من خودم جزای او را می‌دهم.

خودش چگونه جزا می‌دهد؟ به یک عده‌ای می‌فرماید: فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّتِي. حال آیا در آنجا سخن از خوردن و پوشیدن و نوشیدن است، یا انسان به جایی می‌رسد که از آنچه بنام خوردن و پوشیدن و امثال اینهاست، می‌گذرد و به جایی می‌رسد که جای آنها نیست، در عین حال که خوراکی‌ها و پوشاکی‌ها را در مرتبه نازله دارد، فرمود: إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ* فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ (۱)

اگر روزه برای این است که انسان به تقوا برسد، تقوا دو درجه دارد: یکی همان بهشتی است که در آن نعمتهای فراوان موجود است: إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهَرٍ برای لذت‌ظاهری است، یکی هم عندالله

۱- سوره قمر، آیه ۵۴

ص: ۲۲

است، آنجا دیگر سخن از سیب و گلابی نیست. سیب و گلابی از آن جسم و بدن

اوست که «جَنَاتٍ وَ نَهْرٍ» برای بدن اوست، اما لقاء حق برای روح اوست. این سر و باطن روزه است.

همه ماهها پشت سر ماه مبارک کند

امام سجاد علیه السلام در دعا وداع می فرماید:

«السلام علیک من شهر لا تنافسه الايام من شهر»

«سلام بر تو ای ماهی که هیچ ماهی با تو مسابقه و رقابت ندارد.»

در منافسه وقتی انسان می دود و مسابقه می دهد، نفس نفس می زند تا به مقصد برسد، خدای سبحان هم فرمود: برای گرفتن فضایل منافسه بدهید: فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ شما نفس نفس بزنید تا آن شیء نفیس و ارزنده را بگیرید.

امام علیه السلام در خطاب به ماه مبارک می فرماید: هیچ ماه و ایامی و لحظاتی با تو منافسه نمی کند و رقابت ندارد: تو پیشگامی و همه ماهها به دنبال تو هستند. این چنین نیست که انسان بگوید: در ماه مبارک رمضان حرفها را می شنوم و بعداً عمل می کنم، اگر فعلاً عمل نشود، بعداً هم عمل نمی شود، چون زمانهای دیگر آن قدرت را ندارد که با ماه مبارک رمضان در کسب توفیق انسان رقابت کنند.

ماه مبارک با همراهنش می آید

در بیان نورانی نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله هست که حضرت می فرماید:

ص: ۲۳

«أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبُرْكَهٖ وَالرَّحْمَهٗ وَالْمَغْفِرَهٗ».

فرمود: مردم ماه خدا رو کرده است، سخن از آمدن و نزدیک شدن نیست، این ماه به خدا منسوب است و این ماه خدا با همراهنش به شما رو کرده است «بالبرکه و الرحمة و المغفرة» با برکت و رحمت و مغفرت. مواظب باشید و به استقبالش بشتابید، آماده

باشدید که او را درست درک کنید.

«برکت» خیر مستدام است، آنچه که می ماند برکت است، در بیابان گودالی هایی که آبها در آن جمع می شود و می ماند را «برکه» می گویند. این ماه به همراه برکت، رحمت و مغفرت است. رحمت و مغفرت تنها آمرزش از گناهان نیست، آن درجات عالیّه را هم خدای سبحان رحمت می نامد. رحمت خاصّه که مخصوص مؤمنین است: ان رَحْمَةً اللّٰهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِینَ (۱)
در ماه مبارک رمضان تحصیل این رحمت خاصّه آسان است.

اول سال اهل سیر و سلوک

از ابن طاووس نقل شده است که می فرماید: عده ای اول سالشان اول فرودین است. یک نوجوان اول سال او اوّل فروردین است که تلاش می کند لباس نو بپوشد، درختها اوّل سالشان فروردین است که لباسهای نو و تازه در بر می کنند، یک تاجر که کارگاه تولیدی دارد در فرصت دیگری اوّل سال را تعیین می کند، اما آنها که اهل سیر و

۱- اعراف، آیه ۵۶

ص: ۲۳

ص: ۲۴

سلو کند، اوّل سالشان ماه مبارک رمضان است، حسابها را از ماه مبارک تا ماه مبارک بررسی می کنند، که ماه مبارک رمضان گذشته چه درجه ای داشته و امسال چه درجه ای دارند، چقدر مطلب فهمیده و چقدر مسائل برایشان حل شده است، چقدر در برابر گناه قدرت تمکین داشته و چقدر در برابر دشمن قدرت تصمیم دارند.

ماه مبارک رمضان برای سالکان الی الله ماه محاسبه است. لذا امام سجّاد علیه السلام فرمود: هیچکس در سراسر جهان به اندازه ما در این ماه استفاده نکرد.

«و اربحنا أفضل ارباح العالمین». (۱)

اگر انسان یک مسافری است که سفر ابد در پیش دارد، ره توشه آن سفر ابد را باید در همین چند روز تهیه کند، و اگر درهای آسمان به چهره مؤمن باز می شود، و اگر مؤمن می تواند با وارستگی به باطن عالم راه پیدا کند، و اگر بهترین فرصت، ماه مبارک رمضان است، پس بهترین سود را ماه مبارک رمضان و اهلش دارند.

انسان وارسته عاشق ماه مبارک

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

«افضل الناس من عشق العبادة فعانقها و أحبها بقلبه و باشرها بجسده و تفرّع لها هو

لايالي على ما أصبح من الدنيا على عسرٍ أم على يسر». (۲)

۱- صحیفه سجّادیه، دعای ۴۵، در وداع ماه مبارک.

۲- اصول کافی، ج ۲، باب عبادت، حدیث ۳

ص: ۲۵

خوشا به حال کسی که عبادت را معشوق خود بداند؛ با عبادت معانقه کند و آن را با تمام وجود لمس کند، خوشا به حال چنین نماز گزار و روزه داری که عاشق صوم باشد. این حدیث شریف می فرماید: بهترین چهره های مردمی، آن انسانی است که به عبادت عشق ورزد، ما را وادار می کند که اوّل شائق بعد عاشق عبادت باشیم. شائق به کسی می گویند که ندارد و می طلبد، عاشق به کسی می گویند که رسید و نگه

می‌دارد. آن انسان تشنه‌ای که به دنبال چشمه می‌رود را می‌گویند مشتاق چشمه است، وقتی به آب رسید و آب را گرفت و حفظ کرد، می‌گویند او عاشق چشمه است. شوق قبل از وصول است و عشق بعد از وصال گفته‌اند «عشق» که یک واژه عربی است از یک گیاه خاصی که «عَشَقَه» نام دارد، مشتق شده است که در فارسی به آن پیچک می‌گویند. این گیاه وقتی به درخت چسبید آنرا رها نمی‌کند و راه نفس درخت را می‌بندد، کم‌کم آن درخت زرد می‌شود، برگ‌هایش ریخته و سرانجام خشک می‌شود، در این هنگام می‌گویند درخت را عشقه گرفته، عاشق به یک چنین انسانی می‌گویند، آن پیچک عبادت او را گرفت، او را زرد کرد، راه نفس او را بست، سرانجام او را خشک و از خود تهی کرد، به این انسان می‌گویند عاشق عبادت است. لذا در اسرار روزه گرفتن گفتند: روزه بگیرد برای این که آن نشاط حیوانی کم بشود، مثل درختی که او را پیچک گرفته که دیگر رشد نمی‌کند.

میهمان خدا بودن

طبق فرمایش نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه شعبانیه، مؤمنین در این ماه مبارک به ضیافت الهی دعوت شده‌اند.

«هُوَ شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَاةِ اللَّهِ».

میهمان بایستی کاری بکند که صاحبخانه می‌کند، میهمان خدایی که «يُطْعَمُ و لَا يُطْعَمُ» است، اگر خدای سبحان می‌بخشد و نمی‌گیرد، انسان هم بایستی در این ماه خویی پیدا کند که ببخشد و نگیرد، چون هیچ دستی بهتر از دست بخشنده نیست و هیچ دستی هم بدتر از دست بگیر نیست. اگر کسی تلاش و کوشش کرد که دیگر در کنار سفره او به بهشت بروند، این ید بخشنده دارد، و اگر تلاش کرد که به برکت دیگران به بهشت برود، این دست گیرنده دارد. در بیانات پیامبر صلی الله علیه و آله هست که حضرت می‌فرماید: «اليد العليا خيرٌ من اليد السفلى (۱)»

در شبهای ماه مبارک رمضان این روح بلند را به انسان می آموزند و می گویند هر شب بگویند: «خدایا تو که دینت را حفظ می کنی و ممکن نیست که دست از دینت برداری، آن توفیق را بده که دین تو بدست من زنده بشود»، نه این که دیگران دین تو را زنده کنند و من کنار سفره دین بنشینم، بگذار که نماز و روزه به دست من و با خون من زنده بشود که دیگران مهمان من باشند، نه این که دیگران بجنگند و خون بدهند و دین را احیا کنند و من نماز بخوانم و

۱- ارشاد القلوب دیلمی - باب ۱۸

ص: ۲۶

ص: ۲۷

روزه بگیرم.

«و اجعلنی ممن تتصر به لدینک و لاتستبدل لی غیری»

«خدایا چنین عوض نکن که من را بدهی و دیگری را جای من بیاوری»

چون این تهدید را خدای سبحان کرد و فرمود: من از دینم حمایت می کنم و دست از

دینم بر نمی دارم، شما نشد دیگری را می آورم و این تَوَلَّوْا یَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَیْرَکُمْ ثُمَّ

لَا یَکُونُوا أَمْثَالِکُمْ. (۱)

فرمود: حالا اگر حفظ دین با شما نشد، با دیگری، شما اگر خلوص را از دست دادید

شما را می برد و دیگری را جای شما می آورد.

این خوی بزرگ منشی را در دعاها به ما آموختند که سعی کنید این چنین دعا کنید.

هرگز از خدا مال زیاد نخواهید، بلکه بخواهید که آبرویتان محفوظ باشد.

کسی که مهمان خدا شد، اوصاف صاحبخانه را به عنوان آنچه در نزد خداست، از خدا

مسئلت می کند، آن روح بی نیازی و بزرگواری را طلب می کند، و خدای سبحان که میزبان است چنین پذیرایی می کند.
ضیافه الله همان لقاء الله را نتیجه خواهد داد.

پیامبر صلی الله علیه و آله در ادامه فرمودند: «وجعلتم فیہ من أهل کرامه الله» شما در این ماه کریم هستید. انسان کریم آن بزرگوار و بزرگ منشی است که طبعش به طبیعت آلوده نیست. فرمود شما در این ماه از خدای سبحان کرامت بخواهید و آبروی انسان کریم را خداوند نمی ریزد و

۱- محمد: ۳۸

ص: ۲۸

همیشه آن را حفظ می کند. شما باید در این ماه توشه کرامت تهیه کنید که همان وصف خاص فرشتگان است. اگر فرشتگان «بَلْ عِبَادٌ مُّکْرَمُونَ» بندگان مکرم و کریم اند، شما در کنار سفره کرامت دعوت شده اید سعی کنید کریم بشوید و در ادامه فرمود: «أنفاسکم فیہ تسبیح و نومکم فیہ عبادۀ و عملکم فیہ مقبول».

ب: سفارشات در ماه مبارک

افضل اعمال در ماه مبارک

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در جواب سؤال امیرالمؤمنین علیه السلام که عرض می کند. «ما أفضل الاعمال فی هذا الشهر» (۱) فرمودند: «یا أبا الحسن أفضل الأعمال فی هذا الشهر الورع عن محارم الله عزوجل»؛ بهترین اعمال در این ماه پارسایی از محرّمات خداست، آنچه را که خداوند تحریم

فرموده انسان نسبت به آنها ورع داشته و وارسته باشد.

ورع درجاتی دارد:

اولین درجه آن که از همه نازلتر است ورع اهل توبه است که انسان از هر معصیتی می‌پرهیزد و توبه می‌کند و به اطاعت روی می‌آورد.
از این بالاتر ورع اهل صلاح است که آنها از مشتهات نیز

۱- خطبه شعبانیه، اربعین شیخ بهایی، حدیث ۹

ص: ۲۹

می‌پرهیزند:

«دَعُ مَا يُرِيْبُكَ اِلَى مَا لَا يُرِيْبُكَ» (۱)

؛ «کاری که مشته است و حلال بودن آن روشن نیست را ترک کنید.» غذای شبهه ناک را نخورده و حرف شبهه ناک نزنند.

گرچه ظاهراً حلال است ولی چون حلیت‌ش مشکوک است، ترک کن. این ورع صالحین است.

درجه بالاتر از آن ورع اهل تقواست. اینان نه تنها از محرّمات پرهیز داشته و از مشتهات نیز اعراض می‌کنند بلکه از حلالهایی که انسان را به سوی مشته می‌کشاند نیز می‌پرهیزند. گاهی انسان درباره افراد سخن می‌گوید، همین که دید کم کم ممکن است سخن به جایی بکشد که احتمال هتک حیثیت یا غیبت می‌دهد، ترک می‌کند. یا در مسائل مالی که کم کم ممکن است دستش به مال مشته آلوده بشود، ترک می‌کند. آن حلالی را که احتمال می‌دهد که کم کم پیامد شبهه‌ناک داشته باشد را ترک می‌کند. این ورع اهل تقواست.

بالاترین درجه ورع صدیقین است. و آن این که از هر چه غیر خداست وارسته‌اند، از هر چه غیر حق است پرهیز می‌کنند. اگر قلب جز محبت خدا چیز دیگر را نپذیرفت قلب صدیق است. در سوره احزاب خداوند فرمود:

مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ (۲)

قلب یعنی همان لطیفه الهی و همان جان الهی، و انسان بیش از

ص: ۳۰

یک قلب ندارد. اگر هر انسانی یک قلب دارد و اگر به ما آموختند که از خدای سبحان مسئلت کنید که در این قلب جز محبت حق چیزی راه پیدا نکند: «وَقَلْبِي بِحَبْكَ مَتِيماً»، این تربیت، صدیقین است، آنگاه چیزی در قلب غیر از یاد حق نیست و این قلب از هر چه غیر حق است پرهیز کرده و وارسته می‌شود.

انس با قرآن

ماه مبارک رمضان مستقیماً به خداوند سبحان استناد دارد. تنها ماهی که در قرآن کریم نام او آمده است ماه مبارک رمضان است و این ماه را خداوند سبحان به نزول قرآن معرفی کرد و فرمود:

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ

عظمت این ماه به نزول قرآن کریم است نه به روزه گرفتن. قرآن کریم احکام و حکمی دارد که یکی از آن احکام روزه گرفتن است. ماه مبارک رمضان ماه نزول قرآن کریم است، انسان در این ماه میهمان خداوند است و خداوند هم در این ماه غذایی به نام قرآن برای انسانها فرستاده است.

از رسول الله صلی الله علیه و آله رسیده است: «انّ هذا القرآن مأدبه الله» قرآن غذای آماده الهی است. قرآن سفره نیست که هر کسی غذای خود را همراه بیاورد و آن را در سر سفره قرآن بخورد. کسی حق ندارد که خواسته‌های خود را بر قرآن تحمیل کند،

برداشت‌های خود را به حساب قرآن گذارد. قرآن غذایی است آماده، هر کسی گرسنه معارف باشد از این غذا استفاده می‌کند.

۱- بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۵۹، ح ۷.

۲- سوره احزاب، آیه ۴

ص: ۳۰

ص: ۳۱

خداوند در این ماه ما را به قرآن خواندن فرا خوانده است و با ما در این ماه سخن می‌گوید. اگر کسی بخواهد با ظاهر قرآن در تماس باشد باید ظاهر پاک و طاهری داشته باشد، بدون طهارت و وضو نمی‌شود با ظاهر قرآن در تماس بود، حتی نمی‌شود قرآن را به لب گذاشت و بوسید. اما با محتوا، معنا، تفسیر و جان قرآن را لایمسه الْأَلْمُطَهَّرُونَ (۱)

اهل بیت عصمت و طهارت را خدا از هر آلودگی منزّه و پاک کرد، اینها که مطهّرند. می‌توانند با محتوای قرآن در تماس باشند. با جان و روح قرآن در ارتباط بوده و خود، قرآن متحرک باشند.

انسان در این ماه مهمان سفره پر بار قرآن است، هر کسی به اندازه نیاز و استعدادش می‌تواند از آن تغذیه شود.

دعا در ماه مبارک

طبق فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دعاها در ماه مبارک مقبول است که

فرمود:

«ودعائکم فیہ مستجاب».

باید توجه داشت که چه دعایی بکند و برای چه کسی، دعا در سطح بلند و برای همه باشد، اینطور نباشد که تنها خودمان را دعا کنیم. مردی در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: خدایا پیامبر را بیمارز، مرا بیمارز. لسانش لسان حصر بود. حضرت فرمودند: تو چرا دور رحمت خدا را سنگ چین کردی. بگو: «إذا دعا أحدکم فلیعمّ فإِنَّه

۱- واقعه، آیه ۷۷، احزاب، آیه ۳۳

ص: ۳۲

اوجب للدعاء».

بنگرید دعای امام رضا صلی الله علیه و آله را چقدر کریمانه است: «واغفر لمن فی مشارق الأرض و مغاربها من المؤمنین و المؤمنات» (۱)
 «خدایا در مشرق و مغرب عالم هر کسی که اهل ایمان است او را بیمارز». آن دینی که می گوید سحر در نماز شب عده زیادی را دعا کن، حداقل چهل نفر، همان دین می گوید روز به فکر حلّ کار چهل مؤمن هم باش، برای این که وقتی می گوید شب برخیز و دیگران را هم دعا کن، یعنی روز هم مواظب کارشان باش. این دین درس کرم به انسان می آموزد که دیگران مهمان سفره انسان باشند. ابو حمزه ثمالی از شاگردان خوب امام سجّاد علیه السلام بوده و امام علیه السلام در دعای معروف به ابو حمزه ثمالی به ما می آموزند که عرض کنیم: خدایا بزرگ و کوچک ما، زن و مرد، روستایی و شهری، دور و نزدیک، همه و همه را بیمارز. این چنین نباشد که انسان در دعا فقط به فکر خود و بستگان نزدیکش باشد. و اما این

که برای خود چه بخواهد در بخش پیشین گذشت که روح بی‌نیازی و کریمانه را مسئلت کند، از خدای سبحان مسئلت کند که توفیق یاری نصیب او کرده و او را در راه اسلام و انقلاب و شهدا ثابت قدم بدارد، و تداوم حاکمیت اسلام را به رهبری

۱- بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۲۳

ص: ۳۳

ولی فقیه تا ظهور حجّت الهی «عجل الله تعالی فرجه الشریف» طلب نماید.

فضیلت صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله در ماه مبارک

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این خطبه فرمود:
 «و من أكثر فيه من الصلوة ثقل الله ميزانه يوم تُخفف فيه الموازين»
 هر کس در این ماه بر من زیاد صلوات بفرستد ترازوی اعمالش سنگین خواهد شد،
 روزی که ترازوی اعمال بسیاری از مردم سبک می‌شود.
 در قیامت اعمال انسان را با یک واحد مخصوصی می‌سنجند، نه با اجرام مادی و امثال آن در دنیا انسان اگر خواسته باشد متاع مادی را بسنجد آن را با یک ترازوی خاص مادی توزین می‌کند مثلاً درجه حرارت را با میزان مخصوص آن، اشیای کیلویی را با کیلو، اشیای متری را با متر، مسائل ادبی مثل شعر را با وزن خاص آن.
 اما اعمال ما را در روز قیامت با حق می‌سنجند که قرآن می‌فرماید:
 وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ (۱)
 یعنی در آن روز اعمال و عقاید و اخلاق مردم را با حق می‌سنجند.

حق در یک طرف و اعمال در طرف دیگر که مشخص می‌شود حق است و چه عملی از حق بی‌بهره بود. و در قرآن می‌فرماید: آنان که

۱- اعراف، آیه ۸

ص: ۳۴

اعمالشان سنگین است اهل سعادت بوده و آنان که اعمالشان سبک است از سعادت محرومند.

در بیانات امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است، چه این که در بیان رسول الله صلی الله علیه و آله هم رسیده است که حضرتش فرمود:

«زُنُوا قَبْلَ أَنْ تُوزَنُوا»

در نهج البلاغه، خطبه ۹۰ چنین آمده است:

«زِنُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُوزَنُوا وَ حَاسِبُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَحَاسِبُوا...»

روزی می‌رسد که انسانها را وزن می‌کنند که کدام انسان سبک و کدام انسان سنگین است. کمال انسان به عقل و معارف عقلی اوست، خود را با یک میزانی که خدا نازل کرده است بسنجد، با میزان قرآن کریم و با وزنی که حق است.

حضرت فرمود: در ماه مبارک رمضان هر کس بیشتر بر من صلوات بفرستد خدا ترازوی او را سنگین می‌کند.

چون صلوات بر آن حضرت یک دعایی مستجاب است و چون همراه صلوات حاجت خود را خواستید، خدای سبحان اینچنین نیست که یکی را برآورده کند و دیگری را برآورده نکند، لذا در برنامه‌های آموزنده امام سجاد علیه السلام که مثل اعلائی نیایش و دعا را به ما می‌آموزاند، در بسیاری از فرازهای ادعیه ایشان صلوات به چشم می‌خورد،

هر مطلبی را که آن حضرت از خدا می خواهند قبل و بعدش صلوات است، چون آن اول و این آخر را خداوند مستجاب می کند بین آنها را هم مستجاب خواهد کرد.

ماه مبارک و رهایی انسان از اسارت گناهان

حضرت فرمود:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ انْفُسَكُمْ مَرْهُونَةٌ بِأَعْمَالِكُمْ فَفَكُّوْهَا بِاسْتِغْفَارِكُمْ»

مردم شما آزاد نیستید، جانتان در گرو کارهای شماست، یعنی این کارهایی که انجام داده اید یک قفسی و طنابی از آنها ساخته اید و دست و بال خود را با آن قفس و طناب بسته اید، پس شما در رهن و گرو هستید.

کسی که بدهکار است گرو می سپارد، مثلاً خانه و فرش را گرو می دهد، کسی که از لحاظ عقیده و اخلاق و عمل صالح بدهکار باشد، دیگر با مال قابل گرو نیست، این جا خود شخص را گرو می گیرند.

نعمتی به ارزش نعمت آزادی بسیار کم است و آزاد، آن انسانی است که علی علیه السلام فرمود: «و من ترک الشَّهواتِ کان حراً»؛ «کسی که شهوت‌ها را ترک کرد آزاد است.»

فرمود: در این ماه خودتان را آزاد کنید و این فکّ رهن به استغفار و طلب مغفرت است.

در قرآن کریم فرمود: كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ * إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِيْنِ (۱)

آنهایی که با میمنت کار کردند آزادند، آنها که گرفتار شهوت و غضب نبودند آزادند. آن کسی که می گوید هر چه دلم بخواهد می گویم و هر چه دلم بخواهد می کنم و هر جا دلم بخواهد می روم، معلوم

ص: ۳۵

ص: ۳۶

می شود صاحب این سخن در گرو شهوت است نه در اختیار عقل. انسان برای این که ببیند آزاد است یا در قفس، ببیند چه گونه می اندیشد. و انقلاب برای این بود که جز خدای سبحان کسی بر ما مسلط نشود، برای این بود که ما بنده خدا بشویم و لا غیر. این که گفتند چندین بار در شبانه روز بگویند: «استغفر الله ربی و أتوب إلیه» در نماز و در غیر نماز برای خود و دیگران طلب مغفرت کنید برای آن است که این میله های فولادین را یکی پس از دیگری بشکنید و از بین ببرید.

صله ارحام و حفظ لسان از دستورهای ماه مبارک

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آن خطبه نورانی فرمود:
«وَصَلُّوا اِرْحَامَكُمْ وَاَحْفَظُوا اَلْسِنَتَكُمْ».

«ارحام را صله و دیدن و زبانتان را حفظ کنید».

نه تنها در روز که روزه هستید، بلکه در تمام ماه، زیرا این امور آداب روز نیست، بلکه آداب ماه روزه است. در این ماه باید زبان را حفظ کرد و چیزی بهتر از فراگیری علوم الهی، گفتن و شنیدن معارف دین نیست، علم است که زمینه ای برای به عقل رسیدن انسان می گردد و انسان عاقل آسوده است، هرگز انسان عاقل در عذاب نیست، لذا فرمود: در این ماه زبانتان را حفظ کنید.

امام صادق علیه السلام از اجداد گرامی شان از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل فرمود:
«مَنْ عَرَّفَ اللّٰهَ وَّ عَظَّمَهُ مَنَعَ فَاحْسَنَ الْكَلَامِ وَّ بَطَنَهُ مِنَ الطَّعَامِ وَّ عَنَّا نَفْسَهُ»

ص: ۳۷

بالصیام و القیام». (۱)

حضرت فرمود: برای این که انسان مواظب دهان باشد و هر حرفی را بزند معرفت خدا لازم است: کسی که خدا را بشناسد و او را بزرگ بشمارد در پیش خدای عظیم هر حرفی را نمی زند و شکم را به هر غذای حرام آلوده نمی کند، کنار هر سفره ای نمی نشیند، عنایت دارد که خود را با روزه گرفتن پروراند، خود او مورد عنایت اوست و خودش را فراموش نمی کند.

یکی از نصیحت طلبان به اباذر نوشت که مرا نصیحت کن. اباذر هم در جواب مرقوم فرمود: به عزیزترین دوستانت ستم نکن. دوباره آن شخص در جواب نوشت که این یک مطلب روشنی است، انسان که به دوست عزیزش جفا نمی کند. من از شما نصیحت خواستم و شما آن گونه جواب گفتید.

اباذر در جواب فرمود: عزیزترین افراد نسبت به آدم خود آدم است، هیچ کس به اندازه خود آدم پیش انسان عزیز نیست. فرمود: جان خود را نیازار، نرنجان و آسیب نرسان چون هر گناهی را که انسان مرتکب می شود فشاری است که به جان خود وارد می کند. (۲)

و در سوره مبارکه مائده به ما فرمود: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ** مؤمنین مواظب جانتان باشید، از حریم جانتان پاسداری کنید. و در سوره مبارکه اعراف فرمود: متقین کسانی هستند که با یاد خدای سبحان اجازه نمی دهند که شیاطین در اطراف کعبه جانشان به

۱- اربعین شیخ بهایی، حدیث ۲

۲- ارشاد القلوب دیلم.

ص: ۳۸

طواف پردازند.

إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ (۱)

مقدار خوردن در ماه مبارک

انسان در ماه مبارک رمضان احساس عظمت می کند و بزرگی خود را می یابد،

می گوید:

«من بزرگتر از آن هستم که آلوده بشوم و تن به گناه بدهم». این بزرگی خود را یافتن،

در اثر روزه گرفتن است، که مقدمات اولیّه روزه، امساک و کم خوری است.

از ارسطو سؤال کردند: چرا شما کم می خورید؟ گفت: من می خورم برای این که بمانم

و دیگران می مانند برای این که بخورند، بگذار زیاد بخورند. آنان که پرخور هستند،

هم عمرشان کم است و هم به آن معارف الهی دسترسی ندارند. هرگز انسان پرخور به

فهم در نمی آید.

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرمود که: یک وقتی

جبرئیل - سلام الله علیه - در روزی و زمانی که سابقه نداشت وارد شد، گفتم: در وقتی

آمدی که بی سابقه بود، آیا خبری مهمی است، برای این که حالت شما، حالت ارباب

است. فرمود: تو ترسی نداری برای این که «غفرالله لك ما تقدم من ذنبك و ما تأخر».

فرمود: پس برای چه آمده ای؟ جبرئیل گفت: خدای سبحان شما را از چند چیز نهی

کرد: اول از بت پرستی، دوم از میگساری، سوم از جدال با مردم و

۱- اعراف، آیه ۲۰۱.

ص: ۳۹

بحث علمی را به صورت مجادله در آوردن، آن گاه فرمود در کنار این دستورات، یک خصلتی دیگر را خدای سبحان به شما امر کرد که برای همه شوون زندگی است که برای مبدأ و منتهایت سودمند است:

«يقول لك ربك ما ابغضت و عاء قط كبغضی بطناً ملائناً».

خدا می گوید: چیزی پیش من مبعوض تر از شکم پر نیست، که انسان همیشه سیر باشد. چون او که مانند بهائم می خورد، مانند جماد می افتد.

پرخوری هم عمر را کم می کند و هم سلامت را از انسان می گیرد، و بالاتر از همه فهم و اندیشه و شعور را از انسان می رباید، اگر انسان بخواهد به اسرار عالم راه پیدا کند چاره‌ای جز سبکبار بودن درون ندارد و این را کسی می گوید که می فرماید: «أنا والساعة كهاتین».

در خاتمه از خدای سبحان مسئلت می کنیم که توفیق عنایت کند تا از روزه داران واقعی بوده و از بار بافته گان به ضیافت الهی باشیم.

«و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین» (۱)

۱- از ص ۲۱ تا اینجا از مقاله حضرت آیه الله جوادی آملی، تهیه و تنظیم منصور براعتی از کتاب رهنوشه راهیان نور، ویژه ماه مبارک رمضان ۱۴۱۸ ه. ق. گرفته شده است.

ص: ۴۰

صفحه سفید

بخش دوم مناسبتها

اشاره

- ۱- وفات حضرت خدیجه علیها السلام
- ۲- میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام
- ۳- غزوه بدر
- ۴- برکات شب قدر
- ۵- علی علیه السلام در بستر تاریخ
- ۶- فتح مکه
- ۷- علی علیه السلام ای عدالت مظلوم
- ۸- هفته کمک به مستضعفین
- ۹- روز جهانی قدس
- ۱۰- عید فطر
- ۱۱- میعاد با فطرت

ص: ۴۱

ص: ۴۲

صفحه سفید

وفات حضرت خدیجه علیها السلام

اشاره

دهم ماه مبارک رمضان مصادف است با سالروز وفات بانوی نمونه اسلام، حضرت خدیجه کبری علیها السلام.

خدیجه بنت «خویند بن اسد بن عبدالعزی بن قصی بن کلاب» همسر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله اولین زنی است که به پیامبر صلی الله علیه و آله و دین اسلام گرایید و با مال و ثروت خویش آن حضرت را یاری داد. در سن خدیجه هنگام ازدواج اختلاف است که از ۲۵ تا ۴۵ سالگی گفته‌اند. (۱) پیامبر صلی الله علیه و آله تا زمانی که خدیجه زنده بود زن دیگری اختیار نکرد. آن حضرت علاقه بسیاری نسبت به ایشان داشت که به هیچ یک از زنان دیگرش نداشت. روایات زیادی از آن حضرت در مورد اوصاف و القاب وی نقل شده است از جمله:

«أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةٌ» (۲)

(بهترین زنان بهشت، خدیجه است).

۱- ابی کثیر، البدایة والنهایة ۲/ ۲۹۵؛ مجلسی، بحار الانوار ۱۶/ ۱۲.

۲- احمد بن حنبل، المسند ۶/ ۱۱۷-۱۱۸.

ص: ۴۳

ص: ۴۴

در جای دیگری می‌فرماید: به درستی که من خدیجه را بر زنان امتم برتری می‌دهم همان گونه که مریم بر زنان عالم برتری داده شد، (۱) قسم به خدا که بهتر از خدیجه پس از او برای من جایگزین نکرد ... او ایمان آورد هنگامی که مردم مرا تکفیر می‌کردند و هنگامی که مردم مرا تکذیب می‌کردند او مرا تأیید می‌نمود، هنگامی که مردم مالشان را از من دریغ کردند او اموالش را در اختیار من گذاشت. خداوند از او فرزندان به من عطا کرد در حالی که از زنان دیگر نداد. (۲)

خداوند متعال زحمات این بانوی فداکار را در حمایت از اسلام و پیامبر صلی الله علیه و

آله چنین بیان کرده است:

جبرئیل علیه السلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شد و گفت ای نبی خدا! این خدیجه است که نزد تو می آید و ظرفی از غذا همراه اوست هنگامی که به تو رسید از جانب پروردگارت و از جانب من به او سلام برسان و بشارت ده که خانه‌ای در بهشت برای اوست. (۳)

عایشه می گوید: من پیوسته براینکه روزگار خدیجه رادرک نکرده بودم، تأسف می خوردم و از علاقه و مهر پیامبر، نسبت به او همیشه تعجب می کردم؛ زیرا پیامبر او را مکرر یاد می کرد؛ و اگر گوسفندی می کشت، سهمی برای دوستان خدیجه کنار می گذاشت و برایشان می فرستاد. روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال بیرون رفتن از خانه بود که از خدیجه

۱- هیشمی، مجمع الزوائد ۹/ ۲۲۳.

۲- هیشمی، همان جا.

۳- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری ۷/ ۱۰۸-۱۰۹؛ سبط بن جوزی، همان ۳۰۲.

ص: ۴۵

یاد کرد و از او تعریف نمود. من نتوانستم خودم را کنترل کنم، با کمال جرأت گفتم: وی پیرزنی بیش نبود و خدا بهتر از او را نصیب شما کرده است! آثار خشم و غضب در پیشانی پیامبر ظاهر شد و فرمود: ابدأ چنین نیست، خدیجه هنگامی که به من ایمان آورد که مردم همگی در حال کفر و شرک به سر می بردند؛ او اموال و ثروت خود را در

سخت‌ترین مواقع در اختیار من گذارد و خدا از او فرزندان‌ی نصیب نمود که به دیگر همسرانم نداد. (۱)

سن خدیجه

معروف این است که خدیجه هنگام ازدواج ۴۰ سال داشته و ۱۵ سال پیش از عام الفیل، قدم به عرصه وجود نهاده است؛ ولی بعضی کمتر از این نوشته‌اند. وی قبلاً دو شوهر کرده بود، به نامهای «عتیق ابن عائد» و «ابوهاله مالک بن بناش التیمی» که رشته زندگی هر کدام به وسیله مرگ گسسته بود.

فرزندان خدیجه از پیامبر

خدیجه کبری از رسول خدا صلی الله علیه و آله دارای دو پسر به نامهای «قاسم» و «عبدالله» بود که به آنها طاهر و طیب می‌گفتند و چهار دختر داشت که رقیه، زینب، امّ کلثوم و فاطمه - سلام الله علیها - نام داشتند. دو پسر آن حضرت قبل از بعثت از دنیا رفتند؛ ولی دخترانش باقی ماندند.

شبهای تاریک، راه خانه خدیجه تا غار حراء به روزی روشن از اخلاص و امید و فداکاری تبدیل شد. کوه بزرگ نور که امروزه بعضی از

۱- بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۸

خدیدجه کوچک می نمود. آن بانوی فداکار به رغم آن همه ثروت و مکت، سه سال در شعب ابی طالب، گرسنه در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله خوابید و آرام جان او بود.

وفات خدیجه

حضرت خدیجه در تمام دوره دشوار و پرحادثه پیش از هجرت به عنوان همسری فداکار در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و لحظه‌ای او را در آن کوران حوادث تنها نگذاشت و سرانجام سه سال پیش از هجرت دنیا را به درود گفت. آخرین سخن وی در آستانه مرگ، با آن سابقه خدمت و فداکاری، این بود که: «ای رسول خدا! من درباره تو کوتاهی نمودم و آنچه در خور توست به انجام نرساندم و در این لحظه اگر خواسته‌ای داشته باشم، آن خواسته رضایت توست.» و بدین ترتیب آن بانوی بزرگوار دیده از جهان فرو بست؛ ولی برای همیشه به عنوان زنی نمونه برای زنان اسلام در تاریخ باقی ماند، امید است زنان مسلمان ما با الگو قرار دادن این بزرگ بانوی اسلام، شایستگی خویش را برای خدمت هر چه بیشتر به اسلام به اثبات رسانده و فرزندان صالح و متعهد تربیت نمایند. جسد پاک خدیجه را در قبرستان حجون مکه به خاک سپردند. موقعیت قبر وی در آخر قبرستان و نزدیک قبور ابوطالب و عبدالمطلب است. (۱)

میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام

امام حسن مجتبی علیه السلام در نیمه رمضان سال سوم هجری، در شهر مدینه منوره دیده به جهان گشود. پدرش، امیر مؤمنان علی بن ابیطالب و مادرش مهتر زنان فاطمه دختر پیامبر خدا است - درود و رحمت خدا بر آنان -.

در تاریخ، از این کوتاهتر و در عالم نسب‌ها، از این پرشرافت‌تر، نسبی وجود ندارد.

در شهر مدینه، شب نیمه ماه رمضان سال سوم هجرت، تولد یافت. فرزند نخستین پدر و مادرش بود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله بلافاصله پس از ولادتش او را گرفت؛ در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت. سپس برای او گوسفندی قربانی کرد؛ سرش را تراشید و هموزن موی سرش - که یکدوم و چیزی افزون بود - نقره به مستمندان داد؛ دستور داد تا سر او را عطر آگین کنند. و از آن هنگام، آیین عقیقه و صدقه دادن به هموزن موی سر نوزاد، پدید آمد.

او را حسن نام داد و این نام در جاهلیت سابقه نداشت. و کنیه او

۱- از ص ۴۲ تا اینجا از کتاب، تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، اصغر قائدان و کتاب یاد ایام، معاونت فرهنگی شورای سیاستگذاری ائمه جمعه گرفته شده است.

ص: ۴۷

ص: ۴۸

را ابو محمد نهاد و این تنها کنیه اوست.

لقب‌های او: السبط است و السید و الزکی و المجتبی و التقی.

همسران او عبارتند از: «ام الحق» دختر طلحه بن عبیدالله؛ «حفصه» دختر عبدالرحمن بن

ابی بکر؛ «هند» دختر سهیل بن عمرو؛ و «جعدة» دختر اشعث بن قیس و این آخرین،

همان است که به اغوای معاویه او را مسموم و شهید کرد.

فرندان آنحضرت از دختر و پسر ۱۵ نفر بوده‌اند، بنام‌های:

زید، حسن، عمرو، قاسم، عبدالله، عبدالرحمن، حسن اثرم، طلحه، ام الحسن، ام

الحسین، فاطمه، ام سلمه، رقیه، ام عبدالله و فاطمه.

نسل او فقط از دو پسرش: حسن و زید، باقی ماند و از غیر ایندو انتساب به آنحضرت درست نیست.

«هیچکس از جهت منظر و اخلاق و پیکر و رویه و مجد و بزرگواری، به رسول اکرم شبیه تر از او نبود» وصف کنندگانش او را اینچنین ستوده‌اند. و گفته‌اند: دارای رخساره‌ئی سفید آمیخته به اندکی سرخی؛ چشمانی سیاه؛ گونه‌ئی هموار؛ محاسنی انبوه؛ گیسوانی مجعد و پر؛ گردنی سیمگون؛ اندامی متناسب؛ شانه‌ئی عریض؛ استخوانی درشت؛ میانی باریک؛ قدی میانه؛ نه چندان بلند و نه کوتاه؛ سیمائی نمکین و چهره‌ئی در شمار زیباترین چهره‌ها بود.

بیست و پنج بار حج کرد پیاده، در حالیکه اسبهای نجیب را با او یدک می کشیدند. هر گاه از مرگ یاد می کرد می گریست و هر گاه از قبر یاد می کرد

ص: ۴۹

می گریست و هر گاه محشر را و عبور از صراط را بیاد می آورد می گریست و هر گاه به یاد ایستادن به پای حساب می افتاد همچون مار گزیده به خود می پیچید، از خدا طلب بهشت می کرد و به او از آتش پناه می برد.

و چون وضو می ساخت و به نماز می ایستاد، بدنش بلرزه می افتاد و رنگش زرد می شد. سه نوبت، دارائیش را با خدا تقسیم کرد و دو نوبت از تمام مال خود برای خدا گذشت. و با این همه، در تمامی حالات به یاد خدا بود.

گفته‌اند: «در زمان خودش آن حضرت عابدترین مردم و بی‌اعتناترین مردم به زیور دنیا بود».

محمد بن اسحق گفت: «پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچکس از حیث آبرو و بلندی قدر، به حسن بن علی نرسید. بر در خانه‌اش فرش می گسترده و چون او از خانه بیرون می آمد و آنجا می نشست راه بسته می شد و با احترام او کسی از برابرش عبور نمی کرد و او چون می فهمید، برمی خاست و به خانه میرفت و آنگاه مردم رفت و آمد

می کردند».

در راه مکه از مرکبش فرود آمد و پیاده به راه ادامه داد، در کاروان کسی نماند که بدو تأسی نجوید و پیاده نشود، حتی سعد بن ابی وقاص که پیاده شد و در کنار آن حضرت راه افتاد.

«مدرک بن زیاد» به ابن عباس - که برای حسن و حسین رکاب گرفته بود و لباسشان را مرتب می کرد - گفت: «تو از اینها سالخوده تری! رکاب برایشان می گیری؟» وی جواب داد: «ای فرومایه

ص: ۵۰

پست! تو چه میدانی اینها کی اند! اینها پسران رسول خدایند. آیا این موهبتی از جانب خدا بر من نیست که رکابشان را بگیرم و لباسشان را مرتب کنم؟!».

با این شأن و منزلت، تواضعش چنان بود که: روزی بر عده‌ئی مستمند می گذشت و آنها پاره‌های نان را بر زمین نهاده و خود روی زمین نشسته بودند و می خوردند. چون حسن بن علی را دیدند گفتند:

«ای پسر رسول خدا بیا با ما هم غذا شو!» فوراً از مرکب خود فرود آمد و گفت: «خدا متکبران را دوست نمی دارد» و با آنان به غذا خوردن مشغول شد. آنگاه آنها را به میهمانی خود دعوت کرد، هم غذا به آنان داد و هم پوشاک.

بخشش و کرم او آنچنان بود که مردی حاجت نزد او آورد. آن حضرت باو گفت:

«حاجت را بنویس و به ما بده» و چون نامه او را خواند، دو برابر خواسته‌اش بدو

بخشید. یکی از حاضران گفت: این نامه چقدر برای او پربرکت بود، ای پسر رسول خدا! فرمود: «برکت آن برای ما بیشتر بود، زیرا ما را از اهل نیکی ساخت. مگر

نمی دانی که نیکی آن است که بی خواهش به کسی چیزی دهند و اما آنچه پس از خواهش می دهند، بهای ناچیزی است در برابر آبروی او. شاید آنکس شبی را با

اضطراب و میان بیم و امید بسر برده و نمیدانسته که آیا در برابر عرض نیازش، دست رد

به سینه او خواهی زد یا شادی قبول به او خواهی بخشید و اکنون با تن لرزان و دل پرتپش نزد تو آمده، آنگاه اگر تو فقط بقدر خواسته‌اش باو ببخشی، در برابر آبرویی که نزد تو ریخته بهای اندکی باو داده‌ئی».

ص: ۵۰

ص: ۵۱

مدائنی روایت کرده که: «حسن و حسین و عبدالله بن جعفر به راه حج می‌رفتند. توشه و تنخواه آنان گم شد. گرسنه و تشنه به خیمه‌ئی رسیدند که پیرزنی در آن زندگی می‌کرد، از او آب طلبیدند. گفت: این گوسفند را بدوشید و شیر آن را با آب بیامیزید و بیاشامید. چنین کردند.

سپس از او غذا خواستند، گفت: همین گوسفند را داریم، بکشید و بخورید. یکی از آنان گوسفند را ذبح کرد و از گوشت آن مقداری بریان کرد و همه خوردند و سپس همانجا به خواب رفتند. هنگام رفتن به پیر زن گفتند: ما از قریشیم، به حج می‌رویم، چون باز گشتیم نزد ما بیا با تو به نیکی رفتار خواهیم کرد و رفتند. شوهر زن که آمد و از جریان خبر یافت، گفت وای بر تو! گوسفند مرا برای مردمی ناشناس می‌کشی، آنگاه می‌گوئی: از قریش بودند!؟.

روزگاری گذشت و کار بر پیر زن سخت شد، از آن محل کوچ کرد و به مدینه عبورش افتاد. حسن بن علی او را دید و شناخت. پیش رفت و گفت: مرا می‌شناسی؟ گفت نه! گفت: من همانم که در فلان روز مهمان تو شدم. و دستور داد تا هزار گوسفند و هزار دینار زر باو دادند.

آنگاه او را نزد برادرش حسین بن علی فرستاد، آنحضرت نیز به همان اندازه بدو بخشید و او را نزد عبدالله بن جعفر فرستاد و او نیز عطائی همانند آنان به او داد.» و بجز اینها، سخن در کرم و بخشش فراوان است که ما اکنون درصدد بیان آنها نیستیم. حلم و گذشت او چنان بود که - به گفته مروان - با کوهها برابری می‌کرد.

ص: ۵۲

زهد و بی‌اعتنائی او به زیور دنیا آنچنان بود که «محمد بن علی بن الحسین بن بابویه» (متوفی به سال ۳۸۱ هجری) کتابی را بنام: زهد الحسن علیه السلام بدین صفت او اختصاص داد و در اینباره همین بس که از همه دنیا یکباره بخاطر دین صرفنظر کرد. او سرور جوانان بهشت و یکی از دو نفری است که دودمان پیامبر منحصرأ از نسل آنان بوجود آمد؛ و یکی از چهار نفری است که رسول خدا با آنان به مباحله نصارای نجران حاضر شد؛ و یکی از پنج نفر اصحاب کساء؛ و یکی از دوازده نفری است که خدا فرمانبری آنان را بر بندگانش واجب و فرض ساخته. و او یکی از کسانی است که در قرآن کریم پاک و منزّه از پلیدی معرفی شده؛ و یکی از کسانی است که خدا دوستی آنان را پاداش رسالت پیامبر دانسته؛ و یکی از آنانکه رسول اکرم ایشانرا هموزن قرآن و یکی از دو دست‌آویز گران‌وزنه قرار داده. و او ریحانه رسول خدا و محبوب اوست و آنکسی است که پیامبر دعا میکرد خدا دوستدار او را دوست بدارد. افتخارات او بقدری است که یاد کردن آنها بطول می‌انجامد و تازه پس از بیانی دراز بآخر نمی‌رسد.

پس از وفات پدرش، مسلمانان با او به خلافت، بیعت کردند. در همان مدت کوتاه حکومتش، به بهترین شکلی کارها را اداره کرد. در پانزدهم جمادی الاولی سال ۴۱ (بنابر صحیح‌ترین روایتها) با معاویه قرار صلح منعقد ساخت و با اینکار هم دین را حفظ کرد و هم مؤمنان را از قتل نجات داد و در اینکار بر طبق آموزش خاصی که بوسیله پدرش از پیامبر دریافت کرده بود، عمل نمود. دوران خلافت رسمی و

ص: ۵۳

ظاهری او هفت ماه و بیست و چهار روز بود.

پس از امضای قرار داد صلح، به مدینه بازگشت و در آن شهر اقامت گزید و خانه او برای ساکنان و واردان آن شهر، دومین حرم شد و او خود در این هر دو حرم، جلوه

گاه هدایت و فراز گاه دانش و پناه گاه مسلمانان گشت. دور و بر او مردمی از شهرهای دور دست گرد آمدند برای فهم و شناخت دین و سپس رفتن و قوم خود را از قهر و عذاب بیم دادن. و اینها همان شاگردان و حاملان دانش او و راویان از او بودند. و حسن بن علی بخاطر علم و دانش فراوانی که خدا بدو ارزانی داشته بود و هم بخاطر قدر و منزلت بلندی که در دل مردم داشت، تواناترین بشر بود برای پیشوائی امت و رهبر فکری آنان و درست کردن عقایدشان و متحد ساختن و بهم بستن ایشان. نماز صبحگاه را که میخواند، تا بر آمدن آفتاب در مسجد رسول خدا می نشست و به ذکر خدا می پرداخت.

بزرگان و برگزیدگان مردم گرد او می نشستند و او با آنان سخن می گفت. ابن صباغ (در کتاب الفصول المهمه ص ۱۵۹) می نویسد:

«مردم گرد او جمع می شدند و او با سخنان خود عقده های علمی را می گشود و ایرادهای مخالفین را پاسخ می داد».

چون حج میگذارد، در هنگام طواف مردم برای اینکه به او سلام کنند آنچنان ازدحام میکردند که گاه نزدیک بود خود او پایمال شود!

او را بارها مسموم کردند. در آخرین بار بود که احساس خطر کرد، به برادرش حسین علیه السلام گفت: «من بزودی از تو جدا خواهم شد و به پروردگارم خواهم پیوست بدان که مرا مسموم کرده و کبدم را تباه

ص: ۵۴

ساخته اند. من خود، عامل و سبب اینکار را می شناسم و در پیشگاه خدا از مسبب آن دادخواهی خواهم کرد، سپس فرمود: «مرا در کنار رسول خدا بخاک سپار زیرا من به او و خانه او اولی تر (۱)؛ ولی اگر نگذاشتند تو را به حق آن پیوندی که به خدا نزدیکت ساخته و به خویشاوندی نزدیکی که با پیامبر خدا داری سوگند می دهم که نگذاری بخاطر من قطره خونی ریخته شود؛ بگذار تا رسول خدا را ملاقات کنیم و نزد

او از دشمنان دادخواهی نمائیم و جفای مردم را باو باز گوئیم». سپس سفارشهای لازم را درباره خاندان و فرزندانش و آنچه از خود بجا گذارده بود باو کرد و او را به آنچه پدرشان علی در لحظه مرگ وصیت کرده بود، وصیت نمود و جانشینی او را به شیعیان اعلام کرد. و در روز ۱۷ ماه صفر سال ۴۹ وفات یافت. ابوالفرج اصفهانی نوشته است: «معاویه میخواست برای پسرش یزید بیعت بگیرد و در انجام این منظور، هیچ چیز برای او گرانبارتر و مزاحمتر از حسن بن علی و سعد بن ابی وقاص نبود. بدینجهت هر دو را با وسائل مخفی مسموم کرد». و بسی روشن است که فجایع بزرگی از این نوع، همچون تازیانه‌ئی

۱- اولویت به پیامبر از اینرو که فرزند و پاره تن بلکه جزئی از او بود و کسی از فرزند به پدر و از جزء به کل نزدیکتر و اولی تر نیست. و اما اولویت به خانه پیامبر بدینجهت که او وارث شرعی مادرش صدیقه طاهره و او یگانه وارث پدرش رسول خدا بود. فاطمه از پدر ارث می برد همچنانکه سلیمان از داود. و دلیلی نیست که عمومات ارث در این مورد تخصیص خورده باشد.

ص: ۵۵

بر پیکر خواب رفته و تخدیر شده مردم بود که شعور و درک آنان را برمی انگیخت و احساس درد را در آنان زنده می ساخت. اقطار اسلامی دهان به دهان خبر این پیشامد بزرگ را پخش کردند؛ در هر گوشه، موج شیون مردم از زمینه شورشی خبر میداد و در هر سال، بلند شدن غوغائی، دستگاه حکومت را به انقلابی تهدید می کرد. و خدای سبحان می گوید: «ستمگران بزودی خواهند دانست که به چه سرانجامی دچار می شوند».

سبط ابن جوزی به سند خود از ابن سعد و او از واقدی روایت کرده: حسن بن علی در هنگام احتضار گفت مرا در کنار پدرم - یعنی رسول اکرم - دفن کنید. امویان و مروان حکم و سعید بن العاص - که والی مدینه بود - بپا خواستند و نگذاشتند! ابن سعد می گوید: یکی از مخالفان عایشه بود که گفت: «هیچکس نباید با رسول خدا دفن شود».

انبوهی از مردم گرد حسین بن علی مجتمع شده گفتند: ما را با آل مروان واگذار، بخدا قسم آنان در دست ما بسی حقیر و ناچیزند. فرمود:

«برادرم وصیت کرده که نباید بخاطر او قطره‌ئی خون ریخته شود و اگر این سفارش نمی بود می دیدید که شمشیرهای خدا با آنان چه می کند.

آنها عهد میان ما و خود را شکستند و شرائط ما را زیر پا نهادند» با این سخن به شرائط صلح اشاره می کرد.

حسن بن علی را از آنجا به قبرستان بقیع بردند و در کنار قبر جدش فاطمه بنت اسد بخاک سپردند. در کتاب «الاصابه» از واقدی و او از ثعلبه نقل می کند که گفت: روزی که حسن بن علی وفات یافت

ص: ۵۶

و در بقیع مدفون شد، من حاضر بودم، انبوهی جمعیت آنچنان بود که اگر در بقیع سوزنی می افکندند بر سر انسانی می افتاد و به زمین نمی رسید. (۱)

غزوه بدر

اشاره

هفده ماه رمضان سالروز غزوه بدر می باشد که در این قسمت به بررسی این غزوه پرداخته شده است.

از نبردهای بزرگ و نمایان اسلام، جنگ بدر است. کسانی که در این جبهه شرکت کرده بودند، بعدها امتیاز مخصوصی در میان مسلمانان پیدا نمودند. در هر واقعه‌ای که یک یا چند نفر از مجاهدان بدر شرکت می‌نمودند و یا به مطلبی گواهی می‌دادند؛ می‌گفتند چند نفر از بدری‌ها با ما موافق هستند. در شرح زندگانی اصحاب پیامبر، کسانی را که در وقعه بدر شرکت نموده‌اند، «بدری» می‌نامند و علت این اهمیت از تشریح این حادثه به دست می‌آید.

در نیمه جمادی‌الاولی سال دوم، گزارشی به مدینه رسید که کاروان قریش به سرپرستی «ابوسفیان» از مکه به شام می‌رود. پیامبر برای تعقیب کاروان تا «ذات العشیره» رفت و تا اوائل ماه دیگر، در آن نقطه توقف کرد، ولی دست به کاروان نیافت. و زمان بازگشت کاروان، تقریباً

۱- از ص ۴۷ تا اینجا از کتاب «صلح امام حسن علیه السلام» نوشته شیخ راضی آل یاسین ترجمه مقام معظم رهبری، آیه‌الله سید علی خامنه‌ای - مدظله العالی - گرفته شده است

ص: ۵۷

ص: ۵۸

معین بود، زیرا اوائل پاییز کاروان قریش، از شام به مکه باز می‌گشت. در تمام نبردها کسب اطلاعات، نخستین گام پیروزی بود. تا فرمانده لشکر، از استعداد دشمن و نقطه تمرکز آنها و روحیه جنگجویان آگاه نباشد، چه بسا ممکن است در نخستین برخورد شکست بخورد.

بنا به نقل مرحوم مجلسی، (۱) رسول خدا «عدی»، را برای کسب اطلاعات از مسیر

کاروان و تعداد محافظان کاروان و نوع کالایشان اعزام نمود. اطلاعات رسیده به قرار زیر بود:

- ۱- کاروان بزرگی است که تمام اهل مکه در آن شرکت دارند.
 - ۲- سرپرست کاروان «ابوسفیان»، و در حدود چهل نفر پاسبانی آن را بر عهده دارند.
 - ۳- هزار شتر، مال التجاره را حمل می کند، و ارزش کالا حدود پنجاه هزار دینار است. از آنجا که ثروت مسلمانان مهاجر مقیم مدینه، از طرف قریش مصادره شده بود، بسیار به موقع بود که مسلمانان کالاهای تجارتي آنها را ضبط کنند! و اگر قریش، بر عناد و لجابت خود در مصادره اموال مسلمانان مهاجر استقامت ورزند، مسلمانان متقابلاً کالاهای تجارتي را میان خود به عنوان غنیمت جنگی تصرف کنند. از اینرو، رسول خدا رو به اصحاب خود کرد و فرمود:
- هان، ای مردم این کاروان قریش است. می توانید برای تصرف

۱- «بحار»، ج ۱۹/۲۱۷.

ص: ۵۹

اموال قریش از مدینه بیرون بروید، شاید گشایشی در کار شما رخ دهد. (۱)

سخن پیامبر می رساند که رسول گرامی، به آنان نوید گشایش در زندگی می دهد. وسیله این گشایش، ضبط کالاهائی بود که کاروان قریش آن را حمل می کرد، و مجوز این مسأله همان بود که یادآور شدیم و گفتیم که قریش کلیه دارائی مهاجران را در مکه ضبط کرده و به آنان اجازه رفت و آمد به محل زندگی نمی دادند و کلیه اموال منقول و غیر منقول آنان، در مکه متروک مانده بود. پیداست که هر انسان عاقل و خردمندی به خود اجازه می دهد با دشمن، همان معامله را انجام دهد که او با وی انجام

داده است.

اصولا باید توجه داشت که علت هجوم مسلمانان به کاروان قریش، همان مظلومیت و ستم کشی مسلمانان بود که قرآن نیز متذکر آن است و به همین جهت به آنان اجازه هجوم می دهد و می فرماید:

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (۲)

«به افرادی که مورد هجوم واقع شده اند اجازه دفاع داده شد.

زیرا آنان مظلوم و ستم دیده اند و خداوند به کمک و یاری آنان قادر و توانا است».

۱- هذا غير قریش فيها اموالهم فاخرجوا اليها لعل الله يغنمكموها- «مغازی واقدی»، ج

۲۰ / ۱

۲- سوره حج / ۳۹.

ص: ۶۰

ابوسفیان، موقع رفتن به شام متوجه شده بود که پیامبر در تعقیب کاروان او است. از این نظر هنگام مراجعت احتیاط را از دست نداد، و از کاروانها سراغ می گرفت که آیا محمد خطوط تجارتي را اشغال کرده است؟ تا اینکه به او گزارشی رسید:

پیامبر با اصحاب خود از مدینه بیرون آمده و در تعقیب کاروان قریش می باشد. و در سرزمین «ذفران» که در دو منزلی «بدر» است موضع گرفته است.

ابوسفیان، از پیشروی خودداری کرد. چاره جز این ندید که قریش را از سرنوشت کاروان آگاه سازد. شترسوار تندروی به نام «ضمضم بن عمرو غفاری» را اجیر کرد و به او چنین دستور داد: خود را به مکه برسان و دلاوران قریش و صاحبان کالاها را خبر کن تا برای نجات کاروان از حمله مسلمانان، از مکه بیرون آیند.

«ضمضم»، سریعاً خود را به مکه رساند و به فرمان ابوسفیان گوشهای شتر خود را برید و بینی آن را شکافت و جهازش را برگردانید و پیراهن خود را از جلو و عقب چاک زد، و بر روی شتر ایستاد و فریاد زد: مردم! شترانی که حامل ناقه مشکند در خطرند. محمد و یاران او در صدد مصادره کالاهای شما هستند، گمان نمی‌کنم به دست شما برسد، به فریاد برسید! یاری کنید! (۱)

مشکلی که قریش با آن روبرو شدند

زمان حرکت اعلام شد. سران قریش متوجه شدند که دشمن سرسختی، مانند قبیله بنی بکر در پیش دارند. چه بسا ممکن است از پشت مورد حمله آنان قرار گیرند. دشمنی بنی بکر با قریش روی خون ریزی بود که ابن هشام تفصیل آن را در سیره خود نوشته است. (۲) در این هنگام «سراقه بن مالک»، از اشراف بنی کنانه که تیره‌ای از بنی بکر است به آنها اطمینان داد، که هرگز چنین حادثه‌ای رخ نخواهد داد، و قریش با اطمینان کامل از مکه بیرون بروند.

پیامبر برای مقابله با کاروان بازرگانی قریش، از مدینه حرکت کرده بود و در منزلی به نام «ذفران» فرود آمد. و در انتظار عبور کاروان بود.

ناگهان گزارش تازه‌ای رسید، و افکار فرماندهان ارتش اسلام را دگرگون ساخت، و فصل جدیدی در زندگی آنها گشود. گزارش به پیامبر رسید، که مردم مکه برای حفاظت کاروان از مکه بیرون آمده‌اند، و در همین حوالی تمرکز یافته‌اند و طوائف در تشکیل این ارتش شرکت کرده‌اند.

رهبر عزیز مسلمانان خود را بر سر دوراهی دید، از یک طرف او و یاران وی برای مصادره کالاهای تجارتي از مدینه بیرون آمده بودند و برای مقابله با یک ارتش بزرگ مکه آمادگی نداشتند؛ چه از نظر نفرات و چه از نظر وسائل جنگی. از طرف دیگر اگر

از راهی که آمده بودند باز می گشتند، افتخاراتی را که در پناه مانورها و تظاهرات نظامی به دست

- ۱- اللطیمة اللطیمة اموالکم مع ابی سفیان قد عرض لها محمد فی اصحابه لاری ان تدرکوها الغوث الغوث- «تاریخ کامل»، ۲ / ۸۱.
- ۲- «سیره ابن هشام»، ج ۲ / ۲۴۸ - ۲۴۹.

ص: ۶۱

ص: ۶۲

آورده بودند از دست می دادند.

چه بسا دشمن به پیشروی خود ادامه داده و مرکز اسلام (مدینه) را مورد حمله قرار می داد بنا بر این، پیامبر صلاح در این دید که هرگز عقب نشینی نکند و با قوائی که در اختیار دارد تا آخرین لحظه نبرد کند.

کسب اطلاعات از اوضاع دشمن

ستون رزمی اسلام در نقطه ای که کاملاً با اصول «استتاری» موافق بود، موضع گرفت و از هرگونه تظاهر که باعث کشف اسرار گردد جلوگیری به عمل آمد. دسته های مختلف شروع به کسب اطلاعات از قریش و کاروان نمودند. اطلاعات رسیده از طریق مختلف به قرار زیر بود:

الف: نخست خود پیامبر با یک سرباز دلاور مسافتی راه رفتند، و بر رئیس قبیله ای وارد شدند و به او گفتند: از قریش و محمد و یاران او چه اطلاعی دارید؟

وی چنین گفت: به من گزارش داده اند که محمد و یاران او، چنین روزی از مدینه

حرکت کرده‌اند. اگر گزارش دهنده راستگو باشد، اکنون او و یارانش در چنین نقطه‌ای هستند (نقطه‌ای را نشان داد که ستون اسلام در آنجا موضع گرفته بودند)، و نیز به من خبر داده‌اند که قریش در چنین روزی از مکه حرکت کرده است. اگر گزارش رسیده صحیح باشد، ناچار اکنون در فلان نقطه هستند (نقطه‌ای را معین کرد که قریش درست در آنجا تمرکز داشتند).

ب: یک گروه گشتی که در میان آنها زبیر عوام و سعد ابی وقاص

ص: ۶۳

بود، به فرماندهی علی علیه السلام کنار آب «بدر» رفتند تا اطلاعات بیشتری به دست آورند. این نقطه معمولاً مرکز تجمع و دست به دست گشتن اطلاعات بود. گروه مزبور در اطراف آب، به شتر آب کشی با دو غلام که متعلق به قریش بودند برخورد کردند، و هر دو را دستگیر کرده به محضر پیامبر گرامی آوردند. پس از بازجویی معلوم شد که یکی از دو غلام متعلق به «بنی الحجاج»، و دیگری متعلق به «بنی العاص» است، و مأمورند که آب قریش برسانند.

پیامبر از آنها پرسید که قریش کجا هستند؟ گفتند پشت کوهی که در بالای بیابان قرار گرفته است. سپس از تعداد نفرات پرسید. گفتند:

تحقیقا نمی‌دانیم. فرمود روزی چند شتر می‌کشند؟ گفتند یک روز ده شتر، و روز دیگر نه شتر. حضرت فرمود: عبته بن ربیع، شیبه بن ربیع، ابوالبختری بن هشام، ابوجهل بن هشام، حکیم بن حزام، و امیه بن خلف و ... در میان آنها هستند. در این هنگام رو به اصحاب خود کرد و فرمود:

شهر مکه جگر پاره‌های خود را بیرون ریخته است. ^(۱) «سیسپس دستور داد این دو نفر زندانی کردند تا تحقیقات ادامه یابد.

ج: دو نفر مأموریت پیدا کردند که وارد دهکده «بدر» شوند، و اطلاعاتی از کاروان به

عمل آورند. آنها در کنار تلی نزدیک به آب پیاده شدند، و وانمود کردند که تشنه هستند و آمده‌اند آب بخورند. اتفاقاً در کنار چاه، دو نفر زن با یکدیگر سخن می‌گفتند. یکی به دیگری

۱- هذه مكة قد القت اليكم افلاذ كبدها- «سیره ابن هشام»، ج ۱/ ۶۱۷.

ص: ۶۴

می‌گفت که: چرا قرض خود را نمی‌پردازی، می‌دانی که من نیز نیازمندم؟ دیگری در پاسخ وی گفت: که فردا یا پس فردا کاروان می‌رسد، و من برای کاروان کار می‌کنم، سپس بدهی خود را ادا می‌نمایم. «مجدی بن عمرو»، که در نزدیکی این دو نفر زن بود، گفتار بدهکار را تصدیق کرد و آن دو زن را از هم جدا نمود. هر دو سوار از استماع این خبر خوشحال شدند، با رعایت قاعده «استتار»، خود را به فرماندهی کل قوای اسلام رساندند، و پیامبر را از آنچه شنیده بودند آگاه ساختند. اکنون که پیامبر گرامی با کسب این اطلاعات از ورود کاروان و موقعیت قریش کاملاً آگاه شده است؛ لازم است، به مقدمات کار پردازند.

چگونه ابوسفیان گریخت

ابوسفیان سرپرست کاروان که موقع رفتن مورد تعرض دسته‌ای از مسلمانان واقع شده بود؛ به خوبی می‌دانست که هنگام بازگشت به طور قطع از طرف مسلمانان مورد تعرض قرار خواهد گرفت. از این نظر، وقتی که کاروان به منطقه نفوذ اسلام رسید؛ او کاروان را در نقطه‌ای استراحت داد و خود برای کسب اطلاعات وارد دهکده «بدر» شد. «مجدی بن عمرو» را در آنجا ملاقات کرد و از او پرسید که: آیا در این اطراف کسانی

را دیده است که به آنها بدگمان باشد؟ وی گفت چیزی که باعث بدگمانی من گردد، ندیده‌ام. فقط دو شتر سواری را دیدم که شتران خود را روی تلی خوابانیدند و پائین آمدند آب خوردند و رفتند. ابوسفیان روی تل آمد چند پشکل از شتر آنها را شکافت، از

ص: ۶۵

هسته خرمائی که در میان پشکل بود، آنها را شناخت و یقین کرد که آنها اهل مدینه هستند. فورا به سوی کاروان برگشت و مسیر کاروان را عوض کرد، و دو منزل را یکی کرده کاروان را از منطقه نفوذ اسلام بیرون برد. همچنین، شخصی را مأمور کرد که به قریش اطلاع دهد که کاروان از دستبرد مسلمانان جان به سلامت برد، و آنان نیز از راهی که آمده‌اند برگردند و کار محمد را به خود عرب واگذار کنند.

اختلاف نظر میان قریش

وقتی نماینده ابوسفیان پیام وی را به سران جمعیت ابلاغ کرد، دودستگی عجیبی میان آنان پدید آمد.

قبیله «بنی زهره» و «اخنس بن شریق» باهم پیمانان خود از راهی که آمده بودند بازگشتند: زیرا می‌گفتند غرض ما حفظ کالاهای بزرگ «بنی زهره» بود و آن نیز عملی گردید. «طالب»، فرزند ابوطالب هم که به اجبار قریش از مکه بیرون آمده بود، بر اثر یک مشاجره لفظی که می‌گفتند قلوب شما بنی هاشم با «محمد» است، از راهی که آمده بود بازگشت.

ابوجهل بر خلاف نظر ابوسفیان اصرار ورزید که ما باید به منطقه «بدر» برویم و در آنجا سه روز بمانیم و شترانی را بکشیم و شراب بخوریم و زنان رامشگر برای ما آواز بخوانند، صیت قدرت و توانائی ما به گوش عرب برسد و تا ابد از ما حساب ببرند.

سخنان فریبنده ابوجهل، قریش را بر آن داشت که از آن نقطه حرکت کنند و در نقطه مرتفعی از بیابان، پشت تپه‌ای فرود آیند. باران

ص: ۶۶

شدیدی بارید که راه رفتن را برای قریش سخت کرد و آنان را از پیشروی بازداشت.

حرکت قریش

بامدادان، روز هفدهم رمضان سال دوم هجرت، قریش از پشت آن تپه ریگ به دشت «بدر» سرازیر شدند. هنگامی که چشم پیامبر به قریش افتاد، رو به آسمان کرد و گفت: خدایا، قریش با کبر و اعجاب به جنگ تو و تکذیب رسول تو برخاسته است، پروردگارا کمکی را که به من فرموده‌ای، محقق نما و آنان را از امروز هلاک ساز. (۱)

شورای قریش

نیروهای قریش در نقطه‌ای از بدر متمرکز شدند، ولی از قدرت مسلمانان و تعداد آنها آگاه نبودند. برای تحصیل آمار سربازان اسلام، «عمیر بن وهب» را که مردی دلاور و در تخمین زدن جمعیت ماهر بود؛ مأمور کردند که شمار همه یاران محمد صلی الله علیه و آله را به دست آورد. او با اسب خود در اطراف اردوگاه سربازان اسلام گردش کرد و بازگشت، و گزارش داد شماره مسلمانان در حدود سیصد نفر است. ولی گفت: لازم است با یک گشت دیگر بینم که آیا در پشت سر، کمینگاه، یا نیروی امدادی دارند یا نه؟

او سرتاسر بیابان را گردش کرد. بالا و پائین را زیر پا نهاد. خبر

۱- اللهم هذه قریش قد اقبلت بخيلائها تحادك و تكذب رسولك الخ.

ص: ۶۷

مهیّب و وحشت آوری آورد، او گفت مسلمانان کمین و پناهگاهی ندارند ولی شترانی را دیدم که برای شما از مدینه، مرگ را سوغات آورده‌اند. سپس افزود:
گروهی را دیدم که جز شمشیرهای خود پناهگاهی ندارند. تا هریک از آنها یک نفر از شما را نکشند کشته نخواهند شد. هرگاه به تعداد خودشان از شما کشتند دیگر زندگی چه سودی خواهد داشت؟

تصمیم نهائی را خود بگیرید. (۱)

«واقدی» و مرحوم «مجلسی»، جمله دیگری را نیز نقل فرموده‌اند و آن اینکه: نمی‌بینید که خاموشند و حرف نمی‌زنند و تصمیم و اراده از قیافه آنها می‌بارد، همچون افعی‌های کشنده زبان‌های خود را در اطراف دهان گردش می‌دهند؟ (۲)

چیزی که جنگ را قطعی ساخت

«اسود مخزومی»، مرد تندخویی بود. چشمش به حوضی افتاد که مسلمانان ساخته بودند. پیمان بست که یکی از این سه کار را انجام دهد: یا از آب حوض بنوشد، یا آن را ویران کند، و یا کشته شود. او از صفوف مشرکان بیرون آمد و در نزدیکی حوض، با افسر رشید اسلام،

۱- قوم لیس معهم منعاً ولا ملجأ الا سیوفهم والله ما اری ان یقتل رجل منهم حتی یقتل رجلا منکم فاذا اصابوا منکم اعدادهم فما خیر العیش بعد ذلک فراوا رأیکم - «سیره ابن هشام»، ج ۱ / ۶۲۲.

۲- اما ترونهم خرسا لا یتکلمون یتلمطون تلمظ الافاعی - «مغازی»، ج ۱ / ۶۲ و «بحار»، ج ۱۹ / ۲۳۴.

ص: ۶۸

حمزه روبرو گردید. نبرد میان آن دو در گرفت، حمزه با یک ضربت پای او را از ساق جدا کرد. او برای اینکه به پیمان خود عمل کند خود را کنار حوض کشید تا از آب حوض بنوشد. حمزه، با زدن ضربت دیگری او را در میان آب کشت. این پیش آمد مسأله جنگ را قطعی ساخت. زیرا هیچ چیزی برای تحریک یک جمعیت، بالاتر از خونریزی نیست. گروهی که بغض و کینه گلوی آنها را می فشرد و دنبال بهانه می گشتند، اکنون بهترین بهانه به دست آنها افتاده، دیگر خود را ملزم به جنگ می بینند. (۱)

جنگهای تن به تن

رسم دیرینه عرب، در آغاز جنگ، نبردهای تن به تن بود. سپس حمله عمومی آغاز می شد.

پس از کشته شدن اسود مخزومی، سه نفر از دلاوران قریش، از صفوف قریش بیرون آمدند و مبارز طلبیدند. این سه نفر عبارت بودند از: «عتبه»، و برادر او «شیبه»، فرزندان «ریعه» و فرزند عتبه «ولید».

هرسه نفر در حالی که غرق در سلاح بودند، در وسط میدان غرش کنان اسب دوانیده هماورد طلبیدند. سه جوان رشید از جوانان انصار، به نامهای: «عوف» «معوذ» «عبدالله» رواجه، برای نبرد آنان از اردوگاه مسلمانان به سوی میدان آمدند. وقتی «عتبه» شناخت که آنان از جوانان مدینه هستند، گفت ما با شما کاری نداریم.

۱- «تاریخ طبری»، ج ۲ / ۱۴۹.

ص: ۶۹

سپس یک نفر داد زد: محمد! کسانی از اقوام ما که همشأن ما هستند، آنها را به سوی ما بفرست (۱) پیامبر رو کرد به «عبیده» و «حمزه» و «علی»، فرمود: برخیزید. سه افسر دلاور سر و صورت خود را پوشانیده روانه رزمگاه شدند.

طرف نبرد حمزه «شیه» بود و هم‌اورد «عبیده» «عتبه» بوده است که حمزه و علی پس از کشتن مبارزان خود، به سوی عتبه رفتند و او را با شمشیر از پای درآوردند.

حمله عمومی آغاز می‌گردد:

کشته شدن دلاوران قریش، سبب شد که حمله عمومی آغاز گردد حمله‌های دست جمعی قریش شروع شد، پیامبر از همان مقرر فرماندهی دستور داد، که از حمله خودداری نمایند و با تیراندازی، از پیشروی دشمن جلوگیری کنند.

خصوصیات حمله عمومی در تواریخ اسلام تا حدی ضبط گردیده است، ولی این مطلب مسلم است که پیامبر گاهی از مقرر فرماندهی پایین می‌آمد، و مسلمانان را برای نبرد در راه خدا و حمله به دشمن تحریک و تحریض می‌نمود. یکبار در میان مسلمانان با صدای بلند فرمود:

به خدائی که جان محمد در دست اوست، هر کس امروز با بردباری نبرد کند، و نبرد او برای خدا باشد و در این راه کشته شود، خدا

ص: ۷۰

او را وارد بهشت می کند. (۱)

سخنان فرمانده کل قوا، آنچنان تأثیر می کرد که برخی برای اینکه زودتر شهید شوند، زره از تن کنده و مشغول جنگ می شدند. «عمیر حمام»، از رسول خدا پرسید فاصله من تا بهشت چیست؟ فرمود: نبرد با سران کفر، وی چند عدد خرمائی که در دست داشت به دور ریخت و مشغول نبرد گشت. سپس پیامبر اکرم مشتی خاک برداشت و به سوی قریش ریخت و فرمود:

روهای شما دگرگون باد! (۲) سپس دستور حمله عمومی داد.

چیزی نگذشت که آثار پیروزی در ناحیه مسلمانان نمایان گردید. دشمن کاملاً مرعوب گشته و پا به فرار گذارد. سربازان اسلام که از روی ایمان نبرد می کردند و می دانستند که کشتن و کشته شدن هر دو سعادت است، از هیچ عاملی نمی ترسیدند و چیزی از پیشروی آنها جلوگیری نمی کرد.

میزان خسارات و تلفات

در این نبرد، چهارده نفر از مسلمانان و هفتاد نفر از قریش کشته شدند، و هفتاد نفر اسیر گشتند؛ که از سران آنها: نضر بن حارث، عقبه ابن ابی معیط، ابو غره، سهیل بن عمرو، عباس و ابوالعاص بود. (۳)

۱- والذی نفس محمد بیده، لا یقاتلهم الیوم رجل فیقتل صابرا محتسبا مقبلا غیر مدبر الا ادخله الله الجنة.

۲- شاهت الوجوه - «سیره ابن هشام»، ۱/ ۶۲۸.

۳- «سیره ابن هشام»، ج ۲/ ۷۰۶-۷۰۸؛ «مغازی واقدی»، ج ۱/ ۱۳۸-۱۷۳.

ص: ۷۱

شهادای بدر، در گوشه رزمگاه به خاک سپرده شدند. اکنون نیز قبور آنها باقی است. سپس پیامبر دستور داد، کشته‌های قریش را جمع آوری کنند، و در میان چاهی بریزند.

(۱)

برکات شب قدر

«خداوند ان شاء الله شماها را توفیق دهد که با سلامت و سعادت، وارد به ضیافت الله بشوید و از این مائده‌های آسمانی که قرآن وعده داده مستفیض بشوید و با یک روح سالمی، وارد بشویم و «لیله القدر» را دریابیم.»

امام خمینی قدس سره

در گذر روزها و هفته‌ها و ماهها و سالها، گاهی لحظه‌هایی سرنوشت‌ساز می‌گذرد که انسان را، جامعه را، و گاهی تاریخی را عوض می‌کند.

لحظه‌هایی جدا از لحظه‌های دیگر.

با آب و رنگی خدایی، با ویژگی‌هایی استثنایی ... سرشار از آگاهی و اقبال و توجه و حضور و انتخاب، و ارزش شناسی و ارزش آفرینی و خودسازی.

رمضان، ماه توجه به خویشتن و پرداختن به خداست.

در این ماه، باید رنگ و بوی خدایی بگیری.

۱- از ص ۵۷ تا اینجا از کتاب فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، آیه الله جعفر سبحانی، نشر مشعر گرفته شده است.

ص: ۷۲

ص: ۷۳

از میان ماهها، ماه رمضان، و از شبها، «شب قدر»، اهمیت خاصی دارد. این شب را باید زنده نگه داری، احیا کنی، از شام تا بام، بیگانه با خواب باشی و نا آشنا با غفلت. با یاد خدا و «ذکر» و «دعا» و مناجات، به صبح آوری، وضعیت خود را تحلیل کنی، که کیستی؟ چستی؟ در کجایی؟ چه می کنی؟ کجا می روی؟ هستی ولی «چگونه»؟ اگر در شب قدر، سرنوشتها تعیین می شود، خودت نیز در این تعیین سرنوشت، سهیم و شریکی، بسته به این است که «امشب» چه بخواهی و چگونه بودنی را «انتخاب» کنی و کدام «قدر» و ارزش را برای خود «مقدر» نمایی.

وقتی که تو در چنگ غفلت و بی خبری و نسیان و خود فراموشی و خدا فراموشی اسیری، و نمی خواهی وضعیت خود را در رابطه با خالق و معاد و حساب و کتاب، روشن کنی، چگونه می توانی امیدوار رحمت، در این شب، سلام و تحیات و برکات الهی را بر تو نازل کند؟ ..

فیض حق، امشب به در خانه ات می آید، باید تو بیدار شوی که در به رویش بگشایی. لحظه ای غفلت سبب می شود محروم شوی.

شب قدر، از هزار ماه، بهتر است، و تنها همین یک شب هم، شب قدر است. به قول سعدی:

«شبها اگر همه قدر بودی، شب قدر، بی قدر بودی» (۱)

۱- گلستان، باب هشتم.

ص: ۷۴

برقی می جهد و زاویه های تاریک، روشن می شود، باید چشمانت گشوده باشد تا قبل از

تاریکی مجدد، «دیدنی» ها را بینی.

سروشی به گوش می‌رسد، گوشت باید باز باشد تا شنیدنها را بشنوی، دریچه قلب را باید به روی آن اشراقات بگشایی و زیر آبشار فیض الهی، تطهیر جان کنی.

شب قدر، شب انتخاب و تصمیم و خود یابی و خودسازی است. در این شبها، باید «حریت» خویش را بازیابی. از چنگ هوس و عادت و گناه، رها شوی و به «عبودیت» خدا برسی.

سخن از ماندن و رفتن نیست. سخن از «چگونه بودن» است.

تو باید با توجه و حضور و آگاهی شب «قدر» ت، خمیر هستی‌ات را با دو دست «انتخاب» خویش، نقش ساز و شکل پرداز باشی، به بودن خود باید هویت ببخشی. در شب قدر، باید قدر خود را بشناسی.

«در شب قدر، که از چشمه نور

«آیه‌هایی روشن،

«جلوه‌هایی جانسوز،

«تا سحرگاه، فرو می‌بارد،

«وای اگر از وزش نفحه خیر

«و ... از این ریزش فیض

«بهره‌هایی نبری،

«ورنه، افسانه سرد است و سراب،

«آن همه شور دل و ناله و فریادگری! ..

ص: ۷۵

«می‌رسد لحظه دیدار .. ولی

«حیف اگر در «شب قدر»،

«قدر» خود، شناسی، دیده و این همه خشک،

«نفس و این همه سرد؟!»

«تو و این سنگدلی؟»

«من و این بی‌دردی؟! ..»

«کاروان رفته و ما، مانده ز «راه»»

«گرد این قافله را می‌بینیم،»

«وادی ایمن» و منزلگه دوست،

«گرچه دور است ... ولی»

«این قدر هست که بانگ جرسی می‌آید».

شبی چنین عظیم و گرانقدر و سرنوشت ساز، که همه ساله در هر ماه رمضان تکرار می‌شود، شبی که قرآن نیز در چنین شبی نازل شده است، یکی از سه شب ۱۹ و ۲۱ و ۲۳ رمضان است.

پیشوایان، معین نکرده‌اند، تا اینکه برای دریافتن برکات آن، بیشتر رو به جانب خداوند آوری، همچنانکه خود این شب، گرمی‌تر از دیگر شبهاست، عمل تو نیز در این شب، پاداشی مضاعف و ارزشی چند برابر دارد، و پیشوایان و ائمه اهل بیت علیهم السلام تأکید فراوان در دعا و احیای این شب نموده‌اند.

اگر غفلت کنی، بعد حسرت و اندوه خواهی خورد.

خواجه عبدالله انصاری در مورد شب قدر می‌گوید:

«امشب، شب نوازش بندگان است، هنگام پذیرفتن توبه

ص: ۷۶

گناهکاران است، وعده گاه آشتی جویان است، هنگام ناز شیفتگان و رازدوستان است.

در تمام شب قدر، داعیان را اجابت، و سائلان را عطیت، و مجتهدان را معونت، و

مطیعان را مثبت، و عاصیان را مغفرت، و محبان را کرامت است.» (۱)

اگر از مطیعانی، بر طاعت بیفزای، و اگر گنهکاری، دست از معصیت بشوی، و برکات

لیله القدر را دریاب! ...
 با دستانی که عطر قرآن گرفته،
 با دهانی که با ذکر و دعا معطر و خوشبو گشته است،
 با تن و جانی که در خدمت خدا آورده‌ای،
 با قلبی که امشب، جلا داده‌ای، رو به آستان رحمت پروردگار کن و از او بخواه تا
 توفیقت دهد تا زبان به بیهوده نگشایی و گوش به ناروا مداری، و چشم از گناه پوشی و
 شکم خود را انبار حرام نسازی، و عفت را در تاراج شعله‌های فساد نسوزانی.
 شرم و حیا را در خواستن از او کنار بگذار،
 سرمایه اشک را بردار،
 به بازار توبه و انابت برو،
 در این درگاه، شکسته دلی و اشک، مشتری دارد و خضوع و نیاز، قرب می‌آورد.
 از او بخواه، با عجز و لابه، با سوز و گداز، با چشمی اشکبار و قلبی

۱- تفسیر ادبی عرفانی قرآن مجید، ص ۶۲۶

ص: ۷۷

شکسته، که تو را به «بندگی» بپذیرد و طاعت را قبول کند.

مولایمان علی علیه السلام می‌فرمود:

خدایا، عزتم همین بس که بنده تو باشم.

و افتخارم همین کافی است که پروردگار من باشی. (۱)

«برای شب قدر اعمال و آداب بسیاری وارد شده است که در بخش سوم همین کتاب

خواهد آمد.»

علی علیه السلام در بستر تاریخ

اشاره

حضرت علی علیه السلام در روز جمعه سیزدهم ماه رجب و سی سال پس از عام الفیل، از بانویی به نام فاطمه دختر اسد پسر هاشم در کعبه زاده شد. جز علی را نبود هیچ کس این قدر و بها که بود مولد او خانه مخصوص خدا نه عجب گر که بود زادگهش خانه حق که به یمن کرم اوست به پا هر دو سرا پدر او ابوطالب، بزرگ بطحا (مکه) و رئیس بنی هاشم بود. سی سال از ولادت حضرت محمد صلی الله علیه و آله گذشته بود که امیر مؤمنان علی علیه السلام پا به عرصه گیتی نهاد و از آغاز زندگی از لطف و مهربانی پیامبر صلی الله علیه و آله بهره مند شد. علی علیه السلام در توصیف آن ایام می فرماید: «وقد علمتم موضعی من رسول الله بالقرباءة القریبة»؛ (۲)

«شما خویشاوندی و نسبت و منزلت مرا

۱- برگرفته از کتاب «خط سبز سلوک» استاد جواد محدثی.

۲- فیض الاسلام، نهج البلاغه، خطبه قاصعه.

ص: ۷۸

ص: ۷۹

نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می دانید.»

طهارت نفسانی علی علیه السلام و پرورش او در دامان پیامبر سبب شد تا از دوران کودکی با دیده نافذ و گوش شنوای خود چیزهایی را ببیند و صداهایی را بشنود که

برای مردم عادی غیر ممکن بود. او می فرماید:

«أرى نوراً لَوَحِيٍّ وَالرَّسَالَةَ وَأَشْمُ رِيحَ النَّبُوَّةِ...» (۱)

؛ «نور وحی و رسالت را می دیدم و بوی نبوت و پیامبری را می بوییدم...» آن حضرت بعد از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ده ساله بود که ایمان آورد و افتخار سبقت در پذیرش اسلام را به خود اختصاص داد. خود آن حضرت می فرماید:

«أنا عبد الله و أخو رسول الله...» (۲)

؛ «من بنده خدا و برادر رسول خدایم.

هفت سال زودتر از سایر مردم و اولین کسی هستم که با رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز گزاردم».

۲۳ سال فداکاری

علی علیه السلام پس از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۲۳ سال در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و بازوی پرتوان او بود و با تمام وجود به دفاع از آرمان و اهداف عالی پیامبر عظیم الشان اسلام پرداخت و در سخت ترین لحظات، با ایثار و از خود گذشتگی به یاری پیامبر صلی الله علیه و آله شتافت که از این ره گذر، به افتخارهایی نایل آمد و حوادثی مانند:

۱- همان، ص ۸۱۲

۲- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۱۳.

۲- داستان لیلۃ المیت؛

۳- ماموریت ابلاغ آیات برائت؛

۴- فتح قلعه های خیبر؛

۵- واقعه غدیر؛

۶- همسری تنها دخت پیامبر.

و غیره آن را به خود اختصاص داد.

پس از جنگ احد و هنگامی که سپاه اسلام به مدینه باز می گشتند، حضرت فاطمه زهرا

صلی الله علیه و آله به استقبال سپاهیان شتافت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چون فاطمه علیها السلام را دید شمشیر علی علیه السلام را به او داد و فرمود: «خذیه یا فاطمه!

فقد ادی بعلک ما علیه وقد قتل الله بسیفه صنادید قریش» (۱)

؛ «ای فاطمه! این شمشیر را بگیر. شوهرت حق این شمشیر را ادا کرد و خداوند با

شمشیر او، گردن کشان قریش را هلاک ساخت».

جنگ خندق با حمله همه جانبه کفار قریش به مدینه صورت گرفت. زمانی که علی

علیه السلام به مصاف عمرو بن عبدود رفت، پیامبر اکرم فرمود: «بَرَزَ الْإِيمَانُ كُؤْلَهُ أَلَى

الشُّرْكَ كُؤْلَهُ» (۲)

؛ «تمامی ایمان به جنگ تمامی کفر شتافت».

۲۵ سال سکوت تلخ

پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صداقت، پاکی و امتیازهایی همانند

سبقت در پذیرش اسلام، وصی و وزیر و برادر پیامبر بودن، و حدیث

۱- اعلام الوری، ص ۱۹۳.

۲- کنز الفوائد، ص ۱۳۷.

ص: ۸۱

منزلت و ثقلین و غدیر و ... به دست فراموشی سپرده شد و نیرنگ، فریب، کتمان حقایق، تحریف و زور چهره گشود و غمی بزرگ بر جان دل سوزان و پیش گامان نهضت اسلامی نشست و آل رسول مجبور به سکوت و کناره گیری شدند. مهم ترین عوامل کناره گیری امیر مؤمنان علی علیه السلام از حکومت به شرح زیر بیان می شود:

۱- ضرورت حفظ اسلام و عزت مسلمین و یک پارچگی امت اسلام جهت مقابله با حملات انتقام جویانه احتمالی دشمنان داخلی و خارجی و کسانی که در صدد تلافی شکست های فضحیت بار خود به دست مسلمانان و مخصوصا علی علیه السلام بودند.

۲- لزوم جلوگیری از ایجاد زمینه انحراف و ارتداد افراد زیادی که تازه مسلمان بودند و قادر به تجزیه و تحلیل صحیح مسائل نبودند.

۳- حاکمیت جو تحریف، زور و اختناق و فشار، حتی نسبت به حریم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خاندان آن حضرت.

۴- بی نتیجه ماندن رهنمودهای آن حضرت برای دعوت مردم به سوی حق.

علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همراه گروهی از بنی هاشم نزد خلیفه اول رفت و با او به احتجاج پرداخت و ویژگی های خود را برشمرد و به او گفت: چرا شما در میراث خلافت با من به نزاع برخاستید. (۱) طبق نوشته بسیاری از تاریخ نویسان، آن حضرت در برخی شب ها همراه با دختر گرامی پیامبر اکرم و حسنین، با سران

۱- مفصل این گفتگو در احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۹۵ آمده است.

ص: ۸۲

انصار ملاقات می کرد تا خلافت را به مسیر واقعی خود باز گرداند اما از این فعالیت‌ها نتیجه‌ای نگرفت.

۵- خو گرفتن بسیاری از مردم با وضعیت موجود بیعت بزرگان قبایل با خلیفه اول.

۶- برخوردار نبودن از امکانات و قدرت کافی برای بازپس‌گیری خلافت.

ابن ابی الحدید در ذیل خطبه ۲۱۵ نقل می‌کند: «روزی فاطمه (س) علی علیه السلام را دعوت به قیام می‌کرد. در همین حال فریاد مؤذن بلند شد که: اشهد انّ محمدا رسول الله. علی علیه السلام به زهرا (س) فرمود: آیا دوست داری این فریاد خاموش شود؟ گفت: نه. حضرت فرمود: سخن من جز این نیست.»

مهم‌ترین فعالیت‌های امام علیه السلام در دوران کناره‌گیری از خلافت

آن حضرت هرچند در مقام خلافت نبود اما نسبت به سایر شئون اجتماعی نیز بی‌توجه

نبود و در این دوره ۲۵ ساله خدماتی ارائه داد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از:

۱- تفسیر قرآن و حل مشکلات آیات و تربیت شاگردانی مانند ابن عباس.

۲- پاسخ به پرسش‌های دانشمندان دیگر ادیان از جمله یهودیان و مسیحیان که پس از

فوت پیامبر برای تحقیق در باره اسلام رهسپار مدینه می‌شدند.

ص: ۸۳

۳- بیان حکم بسیاری از مسائل جدید که در مورد آن‌ها نصی از پیامبر اکرم و قرآن

نرسیده بود.

۴- برای تأمین زندگی نیازمندان و درماندگان می‌کوشید و به دست خود درخت

می‌کاشت، باغ احداث می‌کرد، چاه و قنات حفر می‌کرد و حتی برای یهودیان بنی

قریظه و بنی النضیر کارگری می کرد و حاصل کار خود را میان بی نوایان تقسیم می کرد. نظر به اهمیت این قبیل خدمات و برای بهره گیری از سیره آن بزرگوار در زندگی روزمره خود به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

الف) آن حضرت از حاصل دست رنج خود هزار بنده را خرید و آزاد کرد. امام صادق علیه السلام با اشاره به آنچه گفته شد، فرمود: «انّ علیاً اعتق الف مملوک من کدّ یده»

(۱)

ب) یکی از مشاغل علی علیه السلام در عصر رسالت و پس از آن، کشاورزی و درخت کاری بود و آن حضرت بسیاری از خدمات و انفاقات خود را از این طریق انجام می داد. آورده اند: «مردی در نزد آن حضرت یک وسق (هر وسق معادل شصت صاع و هر صاع تقریباً یک من است) هسته خرما دید. پرسید: مقصود از گردآوری این همه هسته خرما چیست؟ فرمود: همه آن ها به اذن خدا، درخت خرما خواهد شد.

راوی می گوید: امام آن هسته ها را کاشت و نخلستانی پدید آورد و آن را وقف کرد».

(۲)

۱- فروع کافی، ج ۵ ص ۷۴ و بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۴۳.

۲- بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۳۳.

ص: ۸۴

ج) آن حضرت املاک زیادی را که خود آباد کرده بود وقف کرد که اسامی موقوفات متعدد و وقف نامه های آن حضرت در کتاب های حدیث و تاریخ آمده است. طبق نقل مورخان معتبر، درآمد سالانه آن موقوفات چهل هزار دینار بود که تمام صرف بی نوایان می شد. شگفت آن که علی رغم این درآمد سرشار، آن حضرت مجبور می شد

برای تأمین هزینه زندگی، شمشیر خود را بفروشد.
 (د) تأسیس و تعمیر مساجدی متعدد که منابع تاریخی به بعضی از آن اشاره کردند. مانند مسجدالفتح در مدینه، مسجدی در کنار قبر حمزه، مسجدی در میقات، مسجدی در کوفه و مسجدی در بصره و ...
 (ه) چاه‌های بسیار بین مکه و مدینه بدست آن حضرت حفر شد، از جمله قناتی است به نام «ینبع» که آن حضرت فرمود: «این قنات وقف زایران خانه خدا و ره‌گذرانی است که از این جا می‌گذرند. کسی حق فروش آب آن را ندارد و فرزندانم هرگز آن را به میراث نمی‌برند». (۱)

چون واسطه غیب و شهود است علی دیباچه دفتر وجود است علی دریای کمال و هنر و علم و عمل بحر کرم و سخا وجود است علی
 ۵- هرگاه دستگاه خلافت در مسائلی باین بست روبرو می‌شد برای حل آن، از علی علیه السلام مدد می‌گرفت. در این مورد شواهد فراوانی

۱- جعفر سبحانی، فروغ ولایت، ص ۲۹۵ به بعد.

ص: ۸۵

وجود دارد. که گویای این حقیقت است.

ویژگی دوران خلافت عثمان

پس از سپری شدن دوران حکومت خلیفه اول و دوم و روی کار آمدن عثمان توسط شورای شش نفره، در اثر سیاست‌های غلط امویان حاکم به سرکردگی عثمان، حوادث تلخ و ناگواری رخ داد که امیر مؤمنان علی علیه السلام را به صحنه کشید و جریان

هایی به وجود آمد و یا شدت یافت که در سقوط عثمان و فتنه‌های دوران تصدی حکومت از طرف علی علیه السلام نیز تأثیر داشت. پس از اوج‌گیری نارضایتی مردم از دستگاه خلافت و مساعد یافتن جو عمومی، مصمم شدند دستگاه حکومتی را به صراط مستقیم بازگردانند، اما تلاش آنان کارساز نشد و خلیفه سوم کشته شد. در این ماجرا علی علیه السلام با شناختی که از اوضاع و احوال سیاسی آن زمان و فتنه‌هایی که ممکن بود بعد از کشته شدن عثمان به وجود آید بارها وساطت کرد اما نتیجه مطلوبی به دست نیامد و بالاخره مردم با کشتن عثمان؛ به حکومت او پایان دادند.

دوران خلافت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

پس از کشته شدن عثمان، جو مدینه به شدت متشنج شد. در هر جا سخن از خلیفه آینده بود. مردم مصر، علی علیه السلام را و اهل بصره، طلحه و کوفیان زبیر را معرفی کردند و سرانجام قرعه به نام علی علیه السلام افتاد، اما آن حضرت از پذیرش خلافت با توجه به عللی که ذیلا بیان

ص: ۸۶

می‌شود امتناع می‌ورزید:

- ۱- از بین رفتن زمینه برای اصلاحات و سامان بخشیدن به نظام فروپاشیده سیاسی.
- ۲- فقدان امکانات و نیروهای کارآمد به تعداد کافی برای اداره امور کشور.
- ۳- عدم آمادگی مردم برای پذیرش آرمان‌های اصیل اسلامی از زبان آن حضرت و خو گرفتن با عقاید انحرافی در طول ۲۵ سال حکومت سه خلیفه.
- ۴- نامناسب بودن جو عمومی پس از قتل عثمان به دلیل بی‌خبری و عدم شناخت صحیح مردم از حوادثی که در مدینه رخ داد و منجر به قتل خلیفه شد.

حضرت علی علیه السلام با توجه به آن جو آشفته فرمود: «من به اقتضای آنچه می بینم چنین جوابی دادم و گفتم مرا رها کرده سراغ دیگری بروید و اگر گفته شما را بپذیرم حوادثی (که آن را پیش بینی می کنم) رخ خواهد داد. بنا بر این مرا واگذارید که من نیز چون یکی از شما باشم.» (۱)

سرانجام پافشاری مردم، آن حضرت را به پذیرش خواسته آنان واداشت تا حکومت را (آن گونه که خود می خواست) بپذیرد. (خود آن حضرت در خطبه شقشقیه، علت پذیرفتن حکومت و بیعت مردم را بیان می کند). مردم نیز فریادهای (البیعه، البیعه) که از اعماق

۱- تاریخ طبری، ج ۴، ص ۴۳۴ چاپ مصر.

ص: ۸۷

وجودشان می جوشید سر دادند و حضرت علی علیه السلام رهبری مسلمانان را به عهده گرفت و برای تأمین سعادت همه جانبه جامعه اسلامی، حرکت گسترده ای را آغاز کرد.

اصولی از برنامه حکومتی علی علیه السلام

- ۱- انتخاب کارگزاران لایق برای امور حکومتی و گماردن مأمورانی برای نظارت بر اعمال و گفتار آنان. هرگاه تخلفی از کارگزاران خود می دید آنان را مؤاخذه می کرد. ماجرای عثمان بن حنیف و والی اهواز، شاهد بر این مدعا است.
- ۲- تبعیت از احکام الهی و پافشاری در اجرای آن، که پیش از خلافت به آن اشاره کرده بود. آن حضرت در شورای شش نفره انتخاب سومین خلیفه صریحا اعلام کرد

که او حکومت و خلافت را به شرطی می‌پذیرد که کتاب خدا و سنت پیامبر و آن چه خود بر اساس آن تشخیص می‌دهد مبنای عمل قرار گیرد و چون پیشنهاد دیگران بر اساس عمل بر سیره شیخین بود از قبول آن صرف نظر کرد. پس از قتل عثمان باز همان شرایط را اعلام کرده، می‌فرماید: «واعلموا انی ان اجبتکم رکبت بکم ما اعلم...» (۱)

؛ «بدانید اگر من دعوت شما را (برای خلافت) پذیرفتم آن طور که خودم می‌دانم و می‌فهمم عمل می‌کنم و به توصیه احدی گوش نخواهم داد».

۳- مقدم داشتن قانون و ارزش‌ها بر اصل حکومت، از دیگر اصول

ص: ۸۸

حکومت علی علیه السلام است، زیرا در منطق علی علیه السلام حکومت وسیله تحقق ارزش‌هاست و این طور نیست که ارزش‌ها را فدای حاکمیت چند روزه و حفظ حکومت بدانند.

دوستان خیراندیش به حضور حضرت آمدند و با خلوص نیت و خیرخواهی به آن حضرت پیشنهاد کردند که خود را از درد سر افراد متنفذی که بعضی از آن‌ها از شخصیت‌های اول اسلام هستند (همچون طلحه و زبیر) راحت کند و فعلاً در باره آن‌ها مساوات و برابری را رعایت نکند تا حکومت او قدرت بگیرد. آن حضرت در پاسخ فرمود: «تأمرونی ان اطلب النصر بالجور (۱)؛ آیا شما از من می‌خواهید که پیروزی را به قیمت تبعیض و ستمگری به دست آورم و عدالت را فدای سیاست و سیادت کنم؟! نه سوگند به ذات پروردگار که تا دنیا دنیا است چنین کاری نخواهم کرد».

۴- تأمین آزادی‌های اجتماعی برای مردم از سوی علی علیه السلام بیشتر در زمینه برخورد با خوارج متبلور است. امیرالمؤمنین با آن‌ها با منتهی درجه آزادی رفتار کرد و در عین قدرت، با آنان کاری نداشت و تا زمانی که شمشیر نکشیده بودند، در ردیف

دیگران قرار داشتند و همانند آنان حقوق خود را از بیت‌المال می‌گرفتند.

۵- امتیازات نژادی و تبعیضات قومی، از نظر امام مردود بود و همه مسلمانان از نظر امام مساوی بودند و به طور مساوی از بیت‌المال بهره می‌بردند. قبل از ایشان امتیازات قومی و نژادی فراوان به چشم

۱- همان، خطبه ۱۲۶.

ص: ۸۹

می‌خورد، اما اسلام علی علیه السلام مبتنی بر سیره رسول الله است، هر چند بسیار گران تمام شود. او اجازه نمی‌دهد که دست اندرکاران حکومت، از موقعیت خود نردبانی برای دستیابی به امیال خود و بستگان بسازند. و این برای آن حضرت که آهن گداخته را نزدیک دست برادر خود «عقیل» می‌برد و می‌گوید: «تو می‌خواهی با رسیدن به خواسته خویش، علی را گرفتار آتش عذاب الهی کنی؟» (۱) افتخاری می‌شود که به آن می‌بالیم.

۶- عدالت از دیگر ره آوردهای حکومت علی علیه السلام بود.

سیاست امیرالمؤمنین بر مبنای اصل عدالت پایه ریزی شد و همین امر مشکلات فراوانی را برای آن حضرت ایجاد کرد.

شهید مطری رحمه الله با اشاره به این اصل می‌فرماید: «تبعیض و رفیق بازی، باندسازی و دهان‌ها را با لقمه‌های بزرگ بستن و دوختن، همواره ابزار لازم سیاست قلمداد شده است. اکنون مردی زمامدار و کشتی سیاست را ناخدا شده که دشمن این ابزار است» (۲).

۷- زهد و عدم دل بستگی به مظاهر دنیوی، از برجسته‌ترین ویژگی‌های امام علی علیه

السلام است. استاد مطهری رحمه الله در این باره می فرماید:
 [عدم دلبستگی به دنیا و بی توجهی به زرق و برق آن و هم دردی و شرکت در غم
 دیگران، مخصوصا در مورد پیشوایان امت که چشم‌ها به آنان دوخته است اهمیت به
 سزایی دارد. علی علیه السلام در دوره خلافت بیش

۱- فیض الاسلام، ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۲۱۵

۲- سیری در نهج البلاغه، ص ۱۱۵.

ص: ۹۰

از هر وقت دیگر زاهدانه زندگی می کرد.

به طور کلی محورهای عمده برنامه‌های امیرالمؤمنین عبارت بود از:

۱- انتخاب افراد لایق و متدین و امین برای امور اجرایی کشور؛

۲- اصرار بر اجرای قانون از سوی مسئولان اجرایی؛

۳- حفظ آزادی‌ها و تلاش در احقاق حقوق مردم؛

۴- تلاش برای عمران و آبادی؛

۵- حفظ امنیت کشور؛

۶- تربیت مردم و تبیین ارزش وجودی آنها و شخصیت دادن به آحاد جامعه؛

۷- بسط علم و دانش؛

۸- برخورد با متجاسرین و قانون شکنان و ...

دشمنان علی علیه السلام در سه جبهه

برای شناخت دشمنان علی علیه السلام شناخت جو و شرایط حاکم بر آن زمان و طیف بیعت کنندگان ضروری است. به طور کلی بیعت کنندگان چند دسته بودند:

- ۱- افرادی چون طلحه و زبیر که هدف‌های سیاسی - اقتصادی داشتند.
- ۲- افرادی که انگیزه قومی داشتند و به لحاظ خونی یا پیمان قومی، طرفدار بنی هاشم و بالتبع علی علیه السلام بودند.
- ۳- وفاداران و معتقدان به حضرت.
- ۴- انقلابیونی که از مناطق مختلف آمده بودند و علی رغم خواست علی علیه السلام بر خلیفه سوم شوریده بودند و به دلیل جذبۀ عدالت آن

ص: ۹۱

حضرت، بر گرد ایشان جمع شده بودند.

از آن جا که بیعت کنندگان، یک هدف را دنبال نمی کردند، طبیعی بود برخی از آنان به لحاظ برآورده نشدن آرزوهای شان در مقابل آن حضرت صف آرای می کنند. این افراد به طور عمده سه دسته بودند.

خود آن حضرت می فرماید: «چون به امر خلافت قیام کردم طایفه‌ای بیعت را شکستند (ناکثین) جمعی از دین بیرون رفتند (مارقین) و گروهی دیگر طغیان کردند (قاسطین)»

(۱)

جناح ناکثین

اولین کسانی که در مقابل آن حضرت صف آرای کردند طلحه و زبیر و عایشه بودند حضرت در جلسه‌ای که با طلحه و زبیر دارد چراغ را خاموش می کند و می گوید: «این چراغ به بیت المال تعلق دارد و جز در کارهای مسلمین نباید مورد استفاده قرار گیرد.» آن‌ها عدالت بی انعطاف علی علیه السلام را نپسندیده و همه امیدهای خود را برباد رفته

دیدند.

و حتی دیدند که باید نسبت به اندوخته‌های قبلی خود نیز پاسخ گو باشند، علم خون خواهی عثمان را برافراشتند و ارتشی را سامان دادند و از مکه به سمت بصره حرکت کردند و جنگ جمل را به وجود آوردند.

جناح قاسطین

این گروه مستکبران بی ایمانی بودند که پس از فتح مکه - به

۱- فیض الاسلام، ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۳.

ص: ۹۲

ظاهر - اسلام آوردند. در رأس این گروه معاویه بن ابوسفیان قرار داشت که از طرف خلیفه دوم عهده دار ولایت شام بود. مردم آن سامان که با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حشر و نشر نداشتند اسلام را از دید معاویه می شناختند و حکومت او را نسبت به سلطنت‌های خود کامه پیشینان که دست نشانده ایران یا روم بودند، مطلوب می دیدند. معاویه که در کمک به عثمان سستی کرده بود، حالا کشته شدن عثمان را بهترین فرصت برای نیل به آرزوی دیرینه خود می دانست.

از این رو پیراهن عثمان را در مسجد آویخت و علم خون خواهی برافراشت. آن گاه با جمع کردن افراد کاردان و مطیع (که در بین آنان، شکست خوردگان جمل و سردمدارانی که در زمان عثمان به نوایی رسیده بودند نیز وجود داشتند) سپاهی بزرگ برای جنگ و قیام مسلحانه علیه امیرالمؤمنین علیه السلام فراهم کرد و جنگ صفین را به وجود آورد.

جناح مارقین

در بحبوحه جنگ صفین که چیزی نمانده بود لشکر اسلام به پیروزی نهایی برسد، معاویه با مشورت عمر و عاص به نیرنگی ماهرانه دست زد و دستور داد سپاهیان قرآن‌ها را سر نیزه کنند و مسئله حکمیت قرآن را مطرح کنند بدین وسیله، عده‌ای از سپاهیان ساده اندیش امیرالمؤمنین علیه السلام فریب خورده و از ادامه جنگ دست کشیدند و اعلام نمودند که با قرآن جنگ نخواهند کرد. این عده جاهل و ساده اندیش از ادامه جنگ با معاویه خودداری و امیرالمؤمنین علیه السلام را

ص: ۹۳

به قتل تهدید کردند. این اقدام آنان، معاویه را از شکست قطعی نجات داد. وقتی اشعث بن قیس پیمان متارکه جنگ را بین قبایل می‌خواند مارقین زمزمه جدیدی آغاز کردند و شعار «لا حکم الا لله» را سر دادند و به حضرت علی علیه السلام اعتراض کردند که چرا حکمیت را پذیرفته است.

حضرت علی علیه السلام پاسخ داد که من از اول با توقف جنگ و قبول حکمیت مخالف بودم و این شما بودید که آن را بر من تحمیل کردید و حالا نیز که آن را پذیرفته‌ایم خلاف اسلام عمل نکرده‌ایم، اما آنان اصرار داشتند که قبول حکمیت گناه کبیره است و مرتکب گناه کبیره از دین خارج است و باید توبه کند و خود توبه کردند و از علی علیه السلام نیز خواستند که توبه کند. آنان صف خویش را از علی علیه السلام جدا کردند و به یک فرقه سیاسی با عقاید خاصی تبدیل شدند. آنان به ایجاد مزاحمت برای امام و اهانت به وی پرداختند و سرانجام یاغی شده و بیرون شهر کوفه خیمه زدند و به عنوان طرفداری از اسلام، با ایجاد رعب و وحشت و ترور طرفداران علی علیه السلام پرداختند. هیچ کس از تیررس تکفیر و طغیان و شمشیر آنان در امان نبود. آن‌ها تنها خود را مسلمان می‌دانستند و بقیه مسلمانان را کافر، حتی ازدواج با دیگر مسلمانان

و خوردن گوشتی که به دست آنان ذبح می شد را حرام می دانستند و کشتن آنان را جایز می شمردند.

آنان به صورت علنی شمشیر کشیده، کسانی را که با عقایدشان مخالف بود می کشتند و از کشتن زنان و فرزندان که در رحم داشتند ابا نداشتند.
ص: ۹۴

وقتی شرارت آنان به این حد رسید، علی علیه السلام دیگر درنگ را جایز ندانست و آماده مقابله با آنان شد، ولی ابتدا پرچمی را به عنوان پرچم امان نصب کرد تا آنان که مایلند از افکار و روش خود دست بردارند و به مسلمانان بپیوندند. از جمعیت دوازده هزار نفری آنان، هشت هزار تن زیر پرچم جمع شدند، اما چهار هزار بر موضع خویش اصرار ورزیدند و آن گونه که تاریخ می نویسد، حضرت آنان را در نبرد نهروان از دم شمشیر گذراند و کمتر از ده نفر نجات یافتند که ابن ملجم یکی از این افراد بود. هرچند ترسیم چهره خبیث و پلید این افراد با چند نمونه تاریخی غیر ممکن است، اما شواهد عینی و وجود همین طرز تفکر جاهلانه و مقدس مآبانه در انقلاب و جامعه اسلامی امروز تا اندازه ای ما را در شناخت این جریان، کمک می کند.

سیاست شیطانی معاویه

پس از واقعه نهروان و پیروزی امام در این جنگ، آن حضرت در صدد بود که با سامان بخشیدن به نیروهای موجود و بازگرداندن آرامش به مناطق تحت امر خود، زمینه اجرای منویات و برنامه های زیربنایی خود را آغاز نماید و از طرفی با ایجاد ارتشی منسجم و قوی کار را بر معاویه تنگ گرفته و منطقه شام را از زیر سلطه او خارج سازد، اما نیرنگ و حيله معاویه از یک سو و بی تفاوتی، راحت طلبی، بهانه گیری و ساده اندیشی مردم از سوی دیگر، چنین فرصتی را از آن حضرت سلب کرد. معاویه در این مقطع حساس از تاریخ، سیاست

ص: ۹۵

ایجاد رعب و وحشت، ترور، غارت و ایجاد ناامنی و سلب آسایش مردم را در پیش گرفت و نیروهای قوی و بی باک و خون آشام را در قالب لشگرهایی با فرماندهانی مجرب، روانه مناطق مختلف و سرزمین‌های تحت امر امام علیه السلام کرد که به موارد زیر اشاره می‌شود:

- ۱- ضحاک بن قیس فهری را به فرماندهی سه‌الی چهار هزار نفر برگزید و فرمان داد که به سمت کوفه برود و قبایل تحت امر امام را غارت کند.
 - ۲- بسر بن ارطاه را در رأس سه هزار نفر فرستاد تا راه حجاز و مدینه را در پیش گیرند و به هر جا که رسیدند مردم را به بیعت با معاویه فراخوانند و اگر تن ندادند آنان را بکشند. جنایاتی که بسر، در مدینه، طایف، سرزمین تباله و بنی کنانه، یمن، نجران، صنعا و جیشان مرتکب شد تاریخ را شرمنده کرد. تاریخ می‌نویسد: «بسر در این سفر، سی هزار نفر را کشت و گروهی را در آتش سوزاند.»
 - ۳- سفیان بن عوف غامدی را در رأس لشکر جرار شش هزار نفری به سمت فرات حرکت داد تا به شهر هیبت (که در بالای انبار قرار داشت) برسد و از آن جا به سمت انبار برود و اگر در مسیر خود مقاومتی ندید غارت کنان تا شهر انبار بتازد و اگر در آن جا لشکری ندید، تا به مداین برود و از آن جا به شام باز گردد.
- اخبار و گزارش‌های دردناک و تکان دهنده این وقایع و حوادث تلخ از گوشه و کنار به امام می‌رسید و از آن جا که مردم سخت به دنیا چسبیده بودند، فریادهای آن حضرت در دل سنگ آنان اثر نمی‌گذاشت. آن حضرت پس از شنیدن اخبار غارت‌گری ضحاک، خطبه ۲۹ و هنگام اطلاع از جنایات بسر، خطبه ۲۵ و با شنیدن فجایع

ص: ۹۶

سفیان خطبه ۲۷ را ایراد کردند. (۱)

سرانجام روزی برای آخرین بار خطبه‌ای آتشین ایراد کرد و در مردم شوری به پا

ساخت و اشتیاق به جهاد را در دل آنان زنده کرد.

حضرت در این خطبه فرمود:

«سپاس خدایی را سزااست که سرانجام بندگان و امور جهان به سوی اوست. برادران ما که خون آنان در صفین ریخته شد زبانی نکردند، زیرا چنین روزی را ندیدند تا جام‌های غصه را سر بکشند ...

کجا رفتند برادران من که در راه حق گام برداشتند، و در آن راه جان سپردند! کجاست عمار؟! کجاست ابن تیهان؟! کجاست ذوالشهادتین؟! بندگان خدا! جهاد به پا دارید. من امروز اردو می‌زنم و هر کس که خواهان رفتن به میدان جهاد است آماده رفتن شود.»
 نوف بکالی می‌گوید: پس از آن، حسین علیه السلام را بر ده هزار تن، قیس ابن سعد را بر ده هزار، ابو ایوب انصاری را بر ده هزار و دیگران را به فرماندهی گروه‌های دیگر گمارد و اراده بازگشت به صفین داشت (که با اهل شام و در رأس آن با معاویه بجنگد) اما هنوز صبح نشده بود که ابن ملجم، حضرت را در محراب از پای درآورد. لشگریان باز گشتند و ما چون گوسفندانی بودیم که شبان خود را گم کرده باشند و از هر طرف طعمه گرگان شده باشند.» (۲)

در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان افطار را میهمان دخترش «ام کلثوم» بود. هنگام افطار سه لقمه غذا خورد و سپس به عبادت پرداخت.

۱- شماره خطبه‌ها براساس نهج البلاغه فیض الاسلام تنظیم شده است.

۲- فیض الاسلام، ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۱۸۱.

را می‌نگریست و هر چه طلوع فجر نزدیک‌تر می‌شد تشویش آن حضرت بیشتر می‌شد و می‌فرمود: «به خدا قسم نه من دروغ می‌گویم و نه آن کسی که به من خبر داده دروغ گفته است. این است شبی که به من وعده داده‌اند و شهادت من در همین شب است.» و سرانجام آن شب هولناک به پایان رسید و علی علیه السلام در تاریکی سحر برای ادای نماز صبح به سوی مسجد حرکت کرد. امام وارد مسجد شد و به نماز ایستاد و تکبیر افتتاح گفت و پس از قرائت به سجده رفت. در این هنگام ابن ملجم در حالی که فریاد می‌زد: «لله الحکم لا لک یا علی» با شمشیر زهرآلود ضربتی بر سر مبارک علی علیه السلام وارد آورد. از قضا این ضربت بر محلی اصابت کرد که سابقاً شمشیر عمرو بن عبدود بر آن وارد شده بود و فرق مبارک آن حضرت را تا پیشانی شکافت. ایمان و امان و مذهبش بود نماز در وقت عروج مرکبش بود نماز هنگام که هنگامه آن کار رسید چون بوسه میان دولبش بود نماز خون از سر علی در محراب جاری شد و محاسن شریفش را رنگین کرد. در این حال فرمود: «فزت و ربّ الکعبه (۱)؛ به خدای کعبه سوگند که رستگار شدم.» (۲)

فتح مکه

اشاره

سرگذشت «فتح مکه»، از فرازهای خواندنی و شیرین تاریخ اسلام و در عین حال آموزنده و روشنگر اهداف مقدس پیامبر اسلام، و روشن‌کننده اخلاق و رفتار نیکوی آن حضرت است. در این فصل از تاریخ، راستگوئی و وفاداری پیامبر و پیروان وی به کلیه موادی که در قرارداد «حدیبیه» امضاء کرده بودند، روشن می‌گردد.

و در برابر آن، نفاق و خیانت مشرکان قریش در اجراء مواد صلحنامه، آشکار می شود. بررسی این قسمت از تاریخ، کاردانی و حسن تدبیر و سیاست خردمندانه پیامبر را در گشودن آخرین و سخت ترین دژ دشمن ثابت می نماید. گوئی این مرد آسمانی، پاسی از عمر خود را در یکی از دانشگاه های بزرگ نظامی گذرانده بود، که بسان یک فرمانده توانا نقشه فتح را، آنچنان طرح و ترسیم نمود که بدون رنج و مشقت، بزرگترین پیروزی نصیب مسلمانان گردید.

در این جریان تاریخی، چهره انسان دوست و پرمهر پیامبر به جان

۱- جعفر سبحانی، فروغ ولایت، ص ۶۹۷-۶۹۵.

۲- مطالب ص ۷۸ تا اینجا از مقاله آقای نادعلی صالحی از کتاب ره توشه ماه رمضان ۱۳۷۵ ه. ش. گرفته شده است.

ص: ۹۸

ص: ۹۹

و مال دشمنان خون آشام خود، روشن می گردد. و خواهیم دید که آن مرد بزرگ، با روشن بینی خاصی پس از پیروزی عظیم، جنایات قریش را نادیده گرفت، و عفو عمومی را اعلام نمود. اینک آغاز مطلب:

در سال هشتم هجرت، قراردادی میان سران قریش و پیامبر بسته شد، که به امضاء طرفین رسید. ماده سوم آن حاکی از این بود که:

مسلمانان و قریش می توانند با هر قبیله ای پیمان ببندند. براساس این ماده، قبیله «خزاعه» با مسلمانان هم پیمان شدند و پیامبر اسلام دفاع از آب و خاک و جان و مال آنان را به عهده گرفت: و قبیله «بنی کنانه» که از دشمنان دیرینه قبیله «خزاعه» و هم مرز آنان

بودند، با قریش هم‌پیمان گشتند. این جریان، با بستن یک قرارداد صلح دهساله که حافظ امنیت اجتماعی و صلح عمومی در نقاط عربستان بود، پایان پذیرفت. طبق این قرارداد، طرفین نباید بر ضد یکدیگر قیام مسلحانه نمایند، و یا هم‌پیمانان خود را بر ضد هم‌پیمان طرف مقابل، تحریک کنند. دو سال از آغاز این قرارداد گذشت، و طرفین در صلح و رفاه، و امنیت بسر می‌بردند؛ تا آنجا که مسلمانان در سال بعد با کمال آزادی، به زیارت خانه خدا رفته و مراسم مذهبی و وظائف اسلامی خود را در برابر دیدگان هزاران دشمن بت پرست انجام دادند.

پیامبر در ماه «جمادی الاولی» سال هشتم، یک‌هنگ سه هزار نفری را به فرماندهی سه تن از افسران ارشد اسلام، به کرانه‌های شام برای سرکوبی عمال روم - که مبلغان بی‌پناه اسلام را ناجوانمردانه کشته بودند - اعزام نمود. سپاه اسلام در این مأموریت اگرچه جان

به

ص: ۱۰۰

سلامت بردند، و فقط سه افسر و چند سرباز بیش کشته ندادند؛ ولی با پیروزی چشمگیری که از مجاهدان اسلام انتظار می‌رفت، باز نگشتند، و عملیات آنها بیشتر به حالت «جنگ و گریز» شباهت داشت. انتشار این خبر در میان سران قریش، موجب جرأت و جسارت آنان گردید.

آنان تصور کردند که نیروی نظامی اسلام به ضعف و ناتوانی گرائیده، و مسلمانان روح سلحشوری و سربازی را از دست داده‌اند. از این نظر، تصمیم گرفتند که محیط صلح و آرامش را بهم بزنند. نخست در میان قبیله «بنوبکر» (۱) اسلحه پخش کرده و آنان را تحریک کردند، که شبانه به قبیله «خزاعه» - که با مسلمانان هم‌پیمان بودند - حمله ببرند و گروهی را کشته و دسته‌ای را اسیر کردند. حتی به این نیز اکتفا نکرده، دسته‌ای از قریش شبانه در جنگ بر ضد «خزاعه» شرکت کردند. و از این طریق پیمان «حدیبیه» را زیرپا نهاده؛ صلح و آرامش دوساله را به نبرد و خونریزی تبدیل کردند.

در نتیجه این حمله شبانه، گروهی از قبیله خزاعه که در بستر خواب آرمیده و یا در حالت عبادت بودند، کشته شده، و دسته‌ای اسیر گردیدند. عده‌ای نیز خانه و آشیانه را ترک گفته، و به مکه - که سرزمین «امنی» برای عرب به شمار می‌رفت - پناه بردند. آوارگانی که به مکه آمده بودند، به خانه «بدیل بن ورقاع» (۲) رفته، سرگذشت جانگداز قبیله خویش را تشریح نمودند.

۱- ر

۲- بدیل، یکی از شخصیت‌های بزرگ و سالخورده قبیله خزاعه بود که در مکه‌زندگی می‌کرد و در آنروز ۹۷ سال داشت - «امالی طوسی» / ۲۳۹.

ص: ۱۰۱

ستم‌دیدگان خزاعه برای اینکه ندای مظلومیت خود را به گوش پیامبر برسانند، رئیس قبیله خود «عمر و سالم» را خدمت پیامبر فرستادند. او وارد مدینه شد و یکسره به مسجد آمد و در میان مردم ایستاد. اشعار جانسوزی را که حاکی از مظلومیت و استغاثه قبیله «خزاعه» بود، با آهنگ خاصی قرائت کرد و پیامبر را به احترام آن پیمانی که با قبیله خزاعه بسته بود سوگند داد؛ و او را دعوت به کمک گرفتن خون‌مظلومان نمود و در پایان اشعار خود، چنین گفت:

هم بیتونا بلوتیر هجداً (۱) و قتلونا رکعا و سجّداً

ای پیامبر خدا! مشرکان قریش، امضاء کنندگان متار که جنگ به مدت دهسال، نیمه شب در حالی که گروهی از ما در کنار آب «وتیر» خواب بودیم و دسته‌ای در دل شب در حال پرستش و رکوع و سجود بودند، بر سر این جمعیت بی‌پناه غیر مسلح ریخته، آنها را قتل عام کردند. این شاعر جمله زیر را به منظور تحریک عواطف و روح

سلحشوری مسلمانان، زیاد تکرار می کرد و گفت:

قُتِلْنَا وَقَدْ اسْلَمْنَا: یعنی در حالی که مسلمان بودیم، قتل عام شدیم.

اشعار عاطفی و تحریک آمیز رئیس قبیله، کار خود را کرد. پیامبر در برابر انبوهی از مسلمانان رو به عمرو نمود و گفت: «نُصِرْتُ يَا عَمْرُو سَالِمًا»، یعنی: ای عمرو ترا کمک خواهم کرد. این وعده قطعی، آرامش

۱- «وتیر»، آبگاهی در پایین «مکه» برای قبیله «خزاعه» بود. و «هجد»، جمع «ههاجد» به معنی خفته‌ها و گاهی به معنی «بیدارها» نیز به کار می‌رود، و در حقیقت کلمه از «اضداد» است

ص: ۱۰۲

عجیبی به «عمرو» بخشید، زیرا او یقین کرد که پیامبر در این نزدیکی انتقام قبیله خزاعه را از قریش که مسبب واقعی جریان بودند خواهد گرفت؛ ولی هرگز تصور نمی‌کرد که این کار با فتح و برانداختن حکومت ظالمانه قریش صورت خواهد گرفت. چیزی نگذشت که «بدیل و رقاء»، با گروهی از قبیله خزاعه برای استمداد، خدمت پیامبر رسیدند، و همکاری «قریش» را با بنی بکر در کوبیدن و کشتن جوانان خزاعه به عرض پیامبر رسانیدند، و سپس راه مکه را در پیش گرفتند.

جاسوسی به دام افتاد

پیامبر اسلام برای فتح مکه و گشودن محکمترین دژهای بت پرستی، و برانداختن حکومت ظالمانه قریش - که بزرگترین سد در راه پیشرفت آئین توحید بود - بسیج عمومی اعلام کرد. او از خداوند خواست که جاسوسان قریش از حرکت مسلمانان

آگاه نشوند. در آغاز ماه رمضان، از اطراف و اکناف، سپاهیان انبوهی در «مدینه» جمع شدند که تاریخ نگاران خصوصیات آن را چنین می‌نگارند:

مهاجران، هفتصد نفر با سیصد اسب و سه پرچم.
 انصار، چهار هزار نفر با هفتصد اسب و پرچم‌های بیشتر.
 قبیله مزینه، هزار نفر با صد اسب و صد زره و سه پرچم.
 قبیله اسلم، با چهارصد نفر با سی اسب و دو پرچم.
 قبیله جهینه، هشتصد نفر با پنجاه اسب و چهار پرچم.
 قبیله بنی کعب، پانصد نفر با سه پرچم.

ص: ۱۰۳

و باقیمانده سپاه را افراد قبیله‌های غفار، اشجع و بنی سلیم تشکیل می‌دادند. (۱)

ابن هشام می‌گوید: کلیه سپاهیان اسلام به ده هزار نفر می‌رسیدند.
 آنگاه می‌افزاید:

از بنی سلیم هفتصد و برخی می‌گویند هزار نفر، از بنی غفار چهارصد نفر، از اسلم چهارصد نفر، از «مزینه» هزار و سیصد نفر و باقیمانده از مهاجر و انصار و هم‌پیمانان آنان و گروهی از قبائل تمیم و قیس و اسد بودند.

برای عملی ساختن این موضوع، تمام طرق و شوارعی که منتهی به مکه می‌گردید، تحت مراقبت مأموران حکومت اسلام قرار گرفت، و رفت و آمد، شدیداً تحت کنترل درآمد.

پیامبر حرکت می‌کند

برای رعایت اصل «غافلگیری»، تا لحظه فرمان حرکت، وقت حرکت و مسیر و مقصد برای کسی روشن نبود. روز دهم ماه رمضان سال هشتم هجرت، فرمان حرکت صادر

گرددید. البته فرمان آماده باش به کلیه مسلمانان مدینه و حوالی آن قبلا داده شده بود. روزی که پیامبر از «مدینه» خارج شد، مردی را به نام «ابورهم» غفاری نماینده خود در مدینه قرار داد، و در نزدیکی مدینه از سپاه خود سان دید. وقتی حضرتش، کمی از مدینه فاصله گرفت، در نقطه‌ای به

۱- «مغازی واقدی»، ج ۲ / ۷۷۹ - ۸۰۰

ص: ۱۰۴

نام «کدید» آبی خواست و روزه خود را افطار نمود، و به همه دستور داد که افطار کنند. گروه زیادی افطار کردند، ولی عده کمی تصور کردند که اگر روزه بگیرند و با دهن روزه جهاد نمایند، پاداش آنها افزون‌تر خواهد بود. از این نظر از شکستن روزه خودداری نمودند.

این افراد ساده لوح، تصور نکردند که پیامبری که دستور روزه در ماه رمضان را داده، همان پیامبر نیز دستور افطار داده است. اگر او رهبر سعادت و راهنمای حق می‌باشد، در هر دو حالت و در هر دو فرمان، خواهان سعادت و نیک فرجامی مردم است و تبعیض در دستورهای او نیست. پیامبر از امتناع این دسته ناراحت شد و فرمود:

آنان گروه گناهکار و سرکش می‌باشند. (۱)

یک چنین سبقت و پیشی‌گیری بر پیامبر، یک نوع انحراف از حق و حاکی از عدم ایمان کامل این عده به پیامبر و شریعت او است.

از این نظر، قرآن چنین افرادی را ملامت کرده و می‌گوید: «یا ایها الذین آمنوا لا تقدّموا بین یدی اللّٰه و رسوله» (۲) یعنی: ای افراد باایمان! بر خدا و پیامبر او سبقت نگیرید. عباس بن عبدالمطلب، از مسلمانان مقیم مکه بود که به دستور پیامبر در مکه اقامت

گزیده و پیامبر را از تصمیمات قریش آگاه می‌ساخت. او پس از جنگ «خیبر»، تظاهر به اسلام می‌نمود، ولی روابط او با سران قریش محفوظ بود. او تصمیم گرفت که به عنوان

۱- «وسائل الشیعه»، ج ۷/ ۱۲۴؛ «سیره حلبی»، ج ۳/ ۹۰.

۲- سوره حجرات / ۱.

ص: ۱۰۵

یکی از آخرین خانواده‌های مسلمان، مکه را ترک گوید و در مدینه اقامت گزیند. در همان روزهایی که پیامبر عازم مکه بود؛ او به سمت مدینه حرکت کرده و در نیمه راه، در سرزمین «جحفه» با پیامبر ملاقات نمود. وجود عباس در فتح مکه بسیار سودمند و به نفع طرفین تمام گردید، و اگر او نبود شاید فتح مکه بدون مقاومت قریش صورت نمی‌گرفت.

از این نظر، هیچ بعید نیست که حرکت او به دستور پیامبر بوده، تا در این بین نقش اصلاح طلبانه خود را ایفا کند.

تاکتیک جالب ارتش اسلام

«مرّ الظهران»، در چند کیلومتری مکه قرار دارد. پیامبر، با کمال مهارت اردوی ده‌هزار نفری خود را تا کرانه‌های مکه رهبری نمود؛ در حالی که قریش و جاسوسان آنها و کسانی که به نفع آنها فعالیت می‌کردند، هرگز از حرکت سپاه آگاهی نداشتند. پیامبر برای ایجاد رعب و هراس در دل مردم مکه، و برای اینکه اهالی بدون مقاومت سر تسلیم فرود آورند، و این دژ بزرگ و مرکز بزرگ و مقدس بدون خونریزی فتح

گردد؛ دستور داد، که سربازان اسلام در نقاط مرتفع آتش افروزند. و برای ایجاد ترس بیشتر، دستور داد هر فردی به طور مستقل آتش افروخته، تا نواری از شعله‌های آتش؛ کلیه کوهها و نقاط مرتفع را فراگیرد، قریش و هم‌پیمانان آنان، در خواب غفلت فرو رفته بودند. از طرف دیگر، زبانه‌های آتش و شعله‌های آن - که کلیه نقاط مرتفع را به صورت توده آتشی در آورده، و به بیوت و خانه‌های اهل

ص: ۱۰۶

مکه روشنائی بخشیده بود - رعب و وحشتی در دل آنها افکند، و توجه آنها را بسوی نقاط مرتفع جلب نمود.

در این لحظه، سران قریش مانند «ابوسفیان بن حرب» و «حکیم ابن حزام»، که برای تحقیق از مکه بیرون آمده به جستجو پرداختند.

«عباس بن عبدالمطلب»، که از «جحفه» ملازم رکاب پیامبر بود، با خود فکر کرد که اگر اردوی اسلام با مقاومت قریش روبرو شوند؛ گروه زیادی از قریش کشته خواهد شد. پس چه بهتر، نقشی را ایفاء کند که به نفع طرفین تمام گردد و قریش را وادار به تسلیم نماید.

او بر استر سفید پیامبر سوار شد، و شبانه راه مکه را در پیش گرفت، تا محاصره مکه را بوسیله سپاه اسلام به سمع سران قریش برساند و آنها را از فزونی سپاه اسلام؛ و روح سلحشوری آنان، آگاه سازد، و به آنها بفهماند که چاره‌ای جز تسلیم نیست. او از دور مذاکره «ابوسفیان» و «بدیل و رقاء» را شنید که به یکدیگر چنین می‌گفتند: ابوسفیان: من تا کنون آتشی به این فزونی و سپاهی به این فراوانی ندیده‌ام. بدیل بن و رقاء: آنان قبیله «خزاعه» هستند که برای نبرد آماده شده‌اند. ابوسفیان: خزاعه کمتر از آنند که چنین آتشی روشن کنند، و چنین اردویی تشکیل دهند.

در این بین عباس سخنان آنان را قطع کرد و ابوسفیان را صدا زد و گفت: «ابو حنظله!»
(ابو حنظله کنیه ابوسفیان بود). ابوسفیان فوراً

ص: ۱۰۷

صدای عباس را شناخت و گفت: «ابوالفضل» (کنیه عباس است) چه می گوئی؟، عباس گفت: به خدا سوگند این شعله‌ها و آتش‌ها مربوط به سربازان محمد است. او با سپاه بس نیرومندی به سوی قریش آمده، و هرگز قریش تاب مقاومت آن را ندارند. سخنان عباس، لرزه شدیدی بر اندام ابی سفیان افکند، و در حالی که بدنش می لرزید و دندانهایش بهم می خورد، رو به عباس کرد و گفت: پدر و مادرم فدای تو چاره چیست؟

گفت چاره اینست که همراه من به ملاقات پیامبر بیائی و از او امان بخواهی، و گرنه جان همه قریش در خطر است. سپس او را بر ترک استر سوار کرد و به جانب اردوی اسلام روانه گردید. و آن دو نفر (بدیل بن ورقاء و حکیم بن حزام) که همراه ابوسفیان برای تفتیش حال آمده بودند؛ بسوی مکه باز گشتند.

ابوسفیان در حضور پیامبر

وقتی چشم پیامبر به ابوسفیان افتاد گفت: آیا وقت آن نشده است که بدانی جز خدای یگانه خدائی نیست؟! ابوسفیان در پاسخ وی گفت:

پدر و مادرم فدای تو باد چقدر بردبار و کریم و با بستگان خود مهربانی؟ من اکنون فهمیدم که اگر خدائی جز او بود تا کنون به سود ما کاری انجام می داد. پیامبر پس از اقرار وی به یگانگی خدا افزود، که آیا وقت آن نشده که بدانی من پیامبر خدا هستم؟! ابوسفیان جمله قبلی را تکرار کرده گفت: چقدر تو بردبار و کریمی و با خویشاوندان مهربانی! من در رسالت شما فعلاً در فکر و اندیشه هستم. «عباس»، از تردید و

ص: ۱۰۸

شک ابوسفیان ناراحت شد و گفت: اگر اسلام نیاوری جانم در خطر است. هر چه زودتر به یگانگی خدا و رسالت محمد گواهی بده. ابوسفیان اقرار و اعتراف به یگانگی و رسالت حضرت رسول نمود و در سلک مسلمانان درآمد.

اگرچه ابوسفیان، در محیط رعب و ترس ایمان آورد و این طرز ایمان هیچ گاه مورد نظر و هدف پیامبر اسلام و آئین وی نبود؛ ولی مصالحتی ایجاب می کرد، که به هر نحوی باشد ابوسفیان در سلک مسلمانان درآید، تا بزرگترین مانع از سر راه گرایش مردم مکه به اسلام برداشته شود. زیرا افرادی مانند ابوسفیان و ابوجهل و عکرمه و صفوان بن امیه و ... سالیان درازی بود که محیطی پر از رعب و وحشت به وجود آورده بودند و کسی جرأت نمی کرد در باره اسلام فکر کند، و یا تمایلات خود را ابراز نماید. اگر اسلام ظاهری ابوسفیان، برای او مفید نبود، برای پیامبر اسلام و افراد دیگری که تحت سیطره او قرار گرفته و رابطه خویشاوندی با او داشتند، بسیار مفید و سودمند بود. با این حال، پیامبر دستور آزادی ابوسفیان را صادر نکرد، زیرا از تحریکات وی تا قبل از فتح مکه، مطمئن نبود. از اینرو، به عباس دستور داد - که برای جهتی که بعداً خواهیم گفت - او را در تنگنای دره ای نگاه دارد. عباس رو به پیامبر نموده، گفت: ابوسفیان که ریاست و عظمت را دوست دارد، اکنون که کارش به اینجا رسیده، برای او در این جریان مقامی مرحمت بفرما.

با اینکه ابوسفیان در طول بیست سال، بزرگترین ضربه ها را بر اسلام و مسلمانان وارد ساخته بود، با این وصف پیامبر روی مصالحتی،

ص: ۱۰۹

به ابوسفیان مقامی داد و جمله تاریخی خود را که حاکی از یک جهان، بزرگی روح است، به این صورت بیان کرد:

«ابوسفیان می تواند به مردم اطمینان دهد که هر کس به محیط مسجدالحرام پناهنده شود، و یا سلاح به زمین بگذارد و بی طرفی خود را اعلام کند، و یا در خانه اش را ببندد، و یا به خانه ابی سفیان پناه ببرد، (و بنا به نقلی: یا به خانه حکیم بن حزام برود)، از تعرض ارتش اسلام محفوظ خواهد ماند».^(۱)

مکه بدون خونریزی تسلیم می شود

اردوی باشکوه اسلام تا چند کیلومتری «مکه» پیشروی کرده بود. پیامبر تصمیم داشت که شهر را بدون مقاومت و خونریزی فتح کند؛ و دشمن بدون قید و شرط تسلیم گردد. از عواملی که به تحقق این هدف - علاوه بر مسأله «استتار» و «اصل غافلگیری» - کمک شایانی نمود؛ این بود که عباس عموی پیامبر بعنوان خیرخواهی برای قریش به سوی مکه رفت، و ابوسفیان را به اردوگاه اسلام آورد، و سران قریش بدون ابوسفیان نمی توانستند، تصمیم قاطعی بگیرند. هنگامی که او در برابر عظمت بی سابقه پیامبر اسلام، سر تسلیم فرود آورد و ابراز ایمان نمود، پیامبر خواست از وجود او برای ارباب

۱- «سیره ابن هشام»، ج ۲ / ۴۰۰-۴۰۴؛ «مجمع البیان»، ج ۱۰ / ۵۵۴-۵۵۶؛ «مغازی و اقدی»، ج ۲ / ۸۱۶-۸۱۸؛ «شرح ابن ابی الحدید»، ج ۱۷ / ۲۶۸.

مشرکان، حداکثر استفاده را بنماید. از این نظر، دستور داد عباس، ابوسفیان را در تنگنای دره بازداشت کند تا واحدهای ارتش نو بنیاد اسلام، با تجهیزات و ساز و برگ

خود، در برابر او رژه روند، و او در روز روشن از قدرت نظامی اسلام آگاه گردد، و پس از بازگشت به مکه، مردم را از قدرت ارتش اسلام بترساند، و آنها را از فکر مقاومت باز دارد.

عظمت واحدهای ارتش اسلام آن چنان «ابوسفیان» را مرعوب خود ساخته بود که بی اختیار رو به عباس کرد و گفت: هیچ قدرتی نمی تواند در برابر این نیروها مقاومت کند، عباس! سلطنت و ریاست برادرزاده تو خیلی اوج گرفته است. عباس برگشته با قیافه توبیخ آمیز گفت: سرچشمه قدرت برادرزاده من، نبوت و رسالتی است که از طرف خدا دارد و هرگز مربوط به قدرتهای ظاهری و مادی نیست. پیامبر مصلحت دید که ابوسفیان را آزاد نماید، تا او به موقع قبل از ورود نیروها و واحدهای ارتش اسلام، به مکه رفته؛ اهالی را از قدرت فوق العاده مسلمانان آگاه سازد، و راه نجات را به آنها نشان بدهد. زیرا تنها مرعوب ساختن مردم، بدون نشان دادن راه نجات، هدف پیامبر را عملی نمی ساخت.

ابوسفیان وارد شهر گردید. مردم که شب گذشته در اضطراب و وحشت بسر برده بودند، و بدون هم فکری وی نمی توانستند تصمیمی بگیرند؛ دور او حلقه زدند. او با رنگ پریده و بدن لرزان، در حالی که به سوی مدینه اشاره می کرد، رو به مردم کرد و گفت:

ص: ۱۱۱

واحدهائی از ارتش اسلام که هیچ کس را تاب مقاومت آنان نیست، شهر را محاصره کرده اند و چند لحظه دیگر وارد شهر می گردند. پیشوای آنان «محمد»، به من قول داده که هر کس به مسجد و محیط کعبه پناه ببرد، و یا اسلحه به زمین گذارد، در خانه خود را به عنوان بی طرفی ببندد، و یا وارد خانه من و یا خانه «حکیم حزام» گردد؛ جان و مال او محترم و از خطر مصون است.

پیامبر به این نیز اکتفاء نکرد. پس از ورود به مکه علاوه بر پناهگاههای سه گانه،

پرچمی به دست «عبدالله خثعمی» داد و فرمود که فریاد کند: هر کس زیر پرچم او گرد آید در امان است. (۱)

«ابوسفیان» با این پیام، آنچنان روحیه مردم مکه را تضعیف نمود که اگر فکر مقاومت در دستهای نیز وجود داشت به کلی از بین رفت و کلیه مقدماتی که از شب گذشته، با اقدامات عباس صورت گرفته بود، به ثمر رسید، و در نظر واقع بینان، فتح مکه آنهم بدون مقاومت قریش امری مسلم گردید. مردم وحشت زده هر کدام به نقطه‌ای پناه بردند، و گریز و فرار در شهر به راه افتاد، و دشمن شماره یک اسلام، بر اثر نقشه خردمندان پیامبر، بزرگترین خدمت را به ارتش اسلام نمود.

در این میان، زن ابوسفیان، «هند»، مردم را به مقاومت دعوت نمود، و سخنانی رکیک نثار همسرش می کرد. کار از کار گذشته، و هرگونه داد و فریادی مشت بر سندان بود. گروهی از سران افراطی، مانند «صفوان امیه» و «عکرمه بن ابی جهل» و «سهیل بن عمرو»

۱- «امتاع الاسماع»، ج ۱ / ۳۷۹.

ص: ۱۱۲

(قهرمانان و نماینده مخصوص قریش در صلح حدیبیه)، سوگند یاد کردند که از ورود نیروهای اسلام به شهر جلوگیری کنند؛ و گروهی فریب آنان را خورده، با شمشیرهای برهنه راه را به روی نخستین واحد ارتش اسلام بستند.

نیروهای نظامی اسلام وارد شهر می شوند

پیش از آنکه نیروهای اسلام وارد شاهراههای مکه شوند، پیامبر تمام فرماندهان را احضار کرد و فرمود: تمام کوشش من این است که فتح مکه بدون خونریزی صورت گیرد. از این نظر، از کشتن افراد غیر مزاحم باید خودداری نمود، ولی باید ده نفر به نامهای «عکرمه بن ابی جهل» و «هبار بن الاسود» و «عبدالله بن سعد ابیسرح» و «مقیس حبابه لیشی» (۱) و «حویرث بن نقیذ» و «عبدالله ابن الزبیری» و «حارث بن طلاله» و چهار زن که هر کدام از این ده نفر مرتکب قتل و جنایت شده و یا آتش افروز جنگهای گذشته بودند؛ در هر کجا دستگیر شوند بلافاصله اعدام گردند. (۲)

تمام واحدها بدون نبرد و جنگ وارد شهر شدند و دروازه‌ها به روی آنها باز بود؛ جز در مسیر واحدی که خالد بن ولید فرماندهی آن را در اختیار داشت، دسته‌ای به تحریک عکرمه و صفوان، و سهیل به نبرد پرداختند و با پرتاب کردن تیر و شمشیر، بسوی آنان ابراز مقاومت

۱- یا «صبابه»، چنانکه تاریخ الخمیس در ج ۲ ص ۹۳ ضبط کرده است

۲- «سیره ابن هشام»، ج ۲ / ۴۰۹؛ «تاریخ الخمیس»، ۲ / ۹۰-۹۴.

ص: ۱۱۳

کردند؛ ولی با دادن دوازده یا سیزده کشته محرکان متواری گردیدند، و دیگران پا به فرار گذاردند. (۱)

شکستن بتها! شست و شوی کعبه

شهر مکه که سالیان درازی پایگاه شرک و بت پرستی بود، در برابر نیروهای چشمگیر توحید، تسلیم گردید، و همه نقاط شهر در تصرف سربازان اسلام درآمد. پیامبر

لحظه‌ای چند، در خیمه‌ای که مخصوص آن حضرت بود و در نقطه‌ای به نام «حجون» زده بودند، استراحت نمود. سپس در حالی که سوار شتر بود، برای زیارت و طواف خانه خدا رهسپار مسجدالحرام گردید.

در نخستین دور طواف، متوجه بت‌های بزرگی به نام «هَبَل» و «اساف» و «نائله» گردید، که بالای در کعبه نصب کرده بودند. و با نیزه‌ای که در دست داشت، ضربه محکمی بر آنها زد، و آنها را روی زمین افکند. و این آیه را خواند: «قل جاء الحقّ و زهق الباطل، إنّ الباطل كان زهوقاً»: یعنی: حق با شکوه و پیروزمندانه جلوه کرد، و باطل محو و نابود گردید، حقا که باطل از نخست بی‌اساس بود. «هبل» در برابر دیدگان مشرکان به دستور پیامبر شکسته گردید. این بت بزرگی که سالیان دراز بر افکار مردم شبه جزیره حکومت می‌کرد، در برابر دیدگان آنها سرنگون گردید. «زبیر» به عنوان مسخره رو به ابی سفیان کرد و

۱- «سیره ابن هشام»، ج ۲/ ۴۰۸؛ و به نقل واقدی ج ۲/ ۸۲۵-۸۲۶، بیست و هشت کشته داشتند.

ص: ۱۱۴

گفت: «هبل» این بت بزرگ شکسته شد!!

«ابوسفیان»، با کمال ناراحتی به زبیر گفت: دست بردار، و ما را رها ساز. اگر از «هبل» کاری ساخته بود، سرانجام کار ما این نبود و فهمید که مقدرات آنها به دست آن نبود.

علی علیه السلام بر دوش پیامبر صلی الله علیه و آله

محدثان و تاریخ نگاران می گویند:

قسمتی از بت‌های منصوب بر داخل کعبه، و یا بیرون آن، به وسیله علی علیه السلام سرنگون شد. پیامبر به علی فرمود: علی! بنشین تا من بردوش تو قرار گیرم، و بتها را سرنگون کنم. علی در حالی که کنار دیوار کعبه قرار گرفته بود، پیامبر را بردوش گرفت ولی احساس سنگینی و ضعف نمود. پیامبر از وضع علی آگاه شد، دستور داد که علی بردوش او قرار گیرد. علی بردوش پیامبر قرار گرفت و بت بزرگ قریش را که از مس بود، بر زمین افکند. آنگاه به انداختن دیگر بت‌ها پرداخت. (۱)

شاعر سخنور «حله»، و «ابن العرنس» که از شاعران قرن نهم اسلامی است؛ در قصیده خود پیرامون این فضیلت چنین می گوید:

و صعود غارب احمد فضل له دون القرابه والصحابه افضلا

صعود علی بردوش احمد، فضیلتی است برای او. این فضیلت، غیر

۱- مدارک این فضیلت تاریخی، در کتاب «الغدیر»، ج ۷/ ۱۰-۱۳، وارد شده است.

ص: ۱۱۵

از خویشاوندی و هم‌نشینی است.

پیامبر دستور داد درب کعبه را باز کردند، و در حالی که دستهای خود را بر چهار چوبه‌های درب گذارده بود، و همه مردم قیافه نورانی و جذاب او را می‌دیدند؛ رو به مردم کرده چنین گفت: «الحمد لله الذی صدق و عدّه و نصر عبده و هزم الأحزاب و حده»: سپاس خدائی را که بو وعده خود عمل نمود و بنده خود را کمک کرد، و دشمنان را به تنهائی سرکوب ساخت.

سکوت تامی بر محوطه مسجد و بیرون آن، حکفرما بود. نفسها در سینه‌ها حبس، و

افکار و تصورات مختلفی بر مغز و عقل مردم حکومت می کرد. مردم مکه در این لحظات به یاد آن همه ظلم و ستم و بیدادگریهای خود افتاده، فکرهای مختلفی می کردند.

اکنون گروهی که چند بار با پیامبر به نبرد خونین برخاسته، و جوانان و یاران او را به خاک و خون کشیده‌اند، و سرانجام هم تصمیم گرفته بودند که شبانه به خانه بی پناه او بریزند، او را ریزه ریزه کنند؛ در چنگال قدرت پیامبر گرفتار شده، و پیامبر می تواند از آنان همه نوع انتقام بگیرد.

این مردم با تذکر جرائم بزرگ خود، به یکدیگر می گفتند: لابد همه ما را از دم تیغ خواهد گذراند. یا گروهی را کشته، و گروهی را بازداشت خواهد نمود و زنان و اطفال ما را به اسارت خواهد کشید.

آنان گرفتار افکار مختلف شیطانی بودند که ناگهان پیامبر با جمله‌های زیر سکوت آنها را شکست و چنین گفت: ماذا تقولون؟! و

ص: ۱۱۶

ماذا تقولون؟! یعنی: چه می گوئید و در باره من چگونه فکر می کنید، مردم بهت زده و حیران و بیمناک، همگی با صدای لرزان و شکسته روی سوابق و عواطف بزرگی که از پیامبر داشتند، گفتند: ما جز خوبی و نیکی چیزی در باره تو نمی اندیشیم؛ ترا برادر بزرگوار خویش؛ و فرزند برادر بزرگوار خود می دانیم. پیامبر که بالطبع رؤف و مهربان و باگذشت بود وقتی با جمله‌های عاطفی و تحریک آمیز آنان روبرو گردید؛ چنین گفت:

من نیز همان جمله‌ای را که برادرم یوسف به برادران ستمگر خود گفت؛ بشما می گویم: لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ؛ «امروز بر شما ملامتی نیست. خدا گناهان شما را می آمرزد، او ارحم‌الراحمین است.» (۱)

پیامبر عفو عمومی اعلام می کند

پیامبر عفو عمومی را به شرح زیر آغاز کرد و گفت: شما مردم هموطنان بسیار نامناسبی بودید. رسالت مرا تکذیب کردید و مرا از خانه ام بیرون ساختید، و در دورترین نقطه ای که به آنجا پناهنده شده بودم، با من به نبرد برخاستید، ولی من با این جرائم، همه شماها را می بخشم و بند بردگی را از پای شما باز می کنم و اعلام می نمایم که: «اذهبوا فأنتم الطلقاء»؛ «بروید دنبال زندگی خود، همه شماها آزادید.» (۲)

علی علیه السلام، ای عدالت مظلوم

به مناسبت ۲۱ ماه رمضان، شهادت اولین پیشوای شیعیان جهان، حضرت علی علیه السلام

«نجوایی با پیشوای پاکان و امام حقیقت، که کشته عدالت گردید و محراب خونین کوفه را سندی زنده و جاوید، بر رسوایی خوارج ساخت تا تاریخ بداند که وقتی دسته ای، پیوند «ولایت» را از امام بگسلند، تا مرز کشتن «امام» نیز پیش می روند و «امت» را بی «امام» می گذارند. و این، ستمی است بزرگ به امت، که «عدالت مجسم» را از دست می دهد...»

ای علی! ... ای عدالت مظلوم

ای علی، ای حماسه انسان!

ای علی، ای عصاره ای ز وجود!

اینک ما، سنگینی رسالتی را بر دوش خود احساس می کنیم که به پهنای هستی، بر چهارده ستون قرن های این هزار و چهارصد سال استوار شده است.

- ۱- «مغازی واقدی»، ج ۲ / ۸۳۵؛ بحار، ج ۲۱ / ۱۰۷ و ۱۳۲.
- ۲- از ص ۹۷ تا اینجا از کتاب، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، آیه الله جعفر سبحانی گرفته شده است.

ص: ۱۱۷

ص: ۱۱۸

ما که باده عشق تو را می کشیم و خود را عاشق و شیعه سینه چاک تو می دانیم، بار سنگین چهارده قرن خون و حماسه و شهادت و ایثار را به دوش می کشیم. ادعایی است بس بزرگ ...

توانمان باد تا که زیر این بار، نلغزیم و حامل این «امانت» باشیم.
 هشیاری مان باد، تا رگه های باریک و جویبارهای کوچک «حرف» ها و «دعوت» ها و «راه» ها و «هدف» ها، ما را از آن رود پرخروش علوی منحرف نسازد و همواره داخل «خط» باشیم.

* ای علی! ای شهید شیوه عدل

ای علی، ای امید هر محروم

سرتاسر زندگانی ات یک «فریاد» بود و تمام سخنانت یک «پیام» را باز می گفت و تمام گریه ها و مناجات های یک «عشق» را می نمایاند و تمام شمشیر زدن ها و جهادها و حماسه آفرینی های در پاسداری از یک «حقیقت والا» بود.

از آنروزی که در شبه قاره مستطیل شکل عربستان به کانون وحی و آیین خدا ایمان آوردی و تلاش هایت را در «طول» خط ایمان و «عرض» پهنه دعوت مکی و جهاد مدنی متمرکز ساختی، «محیط» جهل و کفر و شرارت را، به «مساحت» علم و ایمان و تقوا و خیر مبدل ساختی و به تنهایی در پیرامون محمد صلی الله علیه و آله امتی به پا ایستاده بودی، همچنانکه ابراهیم، آن تبرزن توحید، و شرک ستیز نستوه، به تنهایی امتی

بود، قائم و قانت!

*

ص: ۱۱۹

ای علی، ای تجسم ایمان

ای علی، ای تبلور مکتب

ای علی، ای تو معنی قرآن!

یار محمد صلی الله علیه و آله در «حرا» بودی و بازوی توانای اسلام، در «بدر».

شمشیر برنده ایمان بودی، در «احد».

گرد دلاور مدینه بودی، در «احزاب»

در رکاب رسول، پا به رکاب فاتح بدر و خیبر و احزاب

برای گسترش دین و زدودن موانع راه، از «خندق» به «خیبر» و از «یمن» به «ینبع» هموا

در تلاش و حرکت بودی.

برای جهاد با «نفاق» و «بغی» گامی در «صفین» داشتی و شمشیری در میان اصحاب

«جمل» می زدی و مبارزه‌ای در «نهروان» می کردی.

از «مکه» تا «مدینه» راه، با بال «هجرت» پیمودی و از مدینه تا کوفه راه، برای پی‌ریزی

حکومت عدل بی‌نظیر در گیتی، به شوق، سپردی و زندگیت تمام، این بود.

از «کعبه ولادت» تا «محراب شهادت»، فاصله‌ای از نور را طی کردی و همانند بسیاری

از صفات که منحصر به توست، در این افتخار نیز بی‌شریک بودی.

ندیده کسی در جهان این سعادت به کعبه ولادت، به مسجد شهادت

و شهادت خونین تو در محراب، همان میلاد شگفت در کعبه بود.

از خدا، به سوی خدا ... و در خانه خدا.

*

ص: ۱۲۰

ای علی ... ای قضاوت داود

ای علی ... ای تحمل ایوب

ای علی ... ای شکوه ابراهیم

ای بزرگ آیتی، ز غیب و شهود!

سینه‌ات به فراخنای هفت آسمان بود و نورت، برگرفته از سایه عرش خدا. و تو خود،
فرشته‌ای زمینی و انسانی و آسمانی بودی، و درد تلخ و بزرگ تو، زیستن با ما! ...
تو از سلاله آن سلسله پاک‌نهادی بودی که دنیا و آنچه در آنست در برابر بهای
معنویات بی‌بهاست و حکومت و ریاست و دنیا و فرمانروایی در برابر شکوه روح به
رایگان هم نمی‌ارزد.

اما تو، ای قدیس پاک، با خاکیان نشست و برخاست می‌کردی و از پیامبر زیباترین و
محبوب‌ترین کنیه دلخواهت را جایزه گرفتی ...

- آری ای «ابو تراب»!

در کنار اینهمه، نهروانیان و پیروان جمل و اهل بغی در «صفین» به جنگ تو آمدند و
تو، به ناچار با «قاسطین و ناکثین و مارقین» به نبردی مقدس و خدایی برخاستی و عمری
را با جهل ابوجهل‌ها و لهیب آتش فتنه ابولهب‌ها و زوزه‌های معاویه‌ها و بی‌شعوری
ابوموسی اشعری‌ها و سفاهت ابوسفیان‌ها و لجام گسیختگی «ابن ملجم»‌ها درگیر بودی و
پتک حق بر فرق باطل می‌کوبیدی.

* ای علی، ای حقیقت روشن

ای علی، ای جمال جلوه داد

ص: ۱۲۱

ای علی، ای طلوع، در ظلمت.

ای که میلادت، انفجار «فلاح»

سخن بسیار است و مجال اندک، فرصت آن نیست که از شکوه ولادت، از برگرفتن نامت از نام خدای علی اعلا، از مراسم نامگذاریات، از دوران کودکیات در دامان تربیت محمدی، از جوانی و رزم‌هایت، از مردانگی ایثارهایت، از زهد و عبادت‌هایت، از اخلاص و استقامت، از شیردلی و شجاعت، از دانش و حکمت، از نهج‌البلاغه فیاضت، از «غرر الحکم» موج خیز و درخشان، از سخنوری و فصاحت، از نیایش‌های شبانه‌ات، از ... از ... سخنی بگوییم.

اما ...

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید
 و ما تشنگان چشمه زلال معرفت‌امیدواریم تا در پرتو شناخت بهتر و بیشتر تو، راه زندگی را روشنتر پیدا کنیم و تو را اسوه خویش سازیم.
 چرا که تو اسوه انسان و الگوی ایمان آوردندگان اخلاص پیشه‌ای، و انسانیت از تو درس می‌گیرد. تو نسخه منحصر به فرد عالم خلقتی، جان برکف نهاده راه دینی، شهید عدل کشته شرفی، معجون «اشک» و «آهنی». وجودی چند بعدی هستی.
 ای نخستین شهید، در محراب ای کشیده ز خون، به چهره نقاب مسجد کوفه داغدار از تو «خون» و «محراب» یادگراز تو
 خون فرقت هنوز می‌جوشد شب، ز سوگت سیاه می‌پوشد (۱)

هفته کمک به مستضعفین

اشاره

از پانزدهم تا بیست و یکم ماه مبارک رمضان از سوی کمیته امداد امام خمینی رحمه الله به عنوان هفته کمک به مستضعفین اعلام گردیده است. آغاز این هفته، ولادت سبط اکبر رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام می‌باشد که

در انفاق و کمک به مستضعفان جامعه شایسته‌ترین الگو و اسوه به شمار می‌آید. بنابراین بسیار بجا و مناسب است که مردم ایثارگر ما به پیروی از آن حضرت تا آنجا که در توان خویش دارند، به یاری این قشر محروم جامعه شتافته و به آنان کمک نمایند؛ به خصوص که در این هفته مقارن با ایام ماه پرفضیلت رمضان می‌باشد.

ماه رمضان و انفاق

گرچه انفاق در راه خدا، در هر ماهی از ماههای سال، اجر و ثواب بسیار دارد ولی همانگونه که این ماه نسبت بر دیگر ماهها، دارای فضیلت و برتری بیشتری است، اعمال خیر و از آن جمله انفاق در آن

۱- برگرفته از کتاب روایت انقلاب، ج ۱، استاد جواد محدثی، انتشارات امیر کبیر.

ص: ۱۲۲

ص: ۱۲۳

نیز از مزایای ویژه‌ای برخوردار است و رسول گرامی اسلام آن را ماه مواسات (شهر المواساة) نامیده و مردم را به حمایت و یاری مستضعفان فراخوانده است. امیر مؤمنان علیه السلام از آن حضرت روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مردم! ماه خداوند همراه با برکت و رحمت و مغفرت، به شما روی آورده است؛ ماهی که نزد خداوند بهترین ماهها، روزهایش بهترین روزها و شبهایش بهترین شبها و ساعت‌هایش برترین ساعات می‌باشد... به هنگام احساس گرسنگی و تشنگی در آن، گرسنگی و تشنگی روز رستاخیز را به خاطر آورید، و بر تهی‌دستان و مستمندان جامعه خویش انفاق نمایید. (۱)

یکی از علل تشریح روزه در روایات اهل بیت علیهم السلام احساس رنج گرسنگی و محرومیت مستمندان ذکر شده است. امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: علت تشریح روزه این است که توانمندان و تهی‌دستان باهم مساوی گردند؛ زیرا که ثروتمند چنین نیست که گرسنگی را احساس نماید تا بر مستمند ترحم کند، برای اینکه او هر چه بخواهد به آن دست می‌یابد، لذا خدای عزوجل اراده فرموده تا (به این وسیله) میان خلق خویش مساوات برقرار سازد، و انسان توانمند رنج گرسنگی را بچشد و در نتیجه بر ضعیف و محروم رقت نموده و به شخص گرسنه و تهی دست

۱- وافی، ج ۱۱، ص ۳۶۷-۳۶۶

ص: ۱۲۴

ترحم ورزد. (۱)

و در حدیث دیگری، رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره مزایای ماه رمضان می‌فرماید:

«... وینادی مناد کلّ لیلۃ: هل من سائل؟ هل من مستغفر؟ اللهم اعط کلّ منفق خلفاً واعط کلّ ممسک تلفاً»

«در هر شب (رمضان) منادی آسمانی ندا می‌دهد: آیا کسی هست که خواسته و حاجتی طلب نماید؟ آیا توبه کننده‌ای هست؟ خداوند! به هر کس که انفاق می‌نماید عوض عنایت فرما و هر کس از انفاق مالش خودداری ورزد، آن را تلف کن.» (۲)

روز جهانی قدس

اشاره

(آخرین جمعه ماه مبارک رمضان)

قدس، قبله نخستین و حرم دوم مسلمانان جهان، سرزمین اصلی و وطن میلیونها آواره مسلمان فلسطینی است که استکبار جهانی توسط صهیونیسم جنایتکار، از سال ۱۹۴۸ آن سرزمین را از دست ساکنانش خارج ساخت و تحت سلطه نیروهای اشغالگر قدس قرار داد.

این توطئه از همان اولین سالهای اجرا، با مقاومت مردم مسلمان فلسطین و اعتراض مسلمانان و انسانهای آزاده و بیدار دل جهان مواجه شد و به شکل مبارزات پیگیر و سیاسی- نظامی، چهره خود را نشان داد. ملت بزرگوار و مسلمان ایران نیز پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، مسأله آزادسازی فلسطین از چنگال غاصبان قدس را سرلوحه آرمانهایش قرار داده و همه ساله روز قدس را به فریاد کشیدن بر سر ستمکاران تاریخ تبدیل کرده است.

نجات قدس، آرمان امام راحل

چنانکه می دانیم مسأله فلسطین در روح و جان امام خمینی قدس سره جای

۱- بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۳۷۱

۲- برگرفته از کتاب یاد ایام، ج ۲، شورای سیاستگذاری ائمه جمعه.

ص: ۱۲۵

ص: ۱۲۶

گرفته بود و ایشان در مواضع و سخنان، با قدرت از آن یاد می کردند.

امام، امت اسلامی را به تحریم اسرائیل و تشدید محاصره و افزایش مقابله با آن تا

آزادی سرزمینهای اشغالی از چنگک صهیونیستها، دعوت کردند. همین امر یکی از علل دشمنی استعمار و صهیونیسم جهانی با ایشان بود و نخستین مسأله اسلامی که پیش از انقلاب بارها و بارها توجه و اهتمام امام را به خود جلب کرد قضیه اشغال سرزمین بیت المقدس بود، که در این زمینه امام در پیامهای مکرر خویش، افکار عمومی مسلمانان را متوجه این جنایت می نمودند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امام امت قدس سره در اولین فرصت روزی را برای نجات قدس از چنگال صهیونیستهای جنایتکار، به عنوان روز قدس تعیین نمودند و در بخشی از پیامی که به همین مناسبت صادر نمودند، فرمودند:

«من در طی سالیان دراز، خطر اسرائیل غاصب را گوشزد مسلمین نمودم که اکنون، این روزها به حملات وحشیانه خود به برادران و خواهران فلسطینی شدت بخشیده است و به ویژه در جنوب لبنان به قصد نابودی مبارزان فلسطینی پیاپی خانه و کاشانه ایشان را بمباران می کند.

من از عموم مسلمانان جهان و دولتهای اسلامی می خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن، به هم بپیوندند؛ و جمیع مسلمانان را دعوت می کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به عنوان «روز

ص: ۱۲۷

قدس» انتخاب و طی مراسمی همبستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان فلسطین اعلام نمایند.»

و به این سان پیام پیامبر گونه امام راحل، نور امید به دل مظلومان فلسطینی تاباند و میلیونها انسان آزاده و مبارز را برای مقابله عملی با توطئه های رژیم اشغالگر قدس و آمریکای جهانخوار مصمم تر و استوارتر کرد.

پیام امام خمینی قدس سره نقطه عطفی در تاریخ مبارزات ملت فلسطین شد و مسلمانان

جهان را برای مقابله با جنایت پیشگان تاریخ، به یکپارچگی و وحدت کلمه دعوت کرد. امام خمینی قدس سره با اعلام آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان «روز قدس» بر مبارزه پایان ناپذیر مستضعفین با جهانخواران ظالم تأکید کردند و فرمودند: «روز قدس روز جهانی است، روزی نیست که فقط اختصاص به قدس داشته باشد، روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است.» (۱)

عید فطر

اشاره

عید فطر یکی از اعیاد بزرگ اسلامی است، به همین مناسبت بیانات پرمحتوای شهید بزرگوار حجة الاسلام والمسلمین باهنر را، که حاوی نکات مهمی در باره شکوه و عظمت این عید است، می آوریم:

ما در اسلام دو عید داریم؛ یکی عید فطر و دیگری عید قربان؛ و نماز عیدهم در همین دو عید وارد شده است و دعوت به اجتماع مردم هم در این دو عید سفارش شده است. این دو عید را برادران اهل سنت در کشورهای عربی خیلی ارج می نهند و جشن می گیرند و مراسم بزرگ برپا می کنند.

خوشبختانه در اوایل انقلاب و پس از آن، در ایران اسلامی نیز عید فطر شکل و شمایل تازه ای پیدا کرد و برادران و خواهران شاهد بودند که مراسم عید فطر در تپه های قیطریه مبدأ حرکت منظم و راهپیمایی عظیمی در سراسر خیابانهای تهران بود که به دنبال آن، راهپیمایی ها و تظاهرات و شهادتها و استقبال از مرگ و حرکت انقلابی به سوی پیروزی، به صورت گسترده ای آغاز شد.

عید فطر عید پیروزی است

عید فطر و عید قربان به دنبال دو توفیق است و در حقیقت عید پیروزی است. عید فطر به دنبال پیروزی در عبادت‌های ماه رمضان است، آنان که روزه می‌گیرند و نماز می‌گزارند و قرآن تلاوت می‌کنند و سحرگاهان ماه مبارک رمضان به راز و نیاز و عبادت و مناجات مشغولند و در محافل و مجالس مذهبی شرکت می‌کنند و روح خود را با برادران مسلمانان در سراسر دنیا پیوند معنوی می‌دهند، ماه رمضان یک موفقیت و توفیق الهی است برای آنها که به دنبالش عید فطر می‌آید.

و چنین است عید قربان؛ آنگاه که سیل عظیمی از جمعیت سراسر دنیا در اجتماع ایام حج و مراسم زیارت خانه خدا موفق به انجام این فریضه بزرگ می‌شوند و این کنگره عظیم اجتماعی، سیاسی و اسلامی را برپا می‌دارند، پس از آن عید قربان را که عید پیروزی است و موفقیت در اعمال و مناسک است بر آنان گرامی خواهد بود.

جلوه‌های عید اسلامی فطر

ما معمولاً در این دو عید اسلامی، سه جلوه بزرگ به دنبال پیروزی می‌بینیم که این سه جلوه برای مراحل بعد از پیروزی، درسی است بسیار آموزنده و جالب:

۱- دانستیم که عید فطر و قربان در واقع عید پیروزی است، عید توفیق، سربلندی، نشاط معنوی و انجام وظیفه است؛ و یکی از اعمال جالب و ارزشمند که در این عید بر عهده هر مسلمان است، این است

۱- برگرفته از کتاب یاد ایام، ج ۲، شورای سیاستگذاری ائمه جمعه.

ص: ۱۳۰

که سهمی از آنچه دارد برای مستضعفان اختصاص دهد. در عید فطر مردم زکات فطره می دهند؛ یعنی حداقل از طرف خود و افراد خانواده و تحت تکفل خویش به اندازه ۳ کیلو گرم - تقریباً - از غذای معمولی روزمره در اختیار بیچارگان و مستمندان قرار می دهند و در عید قربان، مردم با قربانی کردن شتر و گاو و گوسفند می توانند کمکی به گرسنگان بکنند اطعموا القانع و المغتر. (۱)

این مسأله را می توان به عنوان الگویی از خدمت به مستضعفان دانست و در حقیقت گامی کوتاه و نمونه‌ای کوچک از وظایف بعد از پیروزی است که باید نسبت به بینوایان و مستضعفان انجام پذیرد.

هر پیروزی که علیه طاغوتها، مستکبران، مترفین و زورگویان و زراندوزان خون آشام انجام می شود، بایستی به دنبال آن پیروزی، برق نشاط در جبین مستضعفین بجهد. باید اقدامهای فعال و جدی در راه حاکمیت مستضعفین و روی کار آمدن محرومان و بیچارگان باشد. باید در پرتو آزادی، زیر بازوی مستضعف و محروم گرفته شود و آنان بتوانند به حیات و حرکت و آزادی و حقوق اولیه خود برسانند.

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ.

درس تزکیه و خودسازی

۲- درس دیگری که از عید فطر و قربان می گیریم، درس نماز

ص: ۱۳۱

است. درس تزکیه، خودسازی و پاکسازی درون است. «قد افلح من زکاهها و قد خاب من دساها» این آیه در نماز عید خوانده می‌شود؛ یعنی وقتی اوج پیروزی می‌رسد، لازم است انسان به خودش باز گردد و خود را از آلودگیها پاک و منزّه کند. مبادا غرور پیروزی او را دچار نوعی خودسری و یا انحراف کند. و لذا در سوره فتح می‌فرماید: «وقتی نصر و پیروزی پروردگارت رسید و دیدی که فوج فوج جمعیت وارد دین خدا می‌شوند، خدای را حمد و سپاس گو و استغفار کن». تازه پس از پیروزی موقع استغفار و خودسازی است ...

درس بسیج عمومی و همبستگی اجتماعی

۳- سومین درسی که از این دو عید بزرگ می‌گیریم، درس بسیج عمومی و همبستگی اجتماعی و وحدت است. ماه رمضان را با توفیق پشت سر گذاشته‌ایم و اکنون عید فطر را جشن می‌گیریم، اما درست در دل جشن، فرمان نماز عید فطر و حرکت دسته جمعی مردم و اتحاد و هماهنگی داده می‌شود؛ و در خطبه‌های نماز عید برنامه‌های سیاسی و اجتماعی برای مردم در یک هماهنگی و وحدت و بسیج عمومی بیان می‌شود. (۱)

میعاد با فطرت

«عید»، «میعاد» ی در زمان است.

و «فطر»، میثاقی با «فطرت»!

چرا که رمضان، دعوتی است به باز یافتن «خود گمشده»،

ندایی است، برای توجه به خدای فراموش شده،

ضیافتی است برای تناول از مائده «تقوا»

و پایان این مهمانی خدایی، «عید قبول» است،

عید توفیق بر «طاعت» و «اطاعت»،

عید توبه و تهذیب نفس،

عید ذکر و یاد محرومان و گرسنگان،

عید «کفّ نفس» و «کنترل خواسته‌ها»

*** «فطر»، چیدن میوه‌هایی است که از «فطرت» می‌جوشد!

فطر، سپاس نعمتی است که در رمضان نازل شده است.

اگر «تقوا»، فلسفه فریضه روزه است (... لعکم تقون)

۱- برگرفته از کتاب «یاد ایام» معاونت فرهنگی شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه.

ص: ۱۳۲

ص: ۱۳۳

و اگر روزه، آزمایش اخلاص بندگان است (... والصیام ابتلاء لاخلاص الخلق)

پس فطر هم، عیدی است بر این پیروزی معنوی در جبهه «جهاد اکبر»!

اگر غلبه بر خصم بیرون، شیپور پیروزی می‌طلبد،

پیروزی بر خصم درون (نفس) جشنی روحانی دارد بنام «عید فطر»، که میثاق بستن با

فطرت ما از سوی روزه داران مجاهده گر اعلام می‌دارد.

اگر در بند «شکم» و «شهوت» بودن، اسارت است.

روزه، رها سازنده انسان از این «تعلق» است.

پس، «فطر»، شادی این توفیق یکماهه در مهار زدن به خواسته‌های نفس و تمنیات غرایز

است.

برای «بنده»، هیچ لحظه‌ای زیباتر از قبول و پسند «مولا» نیست!

و برای «مهمان»، هیچ صحنه‌ای دلپذیرتر از پذیرایی «میزبان» نیست!
 آیا حضور یک ماه بر سفره نعمت و رحمت خدا، خرسندی ندارد؟
 آیا پذیرش در مائده کرامت مولا، «عید» نیست؟
 دست ما، واسطه است.

نعمت‌ها، از آن خداست و بندگان محتاج و بینوا، «عیال خداوند» ند.
 اطعامی که می‌دهی،
 احسانی که می‌کنی،
 ص: ۱۳۴

سفره‌ای که می‌گشایی،

بار و توشه‌ای که برای محرومی می‌بندی

همه و همه ... رساندن «رزق خدا» به «عبد خدا» است.

و دستهای ما، عامل این ربط و ایصال و وصول است.

پس درود بر دستی که در این ماه، بر چهره یتیمی لبخند شادی نشانده است.

تبریک بر کسی که سعادت «طعام فقیر» داشته است،

مریزاد، دستی که از مهر، بر سر یتیمی کشیده شده است،

مرحبا، بر مالی که در راه خدا خرج شده است،

عید «فطر»، پاداش «افطار» های خالصانه و بجاست.

مهر قبولی انفاق‌های به قصد قربت است،

«پایان نامه» دوره ایثار و گذشت، در مسائل مالی است.

*** رمضان را پشت سر نهادی، که فصل عبادت و بهار قرآن بود.

از شب تا روز، برکات آسمانی نازل می‌شد.

«شب قدر» ش، اوج این «جذبه» معنوی بود که بر تارک رمضان می‌درخشید.

رمضان، ماهی بود خجسته و مبارک،

با شب زنده داری های سالکان،

با اشکهای شب بیداران،

با استغفارهای متهجّدان،

با «یارب، یارب» های سحرخیزان،

ص: ۱۳۵

با دست های گشوده از نیاز،

با دل‌های لرزان از خوف و خشیت خدا،

با لحظه های سرشار از معنا و معنویت پیش از افطار،

با ترنم دلنشین و حزین «تلاوت قرآن» در صبح و شام،

با نمازهای مستحبی و دعا‌های روزانه،

با توجه های بیشتر به خدا،

با کاهش چشمگیر گناه تقلّب، نیرنگ و شیادی!

با زنده شدن چراغ «فطرت» در شبستان «دل»،

با آمادگی های سی روزه، برای نشستن پیرامون شبچراغ «فطر»! پس، این عید، مدرک

کامیابی و موفقیت، در «کلاس فشرده رمضان» است.

«فطر»، عید خداجویی و خداترسی و خداپرستی است.

برکت بخش «ماه مبارک» است.

*** درود بر فطر «فطرت»،

سلام بر «فطر» ذکر و نیایش،

این رمضان نیز گذشت!

و چه حسرتی می خورند، آنانکه از این «بازار خیر»، تهیدست برگشتند ...

و چه زیانکارند، آنانکه در «ماه مغفرت»، دستی به استغفار، بر آستان «غفار» نگشودند،

و میثاقی با «فطرت خدائی» و «فطر الهی» نبستند.

ص: ۱۳۶

تا ... رمضانی دیگر،

و شب قدر و روزهای روزه‌ای دیگر، که زنده باشد و که رخت به عالمی دیگر کشیده باشد، خدا می‌داند! ...

«عید فطر»، بر فاتحان عرصه‌های «جهاد با نفس»، گرامی باد. (۱)

۱- برگرفته از کتاب روایت انقلاب، ج ۲، استاد جواد محدّثی.

ص: ۱۳۷

بخش سوّم

۱- نیت روزه

۲- مبطلات روزه

۳- قضا و کفّاره روزه

۴- روزه مسافر

۵- راههای ثابت شدن اوّل ماه

۶- اعتکاف

۷- زکات فطره

ص: ۱۳۸

صفحه سفید

احکام روزه

نیت روزه

احکام روزه (۱)

نیت روزه

- ۱- روزه از عبادات است و باید برای انجام فرمان خداوند به جا آورده شود. (۲)
- ۲- انسان می تواند در هر شب ماه رمضان برای روزه فردای آن، نیت کند و بهتر است که شب اول ماه هم روزه همه ماه را نیت کند. (۳)
- ۳- لازم نیست نیت روزه را به زبان بگوید بلکه همین قدر که برای انجام دستور خداوند عالم، از اذان صبح تا مغرب، کاری که روزه را باطل می کند انجام ندهد کافی است. (۴)

مبطلات روزه

روزه دار باید از «اذان صبح» تا «مغرب» از برخی کارها بپرهیزد و اگر پرهیز نکند، روزه اش باطل می شود، به مجموعه این کارها «مبطلات روزه» گفته می شود، که عبارتند از:

- * خوردن و آشامیدن.
- * دروغ بستن به خدا و پیغمبر صلی الله علیه و آله و جانشینان آن حضرت علیهم السلام.
- * رساندن غبار غلیظ به حلق. (۵)
- * فرو بردن تمام سر در آب. (۶)
- * قی کردن.
- * آمیزش.
- * استمناء.
- * باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح.
- * اماله کردن با چیزهای روان. (۷)

احکام مبطلات روزه

خوردن و آشامیدن

- ۱- اگر روزه دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل می شود هر چند خوردن و آشامیدن آن معمول نباشد؛ مانند خاک و نفت. (۸)
- ۲- اگر کسی عمداً چیزی را که لای دندانش مانده است فرو برد، روزه اش باطل می شود. (۹)
- ۳- فرو بردن آب دهان، روزه را باطل نمی کند، هر چند زیاد باشد. (۱۰)
- ۴- اگر روزه دار به سبب فراموشی (نمی داند روزه است) چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل نمی شود. (۱۱)
- ۵- انسان نمی تواند، بخاطر ضعف، روزه را بخورد ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی شود آن را تحمل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد. (۱۲)
- ۶- فرو بردن اخلاط سر و سینه، تا به فضای دهان نرسیده روزه را باطل نمی کند، ولی اگر داخل فضای دهان شود، احتیاط واجب آن

- ۱- متن این بخش، از کتاب «آموزش فقه»، محمد حسین فلاح زاده و حواشی آن از کتب فقهی مراجع عظام تقلید گرفته شده است.
- ۲- توضیح المسائل، م ۱۵۵۰.
- ۳- توضیح المسائل، م ۱۵۵۱.
- ۴- توضیح المسائل، م ۱۵۵۰.
- ۵- آیات عظام، اراکی، خویی، سیستانی، بهجت: رساندن غبار به حلق. آیه الله زنجانی: احتیاط مستحب آن است که از رساندن غبار به حلق جلوگیری کند.

۶- آیه الله گلیایگانی، آیه الله صافی: فروبردن تمام سر در آب حرام است و بنا بر احتیاط لازم روزه را هم باطل می کند.
 آیه الله زنجانی: بر روزه دار حرام است سر را در آب فرو برد ولی ظاهراً روزه را باطل نمی کند.

آیه الله سیستانی: روزه را باطل نمی کند، گر چه کراهت شدید دارد.

۷- توضیح المسائل، م، ۱۵۷۲

۸- توضیح المسائل، م، ۱۵۷۳

۹- توضیح المسائل، م، ۱۵۷۷.

۱۰- توضیح المسائل، م، ۱۵۷۹.

۱۱- توضیح المسائل، م، ۱۵۷۵.

۱۲- توضیح المسائل، م، ۱۵۸۳.

ص: ۱۳۹

ص: ۱۴۰

ص: ۱۴۱

ص: ۱۴۲

است که آن را فرو نبرد. (۱)

تزریق آمپول

اشاره

اگر آمپول به جای غذا (۲)، هر چند عضو را بی حس کند ولی احتیاط واجب (۳) آن است از آمپولی که به جای غذا به کار می رود پرهیز کند. (۴)

رساندن غبار غلیظ به حلق «۵»

رساندن غبار غلیظ به حلق (۵)

اگر روزه‌دار غبار غلیظی به حلق برساند، روزه‌اش باطل می‌شود؛ چه غبار خوراکیها باشد مانند آرد، یا غیر خوراکی مانند خاک.

فرو بردن تمام سر در آب

اگر روزه‌دار عمداً تمام سر را در آب مطلق فروبرد، روزه‌اش باطل می‌شود (۶)
ص: ۱۴۳

قی کردن

۱- هر گاه روزه‌دار عمداً قی کند، هر چند به سبب بیماری باشد، روزه‌اش باطل می‌شود. (۷)

۲- اگر روزه‌دار بی‌اختیار قی کند، روزه‌اش باطل نمی‌شود. (۸)

باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح

۱- اگر شخص جنب در روزه رمضان یا قضای (۹) آن عمداً تا اذان صبح غسل نکند و یا اگر وظیفه‌اش تیمم است تیمم نکند روزه‌اش باطل است.

۲- اگر جنب در روزه ماه رمضان غسل یا تیمم را فراموش کند و پس از یک یا چند روز یادش بیاید: باید آن روزه‌ها را قضا کند. (۱۰)

۳- اگر روزه‌دار، در خواب جنب شود، واجب نیست فوراً غسل کند و روزه‌اش صحیح است. (۱۱)

۴- اگر شخص جنب در شب ماه رمضان می‌داند برای غسل، قبل از اذان صبح بیدار نمی‌شود، نباید بخوابد و اگر بخوابد و بیدار نشود،

- ۱- توضیح المسائل، م ۱۵۸۰
- ۲- آیه الله مکارم: اگر به جای غذا یا نباشد تزریق آن روزه را باطل نمی کند
- ۳- آیات عظام خویی تبریزی، سیستانی: بهتر آن است که پرهیز کند. آیه الله فاضل: باید از آن پرهیز کند.
- ۴- توضیح المسائل، م ۱۵۷۶.
- ۵- به حاشیه ۱ صفحه ۱۴۰ مراجعه فرمایید.
- ۶- به حاشیه ۲، صفحه ۱۴۰ مراجعه فرمایید.
- ۷- توضیح المسائل، م ۱۶۴۶.
- ۸- توضیح المسائل، م ۱۶۴۶.
- ۹- آیه الله زنجانی: اگر وقت قضای روزه ماه رمضان تنگ شده و تا اذان صبح جنب بماند بنابر احتیاط واجب، روزه آن روز را گرفته، عوض آن را هم بجا آورد.
- ۱۰- توضیح المسائل، م ۱۶۲۲.
- ۱۱- توضیح المسائل، م ۱۶۳۲.

ص: ۱۴۳

ص: ۱۴۴

روزه اش باطل است. (۱)

باقی ماندن بر حیض و نفاس

- ۱- اگر زن در ماه رمضان قبل از اذان صبح از خون پاک شود و الف: عمداً تا اذان غسل نکند یا اگر وظیفه اش تیمم است تیمم نکند، روزه اش باطل است.
- ب: برای غسل وقت ندارد: باید تیمم کند و روزه اش صحیح است.

- ۲- اگر نزدیک اذان صبح پاک شود، و برای تیمم یا غسل وقت نداشته باشد، روزه‌اش صحیح است.
- ۳- اگر بعد از اذان بفهمد که قبل از اذان پاک شده روزه‌اش صحیح است.
- ۴- اگر بعد از اذان پاک شود، روزه‌اش باطل است.
- ۵- اگر در روز، حیض یا نفاس ببیند، گرچه نزدیک مغرب باشد، روزه‌اش باطل است. اگر مستحاضه غسلهای خود را به تفصیلی که در احکام استحاضه گفته شده به جا آورد روزه‌اش صحیح است. (۲)

کارهایی که بر روزه‌دار مکروه است

- ۱- انجام دادن هر کاری که سبب ضعف شود؛ مانند خون دادن.
- ۲- بویدن گیاهان معطر (عطر زدن مکروه نیست).
- ۳- خیس کردن لباسی که بر تن دارد.
- ۴- مسواک کردن با چوب تر.
- ۵- کشیدن دندان و هر کاری که به سبب آن از دهان خون بیاید. (۳)

روزه قضا

اگر کسی روزه را در وقت آن نگیرد، باید روز دیگری، به جای آن روزه بگیرد، پس روزه‌ای که بعد از وقت آن، به جا آورده می‌شود، «روزه قضا» نام دارد.

کفاره روزه

کفاره، همان جریمه‌ای است که برای باطل کردن روزه معین شده است و عبارت است از:

* آزاد کردن یک برده

* دو ماه روزه گرفتن که سی و یک روز آن باید پی در پی باشد
* سیر کردن شصت فقیر، یا دادن یک مُدّ طعام به هریک از آنها.

۱- توضیح المسائل، م ۱۶۲۵

۲- توضیح المسائل، م ۱۶۴۳.

آیه الله سیستانی، آیه الله زنجانی: هر چند غسلهای خود را بجا نیاورد روزه اش صحیح است. آیه الله زنجانی ولی احتیاط مستحب است که قضای روزه را نیز بجا آورد.
آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: اگر زنی که در حال استحاضه کثیره است غسلهای خود را به تفصیلی که در احکام استحاضه گفته شده بجا آورد روزه اش صحیح است.
۳- توضیح المسائل، م ۱۶۵۷.

ص: ۱۴۵

ص: ۱۴۶

کسی که کفاره بر او واجب شود، باید یکی از این سه را انجام دهد و چون امروزه «برده» به معنای فقهی آن یافت نمی شود، مورد دوّم یا سوّم را انجام می دهد، و اگر هیچ یک از اینها برایش مقدور نیست، (۱) هر مقدار که می تواند باید به فقیر طعام بدهد و اگر اصلاً نتواند طعام بدهد، باید استغفار کند. (۲)

* اگر عمداً روزه رمضان را نگیرد و یا عمداً آن را باطل کند، قضا و کفاره واجب می شود. (۳)

در این موارد بجا آوردن قضای روزه واجب است ولی کفاره ندارد:

۱- روزه هایی که به واسطه سفر باطل شده است. (۴)

۱- آیه الله اراکی: ۱۸ روز روزه بگیرد، هر چند که می تواند به فقرا طعام دهد و اگر بتواند ۱۸ روز روزه بگیرد یا چند مدّ طعام بدهد هر مقدار از این دو را که می تواند عمل کند و اگر آن را هم نتواند انجام دهد باید استغفار کند.

آیه الله گلپایگانی: هر مقدار که میتواند صدقه به فقرا بدهد و اگر از صدقه دادن هم عاجز باشد ۱۸ روز پی در پی روزه بگیرد و اگر روزه هم نتوانست بگیرد، استغفار کند، و هر قدر می تواند روزه بگیرد و اگر اصلاً نمی تواند روزه بگیرد، استغفار کند.

آیه الله فاضل: مخیر است بین اینکه ۱۸ روز روزه بگیرد یا هر چند مدّ که می تواند به فقرا طعام بدهد و اگر نتواند، باید استغفار کند.

آیه الله صافی، آیه الله مکارم: هر قدر می تواند صدقه به فقرا بدهد و استغفار کند.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: بنابر احتیاط باید به قدر امکان صدقه بدهد و استغفار کند.

۲- توضیح المسائل، م ۱۶۶۰ - ۱۶۶۱.

۳- همان، م ۱۶۵۸ و ۱۷۱۰.

۴- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۹۸، م ۴.

ص: ۱۴۷

۲- روزه های ایام حیض و نفاس بانوان. (۱)

۳- بر اثر ندانستن مسأله، مبطلی انجام داده ولی نمی توانسته مسأله را یاد بگیرد، یا اصلاً

ملتفت نبوده. (۲)

مواردی که فقط باید برای هر یک روز یک مد طعام به فقیر داده شود:

۱- به واسطه مرض نتواند روزه بگیرد و مرض او تا سال بعد طول بکشد و اگر چنانچه مرض او تا چندین سال طول بکشد قضای سال آخر را باید به جا آورد و سالهای گذشته

را برای هر یک روز یک مد طعام به فقیر بدهد. (۳)

۲- کسی که به واسطه پیری، روزه گرفتن برایش مشقت دارد و بعد از رمضان هم نمی‌تواند قضای آن را به جا آورد. (۴)

مواردی که باید قضای روزه را به جا آورد و برای هر یک روزه یک مد طعام به فقیر بدهد:

- ۱- به واسطه عذری روزه نگرفته و بعد از ماه رمضان عذر برطرف شده و تا رمضان سال بعد عمداً قضای آن را به جا نیاورده است. (۵)
- ۲- به واسطه عذری روزه نگرفته و بعد از رمضان عذر او برطرف

۱- العروة الوثقی، ج ۲، ص ۳۹۰، م ۳.

۲- همان، م ۱۶۵۹.

۳- توضیح المسائل، م ۱۷۰۳ و ۱۷۰۷.

۴- توضیح المسائل، م ۱۷۲۶.

۵- توضیح المسائل، م ۱۷۰۵.

ص: ۱۴۸

شده و تا چند سال قضای آن را تأخیر انداخته (قضا و یک کفاره ۱۰ سیری)، کفاره تکرار نمی‌شود. (۱)

۳- موقعی که عذر دارد، تصمیم او بر این است که بعد از برطرف شدن عذر، قضای روزه را به جا آورد و عذر برطرف شد و پیش از آن که قضا کند در تنگی وقت عذری برایش پیدا شود، قضای آن واجب و یک مد طعام احتیاط واجب است. (۲)

۴- در قضای روزه کوتاهی کند و وقت تنگ شود و در تنگی وقت عذری برایش پیش آید. (۳)

احکام قضا و کفاره روزه

- ۱- لازم نیست قضای روزه را فوراً به جا آورد، ولی بنا بر احتیاط واجب باید تا رمضان سال بعد انجام دهد. (۴)
- ۲- اگر چند ماه رمضان روزه قضا دارد، هر کدام را اول بگیرد اشکال ندارد، ولی اگر وقت قضای روزه آخرین ماه رمضان تنگ است؛ مثلاً ده روز از رمضان آخر، قضا دارد و ده روز به رمضان مانده است، باید اول قضای آن را بگیرد. (۵)
- ۳- انسان نباید در انجام کفاره کوتاهی کند، ولی لازم نیست، فوراً

۱- توضیح المسائل، م ۱۷۰۹.

۲- توضیح المسائل، م ۱۷۰۶.

۳- توضیح المسائل، م ۱۷۰۶.

۴- العروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۳۰، م ۷ و تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۹۸، م ۴.

۵- توضیح المسائل، م ۱۶۹۸.

ص: ۱۴۹

آن را انجام دهد. (۱)

۴- اگر کفاره بر انسان واجب شود، چند سال بر آن بگذرد و به جا نیاورد، چیزی بر آن اضافه نمی شود. (۲)

۵- اگر به سبب عذری مانند سفر، روزه نگرفته و پس از رمضان عذر او بر طرف شود و

تا رمضان سال بعد، عمداً قضای آن را به جا نیاورد، باید علاوه بر قضا، برای هر روز

یک مدّ طعام به فقیر بدهد. (۳)

۶- کسی که قضای روزه رمضان را گرفته، (۴) اگر بعد از ظهر عمداً آن را باطل کند، باید

به ده فقیر، هر کدام یک مدّ طعام بدهد. و اگر نمی تواند طعام بدهد، بنابر احتیاط واجب

باید سه روز پی در پی روزه بگیرد. (۵)

روزه مسافر

اشاره

مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر، دو رکعت بخواند، نباید در آن سفر

روزه بگیرد ولی باید قضای آن را به جا آورد و مسافری که نمازش را تمام می خواند؛

مثل (۶) کسی که شغل او سفر

۱- توضیح المسائل، م ۱۶۸۴.

۲- توضیح المسائل، م ۱۶۸۵.

۳- توضیح المسائل، م ۱۷۰۵.

۴- آیه الله زنجانی: کسی که قضای روزه ماه رمضان را گرفته، اگر از شب نیت روزه

کرده و پیش از ظهر عمداً کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد نیز باید همین

مقدار کفاره بدهد.

۵- توضیح المسائل، م ۱۶۸۷.

۶- آیه الله زنجانی، آیه الله صانعی: مثل کسی که زیاد مسافرت می کند یا سفر

او معصیت است باید در سفر روزه بگیرد.

ص: ۱۵۰

است، باید در سفر روزه بگیرد. (۱)

احکام روزه مسافر:

به سفر رفتن:

از سفر برگشتن:

۱- قبل از ظهر به مسافرت می‌رود: وقتی به حد ترخص رسید، (۲) باید روزه‌اش را باطل کند و اگر قبل از آن روزه را باطل کند، به احتیاط واجب باید کفاره بدهد.

۲- بعد از ظهر به مسافرت می‌رود: روزه‌اش صحیح است و نباید آنرا باطل کند.

۱- قبل از ظهر به وطن یا جایی که بنا دارد ده روز بماند

الف: کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام نداده است: باید روزه آن روز را تمام کند و صحیح است.

ب: روزه را باطل کرده است: روزه آن روز بر او واجب نیست و باید قضای آن را بجا آورد.

۲- بعد از ظهر برسد: روزه‌اش باطل است و باید قضای آن را بجا آورد. (۳)

۱- توضیح المسائل، م ۱۷۱۴ - توضیح المسائل، م ۱۷۱۴.

۲- آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: در صورتی که از شب نیت سفر داشته باشد روزه‌اش باطل می‌شود و الا بنا بر احتیاط واجب روزه را تمام کند و بعداً قضا لازم نیست و اگر پیش از رسیدن به حد ترخص روزه را باطل کند کفاره بر او واجب است.

آیه الله صافی: باید نیت روزه نداشته باشد و اگر شب قصد سفر نکرده باشد احتیاط مستحب اتمام روزه و قضای آن است.

آیه‌الله خویی: در صورتی که از شب نیت سفر داشته باشد روزه اش باطل می‌شود و الا بنا بر احتیاط واجب روزه را تمام و بعداً قضا کند و اگر پیش از رسیدن به حدّ ترخص روزه را باطل کند کفار بر او واجب است.
 ۳- توضیح المسائل. م ۱۷۱۴ - ۱۷۲۱ - ۱۷۲۲ - ۱۷۲۳.

ص: ۱۵۱

مسأله: مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، ولی اگر برای فرار از روزه باشد مکروه است. (۱)

نماز مسافر

پس از بیان احکام روزه مسافر مناسب است تعدادی از مسائل نماز مسافر که مورد نیاز زائران بیت الله الحرام می‌باشد، یادآور شویم:

۱- اگر مدّت اقامت زائران در مدینه منوره ده روز یا بیشتر باشد باید نماز را تمام بخوانند هر چند در بین ده روز به مسجد قبا، قبلتین، مساجد خندق یا به زیارت شهدای احد بروند، چون به سبب توسعه شهر، این اماکن به شهر متصل شده است.
 ۲- زائرانی که در ماه رمضان، در مکه مکرمه قصد ماندن ده روز دارند، باید نماز را تمام بخوانند و روزه صحیح است و رفتن به عرفات و مشعرالحرام و منی، چون به حدّ مسافت نیست، هر چند عرفات خارج از ترخص است ولی چون قصد توقف زیاد در آنجا را ندارد و معمولاً در سفر عمره توقفشان در عرفات زیاد طول نمی‌کشد، ضرری به قصد ده روز ندارد.

۳- برادرانی که برای انجام کار خود، زیاد به مدینه یا جدّه یا بیرون شهر مدینه یا مکه - در مسافت چهار فرسخ یا بیشتر - تردد دارند، ولی

۱- توضیح المسائل، م ۱۷۱۵.

ص: ۱۵۲

سفر برای آنها شغل نمی باشد نمازشان در سفر شکسته و روزه باطل است. (۱)
 ۴- مسافری که نمازش شکسته است در اماکن زیر می تواند نماز را تمام یا شکسته بخواند ولی نمی تواند روزه بگیرد.

مسجد الحرام، مسجد النبی صلی الله علیه و آله، مسجد کوفه، حرم امام حسین علیه السلام (۲)

۵- حکم مسأله قبل اختصاص به مسجد قدیم ندارد، بلکه در قسمتهای توسعه یافته جدید هم مسافر می تواند نماز را تمام یا شکسته بخواند.

راههای ثابت شدن اول ماه

۱- خود انسان ماه را ببیند.

-
- ۱- آیات عظام اراکی، خامنه‌ای، تبریزی، بهجت، زنجانی، مکارم، صانعی، سیستانی، صافی: چنین افرادی در غیر سفر اول باید نماز را تمام بخوانند و روزه نیز صحیح است.
 - ۲- آیه الله اراکی، آیه الله بهجت: اگر بخواند در جایی که اول جزء مسجد نبوده و عبد اضافه شده نماز بخواند احتیاط آن است که شکسته بخواند.
 - آیات عظام گلپایگانی، خامنه‌ای، فاضل، مکارم، صافی، سیستانی: بلکه در تمام دو شهر مکه و مدینه هم می تواند نماز را تمام بخواند.
 - آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: در دو شهر قدیمی مکه و مدینه می تواند تمام بخواند.
 - آیه الله زنجانی: در شهرهای مکه و مدینه و نجف (یا کوفه) و کربلا تأکید بسیار شده

که قصد اقامت ده روز کرده و نماز را تمام بخوانند ولی تا قصد اقامه نکرده، ظاهراً مانند سایر شهرها باید نماز را شکسته بخوانند.

ص: ۱۵۳

۲- عده‌ای که از گفته آنان یقین (۱) پیدا می‌شود بگویند ماه را دیده‌ایم و همچنین است هر چیزی که بواسطه آن یقین پیدا شود.

۳- دو مرد عادل بگویند که در شب ماه را دیده‌ایم.

۴- سی روز از اول شعبان بگذرد، اول رمضان ثابت می‌شود و سی روز از اول رمضان بگذرد اول شوال ثابت می‌شود.

۵- حاکم شرع حکم کند که اول ماه است. (۲)

چند مسأله:

۱- اول ماه با پیشگویی منجمان ثابت نمی‌شود ولی اگر انسان از گفته آنان یقین پیدا کند باید به آن عمل نماید. (۳)

۲- بلند بودن ماه یا دیر غروب کردن آن، دلیل نمی‌شود که شب پیش، شب اول ماه بوده است. (۴)

۳- اگر در شهری، اول ماه ثابت شود، برای مردم شهر دیگر فایده ندارد؛ (۵) مگر آن دو شهر به هم نزدیک باشند یا انسان بداند که افق

۱- آیات عظام: گلپایگانی، خویی، صافی، تبریزی، سیستانی، بهجت، زنجانی: یا اطمینان پیدا می‌شود.

۲- توضیح المسائل، م ۱۷۳۰.

۳- توضیح المسائل، م ۱۷۳۲.

۴- توضیح المسائل، م ۱۷۳۳

۵- آیات عظام: خویی، تبریزی، نوری: در شهرهای دیگر چه دور باشند چه نزدیک چه در افق متحد باشند یا نه ثابت می شود نوری همین قدر که در شب بودن آن مثل مکه و کراچی یا لندن و کابل که مثل تهران و واشنگتن اشتراک داشته باشند ثابت می شود.

ص: ۱۵۴

آنها یکی است. (۱)

۴- روزی را که انسان نمی داند آخر رمضان است یا اول شوال، باید روزه بگیرد، ولی

اگر پیش از مغرب بفهمد که اول شوال است باید افطار کند. (۲)

۵- اگر حاکم شرع حکم کند که اول ماه است، کسی هم که از او تقلید نمی کند باید

به حکم او عمل کند (۳) ولی کسی که می داند حاکم شرع اشتباه کرده است نمی تواند

به حکم او عمل کند. (۴)

اعتکاف

اشاره

اعتکاف

یکی از کارهای مستحب، اعتکاف است و اعتکاف عبارت است از ماندن در مسجد با

شرایطی که خواهد آمد. (۵) چون برخی از زائران عزیز در ماه مبارک رمضان، مایل به

اعتکاف در مسجد الحرام می باشد خلاصه ای از احکام آن را در اینجا می آوریم ولی

یادآوری می کنیم که هرگز بدون هماهنگی با مسؤولان و روحانی کاروان، معتکف

نشوند.

شرایط اعتکاف

اشاره

- ۱- معتکف عاقل باشد، پس اعتکاف از دیوانه صحیح نیست.
- ۲- نیت، با قصد قربت و اخلاص در مسجد بماند.
- ۳- روزه گرفتن، مدتی که در مسجد است باید روزه دار باشد، پس

- ۱- توضیح المسائل، م ۱۷۳۵.
- ۲- توضیح المسائل، م ۱۷۳۷.
- ۳- آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: اوّل ماه به حکم حاکم شرع ثابت نمی شود و رعایت احتیاط اولی است.
- آیه الله زنجانی: ثبوت ماه به حکم حاکم محل اشکال است، بلی اگر موجب اطمینان باشد کافی است.
- ۴- توضیح المسائل، م ۱۷۳۱.
- ۵- تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب صوم، خاتمه فی الاعتکاف، ص ۳۰۴.

ص: ۱۵۵

ص: ۱۵۶

- کسی که نمی تواند روزه بگیرد یا می تواند روزه بگیرد ولی روزه نگیرد اعتکاف او صحیح نیست.
- ۴- از سه روز کمتر نباشد، حداقل اعتکاف سه روز است ولی در زیاده حدی ندارد.
 - ۵- در یکی از این مساجد معتکف شود:
 - مسجد الحرام، مسجد النبی صلی الله علیه و آله، مسجد کوفه، مسجد بصره
 - و در غیر این چهار مسجد، تنها در مسجد جامع هر شهر، (۱) به قصد رجاء مانع ندارد. و در سایر مساجد جایز نیست.

۶- اجازه گرفتن از کسی که اجازه او لازم است، مثل اجازه زن از شوهر خویش در صورتی که اعتکاف موجب از بین رفتن حق او باشد (بنابر احتیاط واجب اجازه او لازم است) و اجازه فرزند از والدین، در صورتی که اعتکاف او موجب اذیت و آزار آنها باشد.

۷- ماندن در مسجد و بیرون نرفتن از آن در مدت اعتکاف (۲)

شرایط اعتکاف

- ۱- معتکف عاقل باشد، پس اعتکاف از دیوانه صحیح نیست.
- ۲- نیت، با قصد قربت و اخلاص در مسجد بماند.
- ۳- روزه گرفتن، مدتی که در مسجد است باید روزه دار باشد، پس کسی که نمی‌تواند روزه بگیرد یا می‌تواند روزه بگیرد ولی روزه نگیرد اعتکاف او صحیح نیست.
- ۴- از سه روز کمتر نباشد، حداقل اعتکاف سه روز است ولی در زیاده حدی ندارد.
- ۵- در یکی از این مساجد معتکف شود:
 - مسجد الحرام، مسجد النبی صلی الله علیه و آله، مسجد کوفه، مسجد بصره
 - و در غیر این چهار مسجد، تنها در مسجد جامع هر شهر، (۳) به قصد رجاء مانع ندارد. و در سایر مساجد جایز نیست.

۶- اجازه گرفتن از کسی که اجازه او لازم است، مثل اجازه زن از شوهر خویش در صورتی که اعتکاف موجب از بین رفتن حق او باشد (بنابر احتیاط واجب اجازه او لازم است) و اجازه فرزند از والدین، در صورتی که اعتکاف او موجب اذیت و آزار آنها باشد.

۷- ماندن در مسجد و بیرون نرفتن از آن در مدت اعتکاف (۴)

احکام اعتکاف

۱- نیت اعتکاف باید از اذان صبح که آغاز روزه است باشد، بنابراین کسی که دیرتر از آن وقت به مسجد برسد، آن روز نمی تواند

- ۱- آیات عظام، خویی، گلپایگانی، اراکی، فاضل، نوری، سیستانی، مکارم: اعتکاف در مسجد جامع شهر نیز کافی است
- ۲- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۰۴، القول فی شروطه.
- ۳- آیات عظام، خویی، گلپایگانی، اراکی، فاضل، نوری، سیستانی، مکارم: اعتکاف در مسجد جامع شهر نیز کافی است.
- ۴- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۰۴، القول فی شروطه.

ص: ۱۵۷

اعتکاف را شروع کند. (۱)

۲- روزه در اعتکاف لازم نیست برای اعتکاف باشد، بلکه می تواند روزه ماه رمضان،

قضای آن، یا روزه نذری باشد. (۲)

۳- قطع و رها کردن اعتکاف مستحبی، در روزهای اول و دوم جایز است ولی پس از

تمام شدن دو روز، ماندن روز سوم واجب می شود و قطع اعتکاف جایز نیست. (۳)

۴- اگر عمداً و با اختیار از مسجد خارج شود، اعتکاف باطل می شود، هر چند جاهل به

حکم باشد ولی از روی ضرورت چه ضرورت عقلی یا شرعی یا عرفی باشد خارج

شدن از مسجد اشکال ندارد مانند این موارد:

* برای قضای حاجت (تخلی)

* انجام غسل جنابت

* اقامه شهادت (شهادت دادن در دادگاه)

* عیادت مریض

* تشییع جنازه

* بدرقه مسافر

* استقبال کسی که از سفر برمی‌گردد

اگر به خاطر ضرورت از مسجد بیرون رود، بنا بر احتیاط واجب باید

۱- همان - الثانی.

۲- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۰۵، الثالث.

۳- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۰۶، م ۳.

ص: ۱۵۸

نزدیکترین راه را انتخاب کند و بیش از مقدار نیاز بیرون مسجد نماند و نشیند و زیر

سایه حرکت نکند و در صورت امکان نباید زیر سایه بنشیند. (۱)

محرمات اعتکاف

انسان در حال اعتکاف از این کارها باید پرهیز کند:

۱- امور جنسی و شهوت آمیز؛ مانند بوسه، لمس، آمیزش

۲- استمنا (بنا بر احتیاط واجب)

۳- بوییدن چیزهای خوشبو و عطریات حتی گیاهان خوشبو، همراه با لذت. (۲)

۴- خرید و فروش

- ۵- سایر انواع تجارت؛ مثل صلح و اجاره و غیر اینها (بنابر احتیاط واجب)
 ۶- جدال در امور دینی و دنیوی برای غلبه بر دیگری و اظهار فضل و برتری بر او. (۳)

زکات فطره

پس از پایان یافتن ماه مبارک رمضان؛ یعنی در شب عید فطر، افرادی که دارای شرایط باشند، باید زکاتی پردازند که مقدار و مواد مصرف آن خواهد آمد. این زکات بنام زکات فطره خوانده می‌شود.

کسی که در شب عید فطر دارای این شرایط باشد زکات فطره بر او واجب است:

- ۱- بالغ باشد. ۲- عاقل باشد. ۳- بنده کسی نباشد. ۴- فقیر نباشد. (۴)
- فردی که دارای شرایط فوق باشد باید زکات خود و کسانی که در مغرب شب عید فطر نان‌خور او هستند را پردازد، کوچک باشند یا بزرگ، مسلمان باشند یا کافر، خرج آنان بر او واجب باشد یا نه، در شهر خود او باشند یا در شهر دیگر (یعنی حتی اگر فرزند کوچک او که

- ۱- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۰۶ السابع و ص ۳۰۷، م ۹.
- ۲- آیه الله مکارم، آیه الله نوری: هر چند برای لذت نباشد حرام است؛ مثلاً برای امتحان ببوید.
- آیه الله گلپایگانی: بدون قصد لذت بردن نیز بنابر احتیاط واجب جایز نیست.
- ۳- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۰۹.
- ۴- توضیح المسائل، م ۱۹۹۱.

ص: ۱۶۰

نان خور اوست به مسافرت رفته باشد باید زکات او را بدهد) و همچنین مهمانی که با رضایت او پیش از غروب شب عید فطر وارد خانه‌اش شده باشد، (۱) باید زکات او را بدهد. (۲)

مقدار زکات فطره: هر نفری یک صاع که تقریباً ۳ کیلو است. (۳)

جنس زکات فطره: گندم یا جو یا خرما یا کشمش یا برنج یا ذرت و مانند اینها. (۴)

وقت وجوب زکات فطره: شب عید فطر. (۵)

وقت پرداخت زکات فطره: از شب عید تا ظهر روز عید فطر و بهتر آن است که در روز

عید بدهد و اگر نماز عید می‌خواند بنابر احتیاط واجب قبل از نماز عید بپردازد. (۶)

مصرف زکات فطره: همان مصرف زکات مال است، گرچه احتیاط مستحب آنست

که فقط به فقراي مؤمن و اطفال آنها و به مساکین بدهد. (۷)

احکام زکات فطره

۱- کسی که مخارج سال خود و اهل و عیالش را ندارد و کسبی هم ندارد که بتواند

مخارج سال خود و اهل و عیالش را بگذراند فقیر است و دادن زکات فطره بر او

واجب نیست. (۸)

۲- فطره مهمانی که پیش از غروب شب عید فطر، بدون رضایت صاحبخانه وارد

می‌شود در»

(۹) صورتی که نان خور او حساب شود، واجب است و همچنین است فطره کسی که

انسان را مجبور کرده‌اند که خرجی او را بدهد. (۱۰)

- ۱- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: در صورتی که بگویند امشب نان او را داده واجب است زکات فطره او را پرداخت کند هر چند نان خور او حساب نشود.
- ۲- توضیح المسائل، م ۱۹۹۱ و ۱۹۹۵.
- آیه الله مکارم: اما اگر فقط برای شب عید دعوت شده فطره او بر میزبان واجب نیست.
- ۳- توضیح المسائل، م ۱۹۹۱.
- ۴- همان.
- ۵- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۸.
- ۶- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۸؛ توضیح المسائل، م ۲۰۲۹.
- ۷- توضیح المسائل، م ۲۰۱۴.
- ۸- توضیح المسائل، م ۱۹۹۲.
- ۹- آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب فطره او را بدهد.
- آیات عظام صافی، سیستانی، گلپایگانی: و مدتی نزد او می ماند بنابر احتیاط واجب است.
- آیه الله خویی: و مدتی نزد او می ماند محل اشکال است بلکه اظهر عدم وجوب است اگر چه بهتر دادن زکات است.
- آیه الله فاضل: و مدتی نزد او می ماند در صورتی که نان خور او حساب شود بنابر احتیاط واجب است.
- آیه الله تبریزی: و مدتی نزد او می ماند محل اشکال است اگر چه احوط دادن زکات فطره او است.
- ۱۰- توضیح المسائل، م ۱۹۹۶
- آیه الله بهجت: فطره کسی که پیش از برآمدن هلال ماه شوال مهمان شخص دیگری شده است بر میزبان واجب است به شرط آن که برای خوردن غذا به منزل او آمده باشد ولی بعداً مانعی پیش آید که نتواند غذا صرف کند.

صک ۱۶۱

ص: ۱۶۲

- ۳- فطره مهمانی که بعد از غروب شب عید فطر وارد می شود، (۱) بر صاحبخانه واجب نیست، اگر چه پیش از غروب او را دعوت کرده باشد و در خانه او هم افطار کند. (۲)
- ۴- کسی که دیگری باید فطره او را بدهد واجب نیست فطره خود را بدهد. (۳)
- ۵- اگر فطره انسان بر کسی واجب باشد و او فطره را ندهد بر خودش (۴) واجب نمی شود. (۵)
- ۶- کسی که سید نیست نمی تواند به سید فطره بدهد، حتی اگر سیدی نان خور او باشد نمی تواند فطره او را به سید دیگر بدهد. (۶)
- ۷- فقیری که فطره به او می دهند لازم نیست عادل باشد ولی

- ۱- آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: در صورتی که ناخور او حساب شود بنا بر احتیاط واجب است و الا واجب نیست اگر چه پیش از غروب او را دعوت کرده باشد و در خانه او افطار کند.
- ۲- توضیح المسائل، م ۱۹۹۷
- آیه الله مکارم: اگر میهمان قبل از غروب آفتاب و فقط برای شب عید دعوت شده باشد فطره او بر میزبان واجب نیست.
- ۳- توضیح المسائل، م ۲۰۰۵.
- ۴- آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط، واجب می شود.
- ۵- توضیح المسائل، م ۲۰۰۶.
- ۶- توضیح المسائل، م ۲۰۰۹.

ص: ۱۶۳

احتیاط واجب آن است که به شرابخوار (۱) و کسی که آشکارا معصیت کبیره می کند فطره ندهند. (۲)

۸- به کسی که فطره را در معصیت مصرف می کند نباید فطره بدهند. (۳)

۹- احتیاط (۴) واجب آن است که به یک فقیر بیش از مخارج سالش و کمتر از یک صاع فطره ندهند. (۵)

۱۰- اگر فطره را کنار بگذارد، نمی تواند آن را برای خودش بردارد و مالی دیگر را برای فطره بگذارد. (۶)

۱۱- اگر در محل خودش مستحق پیدا شود (۷) احتیاط واجب آنست که فطره را به جای دیگر نبرد و اگر به جای دیگر ببرد و تلف شود باید عوض آن را بدهد. (۸)

۱- یات عظام فاضل، گلپایگانی، صافی: و به کسی که معصیت می کند فطره ندهند.

۲- توضیح المسائل، م ۲۰۱۶

آیه الله بهجت: به کسی که معصیت کبیره و اموری که در اسلام منکر و قبیح هست مرتکب می شود خصوصاً کسی که آشکارا معصیت انجام می دهد بنا بر احتیاط واجب نباید زکات بدهند مگر به قدر ضروریات او و خانواده اش.

۳- توضیح المسائل، م ۲۰۱۷.

۴- آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب است.

۵- توضیح المسائل، م ۲۰۱۸.

۶- توضیح المسائل، م ۲۰۳۲.

۷- آیه الله اراکی: می تواند آن را به جای دیگر ببرد اگر چه احتیاط مستحب آن است

که به جای دیگر نبرد.

۸- توضیح المسائل، م ۲۰۳۵.

ص: ۱۶۴

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای - مدّ ظلّه العالی

با عرض سلام و تحیت، در آستانه ماه شریف و مبارک رمضان و با توجّه به توسعه شهرها و عدم امکان تشخیص دقیق لحظه طلوع فجر خواهشمند است نظر شریف خود را در مورد زمان امساک برای روزه و اقامه نماز صبح اعلام فرمایند. خداوند سایه پربرکت آن زعیم عالیمقام را تا ظهور ولی عصر (عج) بر سر مسلمانان مستدام فرماید.

مصلاى امام خمینی طهران

بسمه تعالی

مقتضی است مؤمنین محترم ایدهم الله تعالی جهت رعایت احتیاط در مورد امساک روزه و وقت نماز صبح همزمان با شروع اذان صبح اعلامی از رسانه‌ها برای روزه امساک نمایند و حدود پنج الی شش دقیقه بعد از اذان شروع به ادای فریضه صبح نمایند.

بخش چهارم ادعیه و آداب

اشاره

در تهیه این توشه از کتابهای زیر استفاده شده است:

۱- ره توشه راهیان نور، ویژه ماه مبارک رمضان، ۱۴۱۸ ه.

ق. / ۱۳۷۶ ه. ش. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. معاونت آموزش مبلغین (طرح

هجرت).

- ۲- ره توشه راهیان نور، ویژه ماه مبارک رمضان (۱۴۱۷ ق، ۱۳۷۶ ش). دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، معاونت آموزش مبلغین (طرح هجرت).
- ۳- خطّ سبز سلوک، استاد جواد محدّثی، انتشارات نصر، چاپ اول ۱۳۷۶.
- ۴- روایت انقلاب، ج ۱، استاد جواد محدّثی، انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم ۱۳۷۱.
- ۵- روایت انقلاب ج ۲، استاد جواد محدّثی، انتشارات تربیت، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
- ۶- یاد ایام، ج ۲، معاونت فرهنگی شورای سیاستگذاری ائمه جمعه، ناشر شورای سیاستگذاری ائمه جمعه، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- ۷- صلح امام حسن علیه السلام، شیخ راضی آل یاسین، ترجمه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیه الله خامنه‌ای، انتشارات آسیا، چاپ اول، ۱۳۴۸.
- ۸- تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، اصغر قائدان،

ص: ۱۶۵

ص: ۱۶۶

ص: ۱۶۷

نشر مشعر، چاپ دوم، ۱۳۷۴.

۹- فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام. آیه الله جعفر سبحانی، نشر مشعر.

۱۰- آموزش فقه، محمّد حسین فلاح زاده، دفتر نشر الهادی، چاپ پنجم، ۱۳۷۷.

۱۱- مفاتیح الجنان، ترجمه استاد حاج سید هاشم رسولی محلّاتی، انتشارات کتابخانه

صدر، چاپ دوم، ۱۳۷۶.

اعمال مشترک ماه رمضان

ادعیه و اعمالی که در تمام ماه رمضان مستحب است:

اعمال مشترک ماه رمضان (۱)

ادعیه و اعمالی که در تمام ماه رمضان مستحب است:

۱- بهترین اعمال در ماه مبارک رمضان، خواندن قرآن است و در حدیث است که هر چیزی را بهاری است و بهار قرآن ماه رمضان است، چه اینکه قرآن در این ماه نازل شده و روایت شده است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام قبل از شروع به تلاوت قرآن این دعا را می خواند.

اللَّهُمَّ اِنِّي اشْهَدُ اَنَّ هَذَا كِتَابُكَ الْمُنَزَّلُ مِنْ عِنْدِكَ عَلَي رَسُوْلِكَ مُحَمَّدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَلَامُكَ النَّاطِقُ عَلَي لِسَانِ نَبِيِّكَ جَعَلْتَهُ هَادِيًا مِنْكَ اِلَى خَلْقِكَ وَحَبْلًا مُتَّصِلًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ عِبَادِكَ اللَّهُمَّ اِنِّي نَشَرْتُ عَهْدَكَ وَكِتَابَكَ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ عِبَادَةً وَقَرَأَتِي فِيهِ فِكْرًا وَفِكْرِي فِيهِ اِعْتِبَارًا وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ اتَّعَظَ بِبَيَانِ مَوَاعِظِكَ فِيهِ وَاجْتَنَبَ مَعَاصِيكَ وَلَا

۱- مطالب بخش سوّم از کتاب شریف مفاتيح الجنان، حاج شيخ عباس قمي گرفته شده است.

ص: ۱۶۸

تَطْبَعُ عِنْدَ قِرَائَتِي عَلَي سَمْعِي وَلَا تَجْعَلْ عَلَي بَصْرِي غِشَاوَةً وَلَا تَجْعَلْ قِرَائَتِي قِرَاءَةً لَا تَدَّبَّرَ فِيهَا بَلْ اجْعَلْنِي اِتْدَبَّرُ آيَاتِهِ وَاحْكَامَهُ آخِذًا بِشَرَائِعِ دِينِكَ وَلَا تَجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ غَفْلَةً وَلَا قِرَائَتِي هَذَرًا اِنَّكَ اَنْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ.

و بعد از قرائت قرآن مجید این دعا را می خواند:

اللَّهُمَّ اِنِّي قَدْ قَرَأْتُ مَا قَضَيْتَ مِنْ كِتَابِكَ الَّذِي اَنْزَلْتَهُ عَلَي نَبِيِّكَ الصَّادِقِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ اَلِهِ فَالْحَمْدُ رَبَّنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِلُّ حَلَالَهُ وَيُحَرِّمُ حَرَامَهُ وَيُؤْمِنُ بِمُحْكَمِهِ

وَمُتَّشَابِهَهُ وَاجْعَلْهُ لِي انْسَاءً فِي قَبْرِي وَانْسَاءً فِي حَشْرِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ تُرْقِيهِ بِكُلِّ آيَةٍ قَرَأَهَا
دَرَجَةً فِي اعْلَاءِ عِلِّيِّينَ اٰمِيْنَ رَبَّ الْعٰلَمِيْنَ.

۲- خواندن دعای حج که حضرت صادق علیه السلام در ماه رمضان می خواند و آن
دعا این است:

اللّٰهُمَّ اِنِّيْ بِكَ وَمِنْكَ اَطْلُبُ حَاجَتِيْ وَمَنْ طَلَبَ حَاجَةً اِلَى النَّاسِ فَاِنِّيْ لَا اَطْلُبُ حَاجَتِيْ اِلَّا
مِنْكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيْكَ لَكَ وَاسْئَلُكَ بِفَضْلِكَ وَرِضْوَانِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَاَهْلَ
بَيْتِهِ وَاَنْ تَجْعَلَ لِي فِيْ عَامِيْ هَذَا اِلَى بَيْتِكَ الْحَرَامِ سَبِيْلًا حِجَّةً مَّبْرُوْرَةً مُّتَقَبَّلَةً زَاكِيَةً خَالِصَةً
لَكَ تَقْرُبُ بِهَا عَيْنِيْ وَتَرْفَعُ بِهَا

ص: ۱۶۹

دَرَجَتِيْ وَتَرْزُقْنِيْ اِنْ اَعْضُ بَصْرِيْ وَاِنْ اَحْفَظَ فَرْجِيْ وَاِنْ اَكْفُ بِهَا عَنْ جَمِيْعِ مَحَارِمِكَ
حَتّٰى لَا يَكُوْنُ شَيْءٌ اَثَرَ عِنْدِيْ مِنْ طَاعَتِكَ وَخَشِيَّتِكَ وَالْعَمَلِ بِمَا اَحْبَبْتَ وَالتَّرَكِّ لِمَا
كَرِهْتَ وَنَهَيْتَ عَنْهُ وَاَجْعَلْ ذَلِكَ فِيْ يُسْرٍ وَيَسَارٍ وَعَافِيَةٍ وَمَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَاسْئَلُكَ اَنْ
تَجْعَلَ وَفَاتِيْ قِتْلًا فِيْ سَبِيْلِكَ تَحْتَ رَايَةِ نَبِيِّكَ مَعَ اَوْلِيَائِكَ وَاسْئَلُكَ اَنْ تَقْتُلَ بِي
اَعْدَاءَكَ وَاَعْدَاءَ رَسُوْلِكَ وَاسْئَلُكَ اَنْ تُكْرِمَنِيْ بِهَوَانٍ مِنْ شَيْءٍ مِنْ خَلْقِكَ وَلَا تُهِنِّيْ
بِكِرَامَةِ اَحَدٍ مِنْ اَوْلِيَائِكَ اللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِي مَعَ الرَّسُوْلِ سَبِيْلًا حَسْبِيَ اللّٰهُ مَا شَاءَ اللّٰهُ.

دعاهایی که پس از نمازهای واجب خوانده می شود

۱- دعایی که از امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام روایت شده است:
اللّٰهُمَّ ارْزُقْنِيْ حِجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، فِيْ عَامِيْ هَذَا وَفِيْ كُلِّ عَامٍ، مَا اَبْقَيْتَنِيْ فِيْ يُسْرٍ مِنْكَ
وَعَافِيَةٍ وَسَعَةِ رِزْقٍ وَلَا تُخَلِّنِيْ مِنْ تِلْكَ الْمَوَاقِفِ الْكَرِيْمَةِ وَالْمَشَاهِدِ الشَّرِيْفَةِ وَزِيَارَةِ قَبْرِ
نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفِيْ جَمِيْعِ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَكُنْ لِي اللّٰهُمَّ اِنِّيْ اسْئَلُكَ
فِيْمَا تَقْضِيْ وَتُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُوْمِ فِيْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِيْ لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ اِنْ
تَكْتَبْنِيْ مِنْ

ص: ۱۷۰

حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ، الْمَشْكُورِ سَعِيَهُمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمْ، الْمَكْفَرِ عَنْهُمْ
سَيِّئَاتِهِمْ وَأَجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتَقْدِرُ أَنْ تَطِيلَ عُمُرِي وَتَوْسِعَ عَلَيَّ رِزْقِي وَتُوَدِّدَ عَنِّي أَمَانَتِي
وَدِينِي آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

۲- دعای معروف:

يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ أَنْتَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ
الْبَصِيرُ وَهَذَا شَهْرُ عَظَمَتِهِ وَكِرَمَتِهِ وَشَرَفَتِهِ وَفَضْلَتِهِ عَلَى الشُّهُورِ وَهُوَ الشَّهْرُ الَّذِي فَرَضْتَ
صِيَامَهُ عَلَيَّ وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى
وَالْفُرْقَانِ وَجَعَلْتَ فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ فَيَا ذَالِمَنِّ وَلَا يَمَنُّ عَلَيْكَ مَنْ
عَلَيَّ بِفِكَاكِ رِقَبَتِي مِنَ النَّارِ فَيَمَنُّ تَمَنُّ عَلَيْهِ وَأَدْخَلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.
۳- دعایی که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است:

اللَّهُمَّ ادْخِلْ عَلَيَّ أَهْلَ الْقُبُورِ السُّرُورَ اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ اللَّهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ اللَّهُمَّ اكْسُ
كُلَّ عَرِيَانٍ اللَّهُمَّ اقْضِ دَيْنَ كُلِّ مَدِينٍ اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَن كُلِّ مَكْرُوبٍ اللَّهُمَّ رُدِّ كُلَّ غَرِيبٍ
اللَّهُمَّ فُكِّ كُلَّ أَسِيرٍ اللَّهُمَّ اصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِنْ أُمُورٍ

ص: ۱۷۱

الْمُسْلِمِينَ اللَّهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ اللَّهُمَّ سُدِّ فَقْرَنَا بِغِنَاكَ اللَّهُمَّ غَيِّرْ سَوْءَ حَالِنَا بِحُسْنِ
حَالِكَ اللَّهُمَّ اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَأَغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ أَنْكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اعمال شبهای ماه رمضان

اعمال مشترک شبهای ماه رمضان:

- ۱- آنکه افطار کردن با چیز پاکیزه از حرام و شبهات و بهتر آنست که به خرما یا حلال افطار کند تا ثواب نمازش چهارصد برابر گردد و به خرما و آب و به رطب و به شیر و

به حلوا و به نبات و به آب گرم به هر کدام که افطار کند نیز خوبست.
۲- در وقت افطار دعاهایی که از معصومین علیهم السلام رسیده است بخواند و از جمله آنهاست این دعا:

اللَّهُمَّ لَكَ صُمْتُ وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ.

تا خدا عطا کند به او ثواب هر کسی را که در این روز روزه داشته و روایت شده که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هر گاه می خواست افطار کند می گفت:
بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ لَكَ صُمْنَا وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْنَا فَتَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

ص: ۱۷۲

ص: ۱۷۳

در لقمه اول بگوید: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ اغْفِرْ لِي يَا خدایا تا خدا او را بیامرزد.

۳- در وقت افطار سوره قدر بخواند.

۴- در وقت افطار صدقه و افطار دهد روزه داران را اگر چه به چند دانه خرما یا آب نوشیدن باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است، کسی که افطار دهد روزه داری را از برای او خواهد بود مثل اجر آن روزه دار بدون آنکه از اجر او چیزی کم شود.

۶- هر شب خواندن هزار مرتبه سوره «قدر» مستحب است.

۷- هر شب صد مرتبه سوره «دخان» را بخواند.

۸- بخواند این دعا را:

اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَأَفْتَرَضْتَ عَلَيَّ عِبَادَكَ فِيهِ الصِّيَامَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَرْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَأَغْفِرْ لِي تِلْكَ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ يَا رَحْمَنُ يَا عَلَّامُ.

۹- هر شب بخواند بعد از مغرب دعای حج را که در صفحه ۱۶۸ گذشت.

۱۰- بخواند در هر شب از ماه رمضان دعای معروف افتتاح را.

دعای افتتاح

دعای افتتاح

اللَّهُمَّ اِنِّی افْتَحْتُ الثَّنَاءَ بِحَمْدِكَ وَاَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنْكَ وَاَیْقَنْتُ اَنْكَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِیْنَ فِی مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَاَشَدُّ الْمُعَاقِبِیْنَ فِی مَوْضِعِ النِّكَالِ وَالنَّقْمَةِ وَاَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِیْنَ فِی مَوْضِعِ الْكِبْرِیَاءِ وَالْعُظْمَةِ اللَّهُمَّ اذْنْتَ لِی فِی دُعَائِكَ وَمَسْئَلَتِكَ فَاسْمَعْ یَا سَمِیعُ مَدْحَتِی وَاَجِبْ یَا رَحِیمُ دَعْوَتِی وَاَقِلْ یَا غَفُورُ عَثْرَتِی فَكَمْ یَا اِلٰهَی مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَجْتَهَا وَهَمُومٍ قَدْ كَشَفْتَهَا وَعَثْرَةٍ قَدْ اَقَلْتَهَا وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهَا وَحَلَقَةٍ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتَهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَّلَا وَاكِلًا وَّلَمْ یَكُنْ لَهُ شَرِیكٌ فِی الْمُلْكِ وَّلَمْ یَكُنْ لَهُ وَّلِیٌّ مِنْ الدُّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِیْرًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بِجَمِیعِ مَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَی جَمِیعِ نِعَمِهِ كُلِّهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَا مُضَادَّ لَهُ فِی مُلْكِهِ وَلَا مُنَازِعَ لَهُ فِی اَمْرِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَا شَرِیكَ لَهُ فِی خَلْقِهِ وَلَا شَبِیْهَ لَهُ فِی عَظَمَتِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَاشِی فِی الْخَلْقِ اَمْرُهُ وَحَمْدُهُ الظَّاهِرِ بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ الْبَاسِطِ بِالْجُودِ يَدُهُ الَّذِی لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ وَلَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ اِلَّا جُودًا وَكَرَمًا اِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ اللَّهُمَّ اِنِّی اسْئَلُكَ قَلِیْلًا مِنْ كَثِیْرٍ مَعَ حَاجَةٍ بَی اِلَیْهِ عَظِیمَةٌ وَغِنَاكَ عَنْهُ قَدِیمٌ وَهُوَ عِنْدِی كَثِیْرٌ وَهُوَ

ص: ۱۷۴

ص: ۱۷۵

عَلَيْكَ سَهْلٌ یَسِیرُ اللَّهُمَّ اِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبِی وَتَجَاوُزَكَ عَنْ خَطِیئَتِی وَصَفْحَكَ عَنْ ظُلْمِی وَسِتْرَكَ عَلَی قَبِیحِ عَمَلِی وَحِلْمَكَ عَنْ كَثِیْرِ جُرْمِی عِنْدَ مَا كَانَ مِنْ خَطَاىِی وَعَمْدِی اَطْمَعْنِی فِی اِنْ اسْئَلُكَ مَا لَا اسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ الَّذِی رَزَقْتَنِی مِنْ رَحْمَتِكَ وَاَرِیْتَنِی

مَنْ قُدِّرَتْكَ وَعَرَفْتَنِي مِنْ اجَابَتِكَ فَصَرْتُ ادْعُوكَ آمِنًا وَاسْتُلْتُكَ مَسْتَأْنَسًا لَا خَائِفًا وَلَا
وَجَلًّا مُدَلًّا عَلَيْكَ فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ إِلَيْكَ فَإِنْ أَبْطَأَ عَنِّي عَتَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ وَكَلَّلْتُ الَّذِي
أَبْطَأَ عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ فَلَمْ أَرِ مَوْلًا كَرِيمًا أَصْبَرَ عَلَى عَبْدٍ لَيْمٍ مِنْكَ
عَلَى يَا رَبُّ أَنْكَ تَدْعُونِي فَأَوْلِي عَنْكَ وَتَتَّجِبُّ إِلَيَّ فَاتَبَغَّضُ إِلَيْكَ وَتَتَوَدَّدُ إِلَيَّ فَلَا أَقْبَلُ
مِنْكَ كَانَ لِي التَّطَوُّلُ عَلَيْكَ فَلَمْ يَمْنَعَكَ ذَلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لِي وَالْأَحْسَانِ إِلَيَّ وَالتَّفَضُّلِ
عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَارْحَمَ عَبْدَكَ الْجَاهِلَ وَجُدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ أَنْكَ جَوَادُ
كَرِيمُ الْحَمْدُ لِلَّهِ مَالِكُ الْمُلْكِ مُجْرِي الْفُلْكِ مُسَخِّرُ الرِّيَّاحِ فَالِقُ الْأَصْبَاحِ دِيَّانُ الدِّينِ رَبُّ
الْعَالَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى
طَوْلِ انَاتِهِ فِي غَضَبِهِ وَهُوَ قَادِرٌ عَلَى مَا يُرِيدُ الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ الْخَلْقِ بَاسِطِ الرِّزْقِ فَالِقِ
الْأَصْبَاحِ ذِي الْجَلَالِ وَالْأَكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ الَّذِي بَعْدَ فَلَا يُرَى وَقَرُبَ فَشْهِدَ النَّجْوَى
تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

ص: ١٧٦

لَيْسَ لَهُ مُنَازِعٌ يُعَادِلُهُ وَلَا شَبِيهٌ يُشَاكِلُهُ وَلَا ظَهِيرٌ يُعَايِدُهُ قَهْرَ بَعِزَّتِهِ الْأَعَزَّاءَ وَتَوَاضَعَ
لِعَظَمَتِهِ الْعُظْمَاءَ فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ مَا يَشَاءُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُجِيبُنِي حِينَ أُنَادِيهِ وَيَسْتُرْ عَلَيَّ كُلَّ
عُورَةٍ وَأَنَا أَعْصِيهِ وَيَعْظُمُ النِّعْمَةَ عَلَيَّ فَلَا إِجَازِيهِ فَكَمْ مِنْ مَوْهَبَةٍ هَنِيئَةٍ قَدْ أَعْطَانِي وَعَظِيمَةٍ
مَخُوفَةٍ قَدْ كَفَانِي وَبَهْجَةٍ مُونِقَةٍ قَدْ أَرَانِي فَانْتِنِي عَلَيْهِ حَامِدًا وَأَذْكُرُهُ مُسَبِّحًا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
لَا يُهْتَكُ حِجَابُهُ وَلَا يُغْلَقُ بَابُهُ وَلَا يُرَدُّ سَأَلُهُ وَلَا يُخَيَّبُ أَمْلُهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ
الْخَائِفِينَ وَيُنَجِّي الصَّالِحِينَ وَيَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ وَيُهْلِكُ مُلُوكًا
وَيَسْتَخْلِفُ آخَرِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ قَاصِمِ الْجَبَّارِينَ مُبِيرِ الظَّالِمِينَ مُدْرِكِ الْهَارِبِينَ نَكَالِ
الظَّالِمِينَ صَرِيخِ الْمُسْتَضْرَحِينَ مَوْضِعِ حَاجَاتِ الطَّالِبِينَ مُعْتَمِدِ الْمُؤْمِنِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
مِنْ خَشْيَتِهِ تَرَعَدُ السَّمَاءُ وَسُكَّانُهَا وَتَرْجُفُ الْأَرْضُ وَعِمَارُهَا وَتَمُوجُ الْبِحَارُ وَمَنْ يَسْبَحُ فِي
غَمْرَاتِهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
يَخْلُقُ وَلَمْ يَخْلُقْ وَيَرْزُقُ وَلَا يُرْزَقُ وَيُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ وَيَمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ

حَى لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ
وَرَسُولِكَ وَأَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَخَيْرَتِكَ مَنْ خَلَقَكَ وَحَافِظِ سِرِّكَ وَمُبَلِّغِ
رِسَالَتِكَ أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ

ص: ١٧٧

وَأَكْمَلَ وَأَزْكَى وَأَنَمَى وَأَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَسْنَى وَأَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ
وَسَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَصَفْوَتِكَ وَأَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ
خَلْقِكَ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ
وَإِخَى رَسُولِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَآيَتِكَ الْكُبْرَى وَالنَّبَأِ الْعَظِيمِ وَصَلِّ عَلَى الصَّدِيقَةِ
الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى سَبْطِي الرَّحْمَةَ وَأَمَامِي الْهُدَى الْحَسَنَ
وَالْحُسَيْنَ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَصَلِّ عَلَى أَيْمَةِ الْمُسْلِمِينَ عَلَى بَنِي الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ
عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيٍّ بْنِ
مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْخَلْفَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ حُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ وَأَمَنَاتِكَ فِي
بِلَادِكَ صَلَوَةٌ كَثِيرَةٌ دَائِمَةٌ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ
وَحَفِّهِ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَإِيْدِهِ بِرُوحِ الْقُدُسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَى
كِتَابِكَ وَالْقَائِمَ بِدِينِكَ اسْتَخْلِفْهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ مَكِّنْ لَهُ دِينَهُ
الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ أَبْدَلُهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمِنَا يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا اللَّهُمَّ اعِزَّهُ وَأَعِزِّزْ بِهِ
وَأَنْصُرْهُ وَأَنْتَصِرْ بِهِ وَأَنْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا وَأَفْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا
نَصِيرًا اللَّهُمَّ

ص: ١٧٨

أَظْهَرُ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ اللَّهُمَّ
أَنَا نَرُغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْأَسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُدَلُّ بِهَا النُّفَاقَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا
مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَتَرِزُقُنَا بِهَا كِرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ مَا عَرَفْنَا
مِنَ الْحَقِّ فَحَمَلْنَاهُ وَمَا قَصَرْنَا عَنْهُ فَبَلِّغْنَا اللَّهُمَّ الْمُمْ بِهْ شَعْنًا وَأَشْعَبْ بِهِ صَدْعَنَا وَارْتُقْ بِهِ

فَقَتْنَا وَكَثَّرْهُ قَلَّتْنَا وَأَعَزَّزْهُ بِه ذَلَّتْنَا وَأَغْنَى بِه عَائِلْنَا وَأَقْضَى بِه عَنْ مُغْرَمْنَا وَأَجْبَرْهُ بِه فَقْرْنَا وَسَدِّ بِه
 خَلَّتْنَا وَيَسِّرْهُ بِه عُسْرْنَا وَبَيِّضْهُ بِه وَجُوهْنَا وَفَكِّ بِه اسْرْنَا وَأَنْجِحْهُ بِه طَلِبْتْنَا وَأَنْجِزْهُ بِه مَوَاعِيدْنَا
 وَأَسْتَجِبْهُ بِه دَعْوَتْنَا وَأَعْطِنَا بِه سُؤْلْنَا وَبَلِّغْنَا بِه مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ آمَالْنَا وَأَعْطِنَا بِه فَوْقَ رَغْبَتْنَا
 يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَأَوْسَعَ الْمُعْطِينَ اشْفِ بِه صُدُورْنَا وَأَذْهَبْهُ بِه غَيْظَ قُلُوبِنَا وَأَهْدِنَا بِه لِمَا
 اِخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِأَذْنِكَ أَنْتَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَأَنْصِرْنَا بِه عَلَى
 عَدُوِّكَ وَعَدُوِّنَا إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ اللَّهُمَّ أَنَا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبِينَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَغَيْبَهُ
 وَلِينَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقَلَّةَ عَدَدِنَا وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا وَتَظَاهِرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 وَأَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحِ مَنْكَ تَعْجَلْهُ وَبِضْرِّ تَكْشِفْهُ وَنَصْرٍ تُعْزَهُ وَسُلْطَانٍ حَقٍّ تُظْهِرُهُ وَرَحْمَةٍ
 مِنْكَ تَجَلِّلُنَاهَا وَعَافِيَةٍ مِنْكَ تُبَسِّنَاهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ص: ۱۷۹

۱۱- هر شب این دعا را نیز بخواند:

اللَّهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ فَادْخُلْنَا وَفِي عَلِيِّينَ فَارْفَعْنَا وَبِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ مِنْ عَيْنٍ
 سَلْسَبِيلٍ فَاسْقِنَا وَمِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا وَمِنَ الْوَالِدَانِ الْمُخَلَّدِينَ كَانَهُمْ لَوْلَا
 مَكُونُوا فَآخِذْنَا وَمِنَ ثَمَارِ الْجَنَّةِ وَلُحُومِ الطَّيْرِ فَاطْعَمْنَا وَمِنَ ثِيَابِ السُّنْدُسِ وَالْحَرِيرِ
 وَالْأَسْتَبْرَقِ فَالْبَسْنَا وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ وَحَجِّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَقَتْلًا فِي سَبِيلِكَ فَوْقَ لَنَا وَصَالِحِ
 الدُّعَاءِ وَالْمَسْئَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا وَإِذَا جَمَعْتَ الْأَوْلِيْنَ وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَارْحَمْنَا وَبِرَأْتَهُ
 مِنَ النَّارِ فَارْحَمْنَا لَنَا وَفِي جَهَنَّمَ فَلَا تَغْلِنَا وَفِي عَذَابِكَ وَهَوَانِكَ فَلَا تَبْتَلِنَا وَمِنَ الزُّقُومِ
 وَالضَّرِيعِ فَلَا تُطْعَمْنَا وَمَعَ الشَّيَاطِينِ فَلَا تَجْعَلْنَا وَفِي النَّارِ عَلَى وَجُوهِنَا فَلَا تَكْبِنَا وَمِنَ ثِيَابِ
 النَّارِ وَسَرَابِيلِ الْقَطِرَانِ فَلَا تُبَسِّنَا وَمِنَ كُلِّ سُوءٍ يَا إِلَهَ آلاَ أَنْتَ بِحَقِّ آلاَ أَنْتَ فَانجِنَا.

اعمال شهای ماه رمضان

۱۲- از حضرت صادق علیه السلام روایت است که در هر شب ماه رمضان می خوانی:

اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ لِي فِيمَا تَقْضِي وَتَقْدِرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتَمِ فِي الْأَمْرِ الْحَكِيمِ مِنْ

الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ أَنْ تَكْتَبِنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجَّهُمْ
الْمَشْكُورِ سَعِيهِمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمُ الْمَكْفَرِ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَنْ تَجْعَلَ فِيمَا

ص: ۱۸۰

تَقْضِي وَتُقَدِّرُ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي فِي خَيْرٍ وَعَافِيَةٍ وَتُوسِّعَ فِي رِزْقِي وَتَجْعَلَنِي مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ
لِدِينِكَ وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي

۱۳- در انیس الصالحین است که در هر شب از شبهای ماه رمضان بخواند:

أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ يَنْقُضِيَ عَنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ
وَلَكَ قَبْلِي تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ

۱۴- بجا آوردن نمازهای مستحبی شبهای ماه رمضان، بدین ترتیب: در هر شب ماه

رمضان دو رکعت نماز در هر رکعت حمد و توحید سه مرتبه و چون سلام داد بگوید:
سُبْحَانَ مَنْ هُوَ حَفِيفٌ لَا يَغْفُلُ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ رَحِيمٌ لَا يَعَجَلُ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو
سُبْحَانَ مَنْ هُوَ دَائِمٌ لَا يَلْهُو.

پس بگوید تسبیحات اربع را هفت مرتبه پس بگوید:

سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ يَا عَظِيمٌ اغْفِرْ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ.

پس ده مرتبه صلوات بفرستد بر پیغمبر و آل او علیهم السلام در دهه اول و دهه دویم

ماه رمضان (بیست شب اول) در هر شبی بیست رکعت خوانده شود هر دو رکعت به

یک سلام به این طریق که هشت رکعت آنرا بعد از نماز مغرب بخواند و دوازده

رکعت دیگر را بعد از نماز عشاء و در دهه آخر در هر شب سی رکعت بخواند باز

هشت رکعت آنرا بعد

ص: ۱۸۱

از نماز مغرب و بیست و دو رکعت دیگر را بعد از نماز عشاء و مجموع این نمازها

هفتصد رکعت می شود و باقیمانده را که سیصد رکعت است در شبهای قدر بخواند

یعنی شب نوزدهم صد رکعت و شب بیست و یکم صد رکعت و شب بیست و سیم صد رکعت پس مجموع هزار رکعت شود.

و روایت شده که می خوانی بعد از هر دو رکعت از نمازهای مستحبی ماه رمضان:
 اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتَقْدِرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُمِ وَفِيمَا تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حُجَّتِهِمُ الْمَشْكُورِ سَعِيهِمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمْ وَأَسْئَلُكَ أَنْ تُطِيلَ عُمُرِي فِي طَاعَتِكَ وَتُوسِّعَ لِي فِي رِزْقِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اعمال مختص شبهای ماه رمضان

اعمال شب اول

۱- به دنبال رؤیت هلال رفتن.

۲- چون ماه را دید رو به قبله دستها را به طرف آسمان بلند کند و بگوید:

رَبِّي وَرَبُّكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ
 وَالْمُسَارَعَةِ إِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى

ص: ۱۸۲

اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا وَارْزُقْنَا خَيْرَهُ وَعَوْنَهُ وَأَصْرِفْ عَنَّا ضَرَّهُ وَشَرَّهُ وَبَلَاءَهُ وَفِتْنَتَهُ.

و روایت شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون رؤیت می کرد هلال ما

رمضان را روی شریف را به جانب قبله می فرمود و می گفت:

اللَّهُمَّ اهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالْعَافِيَةِ الْمَجَلَّلَةِ وَدِفَاعِ الْأَسْقَامِ وَالْعَوْنِ
 عَلَى الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ وَالْقِيَامِ وَتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ اللَّهُمَّ سَلِّمْنَا لَشَهْرِ رَمَضَانَ وَتَسَلِّمْنَا مِنْهُ وَسَلِّمْنَا
 فِيهِ حَتَّى يَنْقَضِيَ عَنَّا شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَدْ عَفَوْتَ عَنَّا وَغَفَرْتَ لَنَا وَرَحِمْتَنَا.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که چون رؤیت هلال نمودی بگو:

اللَّهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَدْ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ وَأَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ
 وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ اللَّهُمَّ اعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا وَسَلِّمْنَا فِيهِ وَسَلِّمْنَا مِنْهُ وَسَلِّمْنَا

لَنَا فِي يُسْرِ مِنْكَ وَعَافِيَةِ أَنْكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمٌ.

۳- خواندن دعای چهل و سوم صحیفه سجادیه که امام

ص: ۱۸۳

زین العابدین علیه السلام در وقت رؤیت هلال خوانده‌اند و آن دعا این است:

أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ الدَّائِبُ السَّرِيعُ الْمُتَرَدِّدُ فِي مَنَازِلِ التَّقْدِيرِ الْمُتَصَرِّفُ فِي فَلَكَ التَّدْبِيرِ
 أَمِنْتُ بِمَنْ نُورَ بِكَ الظُّلْمَ وَأَوْضَحَ بِكَ الْبُهْمَ وَجَعَلَكَ آيَةً مِنْ آيَاتِ مُلْكِهِ وَعَلَامَةً مِنْ
 عِلْمَاتِ سُلْطَانِهِ فَحَدِّ بِكَ الزَّمَانَ وَأَمْتَهَنَكَ بِالْكَمَالَ وَالنُّقْصَانَ وَالطُّلُوعَ وَالْأُفُولَ وَالْإِنَارَةَ
 وَالْكَسُوفَ فِي كُلِّ ذَلِكَ أَنْتَ لَهُ مُطِيعٌ وَالْيَ ارَادَتِهِ سَرِيعٌ سُبْحَانَهُ مَا اعْجَبَ مَا دَبَّرَ مِنْ
 أَمْرِكَ وَالطَّفَ مَا صَنَعَ فِي شَأْنِكَ جَعَلَكَ مِفْتَاحَ شَهْرٍ حَادِثٍ لِأَمْرٍ حَادِثٍ فَاسْتَلِ اللَّهُ رَبِّي
 وَرَبَّكَ وَخَالِقِي وَخَالِقَكَ وَمُقَدِّرِي وَمُقَدِّرَكَ وَمُصَوِّرِي وَمُصَوِّرَكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ
 مُحَمَّدًا وَالْأَهْلَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَنْ يَجْعَلَكَ هِلَالَ بَرَكَهٍ لَا تَمُحُّهَا الْأَيَّامُ وَطَهَارَةً لَا تُدْنِسُهَا الْأَثَامُ
 هِلَالَ أَمْنٍ مِنَ الْأَفَاتِ وَسَلَامَةٍ مِنَ السَّيِّئَاتِ هِلَالَ سَعْدٍ لَا نَحْسَ فِيهِ وَيَمْنٍ لَا نَكْدَ مَعَهُ وَيُسْرٍ
 لَا يُمَارِجُهُ عُسْرٌ وَخَيْرٍ لَا يَشُوبُهُ شَرٌّ هِلَالَ أَمْنٍ وَإِيمَانٍ وَنِعْمَةٍ وَأَحْسَانٍ وَسَلَامَةٍ وَأَسْلَامٍ اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَالْأَهْلَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ وَأَزْكَى مَنْ نَظَرَ إِلَيْهِ وَأَسْعَدَ
 مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ وَوَفَّقْنَا اللَّهُمَّ فِيهِ لِلطَّاعَةِ وَالتَّوْبَةِ وَأَعِصْمْنَا فِيهِ مِنَ الْإِثَامِ وَالْحَوْبَةِ وَأَوْزِعْنَا
 فِيهِ شُكْرَ النُّعْمَةِ وَالْبَسْنَ فِيهِ جُنْنَ الْعَافِيَةِ وَأَتِمِّمْ عَلَيْنَا بِاسْتِكْمَالِ طَاعَتِكَ فِيهِ الْمِنَّةَ أَنْكَ أَنْتَ
 الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

ص: ۱۸۴

الطَّيِّبِينَ وَاجْعَلْ لَنَا فِيهِ عَوْنًا مِنْكَ عَلَى مَا نَدَبْتَنَا إِلَيْهِ مِنْ مُفْتَرَضِ طَاعَتِكَ وَتَقَبَّلْهَا أَنْكَ
 الْأَكْرَمُ مِنْ كُلِّ كَرِيمٍ وَالْأَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ أَمِينَ أَمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

۴- زیارت قبر امام حسین علیه السلام کند تا گناهانش ریخته شود و ثواب حجاج و

معتمرین آن سال را دریابد.

۵- از این شب ابتدا کند به خواندن هزار رکعت نماز این ماه به نحوی که در اعمال

مشترک ماه رمضان صفحه ۱۸۰ گذشت.

۶- خواندن دو رکعت نماز در هر رکعت پس از حمد، سوره انعام.

۷- بعد از نماز مغرب دستها را بلند کند و بخواند این دعاء را که از امام جواد علیه

السلام نقل شده است.

اللَّهُمَّ يَا مَنْ يَمْلِكُ التَّدْبِيرَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي
الضُّدُورُ وَتُجَنُّ الضَّمِيرُ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مَمَّنْ نُوِي فَعَمَلٌ وَلَا تَجْعَلْنَا مَمَّنْ
شَقِيَ فَكَسَلٌ وَلَا مَمَّنْ هُوَ عَلَى غَيْرِ عَمَلٍ يَتَّكِلُ اللَّهُمَّ صَحِّحْ أْبْدَانَنَا مِنَ الْعِلَلِ وَأَعِنَّا عَلَى مَا
اِفْتَرَضْتَ عَلَيْنَا مِنَ الْعَمَلِ حَتَّى يَنْقُضِيَ عَنَّا شَهْرُكَ هَذَا وَقَدْ آدَيْنَا مَفْرُوضَكَ فِيهِ عَلَيْنَا
اللَّهُمَّ اعْنَا عَلَى صِيَامِهِ وَوَقَّفْنَا لِقِيَامِهِ وَنَشْطُنَا فِيهِ لِلصَّلَاةِ وَلَا تَحْجِبْنَا مِنَ الْقِرَاءَةِ وَسَهِّلْ لَنَا
فِيهِ آيَتَاءَ الزَّكَاةِ اللَّهُمَّ لَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا وَصَبَاً وَلَا تَعْبَاً وَلَا سَقَمًا وَلَا عَطْبًا اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا الْإِفْطَارَ
مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ

ص: ۱۸۵

اللَّهُمَّ سَهِّلْ لَنَا فِيهِ مَا قَسَمْتَهُ مِنْ رِزْقِكَ وَيَسِّرْ مَا قَدَّرْتَهُ مِنْ أَمْرِكَ وَاجْعَلْهُ حَلَالًا طَيِّبًا نَقِيًّا
مِنَ الْأَثَامِ خَالِصًا مِنَ الْأَصَارِ وَالْأَجْرَامِ اللَّهُمَّ لَا تُطْعَمْنَا إِلَّا طَيِّبًا غَيْرَ خَبِيثٍ وَلَا حَرَامٍ وَاجْعَلْ
رِزْقَكَ لَنَا حَلَالًا لَا يَشُوبُهُ دَنَسٌ وَلَا اسْقَامٌ يَا مَنْ عَلَّمَهُ بِالسَّرِّ كَعَلَّمَهُ بِالْأَعْلَانِ يَا مُتَفَضِّلًا
عَلَى عِبَادِهِ بِالْإِحْسَانِ يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ خَيْرُ الْهَمَنِ ذِكْرُكَ
وَجَنَّبْنَا عُسْرَكَ وَأَنْلْنَا يُسْرَكَ وَاهْدِنَا لِلرَّشَادِ وَوَقَّفْنَا لِلسَّدَادِ وَأَعْصِمْنَا مِنَ الْبَلَايَا وَصَنَّا مِنْ
الْأَوْزَارِ وَالْخَطَايَا يَا مَنْ لَا يَغْفِرُ عَظِيمَ الذُّنُوبِ غَيْرُهُ وَلَا يَكْشِفُ السُّوءَ إِلَّا هُوَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ وَأَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ وَاجْعَلْ صِيَامَنَا مَقْبُولًا وَبِالْبُرِّ
وَالْتَّقْوَى مَوْصُولًا وَكَذَلِكَ فَاجْعَلْ سَعِينَا مَشْكُورًا وَقِيَامَنَا مَبْرُورًا وَقُرْآنَا مَرْفُوعًا وَدُعَائِنَا
مَسْمُوعًا وَاهْدِنَا لِلْحُسْنَى وَجَنَّبْنَا الْعُسْرَى وَيَسِّرْنَا لِلْيُسْرَى وَأَعْلِ لَنَا الدَّرَجَاتِ وَضَاعِفْ لَنَا
الْحَسَنَاتِ وَأَقْبَلْ مِنَّا الصَّوْمَ وَالصَّلَاةَ وَاسْمَعْ مِنَّا الدَّعَوَاتِ وَاغْفِرْ لَنَا الْخَطِيئَاتِ وَتَجَاوَزْ عَنَّا
السَّيِّئَاتِ وَاجْعَلْنَا مِنَ الْعَامِلِينَ الْفَائِزِينَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ حَتَّى

يَقْضَى شَهْرُ رَمَضَانَ عَنَّا وَقَدْ قَبِلْتَ فِيهِ صِيَامَنَا وَقِيَامَنَا وَزَكَّيْتَ فِيهِ أَعْمَالَنَا وَغَفَرْتَ فِيهِ ذُنُوبَنَا وَأَجَزْتَ فِيهِ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ نَصَبْنَا فَانْكَ إِلَاهُ الْمُجِيبُ وَالرَّبُّ الْقَرِيبُ وَأَنْتَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ.

ص: ۱۸۶

۸- خواندن این دعا که از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ مُنْزِلَ الْقُرْآنِ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَأَنْزَلْتَ فِيهِ آيَاتِ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا صِيَامَهُ وَأَعِنَّا عَلَى قِيَامِهِ اللَّهُمَّ سَلِّمْ لَنَا وَسَلِّمْ لَنَا فِيهِ وَتَسَلِّمْهُ مِنَّا فِي يُسْرِ مِنْكَ وَمُعَافَاةٍ وَأَجْعَلْ فِيْمَا تَقْضَى وَتَقْدَرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتَمِمْ وَفِيْمَا تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، الْمَبْرُورِ حُجُّهُمْ الْمَشْكُورِ سَعِيْمِهِمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمْ، الْمَكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَجْعَلْ فِيْمَا تَقْضَى وَتَقْدَرُ أَنْ تُطِيلَ عُمُرِي وَتَوْسِعَ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ.

۹- خواندن دعایی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در شب اول ماه رمضان

می خواند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِكَ أَيُّهَا الشَّهْرُ الْمُبَارَكُ اللَّهُمَّ فَقَوْنَا عَلَى صِيَامِنَا وَقِيَامِنَا وَثَبَّتْ أَقْدَامَنَا وَأَنْصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْوَاحِدُ فَلَا وَكَدَ لَكَ وَأَنْتَ الصَّمَدُ فَلَا شِبْهَ لَكَ وَأَنْتَ الْعَزِيزُ فَلَا يُعْزُكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْعَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ وَأَنْتَ الْمَوْلَى وَأَنَا الْعَبْدُ وَأَنْتَ الْغَفُورُ وَأَنَا الْمُدْنِبُ وَأَنْتَ الرَّحِيمُ وَأَنَا الْمَخْطِئُ وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ وَأَنْتَ الْحَيُّ وَأَنَا الْمَيِّتُ

ص: ۱۸۷

اسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي وَتَجَاوِزَ عَنِّي إِنَّكَ عَلَيَّ كَلِّشِيءٍ قَدِيرٌ.

۱۰- خواندن دعای جوشن کبیر که در آخر کتاب خواهد آمد.

۱۱- خواندن دعای حج که در صفحه ۱۶۸ گذشت.

اعمال شب سیزدهم

۱- غسل.

۲- چهار رکعت نماز در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید.

۳- دو رکعت نماز که در شب سیزدهم رجب و شعبان نیز خوانده می‌شود در هر رکعت بعد از حمد یس و تَبَارَكَ الْمَلِكُ و توحید بخواند.

اعمال شب چهاردهم

دو نماز دو رکعتی که در هر یک از آنها سوره «یس» و «تبارک» و «توحید» خوانده می‌شود.

اعمال شب پانزدهم

از شبهای با برکت و اعمال آن عبارت است از:

۱- غسل.

۲- زیارت امام حسین علیه السلام.

۳- شش رکعت نماز به حمد و یس و تبارک و توحید.

۴- صدر رکعت نماز در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه توحید بخواند.

اعمال شبهای قدر

اعمال مشترک

۱- غسل و بهتر است هنگام غروب آفتاب غسل کند.

۲- دو رکعت نماز، در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه توحید بخواند و بعد از فراغ هفتاد مرتبه استغفر الله و أتوبُ إليه بگوید.

۳- قرآن مجید را بگشاید و بگذارد در مقابل خود و بگوید:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ وَبِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ بِهِ وَبِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ فِيهِ وَبِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ
فَلَا أَحَدٌ أَعْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ پَسْ دَهْ مَرْتَبَهْ بَگَویَدِ بِکَ يَا اللَّهُ وَ دَهْ مَرْتَبَهْ بِمُحَمَّدٍ وَ دَهْ

مرتبۀ بعلی و ده مرتبۀ بفاطمه و ده مرتبۀ بالحسن و ده مرتبۀ بالحسین و ده مرتبۀ بعلی بن الحسین و ده مرتبۀ بمحمد بن علی و ده مرتبۀ بجعفر بن محمد و ده مرتبۀ بموسی بن جعفر و ده مرتبۀ بعلی بن موسی و ده مرتبۀ بمحمد بن علی و ده مرتبۀ بعلی بن محمد و ده مرتبۀ بالحسن بن علی و ده مرتبۀ بالحجه. پس هر حاجت که داری طلب کن.

ص: ۱۸۸

ص: ۱۸۹

۵- زیارت کند امام حسین علیه السلام.

۶- احیا بدارد این شبها را.

۷- صد رکعت نماز کند که فضیلت بسیار دارد و افضل آنست که در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبۀ توحید بخواند.

۸- بخواند دعایی که از امام زین العابدین علیه السلام روایت شده و آن دعا این است:

اللَّهُمَّ أَنِي أَمْسَيْتُ لَكَ عَبْدًا دَاخِرًا لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا أَصْرِفُ عَنْهَا سُوءًا
أَشْهَدُ بِذَلِكَ عَلَى نَفْسِي وَأَعْتَرِفُ لَكَ بِضَعْفِ قُوَّتِي وَقَلَّةِ حِيلَتِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَأَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَجَمِّعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِنَ الْمَغْفِرَةِ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَأَتِمِّمْ
عَلَيَّ مَا آتَيْتَنِي فَإِنِّي عَبْدُكَ الْمَسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ الضَّعِيفُ الْفَقِيرُ الْمَهِينُ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي
نَاسِيًا لَذِكْرِكَ فِيمَا أَوْلَيْتَنِي وَلَا [غَافِلًا] لِإِحْسَانِكَ فِيمَا أَعْطَيْتَنِي وَلَا إِيسَاءً مِنْ أَجَابَتِكَ وَأَنْ
أَبْطَأَ عَنِّي فِي سَرَّاءٍ أَوْ ضَرَّاءٍ أَوْ شِدَّةٍ أَوْ رَخَاءٍ أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ بَلَاءٍ أَوْ بُؤْسٍ أَوْ نِعْمَاءٍ أُنْكَ
سَمِيعُ الدُّعَاءِ.

علامه مجلسی رحمه الله فرموده که بهترین اعمال در این شبها طلب آمرزش و دعا از برای مطالب دنیا و آخرت خود و پدر و مادر و خویشان خود و برادران مؤمن زنده و مرده ایشان است و اذکار و صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام آنچه مقدور

شود.

۹- خواندن دعای جوشن کبیر که در آخر کتاب خواهد آمد.

اعمال مختص

اعمال و آداب شب نوزدهم

۱- صد مرتبه استغفرالله ربی و اتوب الیه.

۲- صد مرتبه اللهم العن قتله امیر المؤمنین.

۳- خواندن این دعا:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيما تَقْضِي وَتَقْدِرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتَمِمْ وَفِيما تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَفِي الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حُجَّهِمُ الْمَشْكُورِ سَعِيهِمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمَكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَاجْعَلْ فِيما تَقْضِي وَتَقْدِرُ أَنْ تُطِيلَ عُمُرِي وَتُوسِّعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي سِيسِ حَاجَتِهَايَ خُودِ رَا از خُداوند درخُوست كُند.

اعمال شب بیست و یکم

فضیلتش زیادتر از شب نوزدهم است و باید اعمال مشترک شبهای قدر را بجا آورد (۱)

و در این شب که شب شهادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است صلوات زیاد

بفرستد و قاتلان آن حضرت را لعن و نفرین کند و می تواند بگوید:

۱- اعمال مشترک شبهای قدر را در صفحه ۱۸۸ گذشت.

ص: ۱۹۱

«اللَّهُمَّ الْعَن قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ» و از این شب شروع کند به دعاهای شبهای دهه آخر ماه رمضان.

اعمال شب بیست و سیّم

این شب نیز از شبهای قدر است و علاوه بر اعمال مشترک شبهای قدر این اعمال نیز برای آن ذکر شده است:

- ۱- خواندن سوره عنکبوت و روم که حضرت صادق علیه السلام قسم یاد فرموده که: خواننده این دو سوره در این شب از اهل بهشت است.
- ۲- خواندن سوره دُخان.
- ۳- خواندن سوره قدر هزار مرتبه.
- ۴- خواندن این دعاها نیز وارد شده است:

* يَا رَبَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَاعَلَهَا خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ وَرَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْجِبَالِ وَالْبَحَارِ وَالظُّلَمِ وَالنُّوَارِ وَالْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ يَا بَارِيَّ يَا مُصَوِّرِيَّ يَا حَنَّانِي يَا مَنَّانِي يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنِي يَا اللَّهُ يَا قَيُّومِي يَا اللَّهُ يَا بَدِيعِي يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ اسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ وَأَسَائِئِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَآيْمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا

ص: ۱۹۲

عَذَابِ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

بعد از ستایش کردن حق تعالی به بزرگواری و فرستادن صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله مکرر می گوئی:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتَمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

و دستهای خود را به سوی آسمان بلند می کنی و می خوانی:

يا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ يا باعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ يا مُجْرِيَ الْبُحُورِ يا مُلِيْنَ الْحَدِيدِ لِداوُدَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ.

سپس حاجات خود را از خدا می خواهی.

و نیز بخواند این دعا را: اللَّهُمَّ امدُدْ لِي فِي عُمُرِي وَاوَسِعْ لِي فِي رِزْقِي وَاصِحِّ لِي جِسْمِي وَبَلِّغْنِي اَمَلِي وَاِنْ كُنْتُ مِنَ الْأَشْقِيَاءِ فَاَمْحُنِي مِنَ الْأَشْقِيَاءِ وَاكْتُبْنِي مِنَ السُّعَدَاءِ فَانَكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنزَلِ عَلَيَّ نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ.

ص: ۱۹۳

۵- آنکه غیر از غسل اول شب در آخر شب نیز غسل کند و بدانکه از برای غسل و احیاء این شب و زیارت امام حسین علیه السلام و صد رکعت نماز، فضیلت بسیار است. شیخ طوسی در تهذیب روایت کرده از ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام که فرمود: در شبی که امید می رود شب قدر باشد صد رکعت نماز کن و بخوان در هر رکعت قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را ده مرتبه. گفتم: فدایت شوم اگر قوت نداشته باشم ایستاده بجا آورم فرمود: نشسته بجا آور، گفتم: اگر قوت نداشته باشم نشسته بجا آورم، فرمود: بجا آور به همان حالی که به قفا خفته ای در فراش خود و از دعائم الاسلام روایتست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در دهه آخر ماه رمضان رختخواب خود را جمع می کرد و کمر خود را محکم می بست برای عبادت و در شب بیست و سیم اهل خود را

بیدار می کرد و آنها را که خواب رُبوده بود آب بصورتشان می پاشید و حضرت فاطمه علیها السلام نمی گذاشت در این شب احدی از اهلش بخوابد و علاج می فرمود خواب آنها را به کمی طعام و مهیا می کرد آنها را برای احیاء آن شب از روز؛ یعنی امر می فرمود که روز را خواب و استراحت کنند که شب خوابشان نبرد و احیا بدارند و می فرمود: محروم کسی است که از خیر امشب محروم بماند و روایت شده که حضرت صادق علیه السلام سخت مریض شده بود چون شب بیست و سیم ماه رمضان شد موالی خود را امر فرمود که حرکتش دادند به مسجد بردند و آن شب را در مسجد بود تا به صبح علامه مجلسی رحمه الله فرموده که هر مقدار قرآن که ممکن باشد در

ص: ۱۹۴

این شب بخواند و دعاهاى صحیفه کامله سجّادیه را بخواند خصوصاً دعای مکارم الاخلاق و دعای توبه و روزهای این شبها را نیز باید حرمت داشت و به عبادت و تلاوت و دعا به سر آورد زیرا که در احادیث معتبره وارد شده است که روز قدر در فضیلت مثل شب قدر است.

اعمال شبهای دهه آخر ماه رمضان

* اعمال شبهای دهه آخر ماه رمضان

۱- امام جعفر صادق علیه السلام روایت فرمود: می گویی در دهه آخر ماه رمضان در هر شب:

أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ يَنْقُضِيَ عَنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ
وَلَكَ قَبْلِي ذَنْبٌ أَوْ تَبِعَهُ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ.

۲- و نیز آن حضرت علیه السلام در هر شب از دهه آخر، پس از تمام نمازهای واجب و مستحب می خواند:

اللَّهُمَّ ادْعَنَا حَقًّا مَا مَضَى مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَأَغْفِرْ لَنَا تَقْصِيرَنَا فِيهِ وَتَسَلَّمَهُ مِنَّا مَقْبُولًا وَلَا

تُواخِذْنَا بِإِسْرَافِنَا عَلَىٰ أَنْفُسِنَا وَاجْعَلْنَا مِنَ الْمَرْحُومِينَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمَحْرُومِينَ.

۳- و از جمله نقل شده است که حضرت صادق علیه السلام در هر شب از دهه آخر می خواند:

ص: ۱۹۵

اللَّهُمَّ أَنْكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ
وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ شَهْرِ رَمَضَانَ بِمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ
وَخَصَّصْتَهُ بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرِ اللَّهِمْ وَهَذِهِ أَيَّامُ شَهْرِ رَمَضَانَ قَدْ انْقَضَتْ
وَلِيَالِيهِ قَدْ تَصَرَّمْتُ وَقَدْ صِرْتُ يَا إِلَهِي مِنْهُ إِلَىٰ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي وَأَحْصَى لِعَدَدِهِ مِنَ
الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ فَاسْئَلُكَ بِمَا سَأَلْتُكَ بِهِ مَلَائِكَتُكَ الْمُقْرَبُونَ وَأَنْبِيَآؤُكَ الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادُكَ
الصَّالِحُونَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُفَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ
بِرَحْمَتِكَ وَأَنْ تَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ وَكَرَمِكَ وَتَقْبَلَ تَقْرُبِي وَتَسْتَجِيبَ دُعَائِي وَتَمُنَّ عَلَيَّ
بِأَلَّا مِنْ يَوْمِ الْخَوْفِ مِنْ كُلِّ هَوْلٍ أَعَدَدْتَهُ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَهِي وَأَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ
وَبِجَلَالِكَ الْعَظِيمِ أَنْ يَنْقُضِيَ أَيَّامَ شَهْرِ رَمَضَانَ وَكَلِيَالِيهِ وَكَكَ قَبْلِي تَبَعَةً أَوْ ذَنْبٌ تُواخِذَنِي بِهِ
أَوْ خَطِيئَةٌ تُرِيدُ أَنْ تَقْتَصَّهَا مِنِّي لَمْ تَغْفِرْهَا لِي سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي اسْئَلُكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
إِذْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ كُنْتَ رَضِيتَ عَنِّي فِي هَذَا الشَّهْرِ فَازِدْ عَنِّي رِضًا وَأَنْ لَمْ تَكُنْ رَضِيتَ
عَنِّي فَمِنَ الْآنَ

فَارْضَ عَنِّي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا اللَّهُ يَا أَحَدًا يَا صَمَدًا يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ
كُفُوًا أَحَدٌ وَبِسِيَارِ بَكْو: يَا مَلِيْنَ الْحَدِيدِ لِذَاوَدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا كَاشِفَ الضَّرِّ وَالْكَرْبِ الْعِظَامِ
عَنْ أَيُّوبَ

ص: ۱۹۶

عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيُّ مَفْرَجٍ هُمْ يَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيُّ مَنْفَسٍ غَمِّ يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلِّ عَلَيَّ
مُحَمَّدَ وَآلَ مُحَمَّدٍ كَمَا أَنْتَ أَهْلُهُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَأَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلْ

بی ما انا اهله.

۴- در هر شب از شبهای این دهه، غسل مستحب است.

۵- اعتکاف در این دهه، مستحب است و فضیلت بسیار دارد و افضل اوقات اعتکاف

است. (۱)

دعای شب بیست و دویم

یا سالخ النَّهارِ مِنَ اللَّیْلِ فَإِذَا نَحْنُ مُظْلَمُونَ لِمُسْتَقَرِّهَا بِتَقْدِيرِكَ يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ وَمُقَدَّرٍ
حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ يَا نُورَ كُلِّ نُورٍ وَمُنْتَهَىٰ كُلِّ رَغْبَةٍ وَوَكِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ يَا اللَّهُ يَا
رَحْمَنُ يَا اللَّهُ يَا قُدُّوسُ يَا أَحَدُ يَا أَحَدُ يَا فَرْدُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ
وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ اسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَأَهْلَ بَيْتِهِ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي
فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَأَحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ وَأَسَائَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ
تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَأَيْمَانًا يُذْهِبُ الشُّكَّ عَنِّي وَتَرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي
الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَأَرْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ

۱- احکام اعتکاف در صفحه ۱۵۶ گذشت.

ص: ۱۹۷

وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَقَّعْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

دعای شب بیست و سوم

در اعمال شبهای قدر ذکر شد.

دعای شب بیست و چهارم

يَا فَالِقَ الْإِصْبَاحِ وَجَاعِلَ اللَّيْلِ سَكَنًا وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ يَا ذَا الْمَنِّ
وَالطَّوْلِ وَالْقُوَّةِ وَالْحَوْلِ وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ وَالْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا اللَّهُ يَا فَرْدُ يَا

وَتُرِّ يَا اللَّهُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا
وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ اسْئَلْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ
اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَأَحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَأَسَاتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي
يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يَذْهَبُ بِالشَّكِّ عَنِّي وَرِضَى بِمَا قَسَمْتَ لِي وَأَتَانًا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً
وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقَنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَأَرْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ
وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ

ص: ١٩٨

دعای شب بیست و پنجم

يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ لِبَاسًا وَالنَّهَارِ مَعَاشًا وَالْأَرْضِ مَهَادًا وَالْجِبَالِ أَوْتَادًا يَا اللَّهُ يَا قَاهِرُ يَا اللَّهُ يَا
جَبَّارُ يَا اللَّهُ يَا سَمِيعُ يَا اللَّهُ يَا قَرِيبُ يَا اللَّهُ يَا مُجِيبُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ
الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ اسْئَلْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ
تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَأَحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَأَسَاتِي
مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يَذْهَبُ الشَّكَّ عَنِّي وَرِضَى بِمَا قَسَمْتَ لِي
وَأَتَانًا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقَنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَأَرْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ
وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ
السَّلَامُ

دعای شب بیست و ششم

يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ آيَتَيْنِ يَا مَنْ مَحَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلَ آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لَتَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْهُ
وَرِضْوَانًا يَا مُفْصِلَ كُلِّ شَيْءٍ تَفْصِيلًا يَا مَاجِدُ يَا وَهَّابُ يَا اللَّهُ يَا جَوَادُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ
الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ اسْئَلْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ
مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَأَحْسَانِي فِي
عِلِّيِّينَ

ص: ١٩٩

وَأَسَأْتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتَرْضِينِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَأَرْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ [وَالْتَّوْبَةَ] وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ.

دعای شب بیست و هفتم

يَا مَادَّ الظِّلِّ وَكُوْشْت لَجَعَلْتَهُ سَاكِنًا وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا ثُمَّ قَبَضْتَهُ [إِلَيْكَ قَبْضًا يَسِيرًا يَا ذَا الْجُودِ وَالطُّوْلِ وَالْكَبْرِيَاءِ وَالْأَلَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا قُدُّوسُ يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيِّمِنُ يَا عَزِيزُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا اللَّهُ يَا خَالِقُ يَا بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ اسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاحْسَانِي فِي عِلِّيْنَ وَأَسَأْتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتَرْضِينِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَأَرْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ

ص: ٢٠٠

والتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ.

دعای شب بیست و هشتم

يَا خَازِنَ اللَّيْلِ فِي الْهَوَاءِ وَخَازِنَ النُّورِ فِي السَّمَاءِ وَمَانِعَ السَّمَاءِ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَحَابِسَهُمَا أَنْ تَزُولَا يَا عَلِيمُ يَا [عَظِيمُ يَا غَفُورُ يَا دَائِمُ يَا اللَّهُ يَا وَارِثُ يَا بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ اسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاحْسَانِي فِي عِلِّيْنَ وَأَسَأْتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا

يُذْهِبُ الشُّكَّ عَنِّي وَتُرْضِينِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا
عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ [والتَّوْبَةَ]
والتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ.

برای این شب نیز به خصوص، غسل کردن مستحب است و روایت شده که حضرت
امام زین العابدین علیه السلام در این شب این دعا را مکرر می خواند از اول شب تا
به آخر شب:

ص: ۲۰۱

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي التَّجَافِيَّ عَن دَارِ الْعُرُورِ وَالْإِنَابَةَ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ وَالْإِسْتِعَادَةَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ
الْفَوْتِ.

دعای شب بیست و نهم

يَا مُكْوَرَّ اللَّيْلِ عَلَى النَّهَارِ وَمُكْوَرَّ النَّهَارِ عَلَى اللَّيْلِ يَا عَلِيمُ يَا حَكِيمُ يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ وَسَيِّدَ
السَّادَاتِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا أَقْرَبَ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ
الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ اسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ
تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَرَوْحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَأَحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ
وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشُّكَّ عَنِّي وَتُرْضِينِي بِمَا
قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا
ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ.

دعای شب سی ام

الْحَمْدُ لِلَّهِ لَا شَرِيكَ لَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ يَا
قُدُّوسُ يَا نُورُ يَا نُورَ الْقُدُّوسِ يَا سُبُّوحُ يَا مُنْتَهَى التَّسْبِيحِ يَا رَحْمَنُ يَا فَاعِلَ الرَّحْمَةِ يَا اللَّهُ يَا
عَلِيمُ يَا كَبِيرُ

ص: ۲۰۲

یا اللّهُ یا لطیفُ یا جلیلُ یا اللّهُ یا سمیعُ یا بصیرُ یا اللّهُ یا اللّهُ یا اللّهُ لکَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالَ الْعُلَیَا وَالْکُبْرِیَاءُ وَالْأَلَاءُ اسئَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَیْتِهِ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِی فِی هَذِهِ اللَّیْلَةِ فِی السُّعْدَاءِ وَرَوْحِی مَعَ الشُّهَدَاءِ وَأَحْسَانِی فِی عَلَیِّینَ وَأَسْأَلُتِی مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِی یَقِیناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِی وَایْمَاناً یُذْهِبُ الشَّکَّ عَنِّی وَتَرْضِیْنِی بِمَا قَسَمْتَ لِی وَآتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِیقِ وَأَرْزُقْنِی فِیْهَا ذِکْرَکَ وَشُکْرَکَ وَالرَّغْبَةَ الْیَکَّ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِیقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ.

اللّهُمَّ اجْعَلْ فِیْمَا تَقْضِی وَفِیْمَا تُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتَمِ وَفِیْمَا تَفْرِقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَکِیمِ فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِی لَا یُرَدُّ وَلَا یُبَدَّلُ أَنْ تَکْتُبِنِی مِنْ حُجَّاجِ بَیْتِکَ الْحَرَامِ فِی عَامِی هَذَا الْمَبْرُورِ حُجَّتِهِمُ الْمَشْکُورِ سَعِیْتِهِمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمُ الْمُکْفَرِ عَنْهُمْ سِیِّئَاتِهِمْ وَاجْعَلْ فِیْمَا تَقْضِی وَتُقَدِّرُ أَنْ تُطِیلَ عُمُرِی وَتُوسِّعَ لِی فِی رِزْقِی

این دعا را: یا باطناً فی ظُهوره ویا ظاهراً فی بَطُونه ویا باطناً لَیْسَ یَخْفِی ویا ظاهراً لَیْسَ یُرِی یا مَوْصُوفاً لَا یَبْلُغُ بِکَیْنُونَتِهِ مَوْصُوفٌ وَلَا حَدٌّ مَحْدُودٌ ویا غَائِباً غَیْرَ مَفْقُودٍ ویا شَاهِداً غَیْرَ

ص: ۲۰۳

مَشْهُودٍ یُطَلَّبُ فِیْصَابٌ وَکَمْ یَخْلُ مِنْهُ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَا بَیْنَهُمَا طَرْفَةَ عَیْنٍ لَا یُدْرَکُ بِکَیْفٍ وَلَا یُؤَیِّنُ بَایْنٍ وَلَا بَحِیْثٍ أَنْتَ نُورُ النُّورِ وَرَبُّ الْأَرْبَابِ احْطَّتْ بِجَمِیعِ الْأُمُورِ سُبْحَانَ مَنْ لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ وَهُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَکَذَا وَلَا هَکَذَا غَیْرُهُ پَسِ دَعَا مِی کَنِی بَدَانِچَه بَخَوَاهِی.

شب آخر ماه رمضان

شب بسیار مبارک کی است و از برای این شب چند عمل است.

۱- غسل.

۲- زیارت امام حسین علیه السلام.

۳- خواندن سوره انعام و کهف و یس و صد مرتبه استغفر الله و اتوب الیه.

۴- خواندن این دعا که شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده:

اللَّهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَقَدْ تَصَرَّمَّ وَأَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ يَا رَبِّ
 أَنْ يَطَّلَعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ أَوْ يَتَصَرَّمَّ شَهْرُ رَمَضَانَ وَلَكَ قَبْلِي تَبَعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ تُرِيدُ أَنْ
 تُعَذِّبَنِي بِهِ يَوْمَ الْقَاكَ.

۵- بخواند دعاء یا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ که در اعمال شب بیست و سوم گذشت.

۶- وداع کند ماه رمضان را به دعاها و وداع و شاید بهترین آنها

ص: ۲۰۴

دعای چهل و پنجم صحیفه کامله (۱) باشد و سید بن طاووس روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام که هر که در شب آخر ماه رمضان وداع کند آن ماه شریف را و بگوید:

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِي لِشَهْرِ رَمَضَانَ وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ يَطَّلَعَ فَجْرُ هَذِهِ اللَّيْلَةِ إِلَّا
 وَقَدْ غَفَرْتَ لِي

بیامرزد حق تعالی او را پیش از آنکه صبح کند و روزی فرماید او را توبه و انابه.

نمازهای شبهای ماه رمضان

نمازهای شبهای ماه رمضان

بجز نمازهایی که قبلاً در اعمال برخی از شبهای ماه رمضان ذکر شد علامه مجلسی رحمه الله در زادالمعاد در فصل آخر اعمال ماه رمضان ذکر فرموده که ما نیز در پایان این نوشته می آوریم تا کسانی که فرصت و توفیق دارند بتوانند آنها را بجا آورند.

نماز شب اول: چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه توحید

نماز شب دوم: چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست مرتبه «قدر».

نماز شب سیّم: ده رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید.
 نماز شب چهارم: هشت رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه «قدر».
 نماز شب پنجم: دو رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید و

۱- به جهت طولانی بودن دعا از ذکر آن صرف نظر کردیم، علاقمندان می توانند به صحیفه سجادیه مراجعه کنند.

ص: ۲۰۵

بعد از سلام صد مرتبه اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ.
 نماز شب ششم: چهار رکعت در هر رکعت حمد و سوره تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ.
 نماز شب هفتم: چهار رکعت در هر رکعت حمد و سیزده مرتبه «قدر».
 نماز شب هشتم: دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید و بعد از سلام هزار مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ.
 نماز شب نهم: شش رکعت میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد و هفت مرتبه آیه الكرسي و بعد از اتمام پنجاه مرتبه اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ.
 نماز شب دهم: بیست رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه توحید.
 نماز شب یازدهم: دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه سوره «کوثر».
 نماز شب دوازدهم: هشت رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه اَنَا اَنْزَلْنَاهُ.
 نماز شب سیزدهم: چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید.
 نماز شب چهاردهم: شش رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه اِذَا زُلْزِلَتْ.
 نماز شب پانزدهم: چهار رکعت در دو رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه توحید و در

دو رکعت دیگر پنجاه مرتبه توحید.

نماز شب شانزدهم: دوازده رکعت در هر رکعت حمد و دوازده مرتبه **الْهِكْمُ التَّكَاثُرُ**.
ص: ۲۰۶

نماز شب هفدهم: دو رکعت در رکعت اول حمد و هر سوره که خواهد و در رکعت دوم حمد و صد مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه **لا اله الا الله**.
نماز شب هیجدهم: چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه **اَنَا اَعْطَيْتَاكَ الْكُوْثَرَ**.

نماز شب نوزدهم: پنجاه رکعت با حمد و پنجاه مرتبه **اِذَا زُلْزِلَتْ** و گویا مراد آن باشد که در هر رکعت یک مرتبه بخواند زیرا که مشکست در یک شب دو هزار و پانصد مرتبه **اِذَا زُلْزِلَتْ** خواندن.

نماز شب بیستم و بیست و یکم و بیست و دوم و بیست و سیم و بیست و چهارم: در هر یک هشت رکعت به هر سوره که میسر شود.

نماز شب بیست و پنجم: هشت رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید.

نماز شب بیست و ششم: هشت رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید.
نماز شب بیست و هفتم: چهار رکعت در هر رکعت حمد و **تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ** و اگر نتواند بیست و پنج مرتبه توحید.

نماز شب بیست و هشتم: شش رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه **آيَةُ الْكُرْسِيِّ** و صد مرتبه توحید و صد مرتبه **كُوْثَرَ** و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد.

نماز شب بیست و نهم: دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید.

نماز شب سیام: دوازده رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید و بعد از فارغ شدن صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و این نمازها چنانچه مذکور شد هر دو رکعت به یک سلام است.

اعمال سحرهای ماه مبارک رمضان

- ۱- سحری خوردن اگر چه به یک دانه خرما یا جرعه‌ای آب باشد.
- ۲- خواندن سوره قدر در وقت خوردن سحری.
- ۳- خواندن دعای عظیم الشانی که از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمود:
این دعایی است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام در سحرهای ماه رمضان می‌خواند:

اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِأَبْهَاهُ وَكُلُّ بَهَائِكَ بِهِي اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ بِبَهَائِكَ كُلَّهُ
اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ وَكُلُّ جَمَالِكَ جَمِيلٌ اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ
كُلَّهُ اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِأَجْلَهُ وَكُلُّ جَلَالِكَ جَلِيلٌ اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ
كُلَّهُ اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِأَعْظَمِهَا وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظِيمَةٌ اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ
بِعَظَمَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِأَنْوَرِهِ وَكُلُّ نُورِكَ نَيْرٌ اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ
بُنُورِكَ كُلَّهُ اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِأَوْسَعِهَا وَكُلُّ رَحْمَتِكَ وَسِعَةٌ اللَّهُمَّ أَنِّي
أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ

ص: ۲۰۷

ص: ۲۰۸

أَنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ بِأَتْمِهَا وَكُلُّ كَلِمَاتِكَ تَامَةٌ اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا
اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَمَالِكَ بِأَكْمَلِهِ وَكُلُّ كَمَالِكَ كَامِلٌ اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ بِكَمَالِكَ
كُلَّهُ اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَكْبَرِهَا وَكُلُّ أَسْمَائِكَ كَبِيرَةٌ اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ
بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِأَعَزِّهَا وَكُلُّ عِزَّتِكَ عَزِيزَةٌ اللَّهُمَّ أَنِّي
أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِأَمْضَاهَا وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ مَاضِيَةٌ اللَّهُمَّ
أَنِّي أَسْأَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قُدْرَتِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي اسْتَطَلَّتْ بِهَا عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطِيلَةٌ اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

عَلِّمَكَ بِإِنْفَذِهِ وَكُلُّ عِلْمِكَ نَافِذُ اللّٰهِمَّ اِنِّى اسْئَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلَّهُ اللّٰهُمَّ اِنِّى اسْئَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِارْضَاهُ وَكُلُّ قَوْلِكَ رِضَى اللّٰهِمَّ اِنِّى اسْئَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلَّهُ اللّٰهُمَّ اِنِّى اسْئَلُكَ مِنْ مَسْأَلَتِكَ بِاحِبِّهَا اِلَيْكَ وَكُلُّ مَسْأَلَتِكَ اِلَيْكَ حَبِيبَةُ اللّٰهِمَّ اِنِّى اسْئَلُكَ بِمَسْأَلَتِكَ كُلِّهَا اللّٰهُمَّ اِنِّى اسْئَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِاشْرَفِهِ وَكُلُّ شَرَفِكَ شَرِيفُ اللّٰهِمَّ اِنِّى اسْئَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلَّهُ اللّٰهُمَّ اِنِّى اسْئَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ بِادْوَمِهِ وَكُلُّ سُلْطَانِكَ دَائِمُ اللّٰهُمَّ اِنِّى اسْئَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كُلَّهُ اللّٰهُمَّ اِنِّى اسْئَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِافْخَرِهِ وَكُلُّ مُلْكِكَ فَاخِرُ اللّٰهِمَّ اِنِّى اسْئَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلَّهُ اللّٰهُمَّ اِنِّى اسْئَلُكَ مِنْ عُلُوِّكَ بِاعْلَاهُ وَكُلُّ عُلُوِّكَ

ص: ۲۰۹

عَالَ اللّٰهِمَّ اِنِّى اسْئَلُكَ بِعُلُوِّكَ كُلَّهُ اللّٰهُمَّ اِنِّى اسْئَلُكَ مِنْ مَنِّكَ بِاقْدَمِهِ وَكُلُّ مَنِّكَ قَدِيمُ اللّٰهُمَّ اِنِّى اسْئَلُكَ بِمَنِّكَ كُلَّهُ اللّٰهُمَّ اِنِّى اسْئَلُكَ مِنْ آيَاتِكَ بِاَكْرَمِهَا وَكُلُّ آيَاتِكَ كَرِيمَةٌ اللّٰهُمَّ اِنِّى اسْئَلُكَ بِآيَاتِكَ كُلِّهَا اللّٰهُمَّ اِنِّى اسْئَلُكَ بِمَا اَنْتَ فِيهِ مِنَ الشَّانِ وَالْجَبْرُوتِ وَاسْئَلُكَ بِكُلِّ شَأْنٍ وَحَدِّهِ وَجَبْرُوتٍ وَحَدِّهَا اللّٰهُمَّ اِنِّى اسْئَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِى [بِهِ حِينَ اسْئَلُكَ فَاجِبْنِى يَا اللّٰهُ.

پس هر حاجت که داری از خدا بطلب که البته برآورده است.

۴- خواندن دعایی که «ابو حمزه ثمالی» روایت کرده که حضرت امام زین العابدین علیه

السلام در ماه رمضان بیشتر از شب را نماز می کرد و چون سحر می شد این دعا را

می خواند.

دعای ابو حمزه ثمالی

دعای ابو حمزه ثمالی

الهِى لَا تُؤَدِّبْنِى بِعُقُوبَتِكَ وَلَا تَمَكِّرْ بى فِى حِيلَتِكَ مِنْ اَيْنَ لِى الْخَيْرُ يَا رَبُّ وَلَا يُوْجَدُ اِلَّا مِنْ عِنْدِكَ وَمِنْ اَيْنَ لِى النَّجَاةُ وَلَا تُسْتَطَاعُ اِلَّا بِكَ لَا الَّذِى اِحْسَنَ اسْتَعْنَى عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ وَلَا الَّذِى اسَاءَ وَاجْتَرَأَ عَلَيْكَ وَلَمْ يَرْضِكَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا

رَبُّ بگويد تا آنکه نفس قطع شود [بِكَ عَرَفْتِكَ وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ
وَكَوْلَا أَنْتَ لَمْ أَدْرَمَا أَنْتَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيَجِيبُنِي وَأَنْ كُنْتُ بَطِيئًا حِينَ يَدْعُونِي
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَلَّهُ فَيُعْطِينِي وَأَنْ كُنْتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

ص: ۲۱۰

اناديه كُلَّمَا شِئْتُ لِحَاجَتِي وَأَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ لِسِرِّي بغيرِ شَفِيعٍ فَيَقْضِي لِي حَاجَتِي
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَدْعُو غَيْرَهُ وَكَلِمَةُ دَعْوَتِهِ غَيْرُهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا
أَرْجُو غَيْرَهُ وَكَلِمَةُ رَجْوَتِهِ غَيْرُهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَلِمَةُ الْيَمِينِ فَكَرَمَنِي وَكَلِمَةُ
يَكْنِي إِلَى النَّاسِ فَيُهَيِّنُونِي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَحَبَّبَ إِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
يَحْلُمُ عَنِّي حَتَّى كَانِي لَا ذَنْبَ لِي فَرَبِّي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي وَأَحَقُّ بِحَمْدِي اللَّهُمَّ أَنِّي أَجِدُ
سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَنَاهِلَ الرَّجَاءِ إِلَيْكَ مُتْرَعَةً وَالْأَسْتَعَانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمْلَكَ
مُبَاحَةً وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ إِلَيْكَ لِلصَّارِحِينَ مَفْتُوحَةً وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِلرَّاجِي بِمَوْضِعِ اجَابَةٍ
وَلِلْمَلْهُوفِينَ بِمَرْصَدِ اغَاثَةٍ وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ وَالرُّضَا بِقَضَائِكَ عَوْضًا مِنْ مَنَعِ
الْبَاخِلِينَ وَمَنْدُوحَةً عَمَّا فِي أَيْدِي الْمُسْتَثْرِينَ وَأَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ وَأَنَّكَ لَا
تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْجُبَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ وَقَدْ قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِطَلْبَتِي وَتَوَجَّهْتُ
إِلَيْكَ بِحَاجَتِي وَجَعَلْتُ بِكَ اسْتِعَاثَتِي وَبَدَعْتُكَ تَوْسُلِي مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ لِاسْتِمَاعِكَ
مَنِّي وَلَا اسْتِجَابٍ لِعَفْوِكَ عَنِّي بَلْ لَثِقْتِي بِكَرَمِكَ وَسَكُونِي إِلَى صَدْقِ وَعْدِكَ وَكَلِمَتِي
إِلَى الْإِيمَانِ بِتَوْحِيدِكَ وَيَقِينِي بِمَعْرِفَتِكَ مِنِّي أَنْ لَا رَبَّ إِلَّا إِلَهُ الْإِلَهِاتِ
وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ

ص: ۲۱۱

لَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْقَائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَوَعْدُكَ صَدَقٌ وَاسْتَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ كَانَ بَيْنَكُمْ
رَحِيمًا وَلَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ وَأَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْعَطِيَّاتِ
عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ وَالْعَائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحْنُنٍ رَأْفَتِكَ الْهِيَ رَبِّيْتِي فِي نِعْمِكَ وَأَحْسَانِكَ

صَغِيرًا وَنَوَّهْتَ بِاسْمِي كَبِيرًا فَيَا مَنْ رَبَّنِي فِي الدُّنْيَا بِأَحْسَانِهِ وَتَفَضَّلَهُ وَنَعَمَهُ وَأَشَارَ لِي فِي
 الْآخِرَةِ إِلَى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ دَلِيلِي عَلَيْكَ وَحُبِّي لَكَ شَفِيعِي إِلَيْكَ وَأَنَا
 وَاثِقٌ مِنْ دَلِيلِي بِدَلَالَتِكَ وَسَاكِنٌ مِنْ شَفِيعِي إِلَى شَفَاعَتِكَ ادْعُوكَ يَا سَيِّدِي بِلِسَانٍ قَدْ
 اخْرَسَهُ ذَنْبُهُ رَبُّ أَنَا حَيْكُكَ بِقَلْبٍ قَدْ أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ ادْعُوكَ يَا رَبُّ رَاهِبًا رَاغِبًا رَاجِيًا خَائِفًا إِذَا
 رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذُنُوبِي فَزَعْتُ وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَمَعْتُ فَإِنَّ عَفْوَتَكَ فَخِيرٌ رَاحِمٌ وَإِنَّ عَذَابَكَ
 فَغَيْرُ ظَالِمٍ حُجَّتِي يَا اللَّهُ فِي جُرَاتِي عَلَى مَسْئَلَتِكَ مَعَ اتِّيَانِي مَا تَكْرَهُ جُودَكَ وَكَرَمَكَ
 وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي مَعَ قَلَّةِ حَيَاتِي رَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا تَخِيبَ بَيْنَ ذَيْنِ
 وَذَيْنِ مُنِيَّتِي فَحَقِّقْ رَجَائِي وَأَسْمَعْ دُعَائِي يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ عَظُمُ
 يَا سَيِّدِي أَمَلِي وَسَاءَ عَمَلِي فَأَعْطِنِي مِنْ عَفْوِكَ بِمُقَدَّارِ أَمَلِي وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِأَسْوَأِ عَمَلِي
 فَإِنَّ كَرَمَكَ يَجَلُّ عَنْ مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِينَ وَحِلْمَكَ يَكْبُرُ عَنْ مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ وَأَنَا يَا سَيِّدِي
 عَائِدٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَنَجِّزٌ

ص: ٢١٢

مَا وَعَدْتُمْ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا وَمَا أَنَا يَا رَبُّ وَمَا خَطَرِي هَبْنِي بِفَضْلِكَ
 وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ أَيُّ رَبُّ جَلَّلْنِي بِسَّتْرِكَ وَأَعْفُ عَنْ تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ فَلَوْ أَطَّلَعُ
 الْيَوْمَ عَلَى ذَنْبِي غَيْرِكَ مَا فَعَلْتُهُ وَلَوْ خَفْتُ تَعْجِيلَ الْعُقُوبَةِ لَا اجْتَنَبْتُهُ لِأَنَّكَ أَهْوَنُ
 النَّظَرِينَ وَأَخْفُ الْمُطَّلَعِينَ [عَلَى بَلِّ لَأَنَّكَ يَا رَبُّ خَيْرُ السَّاتِرِينَ وَأَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ وَأَكْرَمُ
 الْأَكْرَمِينَ سَتَارُ الْعُيُوبِ غَفَارُ الذُّنُوبِ عَلَامُ الْغُيُوبِ تَسْتُرُ الذَّنْبَ بِكَرَمِكَ وَتُؤَخِّرُ الْعُقُوبَةَ
 بِحِلْمِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ وَعَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ وَيَحْمِلُنِي
 وَيَجَرِّئُنِي عَلَى مَعْصِيَتِكَ حِلْمَكَ عَنِّي وَيَدْعُونِي إِلَى قَلَّةِ الْحَيَاءِ سَتْرِكَ عَلَيَّ وَيُسْرِعُنِي
 إِلَى التَّوْبِ عَلَى مَحَارِمِكَ مَعْرِفَتِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَعَظِيمِ عَفْوِكَ يَا حَلِيمٌ يَا كَرِيمٌ يَا حَيُّ
 يَا قَيُّومٌ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ يَا قَابِلَ التَّوْبِ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا قَدِيمَ الْأَحْسَانِ أَيْنَ سَتْرِكَ الْجَمِيلُ
 أَيْنَ عَفْوِكَ الْجَلِيلُ أَيْنَ فَرَجِكَ الْقَرِيبُ أَيْنَ غِيَاثِكَ السَّرِيعُ أَيْنَ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةُ أَيْنَ
 عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةُ أَيْنَ مَوَاهِبِكَ الْهَنِيئَةُ أَيْنَ صِنَائِعِكَ السَّنِيئَةُ أَيْنَ فَضْلِكَ الْعَظِيمُ أَيْنَ مِنْكَ

الْجَسِيمُ اَيْنَ اِحْسَانِكَ الْقَدِيمُ اَيْنَ كَرَمِكَ يَا كَرِيمُ بِهِ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَاسْتَنْقِذْنِي
وَبِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْنِي يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ لَسْتُ اَتَّكِلُ فِي النِّجَاهِ مِنْ
عِقَابِكَ عَلَى اَعْمَالِنَا بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا

ص: ٢١٣

لَا نَكَ اَهْلُ التَّقْوَى وَاَهْلُ الْمَغْفِرَةِ تُبَدِي بِالْاِحْسَانِ نِعْمًا وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَمًا فَمَا نَدْرِي مَا
نَشْكُرُ اَجْمِلُ مَا تَنْشُرُ امَّ قَبِيحٍ مَا تَسْتُرُ امَّ عَظِيمٍ مَا اَبْلَيْتَ وَاوَلَيْتَ امَّ كَثِيرٍ مَا مِنْهُ نَجِيَتْ
وَعَافَيْتَ يَا حَبِيبَ مَنْ تَحَبَّبَ اِلَيْكَ وَيَا قُرَّةَ عَيْنٍ مَنْ لاذَبَكَ وَاَنْقَطَعَ اِلَيْكَ اَنْتَ الْمُحْسِنُ
وَنَحْنُ الْمُسِيئُونَ فَتَجَاوَزْ يَا رَبِّ عَنْ قَبِيحٍ مَا عِنْدَنَا بِجَمِيلٍ مَا عِنْدَكَ وَايُّ جَهْلٍ يَا رَبِّ لَا
يَسَعُهُ جُودُكَ اَوْ اَيُّ زَمَانٍ اطْوَلُ مِنْ اِنَاتِكَ وَمَا قَدَرُ اَعْمَالِنَا فِي جَنبِ نِعْمِكَ وَكَيْفَ
نَسْتَكْتَرُ اَعْمَالًا تُقَابِلُ بِهَا كَرَمَكَ بَلْ كَيْفَ يَضِيقُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ مَا وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ يَا
وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ فَوَ عَزَّتْكَ يَا سَيِّدِي لَوْ نَهَرْتَنِي مَا بَرَحْتُ مِنْ بَابِكَ
وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لَمَّا اَنْتَهَى اِلَيَّ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَاَنْتَ الْفَاعِلُ لَمَّا
تَشَاءُ تُعَذِّبُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ وَتَرْحَمُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ لَا
تُسْئَلُ عَنْ فَعْلِكَ وَلَا تُنَازَعُ فِي مُلْكِكَ وَلَا تُشَارِكُ فِي اَمْرِكَ وَلَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ وَلَا
يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ اَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ لَكَ الْخَلْقُ وَالْاَمْرُ تَبَارَكَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ يَا رَبُّ هَذَا
مَقَامٌ مِنْ لاذَبِكَ وَاَسْتَجَارَ بِكَرَمِكَ وَالْفِ اِحْسَانِكَ وَنِعْمِكَ وَاَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي لَا يَضِيقُ
عَفْوُكَ وَلَا يَنْقُصُ فَضْلُكَ وَلَا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ وَقَدْ تَوَثَّقْنَا مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَدِيمِ وَالْفَضْلِ
الْعَظِيمِ وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ افْتِرَاكَ يَا رَبُّ تُخَلْفُ

ص: ٢١٤

ظُنُونَنَا اَوْ تُخَيِّبُ اَمَانَنَا كَلَّا يَا كَرِيمُ فَلَيْسَ هَذَا ظُنُّنَا بِكَ وَلَا هَذَا فَيْكَ طَمَعُنَا يَا رَبُّ اِنَّ لَنَا
فَيْكَ اَمَلًا طَوِيلًا كَثِيرًا اِنَّ لَنَا فَيْكَ رَجَاءً عَظِيمًا عَصِيْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو اَنْ تَسْتُرَ عَلَيْنَا
وَدَعَوْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو اَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا فَحَقُّ رَجَائِنَا مَوْلَانَا فَقَدْ عَلِمْنَا مَا نَسْتَوْجِبُ
بِاَعْمَالِنَا وَلَكِنْ عَلِمْنَا فِينَا وَعَلِمْنَا بِاَنَّكَ لَا تَصْرِفُنَا عَنْكَ وَاَنْ كُنَّا غَيْرَ مُسْتَوْجِبِينَ

لرَحْمَتِكَ فَانْتَ اهلٌ انْ تجودَ عَلَيْنَا وَعَلَى الْمُذْنِبِينَ بِفَضْلِ سَعَتِكَ فَاْمُنْ عَلَيْنَا بِمَا اَنْتَ اهلُهُ
وَجِدْ عَلَيْنَا فَاِنَّا مُحتاجونَ الى نَيْلِكَ يَا غَفَّارُ بنورِكَ اهْتَدَيْنَا وَبِفَضْلِكَ اسْتَعْنَيْنَا وَبِنِعْمَتِكَ
اصْبَحْنَا وَاَمْسَيْنَا ذُنُوبَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ مِنْهَا وَنَتُوبُ إِلَيْكَ تَتَّحِبُّ إِلَيْنَا بِالنِّعَمِ
وَنُعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ خَيْرُكَ إِلَيْنَا نازلٌ وَشَرُّنا إِلَيْكَ صاعدٌ وَلَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ مَلِكٌ كَرِيمٌ
يَأْتِيكَ عَنَّا بِعَمَلٍ قَبِيحٍ فَلَا يَمْنَعُكَ ذَلِكَ مِنْ انْ تَحَوِّطَنَا بِنِعْمِكَ وَتَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِالْآثِكِ
فَسُبْحَانَكَ مَا احْلَمَكَ وَاَعْظَمَكَ وَاَكْرَمَكَ مُبْدئاً وَمُعِيداً تَقَدَّسَتْ اسْمَاؤُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ
وَكَرَّمَ صَنَائِعُكَ وَفَعَّالُكَ اَنْتَ الهى اَوْسَعُ فَضْلاً وَاَعْظَمُ حِلْماً مِنْ انْ تُقَايِسَنِي بِفَعْلِي
وَخَطِيئَتِي فَالْعَفْوُ الْعَفْوُ سَيِّدِي سَيِّدِي اللَّهُمَّ اشْغَلْنَا بِذِكْرِكَ وَاَعْدْنَا مِنْ
سَخَطِكَ وَاَجْرْنَا مِنْ عَذَابِكَ وَاَرْزُقْنَا مِنْ مَوَاهِبِكَ وَاَنْعِمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلِكَ وَاَرْزُقْنَا حَجَّ
بَيْتِكَ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ

ص: ٢١٥

وَرَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى اهلِ بَيْتِهِ اَنْتَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ وَاَرْزُقْنَا عَمَلًا
بِطَاعَتِكَ وَتَوْفِقًا عَلَى مَلَّتِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَكُلِّدِي
وَاَرْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا اجْزِئَهُمَا بِالْاِحْسَانِ وَاِحْسَانًا وَاَبِالسَّيِّئَاتِ غُفْرَانًا اللَّهُمَّ اغْفِرْ
لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ وَتَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحِينَا
وَمَيْتِنَا وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا ذَكَرْنَا وَاَنْثَانَا صَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا حُرْنَا وَمَمْلُوكِنَا كَذَبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ
وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا وَخَسِرُوا خُسْرَانًا مُبِينًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاخْتَمِ لِي
بِخَيْرٍ وَاكْفِنِي مَا اَهْمَنِي مِنْ اَمْرِ دُنْيَايَ وَاآخِرَتِي وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مِنْ لا يَرْحَمُنِي وَاَجْعَلْ عَلَيَّ
مِنْكَ وَاقِيَةً باقِيَةً وَلَا تَسْلُبْنِي صَالِحَ مَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَاَرْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَاَسْعًا
حَالًا طَيِّبًا اللَّهُمَّ اِحْرُسْنِي بِحِرَاسَتِكَ وَاَحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ وَاكْلَأْنِي بِكَلَائَتِكَ وَاَرْزُقْنِي حَجَّ
بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ زِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَالْاَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَلَا
تُخَلِّنِي يَا رَبِّ مِنْ تِلْكَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ وَالْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ اللَّهُمَّ تَبَّ عَلَيَّ حَتَّى لا
اغْصِيكَ وَالْهَمْنِي الْخَيْرَ وَالْعَمَلَ بِهِ وَخَشِيَّتِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَا ابْقَيْتَنِي يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

اللَّهُمَّ أَنِي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وَتَعَبَّاتُ وَقَمْتُ لِلصَّلَاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَنَاجَيْتُكَ الْقَيْتَ عَلَيَّ
نُعَاسًا إِذَا صَلَّيْتُ

ص: ٢١٦

وَسَلَّبْتَنِي مُنَاجَاةَكَ إِذَا أَنَا نَاجَيْتُ مَالِي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ صَلَّحْتُ سَرِيرَتِي وَقَرَّبَ مِنْ مَجَالِسِ
التَّوَابِينَ مَجْلِسِي عَرَضَتْ لِي بَلِيَّةٌ أَزَالَتْ قَدَمِي وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَ خِدْمَتِكَ سَيِّدِي لَعَلَّكَ
عَنْ بَابِكَ طَرَدْتَنِي وَعَنْ خِدْمَتِكَ نَحَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَخْفًا بِحَقِّكَ فَأَقْصَيْتَنِي أَوْ
لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا عَنْكَ فَقَلَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ فَرَفَضْتَنِي أَوْ
لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنِعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ
فَخَذَلْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمَنْ رَحِمْتِكَ آيَسْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي آلفَ
مَجَالِسِ الْبَطَّالِينَ فَبَيْنِي وَبَيْنَهُمْ خَلَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ لَمْ تُحِبَّ أَنْ تَسْمَعَ دُعَائِي فَبَاعَدْتَنِي أَوْ
لَعَلَّكَ بَجْرَمِي وَجَرِيرَتِي كَافَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ بَقَلُّهُ حَيَّائِي مِنْكَ جَازَيْتَنِي فَإِنْ عَفَوْتَ يَا رَبُّ
فَطَالَ مَا عَفَوْتَ عَنِ الْمُدْنِبِينَ قَبْلِي لِأَنَّ كَرَمَكَ أَيُّ رَبِّ يَجُلُّ عَنْ مُكَافَاتِ الْمُقْصِرِينَ وَأَنَا
عَائِدٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا الْهَى
أَنْتَ أَوْسَعُ فَضْلًا وَأَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَاسِنِي بِعَمَلِي أَوْ أَنْ تَسْتَرْزَنِي بِخَطِيئَتِي وَمَا أَنَا يَا
سَيِّدِي وَمَا خَطْرِي هَبْنِي بِفَضْلِكَ سَيِّدِي وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ وَجَلِّلْنِي بِسِتْرِكَ وَأَعْفُ
عَنْ تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ سَيِّدِي أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّيْتُهُ وَأَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتُهُ وَأَنَا
الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتُهُ

ص: ٢١٧

وَأَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتُهُ وَأَنَا الْخَائِفُ الَّذِي آمَنْتَهُ وَالْجَائِعُ الَّذِي اشْبَعْتَهُ وَالْعَطْشَانُ الَّذِي
ارْوَيْتَهُ وَالْعَارِيُّ الَّذِي كَسَوْتَهُ وَالْفَقِيرُ الَّذِي اغْنَيْتَهُ وَالضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ وَالذَّكِيلُ الَّذِي
اعَزَزْتَهُ وَالسَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ وَالسَّائِلُ الَّذِي اعْطَيْتَهُ وَالْمُدْنِبُ الَّذِي سَتَرْتَهُ وَالْخَاطِيءُ الَّذِي
اقْلَعْتَهُ وَأَنَا الْقَلِيلُ الَّذِي كَثَّرْتَهُ وَالْمُسْتَضْعَفُ الَّذِي نَصَرْتَهُ وَأَنَا الطَّرِيدُ الَّذِي آوَيْتَهُ أَنَا يَا رَبُّ
الَّذِي لَمْ اسْتَحِيكَ فِي الْخَلَاءِ وَلَمْ أَرَاكَ فِي الْمَلَأِ أَنَا صَاحِبُ الدَّوَاهِي الْعُظْمَى أَنَا

الَّذِي عَلَى سَيْدِهِ اجْتَرَى اَنَا الَّذِي عَصَيْتُ جَبَّارَ السَّمَاءِ اَنَا الَّذِي اَعْطَيْتُ عَلَى مَعَاصِي
الْجَلِيلِ الرُّشَا اَنَا الَّذِي حِينَ بُشِّرْتُ بِهَا خَرَجْتُ إِلَيْهَا اسْعَى اَنَا الَّذِي امْهَلْتَنِي فَمَا ارْعَوَيْتُ
وَسَرَرْتَ عَلَيَّ فَمَا اسْتَحْيَيْتُ وَعَمَلْتُ بِالْمَعَاصِي فَتَعَدَيْتُ وَاسْقَطْتَنِي مِنْ عَيْنِكَ فَمَا بَالَيْتُ
فَبِحِلْمِكَ امْهَلْتَنِي وَبِسِرِّكَ سَرَرْتَنِي حَتَّى كَانَتْكَ اغْفَلْتَنِي وَمِنْ عُقُوبَاتِ الْمَعَاصِي جَنَّبْتَنِي
حَتَّى كَانَتْكَ اسْتَحْيَيْتَنِي الْهَى لَمْ اعْصِكَ حِينَ عَصَيْتُكَ وَاَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جَاوِدٌ وَلَا بِأَمْرِكَ
مُسْتَخْفٌ وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ وَلَا لَوْعِيدِكَ مُتَهَاوِنٌ لَكِنْ خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ وَسَوَّلَتْ لِي
نَفْسِي وَغَلَبَنِي هَوَايَ وَأَعَانَنِي عَلَيْهَا شَقَوَتِي وَغَرَّنِي سِرِّكَ الْمُرْخَى عَلَيَّ فَقَدْ عَصَيْتُكَ
وَخَالَفْتُكَ بِجَهْدِي فَالآنَ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي وَمِنْ أَيْدِي الْخُصَمَاءِ غَدًا مَنْ

ص: ٢١٨

يُخَلِّصُنِي وَبِحَبْلِ مَنْ اتَّصَلُ أَنْ أَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي فَوَاسُوا اَنَا عَلَى مَا أَحْصَى كِتَابُكَ
مِنْ عَمَلِي الَّذِي لَوْلَا مَا أَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَنَهْيِكَ آيَا عَنِ الْقُنُوطِ
لَقَطَطْتُ عِنْدَمَا اتَذَكَّرْتُهَا يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ اللَّهُمَّ بِذِمَّةِ الْأَسْلَامِ
اتَّوَسَّلُ إِلَيْكَ وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ اعْتَمِدُ إِلَيْكَ وَبِحَبِي النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الْقُرَشِيِّ الْهَاشِمِيِّ الْعَرَبِيِّ
التَّهَامِيِّ الْمَكِّيِّ الْمَدَنِيِّ أَرْجُو الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ فَلَا تَوْحِشِ اسْتِينَا سَ اِيْمَانِي وَلَا تَجْعَلْ ثَوَابِي
ثَوَابَ مَنْ عَبْدَ سِوَاكَ فَانَّ قَوْمًا آمَنُوا بِالسُّنَّتِهِمْ لِيَحْقِنُوا بِهِ دِمَائِهِمْ فَادْرِكُوا مَا أَمَلُوا وَأَنَا آمِنًا
بِكَ بِالسُّنَّتِنَا وَقُلُوبِنَا لَتَعْفُو عَنَّا فَادْرِكْنَا مَا أَمَلْنَا وَثَبَّتْ رَجَائِكَ فِي صُدُورِنَا وَلَا تُرْغِ قُلُوبِنَا
بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ فَوَعِزَّتْكَ لَوْ أَنْتَهَرْتَنِي مَا
بَرَحْتُ مِنْ بَابِكَ وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا أَلْهَمَ قَلْبِي مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ وَسَعَةِ
رَحْمَتِكَ إِلَيَّ مَنْ يَذْهَبُ الْعَبْدُ إِلَّا إِلَى مَوْلَاهُ وَإِلَى مَنْ يَلْتَجِي الْمَخْلُوقُ إِلَّا إِلَى خَالِقِهِ الْهَى
لَوْ قَرَنْتَنِي بِالْأَصْفَادِ وَمَنْعَتَنِي سَيْبِكَ مِنْ بَيْنِ الْأَشْهَادِ وَدَلَّكَتَ عَلَيَّ فَضَايِحِي عُيُونَ الْعِبَادِ
وَأَمَرْتَ بِي إِلَى النَّارِ وَحَلَّتْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْأَبْرَارِ مَا قَطَعْتَ رَجَائِي مِنْكَ وَمَا صَرَفْتَ تَأْمِيلِي
لِلْعَفْوِ عَنكَ وَلَا خَرَجَ حُبُّكَ مِنْ قَلْبِي اَنَا لَا أَنْسَى أَيَادِيكَ عِنْدِي وَسِرِّكَ عَلَيَّ فِي دَارِ
الدُّنْيَا سَيِّدِي أَخْرَجَ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي وَاجْمَعْ

ص: ٢١٩

بَيْنِي وَبَيْنَ الْمُصْطَفَى وَآلِهِ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 وَأَنْقَلْنِي إِلَى دَرَجَةِ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ وَأَعْنِي بِالْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِي فَقَدْ أَفْنَيْتُ بِالتَّسْوِيفِ وَالْأَمَالِ
 عُمْرِي وَقَدْ نَزَلْتُ مَنْزِلَةَ الْأَيْسِينَ مِنْ خَيْرِي فَمَنْ يَكُونُ اسْوَاءَ حَالًا مِنِّي إِنْ أَنَا نُقِلْتُ عَلَى
 مِثْلِ حَالِي إِلَى قَبْرِي لَمْ أَمْهَدُهُ لِرَقَدَتِي وَلَمْ أَفْرُشْهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لَصَجْعَتِي وَمَالِي لَا أَبْكِي
 وَلَا أَدْرِي إِلَى مَا يَكُونُ مَصِيرِي وَأَرَى نَفْسِي تُخَادِعُنِي وَأَيَّامِي تُخَاتَلُنِي وَقَدْ خَفَقْتُ عِنْدَ
 رَأْسِي أَجْنَحَةَ الْمَوْتِ فَمَالِي لَا أَبْكِي أَبْكِي لِخُرُوجِ نَفْسِي أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِي أَبْكِي لِضَيْقِ
 لِحْدِي أَبْكِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ أَيَّ أَبْكِي لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي عُرْيَانًا ذَلِيلًا حَامِلًا ثَقْلِي
 عَلَى ظَهْرِي أَنْظُرُ مَرَّةً عَنْ يَمِينِي وَآخَرَى عَنْ شِمَالِي إِذِ الْخَلَائِقُ فِي شَأْنٍ غَيْرِ شَأْنِي لِكُلِّ
 أَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفَرَةٌ ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا
 غَبْرَةٌ تَرَهَّقُهَا قَتْرَةٌ وَذَلَّةٌ سَيِّدِي عَلَيْكَ مَعُولِي وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي وَتَوَكُّلِي وَبِرَحْمَتِكَ
 تَعَلَّقِي تُصِيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي بِكَرَامَتِكَ مَنْ تُحِبُّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا نَقَّيْتَ
 مِنَ الشُّرْكَ قَلْبِي وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى بَسْطِ لِسَانِي أَفْبِلْسَانِي هَذَا الْكَالُ اشْكُرْكَ أَمْ بِغَايَةِ
 جَهْدِي فِي عَمَلِي أَرْضِيكَ وَمَا قَدَّرَ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي جَنْبِ شُكْرِكَ وَمَا قَدَّرَ عَمَلِي
 فِي جَنْبِ نِعْمِكَ

ص: ٢٢٠

وَإِحْسَانِكَ [إِلَى الْهَيِّ أَنْ جُودَكَ بَسَطَ أَمَلِي وَشُكْرَكَ قَبْلَ عَمَلِي سَيِّدِي إِلَيْكَ رَغْبَتِي
 وَإِلَيْكَ رَهْبَتِي وَإِلَيْكَ تَأْمِيلِي وَقَدْ سَاقَنِي إِلَيْكَ أَمَلِي وَعَلَيْكَ يَا وَاحِدِي عَكَفْتُ هَمَّتِي
 وَفِيمَا عِنْدَكَ أَنْبَسَطْتُ رَغْبَتِي وَلَكَ خَالِصُ رَجَائِي وَخَوْفِي وَبِكَ أَنْسَتُ مَحَبَّتِي وَإِلَيْكَ
 أَلْقَيْتُ بِيَدِي وَبِحَبْلِ طَاعَتِكَ مَدَدْتُ رَهْبَتِي [يَا] مَوْلَايَ بَدَّكَ عَاشَ قَلْبِي وَبِمُنَاجَاتِكَ
 بَرَدْتُ أَلَمْ الْخَوْفَ عَنِّي فَيَا مَوْلَايَ وَيَا مُؤَمِّلِي وَيَا مُنْتَهَى سُؤْلِي فَرَّقَ بَيْنِي وَبَيْنَ ذَنْبِي الْمَانِعِ
 لِي مِنْ لُزُومِ طَاعَتِكَ فَانَّمَا اسْتَلْتُكَ لِقَدِيمِ الرَّجَاءِ فَيْكَ وَعَظِيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ الَّذِي أَوْجَبْتَهُ
 عَلَى نَفْسِكَ مِنَ الرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ فَالْأَمْرُ لَكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُكَ

وَفِي قَبْضَتِكَ وَكُلُّشَيْءٍ خَاضِعٌ لَكَ تَبَارَكْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اَلْهَى اِرْحَمْنِي اِذَا اِنْقَطَعَتْ
 حُجَّتِي وَكَلَّ عَنْ جَوَابِكَ لِسَانِي وَطَاشَ عِنْدَ سُؤَالِكَ اَيَّايَ لَبِّي فَيَا عَظِيمَ رَجَائِي لَا
 تُخَيِّبْنِي اِذَا اَشْتَدَّتْ فَاقَتِي وَلَا تُرُدَّنِي لِجَهْلِي وَلَا تَمْنَعْنِي لِقَلَّةِ صَبْرِي اَعْطِنِي لِفَقْرِي
 وَارْحَمْنِي لِضَعْفِي سَيِّدِي عَلَيَّكَ مَعْتَمِدِي وَمَعْوَلِي وَرَجَائِي وَتَوَكُّلِي وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي
 وَبِفَنَائِكَ اَحْطُ رَحْلِي وَبِجُودِكَ اَقْصِدُ طَلْبَتِي وَبِكْرَمِكَ اَيُّ رَبٍّ اسْتَفْتَحُ دُعَائِي وَكَدَيْكَ
 اَرْجُو فَاقَتِي وَبِعْنَاكَ اَجْبُرْ عَيْلَتِي وَتَحْتَ ظِلِّ عَفْوِكَ قِيَامِي وَآلِي جُودِكَ وَكَرَمِكَ اَرْفَعُ
 بَصْرِي وَآلِي مَعْرُوفِكَ اَدِيمُ

ص: ٢٢١

نَظَرِي فَلَا تُحْرِقْنِي بِالنَّارِ وَأَنْتَ مَوْضِعُ اَمَلِي وَلَا تُسَكِّنِي اَلْهَاوِيَةَ فَانْكَ قُرَّةُ عَيْنِي يَا سَيِّدِي
 لَا تُكْذِبْ ظَنِّي بِاِحْسَانِكَ وَمَعْرُوفِكَ فَانْكَ ثِقَتِي وَلَا تَحْرِمْنِي ثَوَابِكَ فَانْكَ اَلْعَارِفُ
 بِفَقْرِي اَلْهَى اِنْ كَانَ قَدْ دَنَا اَجَلِي وَكَمْ يُقَرِّبُنِي مِنْكَ عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتُ اَلْاِعْتِرَافَ اِلَيْكَ
 بِذَنْبِي وَسَأَلْتُ عَلَيَّ اَلْهَى اِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ اَوْلَى مِنْكَ بِالْعَفْوِ وَاِنْ عَذَّبْتَ فَمَنْ اَعْدَلُ مِنْكَ
 فِي اَلْحُكْمِ اِرْحَمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غُرْبَتِي وَعِنْدَ اَلْمَوْتِ كُرْبَتِي وَفِي اَلْقَبْرِ وَحْدَتِي وَفِي اَللَّحْدِ
 وَحَشْتِي وَاِذَا نُشِرْتُ لِلْحِسَابِ بَيْنَ يَدَيْكَ ذُلُّ مَوْقِفِي وَاغْفِرْ لِي مَا خَفِيَ عَلَيَّ اَلْاَدَمِيْنَ مِنْ
 عَمَلِي وَاَدِمْ لِي مَا بِهِ سَتَرْتَنِي وَاِرْحَمْنِي صَرِيحاً عَلَيَّ اَلْفِرَاشِ تُقَلِّبُنِي اَيْدِي اِحْبَتِي وَتَفْضَلُ
 عَلَيَّ مَمْدُوداً عَلَيَّ اَلْمُغْتَسِلِ يُقَلِّبُنِي صَالِحُ جِيْرَتِي وَتَحْنُنْ عَلَيَّ مَحْمُولاً قَدْ تَنَاوَلَ اَلْاَقْرَبَاءُ
 اَطْرَافَ جِنَازَتِي وَجُدْ عَلَيَّ مَنقُولاً قَدْ نَزَلَتْ بِكَ وَحِيداً فِي حُفْرَتِي وَاِرْحَمْ فِي ذَلِكَ اَلْبَيْتِ
 اَلْجَدِيدِ غُرْبَتِي حَتَّى لَا اسْتَأْنَسَ بِغَيْرِكَ يَا سَيِّدِي اِنْ وَكَلْتَنِي اِلَى نَفْسِي هَلَكْتُ سَيِّدِي
 فَبِمَنْ اسْتَعِيْثُ اِنْ لَمْ تُقَلِّنِي عَشْرَتِي فَآلِي مَنْ اَفْزَعُ اِنْ فَقَدْتُ عِنَايَتَكَ فِي ضَجْعَتِي وَآلِي مَنْ
 اَلْتَجِيُّ اِنْ لَمْ تُنْفَسْ كُرْبَتِي سَيِّدِي مَنْ لِي وَمَنْ يَرْحَمُنِي اِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي وَفَضْلٌ مِنْ اَوْمَلُ
 اِنْ عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ فَاقَتِي وَآلِي مَنْ اَلْفِرَارُ مِنَ الدُّنُوْبِ اِذَا اِنْقَضَى اَجَلِي سَيِّدِي لَا
 تُعَذِّبْنِي وَاَنَا

ص: ٢٢٢

ارْجُوكَ الْهَى حَقَّقْ رَجَائِي وَآمِنْ خَوْفِي فَانَّ كَثْرَةَ ذُنُوبِي لَا اَرْجُو فِيهَا اِلَّا عَفْوَكَ سَيِّدِي
 اَنَا اسْتَلُّكَ مَا لَا اسْتَحِقُّ وَاَنْتَ اَهْلُ التَّقْوَى وَاَهْلُ الْمَغْفِرَةِ فَاغْفِرْ لِي وَالْبِسْنِي مِنْ نَظَرِكَ
 ثَوْبًا يَعْطِي عَلَيَّ التَّبِعَاتِ وَتَغْفِرُهَا لِي وَلَا اطَالِبُ بِهَا اِنَّكَ ذُو مَنْ قَدِيمٍ وَصَفْحٍ عَظِيمٍ
 وَتَجَاوِزُ كَرِيمٍ الْهَى اَنْتَ الَّذِي تُفِيضُ سَيِّبَكَ عَلَيَّ مَنْ لَا يَسْتَلُّكَ وَعَلَى الْجَاهِدِينَ
 بِرُبُوبِيَّتِكَ فَكَيْفَ سَيِّدِي بِمَنْ سَلَّكَ وَاَيْقِنَنَّ اَنَّ الْخَلْقَ لَكَ وَالْأَمْرَ إِلَيْكَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ
 يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ سَيِّدِي عَبْدُكَ بِبَابِكَ اَقَامْتَهُ الْخِصَاصَةَ بَيْنَ يَدَيْكَ يَقْرَعُ بَابَ احْسَانِكَ
 بَدْعَانَهُ فَلَا تُعْرِضْ بَوَجْهَكَ الْكَرِيمِ عَنِّي وَاَقْبَلْ مِنِّي مَا اَقُولُ فَقَدْ دَعَوْتُ بِهَذَا الدُّعَاءِ وَاَنَا
 اَرْجُو اَنْ لَا تَرُدَّنِي مَعْرِفَةً مِنِّي بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ الْهَى اَنْتَ الَّذِي لَا يُحْفِيكَ سَائِلٌ وَلَا
 يَنْقُصُكَ نَائِلٌ اَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا نَقُولُ اللَّهُمَّ اِنِّي اسْتَلُّكَ صَبْرًا جَمِيلًا وَفَرَجًا قَرِيبًا
 وَقَوْلًا صَادِقًا وَاَجْرًا عَظِيمًا اسْتَلُّكَ يَا رَبُّ مِنْ الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ اَعْلَمْ اسْتَلُّكَ
 اللَّهُمَّ مِنْ خَيْرٍ مَا سَلَّكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَاَجُودَ مَنْ اَعْطِيَ اَعْطِنِي
 سُؤْلِي فِي نَفْسِي وَاَهْلِي وَوَالِدِي وَوَلَدِي وَاَهْلَ حُزَانَتِي وَاَخْوَانِي فِيكَ وَاَرْغَدَ عَيْشِي
 وَاظْهَرَ مَرْوَتِي وَاَصْلَحَ جَمِيعِ اَحْوَالِي وَاَجْعَلْنِي مِمَّنْ اطَّلَتْ عُمُرُهُ وَحَسَنَتْ عَمَلُهُ وَاَتَمَّتْ
 عَلَيْهِ نِعْمَتُكَ وَرَضِيَتْ عَنْهُ

ص: ٢٢٣

وَاحْيِيَّتُهُ حَيَوَةً طَيِّبَةً فِي اَدْوَمِ السُّرُورِ وَاَسْبَغِ الْكِرَامَةَ وَاَتَمِّ الْعَيْشِ اِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَلَا
 تَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُكَ اللَّهُمَّ خُصَّنِي مِنْكَ بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ وَلَا تَجْعَلْ شَيْئًا مِمَّا اَتَقَرَّبُ بِهِ
 فِي آنَاءِ اللَّيْلِ وَاَطْرَافِ النَّهَارِ رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً وَلَا اَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَاَجْعَلْنِي لَكَ مِنْ
 الْخَاشِعِينَ اللَّهُمَّ اَعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ وَالْأَمْنَ فِي الْوَطْنِ وَقُرَّةَ الْعَيْنِ فِي الْاَهْلِ وَالْمَالِ
 وَالْوَالِدِ وَالْمُقَامِ فِي نِعْمِكَ عِنْدِي وَالصَّحَّةَ فِي الْجِسْمِ وَالْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ
 وَاَسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَبَدًا مَا اسْتَعْمَرْتَنِي
 وَاَجْعَلْنِي مِنْ اَوْفَرِ عِبَادِكَ عِنْدَكَ نَصِيبًا فِي كُلِّ خَيْرٍ اَنْزَلْتَهُ وَتَنْزَلُهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي

لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَمَا أَنْتَ مُنْزَلُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا وَعَافِيَةٍ تُلْبَسُهَا وَبَلِيَّةٍ تَدْفَعُهَا
 وَحَسَنَاتٍ تَتَقَبَّلُهَا وَسَيِّئَاتٍ تَتَجَاوَزُ عَنْهَا وَأَرْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا وَفِي كُلِّ
 عَامٍ وَأَرْزُقْنِي رِزْقًا وَاسِعًا مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ وَأَصْرِفْ عَنِّي يَا سَيِّدِي الْأَسْوَأَ وَأَقْضِ عَنِّي
 الدَّيْنَ وَالظُّلُمَاتِ حَتَّى لَا آتَاذِي بِشَيْءٍ مِنْهُ وَخُذْ عَنِّي بِاسْمَاعِ وَأَبْصَارِ اِعْدَائِي وَحُسَادِي
 وَالْبَاغِينَ عَلَيَّ وَأَنْصِرْنِي عَلَيْهِمْ وَأَقِرَّ عَيْنِي وَفَرِّحْ قَلْبِي وَاجْعَلْ لِي مِنْ هَمِّي وَكَرْبِي فَرْجًا
 وَمَخْرَجًا وَاجْعَلْ مِنْ ارَادَتِي بِسُوءٍ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمِيَّ وَاكْفِنِي شَرَّ الشَّيْطَانِ
 وَشَرِّ

ص: ٢٢٤

السُّلْطَانَ وَسَيِّئَاتِ عَمَلِي وَطَهَّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا وَاجْرِنِي مِنَ النَّارِ بِعَفْوِكَ وَأَدْخِلْنِي
 الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَزَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِفَضْلِكَ وَأَلْحِقْنِي بِأَوْلِيَاءِكَ الصَّالِحِينَ مُحَمَّدًا
 وَآلَهُ الْأَبْرَارِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَعَلَى اجْسَادِهِمْ وَأَرْوَاحِهِمْ وَرَحْمَةً
 اللَّهُ وَبَرَكَاتِهِ الْهَيَّ وَسَيِّدِي وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ لَنْ طَالَبْتَنِي بِذُنُوبِي لِأَطَالِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ وَلَنْ
 طَالَبْتَنِي بِلُؤْمِي لِأَطَالِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ وَلَنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ لِأَخْبِرَنَّ أَهْلَ النَّارِ بِحُبِّي لَكَ الْهَيَّ
 وَسَيِّدِي أَنْ كُنْتُ لَا تَغْفِرُ إِلَّا لِأَوْلِيَاءِكَ وَأَهْلٍ طَاعَتِكَ فَالِي مَنْ يَفْرَعُ الْمُذْنِبُونَ وَأَنْ كُنْتُ
 لَا تُكْرِمُ إِلَّا أَهْلَ الْوَفَاءِ بِكَ فَبِمَنْ يَسْتَعِيثُ الْمُسِيئُونَ الْهَيَّ أَنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ فَفِي ذَلِكَ
 سُورُورٌ عَدُوِّكَ وَأَنْ أَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ فَفِي ذَلِكَ سُورُورٌ نَبِيِّكَ وَأَنَا وَاللَّهُ أَعْلَمُ أَنْ سُورُورِ نَبِيِّكَ
 أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ سُورُورِ عَدُوِّكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ اسْأَلُكَ أَنْ تَمَلَأَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ وَخَشِيَةً مِنْكَ
 وَتَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ وَأَيْمَانًا بِكَ وَفَرَقًا مِنْكَ وَشَوْقًا إِلَيْكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْأَكْرَامِ حُبِّ إِلَى
 لِقَائِكَ وَأَحْبَبَ لِقَائِي وَاجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ الرَّاحَةَ وَالْفَرَجَ وَالْكَرَامَةَ اللَّهُمَّ الْحَقْنِي بِصَالِحِ
 مَنْ مَضَى وَاجْعَلْنِي مِنْ صَالِحِ مَنْ بَقِيَ وَخُذْ بِي سَبِيلَ الصَّالِحِينَ وَأَعِنِّي عَلَى نَفْسِي بِمَا
 تُعِينُ بِهِ الصَّالِحِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَأَخْتِمْ عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ وَاجْعَلْ ثَوَابِي مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ
 وَأَعِنِّي عَلَى

ص: ٢٢٥

صَالِحٍ مَا اعْطَيْتَنِي وَثَبْتَنِي يَا رَبُّ وَلَا تَرُدَّنِي فِي سُوءِ اسْتِنْقَدْتَنِي مِنْهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ
 أَنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا لَا أَجَلَ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ أَحِينِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَيْهِ وَتَوَفَّنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي عَلَيْهِ
 وَأَبْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ وَأَبْرءَ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَالشُّكِّ وَالسُّمْعَةِ فِي دِينِكَ حَتَّى يَكُونَ
 عَمَلِي خَالصًا لَكَ اللَّهُمَّ اعْطِنِي بَصِيرَةً فِي دِينِكَ وَفَهْمًا فِي حُكْمِكَ وَفَقْهًا فِي عِلْمِكَ
 وَكَفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَوَرَعًا يَحْجُزْنِي عَنْ مَعَاصِيكَ وَبَيِّضَ وَجْهِي بِنُورِكَ وَأَجْعَلْ
 رَغْبَتِي فِيْمَا عِنْدَكَ وَتَوَفَّنِي فِي سَبِيلِكَ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُوْلِكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ أَنِّي
 أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَسْلِ وَالْهَمِّ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ وَالْمَسْكَنَةِ وَالْفَقْرِ
 وَالْفَاقَةَ وَكُلِّ بَلِيَّةٍ وَالْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ وَبَطْنٍ لَا
 يَشْبَعُ وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبُّ عَلَى نَفْسِي وَدِينِي
 وَمَالِي وَعَلَى جَمِيعِ مَا رَزَقْتَنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اللَّهُمَّ أَنَّهُ لَا
 يُجِيرُنِي مِنْكَ أَحَدٌ وَلَا أَجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحِدًا فَلَا تَجْعَلْ نَفْسِي فِي شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ وَلَا
 تَرُدَّنِي بِهَلَكَةٍ وَلَا تَرُدَّنِي بِعَذَابِ الْيَوْمِ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَأَعْلِ ذِكْرِي وَارْفَعْ دَرَجَتِي وَحُطِّ
 وَزْرِي وَلَا تَذْكَرْنِي بِخَطِيئَتِي وَأَجْعَلْ ثَوَابَ مَجْلِسِي وَثَوَابَ مَنْطِقِي وَثَوَابَ دُعَائِي
 رِضَاكَ

ص: ٢٢٦

وَالجَنَّةَ وَاعْطِنِي يَا رَبُّ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ أَنِّي إِلَيْكَ رَاغِبٌ يَا رَبُّ
 الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ أَنْ نَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمْنَا وَقَدْ ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا فَاعْفُ عَنَّا
 فَإِنَّكَ أَوْلَى بِذَلِكَ مِنَّا وَأَمَرْتَنَا أَنْ لَا نَرُدَّ سَائِلًا عَنْ أَبْوَابِنَا وَقَدْ جِئْتِكَ سَائِلًا فَلَا تَرُدَّنِي إِلَّا
 بِقَضَاءِ حَاجَتِي وَأَمَرْتَنَا بِالْأِحْسَانِ إِلَى مَا مَلَكَتْ إِيْمَانُنَا وَنَحْنُ أَرْقَاءُكَ فَاعْتَقُ رِقَابَنَا مِنَ النَّارِ
 يَا مَفْرَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَيَا غَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي إِلَيْكَ فَزَعْتُ وَبَكَ اسْتَعَثْتُ وَلَذْتُ لَا الْوُدَّ
 بِسِوَاكَ وَلَا أَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلَّا مِنْكَ فَاعْثِنِي وَفَرِّجْ عَنِّي يَا مَنْ يَفُكُّ الْأَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ
 أَقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ أَنْتَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا تَبَاشِرُ

به قلبی و یقیناً صادقاً حتی اعلم انه لن یصیبنی الا ما کتبت لی ورضنی من العیش بما قسمت لی یا ارحم الراحمین.

۵- خواندن این دعا که مختصرترین دعاهاى سحر است:

یا مَفزَعی عِنْدَ کُرْبَتی ویا غَوْثی عِنْدَ شِدَّتِی الَیْکَ فَزَعْتُ وَبَکَ اسْتَعَثْتُ وَبَکَ لُذْتُ لَا الْوُدُّ بِسِوَاکَ وَلَا اَطْلُبُ الْفَرَجَ اِلَّا مِنْکَ فَاغْثِنی وَفَرِّجْ عَنی یا مَنْ یَقْبَلُ الْیَسیرَ وَیَعْفُو عَنِ الْکَثیرِ اَقْبَلْ مِنِّی الْیَسیرَ وَاعْفُ عَنِّی الْکَثیرَ اِنَّکَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحیمُ اللّهُمَّ اِنِّی اسْئَلُکَ اِیماناً تَباشِرُ به قَلْبی وَیقیناً حَتّی اعْلَمَ اَنَّهُ لَنْ

ص: ۲۲۷

یُصیبِنی اِلَّا ما کَتَبْتَ لی وَرضنی مِنَ الْعِیشِ بِما قَسَمْتَ لی یا اَرْحَمَ الرَّاحِمینَ یا عُدَّتِی فی کُرْبَتی ویا صاحِبی فی شِدَّتِی ویا وَلِیّی فی نِعْمَتی ویا غَايَتی فی رَغْبَتی اَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتی وَالْأَمْنُ رَوْعَتی وَالْمُقِیلُ عَثْرَتی فَاعْفِرْ لی خَطِیئَتی یا اَرْحَمَ الرَّاحِمینَ.

۶- خواندن این تسبیحات:

سُبْحانَ مَنْ یَعْلَمُ جِوَارِحَ الْقُلُوبِ سُبْحانَ مَنْ یُحْصی عَدَدَ الذُّنُوبِ سُبْحانَ مَنْ لا یَخْفی عَلَیْهِ خافیةٌ فی السَّمَاواتِ وَالْأَرْضینِ سُبْحانَ الرَّبِّ الْوَدُودِ سُبْحانَ الْفَرْدِ الْوَتَرِ سُبْحانَ الْعَظِیمِ الْأَعْظَمِ سُبْحانَ مَنْ لا یَعْتَدی عَلَی اهلِ مَمْلَکَتِهِ سُبْحانَ مَنْ لا یُؤاخِذُ اهلَ الْأَرْضِ بِاِیْوانِ الْعَذابِ سُبْحانَ الْحَنَّانِ الْمَنَّانِ سُبْحانَ الرَّؤُفِ الرَّحیمِ سُبْحانَ الْجَبَّارِ الْجِوَادِ سُبْحانَ الْکَریمِ الْحَلیمِ سُبْحانَ الْبَصیرِ الْعَلیمِ سُبْحانَ الْبَصیرِ الْواسِعِ سُبْحانَ اللَّهِ عَلَی اَقْبالِ النَّهارِ سُبْحانَ اللَّهِ عَلَی ادْبارِ النَّهارِ سُبْحانَ اللَّهِ عَلَی ادْبارِ اللَّیْلِ وَاَقْبالِ النَّهارِ وَلَهُ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَالْعَظْمَةُ وَالْکَبْرِیاءُ مَعَ کُلِّ نَفْسٍ وَکُلِّ طَرْفَةِ عَینٍ وَکُلِّ لَمَحَةٍ سَبَقَ فی عِلْمِهِ سُبْحانَکَ مِلاً ما احْصی کِتَابُکَ سُبْحانَکَ زِنَةُ عَرْشِکَ سُبْحانَکَ سُبْحانَکَ سُبْحانَکَ

ص: ۲۲۸

اعمالی که هر روز انجام می شود:

۱- خواندن این دعا:

اللَّهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ وَ هَذَا شَهْرُ الصِّيَامِ وَهَذَا شَهْرُ الْقِيَامِ وَهَذَا شَهْرُ الْإِنَابَةِ وَهَذَا شَهْرُ التَّوْبَةِ وَهَذَا شَهْرُ الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ وَهَذَا شَهْرُ الْعَتَقِ مِنَ النَّارِ وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَهَذَا شَهْرٌ فِيهِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَعَنِّي عَلَى صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ وَسَلِّمْ لِي وَسَلِّمْ لِي فِيهِ وَعَنِّي عَلَيْهِ بِأَفْضَلِ عَوْنِكَ وَوَقْفِنِي فِيهِ لِمَطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَأَوْلِيَّائِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفَرِّغْنِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ وَدُعَائِكَ وَتِلَاوَةِ كِتَابِكَ وَأَعْظِمْ لِي فِيهِ الْبَرَكَهَ وَأَحْسِنْ لِي فِيهِ الْعَافِيَةَ وَأَصِحِّ فِيهِ بَدَنِي وَأَوْسِعْ لِي فِيهِ رِزْقِي وَأَكْفِنِي فِيهِ مَا أَهْمَنِي وَاسْتَجِبْ فِيهِ دُعَائِي وَبَلِّغْنِي فِيهِ رَجَائِي اللَّهُمَّ صَلِّ

ص: ۲۲۹

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَذْهَبْ عَنِّي فِيهِ النَّعَاسَ وَالْكَسَلَ وَالسَّامَةَ وَالْفِتْرَةَ وَالْقَسْوَةَ وَالْغَفْلَةَ وَالْغَرَّةَ وَجَنَّبْنِي فِيهِ الْعِلْلَ وَالْأَسْقَامَ وَالْهُمُومَ وَالْأَحْزَانَ وَالْأَعْرَاضَ وَالْأَمْرَاضَ وَالْخَطَايَا وَالذُّنُوبَ وَأَصْرِفْ عَنِّي فِيهِ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ وَالْجَهْدَ وَالْبَلَاءَ وَالتَّعَبَ وَالْعَنَاءَ أَنْكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَعِزَّنِي فِيهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَهَمِّزِهِ وَكَمِّزِهِ وَنَفْثِهِ وَنَفْخِهِ وَوَسْوَستِهِ وَتَشْبِيْطِهِ وَكَيْدِهِ وَمَكْرِهِ وَحَبَائِلِهِ وَخُدَعِهِ وَأَمَانِيهِ وَعُرُورِهِ وَفُتْنَتِهِ وَشُرَكَهِ وَأَحْزَابِهِ وَاتِّبَاعِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَأَوْلِيَّائِهِ وَشُرَكَائِهِ وَجَمِيعِ مَكَائِدِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَرْزُقْنَا قِيَامَهُ وَصِيَامَهُ وَبُلُوغَ الْأَمَلِ فِيهِ وَفِي قِيَامِهِ وَاسْتِكْمَالَ مَا يُرْضِيكَ عَنِّي صَبْرًا وَاحْتِسَابًا وَإِيمَانًا وَيَقِينًا ثُمَّ تَقَبَّلْ ذَلِكَ مِنِّي بِالْأَضْعَافِ الْكَثِيرَةِ وَالْأَجْرِ الْعَظِيمِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَرْزُقْنِي الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ وَالْإِجْتِهَادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالْقُرْبَةَ وَالْخَيْرَ الْمَقْبُولَ وَالرَّغْبَةَ وَالرَّهْبَةَ وَالتَّضَرُّعَ وَالْخُشُوعَ وَالرِّقَّةَ وَالنِّيَّةَ الصَّادِقَةَ وَصِدْقَ اللِّسَانِ وَالْوَجَلَ مِنْكَ وَالرَّجَاءَ لَكَ وَالتَّوَكُّلَ عَلَيْكَ وَالثِّقَةَ بِكَ

وَالْوَرَعَ عَنْ مَحَارِمِكَ مَعَ صَالِحِ الْقَوْلِ وَمَقْبُولِ السَّعْيِ وَمَرْفُوعِ الْعَمَلِ وَمُسْتَجَابِ الدَّعْوَةِ
وَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ بَعْرَضٍ وَلَا مَرَضٍ وَلَا هَمٍّ وَلَا

ص: ٢٣٠

غَمٍّ وَلَا سُقْمٍ وَلَا غَفْلَةٍ وَلَا نَسْيَانٍ بَلْ بِالتَّعَاهُدِ وَالتَّحْفُظِ لَكَ وَفِيكَ وَالرَّعَايَةِ لِحَقِّكَ
وَالْوَفَاءِ بَعَهْدِكَ وَوَعْدِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَأَقْسِمُ لِي فِيهِ أَفْضَلَ مَا تَقْسِمُهُ لِعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَأَعْطِنِي فِيهِ أَفْضَلَ مَا تُعْطِي
أَوْلِيَاءَكَ الْمُقْرَبِينَ مِنَ الرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ وَالتَّحْنُنِ وَالْإِجَابَةِ وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ الدَّائِمَةِ وَالْعَافِيَةِ
وَالْمُعَافَاةِ وَالْعَتَقِ مِنَ النَّارِ وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ دُعَائِي فِيهِ إِلَيْكَ وَاصِلًا وَرَحْمَتِكَ وَخَيْرِكَ إِلَيَّ فِيهِ نَازِلًا وَعَمَلِي فِيهِ مَقْبُولًا
وَسَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا وَذَنْبِي فِيهِ مَغْفُورًا حَتَّى يَكُونَ نَصِيبِي فِيهِ الْأَكْثَرَ وَحَظِّي فِيهِ الْأَوْفَرَ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَقِّفْنِي فِيهِ لِلَّيْلَةِ الْقَدْرِ عَلَى أَفْضَلِ حَالٍ تُحِبُّ أَنْ يَكُونَ
عَلَيْهَا أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ وَأَرْضَاهَا لَكَ ثُمَّ اجْعَلْهَا لِي خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ وَأَرْزُقْنِي فِيهَا
أَفْضَلَ مَا رَزَقْتَ أَحَدًا مِمَّنْ بَلَغَتْهُ أَيَّامُهَا وَأَكْرَمَتْهُ بِهَا وَاجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ عِتْقَائِكَ مِنْ جَهَنَّمَ
وَطَلْقَائِكَ مِنَ النَّارِ وَسُعْدَاءِ خَلْقِكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَرْزُقْنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا الْجِدَّ وَالْإِجْتِهَادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ وَمَا تُحِبُّ
وَتَرْضَى اللَّهُمَّ رَبُّ الْفَجْرِ وَكِيَالِ عَشْرِ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَرَبُّ شَهْرِ رَمَضَانَ وَمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنْ

ص: ٢٣١

الْقُرْآنِ وَرَبُّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَأَسْرَافِيلَ وَعَزْرَائِيلَ وَجَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُقْرَبِينَ وَرَبُّ
أَبْرَاهِيمَ وَأَسْمَاعِيلَ وَأَسْحَقَ وَيَعْقُوبَ وَرَبُّ مُوسَى وَالنَّبِيِّينَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ
وَاسْأَلْكَ بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ وَبِحَقِّكَ عَلَيْكَ وَبِحَقِّكَ الْعَظِيمِ لِمَا صَلَّيْتَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَيْهِمْ
أَجْمَعِينَ وَنَظَرْتَ إِلَيَّ نَظْرَةً رَحِيمَةً تَرْضَى بِهَا عَنِّي رِضَى لَا سَخَطَ عَلَيَّ بَعْدَهُ أَبَدًا وَأَعْطَيْتَنِي
جَمِيعَ سُؤْلِي وَرَغْبَتِي وَأَمْنِيَّتِي وَارَادَتِي وَصَرَفْتَ عَنِّي مَا أَكْرَهُ وَأَحْذَرُ وَأَخَافُ عَلَى نَفْسِي
وَمَا لَا أَخَافُ وَعَنْ أَهْلِي وَمَالِي وَأَخْوَانِي وَذُرِّيَّتِي اللَّهُمَّ إِلَيْكَ فَارَرْنَا مِنْ ذُنُوبِنَا فَأَوْنَا تَابِينَ

وَتَبَّ عَلَيْنَا مُسْتَغْفِرِينَ وَاعْفُرْ لَنَا مُتَعَوِّذِينَ وَاعْزِدْنَا مُسْتَجِيرِينَ وَاجْرِنَا مُسْتَسْلِمِينَ وَلَا تَخْذُلْنَا
 رَاهِبِينَ وَآمِنًا رَاغِبِينَ وَشَفِّعْنَا سَائِلِينَ وَاعْطِنَا أَنْكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبُ اللُّهُمَّ أَنْتَ
 رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَحَقُّ مَنْ سَأَلَ الْعَبْدُ رَبَّهُ وَلَمْ يَسْأَلِ الْعِبَادُ مِثْلَكَ كَرَمًا وَجُودًا يَا مَوْضِعَ
 شَكْوَى السَّائِلِينَ وَيَا مُنْتَهَى حَاجَةِ الرَّاعِبِينَ وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ
 الْمُضْطَّرِّينَ وَيَا مَلْجَأَ الْهَارِبِينَ وَيَا صَرِيخَ الْمُسْتَضْرِحِينَ وَيَا رَبَّ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَيَا كَاشِفَ
 كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ وَيَا فَارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ وَيَا كَاشِفَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ
 يَا رَحِيمُ يَا رَحِمَ الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ وَجَرْمِي وَأَسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَأَرْزُقْنِي مِنْ
 فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ

ص: ٢٣٢

فَإِنَّهُ لَا يَمْلِكُهَا غَيْرُكَ وَاعْفُ عَنِّي وَاعْفُرْ لِي كُلَّ مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي وَاعْصِمْنِي فِيمَا بَقِيَ
 مِنْ عُمْرِي وَأَسْتُرْ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدِي وَوَلَدِي وَقَرَابَتِي وَأَهْلِي حُزَانَتِي وَ[كُلُّ مَنْ كَانَ مِنِّي
 بِسَبِيلٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِنَّ ذَلِكَ كُلَّهُ بِيَدِكَ وَأَنْتَ وَاسِعُ
 الْمَغْفِرَةِ فَلَا تُخَيِّبْنِي يَا سَيِّدِي وَلَا تَرُدَّ دُعَائِي وَلَا يَدِي إِلَى نَحْرِي حَتَّى تَفْعَلَ ذَلِكَ بِي
 وَتَسْتَجِيبَ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَتَزِيدَنِي مِنْ فَضْلِكَ فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَنَحْنُ
 إِلَيْكَ رَاغِبُونَ اللَّهُمَّ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ اسْأَلُكَ
 بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَنْ كُنْتُ قَضَيْتَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ تَنْزِيلَ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ
 فِيهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ
 وَأَحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَأَسْأَلُكَ مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا لَا يَشُوبُهُ
 شَكٌّ وَرَضَى بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتَنِي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنِي عَذَابَ النَّارِ
 وَأَنْ لَمْ تَكُنْ قَضَيْتَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ تَنْزِيلَ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا فَآخِرُنِي إِلَى ذَلِكَ وَأَرْزُقْنِي
 فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَطَاعَتَكَ وَحُسْنَ عِبَادَتِكَ وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ
 صَلَوَاتِكَ يَا رَحِمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَحَدًا يَا صَمَدًا يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ اغْضَبِ الْيَوْمَ لِمُحَمَّدٍ وَلِأَبْرَارِ
 عِتْرَتِهِ وَاقْتُلْ

ص: ۲۳۳

اعْدَانَهُمْ بَدَدًا وَاخْصِهِمْ عَدَدًا وَلَا تَدْعُ عَلَيَّ ظَهْرَ الْأَرْضِ مِنْهُمْ أَحَدًا وَلَا تَغْفِرْ لَهُمْ أَبَدًا يَا
حَسَنَ الصُّحْبَةِ يَا خَلِيفَةَ النَّبِيِّ أَنْتَ

ارْحَمُ الرَّاحِمِينَ الْبَدِيءُ الْبَدِيعُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ وَالِدَآئِمٌ غَيْرُ الْغَافِلِ وَالْحَيُّ الَّذِي
لَا يَمُوتُ أَنْتَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنِ أَنْتَ خَلِيفَةُ مُحَمَّدٍ وَنَاصِرُ مُحَمَّدٍ وَمُفَضَّلُ مُحَمَّدٍ اسْأَلُكَ
أَنْ تَنْصُرَ وَصِيَّ مُحَمَّدٍ وَخَلِيفَةَ مُحَمَّدٍ وَالْقَائِمَ بِالْقِسْطِ مِنْ أَوْصِيَاءِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ
وَعَلَيْهِمْ اعْطِفْ عَلَيْهِمْ نَصْرَكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاجْعَلْ عَاقِبَةَ أَمْرِي إِلَى غُفْرَانِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا
ارْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَكَذَلِكَ نَسَبْتُ نَفْسَكَ يَا سَيِّدِي بِاللَّطِيفِ بَلَى إِنَّكَ لَطِيفٌ فَصَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَالطُّفَّ بِى لَمَّا تَشَاءُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي الْحَجَّ
وَالْعُمْرَةَ فِي عَامِنَا هَذَا وَتَطَوَّلْ عَلَيَّ بِجَمِيعِ حَوَائِجِي لِلْآخِرَةِ وَالْدُّنْيَا بِسِوَا مَرْتَبَةٍ بِكُفُودِ
اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ أَنْ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ أَنْ رَبِّي
رَحِيمٌ وَدُودٌ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ أَنَّهُ كَانَ غَفَّارًا اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي إِنَّكَ ارْحَمُ
الرَّاحِمِينَ رَبِّ اِنِّي عَمَلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي أَنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ
اسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْحَلِيمُ الْعَظِيمُ الْكَرِيمُ الْغَفَّارُ

ص: ۲۳۴

لِلذَّنْبِ الْعَظِيمِ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ أَنْ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا بِسِوَا دَعَا رَا بِخَوَانِدِ
اللَّهُمَّ إِنِّي اسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ
الْأَمْرِ الْعَظِيمِ الْمَحْتَمِمْ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يَرُدُّ وَلَا يُبَدِّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ
حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حُجَّتِهِمُ الْمَشْكُورِ سَعِيهِمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمُ الْمَكْفَرِ عَنْهُمْ
سَيِّئَاتِهِمْ وَأَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ أَنْ تُطِيلَ عُمُرِي وَتُوسِّعَ فِي رِزْقِي وَتُؤَدِّيَ عَنِّي
أَمَانَتِي وَدِينِي آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا وَارْزُقْنِي مِنْ
حَيْثُ احْتَسَبْتُ وَمِنْ حَيْثُ لَا احْتَسَبْتُ وَأَحْرُسْنِي مِنْ حَيْثُ احْتَرَسْتُ وَمِنْ حَيْثُ لَا احْتَرَسْتُ

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ كَثِيرًا.

۲- خواندن این تسبیحات که ده جزء است و هر جزء آن مشتمل بر ده سُبْحَانَ اللَّهِ:

(۱) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّشَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللَّهِ مَدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ السَّمِيعِ الَّذِي لَيْسَ شَيْءٌ اسْمَعُ مِنْهُ يَسْمَعُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ مَا تَحْتَ سَبْعِ أَرْضِينَ وَيَسْمَعُ

ص: ۲۳۵

ما فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَيَسْمَعُ الْأَنِينَ وَالشَّكْوَى وَيَسْمَعُ السِّرَّ وَأَخْفَى وَيَسْمَعُ وَسَاوِسَ الصُّدُورِ وَلَا يُصَمُّ سَمْعُهُ صَوْتُ (۲) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّشَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللَّهِ مَدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ الْبَصِيرِ الَّذِي لَيْسَ شَيْءٌ أَبْصَرَ مِنْهُ يُبْصِرُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ مَا تَحْتَ سَبْعِ أَرْضِينَ وَيُبْصِرُ مَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ لَا تُغْشَى بَصَرَهُ الظُّلْمَةُ وَلَا يُسْتَتَرُ مِنْهُ بِسِتْرٍ وَلَا يُوَارَى مِنْهُ جِدَارٌ وَلَا يَغِيبُ عَنْهُ بَرٌّ وَلَا بَحْرٌ وَلَا يَكُنُّ مِنْهُ جَبَلٌ مَا فِي أَصْلِهِ وَلَا قَلْبٌ مَا فِيهِ وَلَا جَنْبٌ مَا فِي قَلْبِهِ وَلَا يُسْتَتَرُ مِنْهُ صَغِيرٌ وَلَا كَبِيرٌ وَلَا يَسْتَخْفَى مِنْهُ صَغِيرٌ لِصَغَرِهِ وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّشَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللَّهِ مَدَادَ كَلِمَاتِهِ

ص: ۲۳۶

سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يُنْشِئُ السَّحَابَ الثَّقَالَ وَيَسْبِحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ

وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَيُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَيَنْزِلُ الْمَاءَ مِنَ السَّمَاءِ بِكَلِمَتِهِ وَيُنْبِتُ النَّبَاتَ بِقُدْرَتِهِ وَيَسْقِطُ الْوَرَقَ بِعَلْمِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا اصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا اكْبَرَ

أَلَا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (٤) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّشَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى وَمَا لَا يَرَى سُبْحَانَ اللَّهِ مَدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَى وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلِّشَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسْرَأَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمَنْ خَلْفَهُ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَى وَيَعْلَمُ مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَيَقْرَأُ فِي الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى (٥) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ

سُبْحَانَ اللَّهِ

ص: ٢٣٧

فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّشَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى وَمَا لَا يَرَى سُبْحَانَ اللَّهِ مَدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتَعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتَذُلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ أَنْكَ عَلَى كُلِّشَيْءٍ قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (٦) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّشَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى وَمَا لَا يَرَى سُبْحَانَ اللَّهِ مَدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ مَفَاتِحِ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا

في كتاب مبین (٧) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّشَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللَّهِ مَدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُحْصَى مَدْحَتُهُ الْقَائِلُونَ وَلَا يَجْزِي بِالْآئَةِ الشَّاكِرُونَ

ص: ٢٣٨

الْعَابِدُونَ وَهُوَ كَمَا قَالَ وَفَوْقَ مَا نَقُولُ وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ كَمَا اتْنَى عَلَى نَفْسِهِ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

(٨) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّشَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللَّهِ مَدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَلَا يَشْغَلُهُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا عَمَّا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَلَا يَشْغَلُهُ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا عَمَّا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَلَا يَشْغَلُهُ عِلْمُ شَيْءٍ عَنْ عِلْمِ شَيْءٍ وَلَا يَشْغَلُهُ خَلْقُ شَيْءٍ عَنْ خَلْقِ شَيْءٍ وَلَا حِفْظُ شَيْءٍ عَنْ حِفْظِ شَيْءٍ وَلَا يُسَاوِيهِ شَيْءٌ وَلَا يَعْدِلُهُ شَيْءٌ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (٩) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّشَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللَّهِ مَدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ

فاطر

ص: ٢٣٩

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَى أَجْنَحَةٍ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّشَيْءٍ قَدِيرٌ مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (١٠) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ سُبْحَانَ

اللَّهُ الْمَصَوِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقَ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللَّهِ مَدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا ادْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ إِنْ مَاتُوا كَانُوا ثُمَّ يَنْبِئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.

۳- خواندن این صلوات:

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا لَيْبِكَ يَا رَبُّ وَسَعْدَيْكَ وَسُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ

ص: ۲۴۰

إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ سَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ آمِنْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَنَنْتَ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَبْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا طَلَعَتْ شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا طَرَفَتْ عَيْنٌ أَوْ بَرَقَتْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا ذُكِرَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا سَبَّحَ اللَّهُ مَلَكٌ أَوْ قَدَّسَهُ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْأَوَّلِينَ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْآخِرِينَ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَرَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ ابْلُغْ مُحَمَّدًا نَبِيَّكَ عَنَّا السَّلَامَ اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا مِنَ الْبَهَاءِ وَالنُّضْرَةِ وَالسُّرُورِ وَالْكَرَامَةِ وَالْغِبْطَةَ وَالْوَسِيلَةَ وَالْمَنْزِلَةَ وَالْمَقَامَ وَالشَّرْفَ وَالرَّفْعَةَ وَالشَّفَاعَةَ عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَفْضَلَ مَا تُعْطِي أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ وَاعْطِ مُحَمَّدًا فَوْقَ مَا تُعْطِي الْخَلَائِقَ مِنْ

الْخَيْرِ اضْعَافًا كَثِيرَةً لَا يُحْصِيهَا غَيْرُكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ طَيِّبٍ وَأَطْهَرَ
وَأَزْكَى وَأَنْمَى وَأَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَعَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ يَا
أَرْحَمَ

ص: ٢٤١

الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَالٍ مَنْ وَالَاهُ وَعَادَ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعَفَ
الْعَذَابَ عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ
وَالْعَنْ مَنْ آذَى نَبِيِّكَ فِيهَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ أَمَامِي الْمُسْلِمِينَ وَوَالٍ مَنْ
وَالَاهُمَا وَضَاعَفَ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دِمَائِهِمَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
أَمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالٍ مَنْ وَالَاهُ وَعَادَ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعَفَ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ أَمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالٍ مَنْ وَالَاهُ وَعَادَ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعَفَ الْعَذَابَ عَلَى
مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالٍ مَنْ وَالَاهُ وَعَادَ مَنْ عَادَاهُ
وَضَاعَفَ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ أَمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالٍ مَنْ
وَالَاهُ وَعَادَ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعَفَ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ
مُوسَى أَمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالٍ مَنْ وَالَاهُ وَعَادَ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعَفَ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي
دَمِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ أَمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالٍ مَنْ وَالَاهُ وَعَادَ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعَفَ
الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ أَمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالٍ مَنْ وَالَاهُ وَعَادَ
مَنْ عَادَاهُ وَضَاعَفَ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أَمَامِ

ص: ٢٤٢

الْمُسْلِمِينَ وَوَالٍ مَنْ وَالَاهُ وَعَادَ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعَفَ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
الْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ أَمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالٍ مَنْ وَالَاهُ وَعَادَ مَنْ عَادَاهُ وَعَجَّلْ فَرَجَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى الْقَاسِمِ وَالطَّاهِرِ ابْنَيْ نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى رُقِيَّةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَالْعَنْ مَنْ آذَى نَبِيِّكَ
فِيهَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُمَّ كَلْثُومَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَالْعَنْ مَنْ آذَى نَبِيِّكَ فِيهَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى ذُرِّيَّةِ
نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ اخْلُفْ نَبِيِّكَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ اللَّهُمَّ مَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ عَدَدِهِمْ

وَمَدَدَهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ عَلَى الْحَقِّ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ اللَّهُمَّ اطْلُبْ بِذَخْلِهِمْ وَوَتْرِهِمْ وَدَمَائِهِمْ
وَكُفِّ عَنَّا وَعَنْهُمْ وَعَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ بِأَسْ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَكُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ
بِنَاصِيَتِهَا أَنْتَ أَشَدُّ بِأَسًا وَأَشَدُّ تَنَكِيلًا سَيِّدُ بَنِي طَاوُسٍ فَرْمُودَهُ وَمِي گویی: يَا عُدَّتِي فِي
كُرْبَتِي وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي وَيَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي وَيَا غَايَتِي فِي رَغْبَتِي أَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِي
وَالْمُؤْمِنُ رَوْعَتِي وَالْمُقِيلُ عَثْرَتِي فَاعْفِرْ لِي خَطِيئَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَمِي گویی اللَّهُمَّ
أَنْتِ ادْعُوكَ لَهُمْ لَا يُفَرِّجُهُ غَيْرُكَ وَلِرَحْمَتِكَ لَا تُنَالُ إِلَّا بِكَ وَلِكَرْبٍ لَا يَكْشِفُهُ إِلَّا أَنْتَ
وَلِرَغْبَةٍ لَا تُبْلَغُ إِلَّا بِكَ وَلِحَاجَةٍ لَا يَقْضِيهَا إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ فَكَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ مَا أَذِنْتَ لِي
بِهِ مِنْ مَسْئَلَتِكَ وَرَحْمَتِي بِهِ مِنْ ذِكْرِكَ فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ سَيِّدِي الْإِجَابَةُ لِي فِيمَا
دَعَوْتُكَ وَعَوَّأْتُ

ص: ۲۴۳

الْأَفْضَالِ فِيمَا رَجَوْتُكَ وَالنَّجَاهُ مِمَّا فَزَعْتُ إِلَيْكَ فِيهِ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا أَنْ أَبْلُغَ رَحْمَتَكَ فَإِنَّ
رَحْمَتَكَ أَهْلٌ أَنْ تَبْلُغَنِي وَتَسْعَنِي وَإِنْ لَمْ أَكُنْ لِلْإِجَابَةِ أَهْلًا فَانْتَ أَهْلُ الْفَضْلِ وَرَحْمَتِكَ
وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَلْتَسْعَنِي رَحْمَتَكَ يَا إِلَهِي يَا كَرِيمُ اسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تُفَرِّجَ هَمِّي وَتَكْشِفَ كُرْبِي وَغَمِّي وَتَرْحَمَنِي بِرَحْمَتِكَ
وَتَرْزُقَنِي مِنْ فَضْلِكَ أَنْتَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ.

۴- خواندن این دعا:

اللَّهُمَّ أَنْتِ اسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِأَفْضَلِهِ وَكُلُّ فَضْلِكَ فَاضِلٌ اللَّهُمَّ أَنْتِ اسْأَلُكَ بِفَضْلِكَ كُلَّهُ
اللَّهُمَّ أَنْتِ اسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ بِأَعْمِهِ وَكُلُّ رِزْقِكَ عَامٌ اللَّهُمَّ أَنْتِ اسْأَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلَّهُ
اللَّهُمَّ أَنْتِ اسْأَلُكَ مِنْ عَطَايِكَ بِأَهْنَاهَا وَكُلُّ عَطَايِكَ هَنِيءٌ اللَّهُمَّ أَنْتِ اسْأَلُكَ بِعَطَايِكَ كُلَّهُ
اللَّهُمَّ أَنْتِ اسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ بِأَعْجَلِهِ وَكُلُّ خَيْرِكَ عَاجِلٌ اللَّهُمَّ أَنْتِ اسْأَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلَّهُ
اللَّهُمَّ أَنْتِ اسْأَلُكَ مِنْ إِحْسَانِكَ بِأَحْسَنِهِ وَكُلُّ إِحْسَانِكَ حَسَنٌ اللَّهُمَّ أَنْتِ اسْأَلُكَ بِإِحْسَانِكَ
كُلَّهُ اللَّهُمَّ أَنْتِ اسْأَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِي بِهِ حِينَ اسْأَلُكَ فَاجِبْنِي يَا اللَّهُ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُرْتَضَى وَرَسُولِكَ الْمُصْطَفَى وَأَمِينِكَ وَنَجِيكَ دُونَ خَلْقِكَ وَنَجِيكَ
مِنْ

ص: ٢٤٤

عِبَادِكَ وَنَبِيِّكَ بِالصِّدْقِ وَحَبِيبِكَ وَصَلِّ عَلَى رَسُولِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنَ الْعَالَمِينَ الْبَشِيرِ
النَّذِيرِ السَّرَاحِ الْمُنِيرِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَبْرَارِ الطَّاهِرِينَ وَعَلَى مَلَائِكَتِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ
لِنَفْسِكَ وَحَجَبْتَهُمْ عَنْ خَلْقِكَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ الَّذِينَ يُنْبِئُونَ عَنْكَ بِالصِّدْقِ وَعَلَى رَسُولِكَ
الَّذِينَ خَصَصْتَهُمْ بِوَحْيِكَ وَفَضَلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ بِرِسَالَاتِكَ وَعَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ
الَّذِينَ ادْخَلْتَهُمْ فِي رَحْمَتِكَ الْأَثَمَةِ الْمُهْتَدِينَ الرَّاشِدِينَ وَأَوْلِيَائِكَ الْمُطَهَّرِينَ وَعَلَى
جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَأَسْرَافِيلَ وَمَلَكَ الْمَوْتِ وَعَلَى رِضْوَانَ خَازِنِ الْجَنَانِ وَعَلَى مَالِكِ
خَازِنِ النَّارِ وَرُوحِ الْقُدُسِ وَالرُّوحِ الْأَمِينِ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ
الْحَافِظِينَ عَلَيَّ بِالصَّلَاةِ الَّتِي تُحِبُّ أَنْ يُصَلِّيَ بِهَا عَلَيْهِمْ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَأَهْلُ الْأَرْضِينَ
صَلْوَةً طَيِّبَةً كَثِيرَةً مُبَارَكَةً زَاكِيَةً نَامِيَةً ظَاهِرَةً بَاطِنَةً شَرِيفَةً فَاضِلَةً تُبَيِّنُ بِهَا فَضْلَهُمْ عَلَيَّ
الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ اللَّهُمَّ وَاَعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالشَّرَفَ وَالْفَضِيلَةَ وَأَجْزِهِ خَيْرًا مَا جَزَيْتَ نَبِيًّا
عَنْ أُمَّتِهِ اللَّهُمَّ وَاَعْطِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَعَ كُلِّ زُلْفَةٍ زُلْفَةً وَمَعَ كُلِّ وَسِيلَةٍ وَسِيلَةً
وَمَعَ كُلِّ فَضِيلَةٍ فَضِيلَةً وَمَعَ كُلِّ شَرَفٍ شَرَفًا تُعْطَى مُحَمَّدًا وَآلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَفْضَلَ مَا
أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ اللَّهُمَّ وَاَجْعَلْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اِدْنِي

ص: ٢٤٥

الْمُرْسَلِينَ مِنْكَ مَجْلِسًا وَأَفْسَحَهُمْ فِي الْجَنَّةِ عِنْدَكَ مَنْزِلًا وَأَقْرَبَهُمُ إِلَيْكَ وَسِيلَةً وَاجْعَلْهُ أَوَّلَ
شَافِعٍ وَأَوَّلَ مُشَفَّعٍ وَأَوَّلَ قَائِلٍ وَأَنْجَحَ سَائِلٍ وَأَبْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ الَّذِي يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ
وَالْآخِرُونَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَسْمَعَ
صَوْتِي وَتُجِيبَ دَعْوَتِي وَتَجَاوِزَ عَنِّي خَطِيئَتِي وَتَصْفَحَ عَنِّي ظُلْمِي وَتُنَجِّحَ طَلِبَتِي وَتَقْضِيَ
حَاجَتِي وَتُنْجِزَ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَتُقِيلَ عَثْرَتِي وَتَغْفِرَ ذُنُوبِي وَتَعْفُوَ عَنِّي جُرْمِي وَتَقْبَلَ عَلَيَّ
وَلَا تُعْرِضَ عَنِّي وَتَرْحَمَنِي وَلَا تُعَذِّبَنِي وَتُعَافِنِي وَلَا تَبْتَلِنِي وَتَرْزُقْنِي مِنَ الرِّزْقِ اَطْيَبِهِ

وَأَوْسَعَهُ وَلَا تَحْرِمْنِي يَا رَبُّ وَأَقْضِ عَنِّي دَيْنِي وَضَعْ عَنِّي وَزْرِي وَلَا تُحْمَلْنِي مَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ يَا مَوْلَايَ وَأَدْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلِّوَاتِكَ عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

پس سه مرتبه بگو:

اللَّهُمَّ أَنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي

پس بگو:

اللَّهُمَّ أَنِّي اسْتَلَّكَ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ وَغِنَاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ وَهُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ فَأَمِّنْ

ص: ۲۴۶

عَلَىٰ بِهِ أَنْكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ أَمِينَ رَبُّ الْعَالَمِينَ.

۷- خواندن این دعا:

اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَأَفْتَرَضْتَ عَلَيَّ عِبَادَكَ فِيهِ الصِّيَامَ أَرْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي هَذَا الْعَامِ وَفِي كُلِّ عَامٍ وَأَغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الْعِظَامَ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ يَا

ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

۸- در هر روز صد مرتبه این ذکر را بگوید:

سُبْحَانَ الضَّارِّ النَّافِعِ سُبْحَانَ الْقَاضِي بِالْحَقِّ سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَىٰ سُبْحَانَ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ

۹- صد مرتبه صلوات فرستادن بر رسول خدا (ص) و اگر زیادتیر فرستاد، افضل است.

اعمال و آداب روز اول ماه رمضان

۱- غسل کردن.

۲- زدن کفی از گلاب به روی خود.

۳- خواندن نماز اول هر ماه که دو رکعت است و در رکعت اول پس از حمد، سی مرتبه سوره «قل هو الله أحد» و در رکعت دوم پس از حمد سی مرتبه سوره «قدر» خوانده می شود.

۴- خواندن دو رکعت نماز روز اول ماه رمضان که در رکعت اول
ص: ۲۴۷

«حمد» و «انا فتحنا» و در رکعت دوم «حمد» و هر سوره که خواهد بخواند.

۵- بعد از طلوع فجر این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَدْ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ وَأَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ اللَّهُمَّ اعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا وَسَلِّمْهُ لَنَا فِي سِرِّ مَنِكَ وَعَافِيَةِ انِّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

۶- خواندن دعای چهل و چهارم صحیفه سجّادیه (۱) را اگر در شب نخوانده.

۷- خواندن این دعا که از امام موسی کاظم علیه السلام نقل شده است:

اللَّهُمَّ اِنِّي اسْتَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَانَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَعَتْ كُلُّ شَيْءٍ وَبِعِظَمَتِكَ الَّتِي تَوَاضَعُ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي قَهَرَتْ كُلُّ شَيْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي خَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَبِجَبْرُوتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ كُلُّ شَيْءٍ وَبِعِلْمِكَ الَّذِي احاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ يَا اَوَّلُ قَبْلِ كُلِّ شَيْءٍ [وَيَا باقياً بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ] يَا اللهُ يَا رَحْمَنُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ النِّقَمَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ

۱- به جهت طولانی بودن دعا، از ذکر آن صرف نظر کردیم، علاقمندان می توانند به صحیفه سجّادیه مراجعه کنند.

ص: ٢٤٨

الَّتِي تَقَطُّعُ الرَّجَاءَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدَاءَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُرُدُّ
الدُّعَاءَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي يُسْتَحَقُّ بِهَا نُزُولُ الْبَلَاءِ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبَسُ غَيْثَ
السَّمَاءِ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْغَطَاءَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ وَاعْفِرْ
لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ النَّدَمَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ وَالْبَسْنَى دِرْعَكَ
الْحَصِينَةَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَعَافِنِي مِنْ شَرِّ مَا أَحَازِرُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ اللَّهُمَّ
رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ
السَّبْعِ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ اسْرَافِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَجِبْرَائِيلَ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ اسْأَلُكَ بِكَ وَبِمَا سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ يَا عَظِيمُ أَنْتَ
الَّذِي تَمَنَّوْا بِالْعَظِيمِ وَتَدْفَعُ كُلَّ مَحْذُورٍ وَتُعْطِي كُلَّ جَزِيلٍ وَتُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ بِالْقَلِيلِ
وَبِالْكَثِيرِ وَتَفْعَلُ مَا تَشَاءُ يَا قَدِيرُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ وَالْبَسْنَى فِي
مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ سِتْرَكَ وَنَضْرُ وَجْهِي بِنُورِكَ وَأَحِبَّنِي بِمَحَبَّتِكَ وَبَلِّغْنِي رِضْوَانِكَ
وَشَرِيفَ كِرَامَتِكَ وَجَسِيمَ عَطِيَّتِكَ وَأَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ مَا عِنْدَكَ وَمِنْ خَيْرِ مَا أَنْتَ مُعْطِيهِ
أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ وَالْبَسْنَى مَعَ ذَلِكَ عَافِيَّتِكَ يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى وَيَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى
وَيَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ وَيَا

ص: ٢٤٩

دَافِعَ مَا تَشَاءُ مِنْ بَلِيَّةٍ يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ تَوَفَّنِي عَلَى مَلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَفَطَّرْتَهُ وَعَلَى
دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسُنَّتِهِ وَعَلَى خَيْرِ الْوَفَاةِ فَتَوَفَّنِي مُوَالِيًا لِلْأَوْلِيَاءِ نَكَ وَمُعَادِيًا
لِلْأَعْدَاءِ اللَّهُمَّ وَجِّبْنِي فِي هَذِهِ السَّنَةِ كُلِّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يُبَاعِدُنِي مِنْكَ وَاجْلِبْنِي
إِلَى كُلِّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يُقَرِّبُنِي مِنْكَ فِي هَذِهِ السَّنَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَأَمْنَعْنِي مِنْ
كُلِّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يَكُونُ مِنِّي إِخَافُ ضَرَرِ عَاقِبَتِهِ وَإِخَافُ مَقْتِكَ أَيَّامٍ عَلَيْهِ حِذَارَانُ
تَصْرَفَ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ عَنِّي فَاسْتَوْجِبْ بِهِ نَقْصًا مِنْ حَظِّي لِي عِنْدَكَ يَا رَوْفُ يَا رَحِيمُ
اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ فِي حِفْظِكَ وَفِي جِوَارِكَ وَفِي كَنْفِكَ وَجَلِّئْنِي سِتْرَ

عَافِيَتِكَ وَهَبْ لِي كَرَامَتَكَ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي تَابِعاً
 لِّصَالِحِي مَنْ مَضَى مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَالْحَقْنِي بِهِمْ وَاجْعَلْنِي مُسَلِّماً لِمَنْ قَالَ بِالصِّدْقِ عَلَيْكَ
 مِنْهُمْ وَأَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ أَنْ تُحِيطَ بِي خَطِيئَتِي وَظُلْمِي وَأَسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَاتِّبَاعِي لِهَوَايَ
 وَأَشْتِغَالِي بِشَهَوَاتِي فَيَحُولُ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَ رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ فَكُونْ مَنْسِياً عِنْدَكَ
 مُتَعَرِّضاً لِسَخَطِكَ وَنِقْمَتِكَ اللَّهُمَّ وَفَّقْنِي لِكُلِّ عَمَلٍ صَالِحٍ تَرْضَى بِهِ عَنِّي وَقَرِّبْنِي إِلَيْكَ
 زُلْفَى اللَّهُمَّ كَمَا كَفَيْتَ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَوْلَ عَدُوِّهِ وَفَرَّجْتَ هَمَّهُ
 ص: ٢٥٠

وَكَشَفْتَ غَمَّهُ وَصَدَقْتَهُ وَعَدَدَكَ وَأَنْجَزْتَ لَهُ عَهْدَكَ اللَّهُمَّ فَبِذَلِكَ فَافْكُنِي هَوْلَ هَذِهِ السَّنَةِ
 وَآفَاتِهَا وَأَسْقَامِهَا وَفِتْنَتِهَا وَشُرُورِهَا وَأَحْزَانِهَا وَضَيْقَ الْمَعَاشِ فِيهَا وَبَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ كَمَالَ
 الْعَافِيَةِ بِتَمَامِ دَوَامِ النُّعْمَةِ عِنْدِي إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي اسئَلُكَ سُؤَالَ مَنْ أَسَاءَ وَظَلَمَ وَأَسْتَكَانَ
 وَاعْتَرَفَ وَاسئَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي مَا مَضَى مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي حَصَرْتَهَا حَفَظْتِكَ وَأَحْصَيْتَهَا
 كِرَامُ مَلَائِكَتِكَ عَلَيَّ وَأَنْ تَعْصِمَنِي الْهِيَ مِنَ الذُّنُوبِ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي
 يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَآتِنِي كُلَّ مَا سئَلْتُكَ وَرَغِبْتُ
 إِلَيْكَ فِيهِ فَإِنَّكَ أَمَرْتَنِي بِالِدُّعَاءِ وَتَكَفَّلْتَ لِي بِالْإِجَابَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

دعاهای روزهای ماه رمضان

روز اول

اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ صِيَامَ الصَّائِمِينَ وَقِيَامِي فِيهِ قِيَامَ الْقَائِمِينَ وَنَبِّهْنِي فِيهِ عَنِ نَوْمِهِ
 الْغَافِلِينَ وَهَبْ لِي جُرْمِي فِيهِ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ وَأَعْفُ عَنِّي يَا عَافِياً عَنِ الْمُجْرِمِينَ

ص: ٢٥١

روز دوم

اللَّهُمَّ قَرِّبْنِي فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ وَجَنِّبْنِي فِيهِ مِنْ سَخَطِكَ وَنِقْمَاتِكَ وَوَفَّقْنِي فِيهِ لِقِرَائَتِهِ

اِيَاتِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

روز سیم

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الذَّهْنَ وَالتَّنْبِيهَ وَبَاعِدْنِي فِيهِ مِنَ السَّفَاهَةِ وَالتَّمْوِيهِ وَاجْعَلْ لِي نَصِيباً مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنْزِلُ فِيهِ بِجُودِكَ يَا اَجُودَ الْاَجُودِينَ.

روز چهارم

اللَّهُمَّ قَوِّنِي فِيهِ عَلَى اِقَامَةِ امْرِكِ وَاذْقْنِي فِيهِ حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ وَاوْزِعْنِي فِيهِ لِاَدَاءِ شُكْرِكَ بِكَرَمِكَ وَاَحْفَظْنِي فِيهِ بِحِفْظِكَ وَسِتْرِكَ يَا اَبْصَرَ النَّاطِرِينَ.

روز پنجم

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الْقَانِتِينَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ اَوْلِيَاءِكَ الْمُقْرَبِينَ بِرَأْفَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ص: ۲۵۲

روز ششم

اللَّهُمَّ لَا تَخْذُلْنِي فِيهِ لِتَعَرُّضِ مَعْصِيَتِكَ وَلَا تَضْرِبْنِي بِسِيَاطِ نِقْمَتِكَ وَزَحْزِحْنِي فِيهِ مِنْ مُوجِبَاتِ سَخَطِكَ بِمَنْكَ وَايَادِيكَ يَا مُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاعِيِينَ.

روز هفتم

اللَّهُمَّ اعْنِي فِيهِ عَلَى صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ وَجَنِّبْنِي فِيهِ مِنْ هَفَوَاتِهِ وَاثَامِهِ وَارْزُقْنِي فِيهِ ذِكْرَكَ بِدَوَامِهِ بِتَوْفِيقِكَ يَا هَادِيَ الْمُضِلِّينَ.

روز هشتم

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ رَحْمَةَ الْاَيْتَامِ وَاطْعَامَ الطَّعَامِ وَاَفْشَاءَ السَّلَامِ وَصُحْبَةَ الْكِرَامِ بِطَوْلِكَ يَا مَلْجَا الْاَمْلِينَ.

روز نهم

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ نَصِيباً مِنْ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ وَاَهْدِنِي فِيهِ لِبِرَاهِينِكَ السَّاطِعَةِ وَخُذْ بِنَاصِيَتِي اِلَى مَرْضَاتِكَ الْجَامِعَةِ بِمَحَبَّتِكَ يَا اَمَلَ الْمُشْتَاقِينَ.

روز دهم

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ

ص: ٢٥٣

الْفَائِزِينَ لَدَيْكَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ إِلَيْكَ بِإِحْسَانِكَ يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ.

روز یازدهم

اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ فِيهِ الْأَحْسَانَ وَكَرِّهْ إِلَيَّ فِيهِ الْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ وَحَرِّمْ عَلَيَّ فِيهِ السَّخَطَ وَالنِّيرَانَ بِعَوْنِكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ.

روز دوازدهم

اللَّهُمَّ زَيِّنِي فِيهِ بِالسِّرِّ وَالْعَفَافِ وَأَسْتُرْنِي فِيهِ بِلِبَاسِ الْفُنُوعِ وَالْكَفَافِ وَأَحْمِلْنِي فِيهِ عَلَيَّ الْعَدْلَ وَالْإِنصَافَ وَآمِنِي فِيهِ مِنْ كُلِّ مَا أَخَافُ بِعِصْمَتِكَ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِينَ.

روز سیزدهم

اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الدَّنَسِ وَالْأَقْدَارِ وَصَبِّرْنِي فِيهِ عَلَيَّ كَأَنَّاتِ الْأَقْدَارِ وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِلتَّقَى وَصَحْبَةِ الْأَبْرَارِ بِعَوْنِكَ يَا قُرَّةَ عَيْنِ الْمَسَاكِينِ.

روز چهاردهم

اللَّهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِي فِيهِ بِالْعَثَرَاتِ وَأَقْلِنِي فِيهِ مِنَ الْخَطَايَا وَالْهَفَوَاتِ وَلَا تَجْعَلْنِي فِيهِ غَرَضًا لِلْبَلَايَا وَالْأَفَاتِ بِعِزَّتِكَ يَا عِزَّ الْمُسْلِمِينَ.

ص: ٢٥٤

روز پانزدهم

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ طَاعَةَ الْخَاشِعِينَ وَأَشْرَحْ فِيهِ صَدْرِي بِإِنَابَةِ الْمُخْبِتِينَ بِإِمَانِكَ يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ.

روز شانزدهم

اللَّهُمَّ وَفِّقْنِي فِيهِ لِمُوَافَقَةِ الْأَبْرَارِ وَجَنِّبْنِي فِيهِ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ.

روز هفدهم

اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيهِ لِصَالِحِ الْأَعْمَالِ وَأَفْضِ لِي فِيهِ الْحَوَائِجَ وَالْأَمَالَ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ وَالسُّؤَالِ يَا عَالِمًا بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

روز هجدهم

اللَّهُمَّ نَبِّهْنِي فِيهِ لِبَرَكَاتِ اسْحَارِهِ وَنُورِ فِيهِ قَلْبِي بِضِيَاءِ أَنْوَارِهِ وَخُذْ بِكُلِّ أَعْضَائِي إِلَى اتِّبَاعِ آثَارِهِ بِنُورِكَ يَا مُنُورَ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ.

روز نوزدهم

اللَّهُمَّ وَفِّرْ فِيهِ حَظِّي مِنْ بَرَكَاتِهِ وَسَهِّلْ سَبِيلِي إِلَى خَيْرَاتِهِ وَلَا

ص: ۲۵۵

تَحْرِمْنِي قَبُولَ حَسَنَاتِهِ يَا هَادِيًا إِلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ.

روز بیستم

اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ الْجَنَانِ وَأَغْلِقْ عَنِّي فِيهِ أَبْوَابَ النَّيرانِ وَوَقِّفْنِي فِيهِ لِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ يَا مُنْزِلَ السَّكِينَةِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ.

روز بیست و یکم

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ دَلِيلًا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ عَلَيَّ سَبِيلًا وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ لِي مَنْزِلًا وَمَقِيلًا يَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الطَّالِبِينَ.

روز بیست و دویم

اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ فَضْلِكَ وَأَنْزِلْ عَلَيَّ فِيهِ بَرَكَاتِكَ وَوَقِّفْنِي فِيهِ لِمُوجِبَاتِ مَرْضَاتِكَ وَأَسْكِنِي فِيهِ بُحْبُوحَاتِ جَنَاتِكَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ.

روز بیست و سیم

اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي فِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَطَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الْعُيُوبِ وَأَمْتَحِنْ قَلْبِي فِيهِ بِتَقْوَى الْقُلُوبِ يَا مُقِيلَ عَثْرَاتِ الْمُذْنِبِينَ.

ص: ۲۵۶

روز بیست و چهارم

اللَّهُمَّ أَنْتَ اسْتَلَّكَ فِيهِ مَا يُرْضِيكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّا يُؤْذِيكَ وَاسْتَلَّكَ التَّوْفِيقَ فِيهِ لِأَنْ
اطيعَكَ وَلَا اعصِيكَ يَا جَوَادَ السَّائِلِينَ.

روز بیست و پنجم

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مُحِبًّا لِأَوْلِيَاءِكَ وَمُعَادِيًّا لِأَعْدَائِكَ مُسْتَنَّا بِسُنَّةِ خَاتَمِ أَنْبِيَائِكَ يَا عَاصِمَ
قُلُوبِ النَّبِيِّينَ.

روز بیست و ششم

اللَّهُمَّ اجْعَلْ سَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا وَذَنْبِي فِيهِ مَغْفُورًا وَعَمَلِي فِيهِ مَقْبُولًا وَعَيْبِي فِيهِ مَسْتُورًا يَا
اسْمَعَ السَّامِعِينَ.

روز بیست و هفتم

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ فَضْلَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَصَيِّرْ أُمُورِي فِيهِ مِنَ الْعُسْرِ إِلَى الْيُسْرِ وَأَقْبِلْ مَعَاذِيرِي
وَحُطِّ عَنِّي الذَّنْبَ وَالْوِزْرَ يَا رُؤُفًا بَعْبَادِهِ الصَّالِحِينَ.

روز بیست و هشتم

اللَّهُمَّ وَفِّرْ حَظِّي فِيهِ مِنَ النَّوَافِلِ وَأَكْرِمْنِي فِيهِ بِاحْضَارِ الْمَسَائِلِ

ص: ۲۵۷

وَقَرِّبْ فِيهِ وَسِيلَتِي إِلَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْوَسَائِلِ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ الْحَاحُ الْمَلْحِينُ.

روز بیست و نهم

اللَّهُمَّ غَشِّنِي فِيهِ بِالرَّحْمَةِ وَارْزُقْنِي فِيهِ التَّوْفِيقَ وَالْعِصْمَةَ وَطَهِّرْ قَلْبِي مِنْ غِيَاهِبِ التُّهْمَةِ يَا
رَحِيمًا بَعْبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ.

روز سی ام

اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ بِالشُّكْرِ وَالْقَبُولِ عَلَى مَا تَرْضَاهُ وَيَرْضَاهُ الرَّسُولُ مُحْكَمَةً فُرُوعُهُ
بِالْأُصُولِ بِحَقِّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

اعمال عید فطر

اعمال شب عید فطر

از جمله شبهای با شرافت است و در فضیلت و ثواب عبادت و احیای آن احادیث بسیار وارد شده و روایت شده است که آن شب کمتر از شب قدر نیست و از برای آن چند عمل است:

۱- غسل کردن وقت غروب آفتاب.

۲- احیاء آن شب به نماز و دعا و استغفار و سؤال از حقّ تعالی و بیّتوته در مسجد.

۳- خواندن این تکبیرها: **اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا هَدَيْنا وَكَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَوْلَيْنا.**

۴- چون نماز مغرب و نافله آنرا خواند دستها را به سوی آسمان بلند کند و بگوید: یا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ یا ذَا الْجُودِ یا مُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَنَاصِرِهِ صَلَّى عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَحْصَيْتَهُ وَهُوَ عِنْدَكَ فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ.

پس به سجده برود و صد مرتبه در سجده بگوید **أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ**

ص: ۲۵۸

ص: ۲۵۹

پس هر حاجت که دارد از حقّ تعالی بخواهد که انشاء الله بر آورده خواهد شد و در روایت شیخ طوسی است که بعد از نماز مغرب به به سجده رود و بگوید:

یا ذَا الْحَوْلِ یا ذَا الطَّوْلِ یا مُصْطَفِیاً مُحَمَّدًا وَنَاصِرَهُ صَلَّى عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ وَنَسِيتُهُ أَنَا وَهُوَ عِنْدَكَ فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ پس بگوید صد مرتبه **أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ**.

۵- زیارت کند امام حسین علیه السلام را که فضیلت بسیار دارد.

۶- ده مرتبه بگوید: یا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَی الْبَرِّیَّةِ یا بِاسِطِ الْیَدِینِ بِالْعَطِیَّةِ، صَلَّى عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ خَیْرِ الْوَرَى سَجِیَّةً، وَاغْفِرْ لَنَا یا ذَا الْعَلِیِّ فی هذه العشیة.

۷- بجا آورد ده رکعت نمازی که در شب آخر ماه رمضان گذشت. بجز اینها اعمال دیگری نیز برای شب عید فطر ذکر شده است که علاقمندان می توانند به کتاب مفاتیح الجنان مراجعه بفرمایند.

اعمال روز عید فطر

- ۱- خواندن تکبیرات مستحبی (۱) پس از نماز صبح و نماز عید.
- ۲- پرداختن زکات فطره که احکام آن در بخش دوم گذشت.
- ۳- غسل و بهتر آن است که اگر ممکن شود از نهر غسل کنی و وقت آن بعد از طلوع فجر است تا زمان بجا آوردن نماز عید و چون خواستی غسل کنی بگو:

۱- کیفیت تکبیرها در صفحه ۲۵۰ گذشت.

ص: ۲۶۰

اللَّهُمَّ اِيْمَانًا بِكَ وَتَصَدِيقًا بِكِتَابِكَ وَاتِّبَاعُ سُنَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. پس بسم الله بگو و غسل کن و چون از غسل فارغ شدی بگو: اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ كَفَّارَةً لِدُنُوبِي وَطَهْرًا دِينِي اللَّهُمَّ اذْهَبْ عَنِّي الدَّنَسَ.

۴- پوشیدن جامه نیکو و به کار بردن بوی خوش و رفتن به صحرا در غیر مکه برای نماز کردن در زیر آسمان.

۵- افطار کردن پیش از نماز عید در اول روز و بهتر آنست که به خرما یا به شیرینی باشد و شیخ مفید فرموده مستحب است تناول کردن مقدار کمی از تربت سیدالشهداء علیه السلام که شفا است از برای هر دردی.

۶- حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود بخوان در عید فطر و قربان و جمعه

وقتی که مهیا شدی به جهت خواندن این دعا هنگام بیرون رفتن به نماز عید:

اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ فِي هَذَا الْيَوْمِ أَوْ تَعَبَّ أَوْ أَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لوفادته إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رَفْدِهِ وَنَوَافِلِهِ وَفَوَاضِلِهِ وَعَطَايَاهُ فَإِنَّ إِلَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّيْتِي وَتَعَبَّيْتِي وَأَعَدَدْتِي وَاسْتَعَدَدْتِي رَجَاءَ رَفْدِكَ وَجَوَائِزِكَ وَنَوَافِلِكَ وَفَوَاضِلِكَ وَفَضَائِلِكَ وَعَطَايَاكَ وَقَدْ غَدَوْتُ إِلَى عِيدٍ مِنْ أَعْيَادِ أُمَّةٍ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَكَلَّمْتُكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ أَثِقُ بِهِ قَدَمَتَهُ وَلَا تَوَجَّهْتُ بِمَخْلُوقٍ أَمَلْتَهُ وَلَكِنْ أَتَيْتُكَ خَاضِعاً مُقَرَّأً بِذُنُوبِي

ص: ۲۶۱

وَأَسَأْتِي إِلَى نَفْسِي فَيَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ اغْفِرْ لِي الْعَظِيمَ مِنْ ذُنُوبِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

۷- خواندن نماز عید و آن دو رکعت است در رکعت اول حمد و سوره اعلی بخواند و

بعد از قرائت پنج تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیری این قنوت را بخواند:

اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظَمَةِ وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ وَأَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ اسْئَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْراً [وَشَرْفاً] وَمَزِيداً أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ ادْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلِّوْا تَكَّ عَلَيَّ وَعَلَيْهِمُ اللَّهُمَّ إِنِّي اسْئَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ.

پس تکبیر ششم را بگوید و به رکوع رود و بعد از رکوع و سجود برخیزد به رکعت دوم

و بعد از حمد سوره وَالشَّمْسِ بخواند پس چهار تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیری آن

قنوت را بخواند و چون فارغ شد تکبیر پنجم را گوید و به رکوع رود پس نماز را تمام

کند و بعد از سلام تسبیح زهراء علیها السلام بفرستد و بعد از نماز عید دعاها را بسیار

وارد شده

ص: ۲۶۲

است و شاید بهترین آنها دعای چهل و ششم صحیفه کامله باشد و مستحب است که نماز عید در زیر آسمان و بر روی زمین بدون فرش و بُوریا واقع شود و برگردد از مُصلّی از غیر آن راهی که رفته بود و دعا کند از برای برادران دینی خود به قبولی اعمال.

۸- زیارت امام حسین علیه السلام.

۹- خواندن دعای ندبه.

دعای جوشن کبیر

دعای بسیار با فضیلتی است، که در روز اول ماه رمضان و در شبهای قدر خوانده می شود.

اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا كَرِيمُ يَا مُقِيمُ يَا عَظِيمُ يَا قَدِيمُ يَا عَلِيمُ يَا حَلِيمُ يَا حَكِيمُ سُبْحَانَكَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ خَلَّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبُّ (۲)
 يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ يَا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ يَا وَكِيَّ الْحَسَنَاتِ يَا غَافِرَ الْخَطِيئَاتِ
 يَا مُعْطِيَ الْمَسْأَلَاتِ يَا قَابِلَ التَّوْبَاتِ يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ يَا عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ يَا دَافِعَ الْبَلِيَّاتِ (۳)
 يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ يَا خَيْرَ الْفَاتِحِينَ يَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ يَا خَيْرَ الْحَاكِمِينَ يَا خَيْرَ الرَّازِقِينَ يَا خَيْرَ الْوَارِثِينَ يَا خَيْرَ الْحَامِدِينَ يَا خَيْرَ الذَّاكِرِينَ يَا خَيْرَ الْمُنْزِلِينَ يَا خَيْرَ الْمُحْسِنِينَ (۴) يَا مَنْ لَهُ

ص: ۲۶۳

الْعِزَّةُ وَالْجَمَالُ يَا مَنْ لَهُ الْقُدْرَةُ وَالْكَمَالُ يَا مَنْ لَهُ الْمُلْكُ وَالْجَلَالُ يَا مَنْ هُوَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالُ
 يَا مُنْشِئَ السَّحَابِ الثَّقَالِ يَا مَنْ هُوَ شَدِيدُ الْمَحَالِ يَا مَنْ هُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ يَا مَنْ هُوَ
 شَدِيدُ الْعِقَابِ يَا مَنْ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ يَا مَنْ عِنْدَهُ أَمُّ الْكِتَابِ (۵) اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ
 بِاسْمِكَ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا دَيَّانُ يَا بُرْهَانَ يَا سُلْطَانَ يَا رِضْوَانَ يَا غُفْرَانَ يَا سُبْحَانَ يَا مُسْتَعَانَ

يا ذا المَنِّ وَالْيَبَانِ (٦) يا مَنْ تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ يا مَنْ اسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ يا مَنْ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ يا مَنْ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ يا مَنْ انْقَادَ كُلُّ شَيْءٍ مِنْ خَشْيَتِهِ يا مَنْ تَشَقَّقَتِ الْجِبَالُ مِنْ مَخَافَتِهِ يا مَنْ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ بِأَمْرِهِ يا مَنْ اسْتَقَرَّتِ الْأَرْضُونَ بِأَذْنِهِ يا مَنْ يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ يا مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ (٧) يا غَافِرَ الْخَطَايَا يا كَاشِفَ الْبَلَايَا يا مُنْتَهَى الرَّجَايَا يا مُجْزِلَ الْعَطَايَا يا وَاهِبَ الْهَدَايَا يا رَازِقَ الْبَرَايَا يا قَاضِيَ الْمَنَايَا يا سَامِعَ الشَّكَايَا يا بَاعِثَ الْبَرَايَا يا مُطْلِقَ الْأَسَارِي (٨) يا ذَا الْحَمْدِ وَالنَّشَاءِ يا ذَا الْفَخْرِ وَالْبَهَاءِ يا ذَا الْمَجْدِ وَالسَّنَاءِ يا ذَا الْعَهْدِ وَالْوَفَاءِ يا ذَا الْعَفْوِ وَالرِّضَاءِ يا ذَا الْمَنِّ وَالْعَطَاءِ يا ذَا الْفَضْلِ وَالْقَضَاءِ يا ذَا الْعِزِّ وَالْبَقَاءِ يا ذَا الْجُودِ وَالسَّخَاءِ يا ذَا الْأَلَاءِ وَالنَّعْمَاءِ (٩) اللَّهُمَّ أَنْتَ اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يا مَانِعُ يا دَافِعُ يا رَافِعُ يا صَانِعُ يا نَافِعُ يا سَامِعُ يا جَامِعُ يا شَافِعُ يا وَاسِعُ يا مُوسِعُ

ص: ٢٦٤

(١٠) يا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ يا خَالِقَ كُلِّ مَخْلُوقٍ يا رَازِقَ كُلِّ مَرْزُوقٍ يا مَالِكَ كُلِّ مَمْلُوكٍ يا كَاشِفَ كُلِّ مَكْرُوبٍ يا فَارِجَ كُلِّ مَهْمُومٍ يا رَاحِمَ كُلِّ مَرْحُومٍ يا نَاصِرَ كُلِّ مَخْذُولٍ يا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ يا مَلْجَأَ كُلِّ مَطْرُودٍ (١١) يا عُدَّتِي عِنْدَ شِدَّتِي يا رَجَائِي عِنْدَ مُصِيبَتِي يا مُوَسِّئِي عِنْدَ وَحْشَتِي يا صَاحِبِي عِنْدَ غُرْبَتِي يا وَكِيي عِنْدَ نِعْمَتِي يا غِيَاثِي عِنْدَ كُرْبَتِي يا دَكِيلِي عِنْدَ حَيْرَتِي يا غَنَائِي عِنْدَ افْتِقَارِي يا مَلْجَأِي عِنْدَ اضْطِرَارِي يا مُعِينِي عِنْدَ مَفْزَعِي (١٢) يا عَلَامَ الْغُيُوبِ يا غَفَّارَ الذُّنُوبِ يا سَتَّارَ الْعُيُوبِ يا كَاشِفَ الْكُرُوبِ يا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ يا طَيِّبَ الْقُلُوبِ يا مُنَوِّرَ الْقُلُوبِ يا اَنِيْسَ الْقُلُوبِ يا مُفَرِّجَ الْهَمُومِ يا مُنْفِيسَ الْغُمُومِ (١٣) اللَّهُمَّ أَنْتَ اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يا جَلِيلُ يا جَمِيلُ يا وَكِيلُ يا كَفِيلُ يا دَكِيلُ يا قَبِيلُ يا مُدِيلُ يا مُنِيلُ يا مُقِيلُ يا مُحِيلُ (١٤) يا دَكِيلَ الْمُتَحِيرِينَ يا غِيَاثَ الْمُسْتَعِيثِينَ يا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ يا جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ يا اِمَانَ الْخَائِفِينَ يا عَوْنَ الْمُؤْمِنِينَ يا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ يا مَلْجَأَ الْعَاصِينَ يا غَافِرَ الْمُذْنِبِينَ يا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ (١٥) يا ذَا الْجُودِ وَالْإِحْسَانِ يا ذَا الْفَضْلِ وَالْأَمْتَانِ يا ذَا الْأَمْنِ وَالْأَمَانِ يا ذَا الْقُدْسِ وَالسُّبْحَانِ يا ذَا الْحِكْمَةِ وَالْيَبَانِ يا ذَا

الرَّحْمَةَ وَالرِّضْوَانَ يَا ذَا الْحُجَّةِ وَالْبُرْهَانَ يَا ذَا الْعِظَمَةِ وَالسُّلْطَانَ يَا ذَا الرَّأْفَةِ وَالْمُسْتَعَانَ يَا ذَا
العَفْوِ وَالْغُفْرَانِ (١٦) يَا

ص: ٢٦٥

مَنْ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ الْهَلْ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ صَانِعُ
كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ
هُوَ عَالِمٌ بِكُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ قَادِرٌ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ بَاقِي وَيَفْنِي كُلِّ شَيْءٍ (١٧)
اللَّهُمَّ أَنْتَ اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُؤْمِنٌ يَا مُهَيِّمٌ يَا مُكَوِّنٌ يَا مُلَقِّنٌ يَا مُبَيِّنٌ يَا مُهَوِّنٌ يَا مُمَكِّنٌ يَا
مُزَيِّنٌ يَا مُعَلِّنٌ يَا مُقَسِّمٌ (١٨) يَا مَنْ هُوَ فِي مُلْكِهِ مُقِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي سُلْطَانِهِ قَدِيمٌ يَا مَنْ هُوَ
فِي جَلَالِهِ عَظِيمٌ يَا مَنْ هُوَ عَلَى عِبَادِهِ رَحِيمٌ يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ عَصَاهُ
حَلِيمٌ يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجَاهُ كَرِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي صُنْعِهِ حَكِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي حِكْمَتِهِ لَطِيفٌ يَا
مَنْ هُوَ فِي لُطْفِهِ قَدِيمٌ (١٩) يَا مَنْ لَا يُرْجَى إِلَّا فَضْلُهُ يَا مَنْ لَا يُسْأَلُ إِلَّا عَفْوُهُ يَا مَنْ لَا يُنْظَرُ
إِلَّا بَرُّهُ يَا مَنْ لَا يُخَافُ إِلَّا عَدْلُهُ يَا مَنْ لَا يَدُومُ إِلَّا مُلْكُهُ يَا مَنْ لَا سُلْطَانَ إِلَّا سُلْطَانُهُ يَا مَنْ
وَسَعَتْ كُلُّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ يَا مَنْ احْطَأَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمُهُ يَا مَنْ
لَيْسَ أَحَدٌ مِثْلَهُ (٢٠) يَا فَارِجَ الْهَمِّ يَا كَاشِفَ الْغَمِّ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ يَا قَابِلَ التَّوْبِ يَا خَالِقَ
الْخَلْقِ يَا صَادِقَ الْوَعْدِ يَا مُوفِيَ الْعَهْدِ يَا عَالِمَ السِّرِّ يَا فَالِقَ الْحَبِّ يَا رَازِقَ الْأَنَامِ (٢١) اللَّهُمَّ
أَنْتَ اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا عَلِيٌّ يَا وَفِيٌّ يَا غَنِيٌّ يَا مَلِيٌّ يَا حَفِيٌّ يَا رَضِيٌّ يَا زَكِيٌّ يَا بَدِيٌّ يَا
قَوِيٌّ يَا وَكِيٌّ (٢٢) يَا مَنْ

ص: ٢٦٦

أَظْهَرَ الْجَمِيلِ يَا مَنْ سَتَرَ الْقَبِيحِ يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ يَا مَنْ لَمْ يَهْتِكِ السِّرَّ يَا عَظِيمَ
العَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى يَا
مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى (٢٣) يَا ذَا النِّعْمَةِ السَّابِغَةَ يَا ذَا الرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةَ يَا ذَا الْمِنَّةِ السَّابِقَةَ يَا ذَا
الْحِكْمَةِ الْبَالِغَةَ يَا ذَا الْقُدْرَةِ الْكَامِلَةَ يَا ذَا الْحُجَّةِ الْقَاطِعَةَ يَا ذَا الْكِرَامَةِ الظَّاهِرَةَ يَا ذَا الْعِزَّةِ
الدَّائِمَةَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينَةَ يَا ذَا الْعِظَمَةِ الْمُنِيعَةَ (٢٤) يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ يَا جَاعِلَ الظُّلُمَاتِ يَا

راحم العبرات يا مقبل العثرات يا ساتر العورات يا محيي الاموات يا منزل الآيات يا
 مُضَعَّفَ الْحَسَنَاتِ يَا مَاحِيَ السَّيِّئَاتِ يَا شَدِيدَ النِّقْمَاتِ (٢٥) اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا
 مُصَوِّرُ يَا مُقَدِّرُ يَا مُدَبِّرُ يَا مُطَهِّرُ يَا مُنَوِّرُ يَا مَيَسِّرُ يَا مُبَشِّرُ يَا مُنذِرُ يَا مُقَدِّمُ يَا مُؤَخِّرُ (٢٦) يَا
 رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الشَّهْرِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ يَا رَبَّ
 الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ يَا رَبَّ النُّورِ وَالظَّلَامِ يَا رَبَّ
 التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ يَا رَبَّ الْقُدْرَةِ فِي الْأَنَامِ (٢٧) يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ يَا أَعْدَلَ الْعَادِلِينَ يَا
 أَصْدَقَ الصَّادِقِينَ يَا أَطْهَرَ الطَّاهِرِينَ يَا أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ
 يَا أَبْصَرَ النَّظِيرِينَ يَا أَشْفَعَ الشَّافِعِينَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ

ص: ٢٤٧

(٢٨) يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ يَا سِنْدَ مَنْ لَا سِنْدَ لَهُ يَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ يَا حَرْزَ مَنْ لَا حَرْزَ
 لَهُ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ يَا فَخْرَ مَنْ لَا فَخْرَ لَهُ يَا عِزَّ مَنْ لَا عِزَّ لَهُ يَا مُعِينَ مَنْ لَا مُعِينَ لَهُ
 يَا أَيْسَ مَنْ لَا أَيْسَ لَهُ يَا أَمَانَ مَنْ لَا أَمَانَ لَهُ (٢٩) اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا عَاصِمُ يَا
 قَائِمُ يَا دَائِمُ يَا رَاحِمُ يَا سَالِمُ يَا حَاكِمُ يَا عَالِمُ يَا قَاسِمُ يَا قَابِضُ يَا بَاسِطُ (٣٠) يَا عَاصِمَ مَنْ
 اسْتَعَصَمَهُ يَا رَاحِمَ مَنْ اسْتَرْحَمَهُ يَا غَافِرَ مَنْ اسْتَغْفَرَهُ يَا نَاصِرَ مَنْ اسْتَنْصَرَهُ يَا حَافِظَ مَنْ
 اسْتَحْفَظَهُ يَا مُكْرِمَ مَنْ اسْتَكْرَمَهُ يَا مُرْشِدَ مَنْ اسْتَرْشَدَهُ يَا صَرِيخَ مَنْ اسْتَصْرَخَهُ يَا مُعِينَ مَنْ
 اسْتَعَانَهُ يَا مُغِيثَ مَنْ اسْتَعَاثَهُ (٣١) يَا عَزِيزًا لَا يُضَامُ يَا لَطِيفًا لَا يُرَامُ يَا قِيُومًا لَا يَنَامُ يَا دَائِمًا
 لَا يَفُوتُ يَا حَيًّا لَا يَمُوتُ يَا مَلَكًا لَا يَزُولُ يَا بَاقِيًا لَا يَفْنَى يَا عَالِمًا لَا يَجْهَلُ يَا صَمَدًا لَا
 يُطْعَمُ يَا قَوِيًّا لَا يَضْعَفُ (٣٢) اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا أَحَدًا يَا وَاحِدًا يَا شَاهِدًا يَا مَاجِدًا
 يَا حَامِدًا يَا رَاشِدًا يَا بَاعِثًا يَا وَارِثًا يَا ضَارًّا يَا نَافِعَ (٣٣) يَا أَعْظَمَ مَنْ كُلُّ عَظِيمٍ يَا أَكْرَمَ مَنْ
 كُلُّ كَرِيمٍ يَا أَرْحَمَ مَنْ كُلُّ رَحِيمٍ يَا أَعْلَمَ مَنْ كُلُّ عَلِيمٍ يَا أَحْكَمَ مَنْ كُلُّ حَكِيمٍ يَا أَقْدَمَ
 مَنْ كُلُّ قَدِيمٍ يَا أَكْبَرَ مَنْ كُلُّ كَبِيرٍ يَا أَلْطَفَ مَنْ كُلُّ لَطِيفٍ يَا أَجَلَ مَنْ كُلُّ جَلِيلٍ يَا أَعَزَّ
 مَنْ كُلُّ عَزِيزٍ (٣٤) يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ يَا عَظِيمَ الْأَمْنِ يَا كَثِيرَ الْخَيْرِ يَا قَدِيمَ الْفَضْلِ يَا دَائِمَ
 اللَّطْفِ يَا لَطِيفَ الصَّنْعِ يَا

ص: ٢٤٨

مَنْفَسَ الْكَرْبِ يَا كَاشِفَ الضَّرِّ يَا مَالِكَ الْمُلْكِ يَا قَاضِيَ الْحَقِّ (٣٥) يَا مَنْ هُوَ فِي عَهْدِهِ
 وَفِيَّ يَا مَنْ هُوَ فِي وَفَائِهِ قَوِيَّ يَا مَنْ هُوَ فِي قُوَّتِهِ عَلِيٌّ يَا مَنْ هُوَ فِي عُلُوِّهِ قَرِيبٌ يَا مَنْ هُوَ
 فِي قُرْبِهِ لَطِيفٌ يَا مَنْ هُوَ فِي لُطْفِهِ شَرِيفٌ يَا مَنْ هُوَ فِي شَرْفِهِ عَزِيزٌ يَا مَنْ هُوَ فِي عِزِّهِ
 عَظِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي عَظَمَتِهِ مَجِيدٌ يَا مَنْ هُوَ فِي مَجْدِهِ حَمِيدٌ (٣٦) اللَّهُمَّ أَنِي أَسْأَلُكَ
 بِاسْمِكَ يَا كَافِيَّ يَا شَافِيَّ يَا وَافِيَّ يَا مُعَافِيَّ يَا هَادِيَّ يَا دَاعِيَّ يَا قَاضِيَّ يَا رَاضِيَّ يَا عَالِيَّ يَا
 بَاقِيَّ (٣٧) يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَهُ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ خَاشِعٌ لَهُ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ كَائِنٌ لَهُ يَا
 مَنْ كُلُّ شَيْءٍ مَوْجُودٌ بِهِ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ مُنِيبٌ إِلَيْهِ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ خَائِفٌ مِنْهُ يَا مَنْ كُلُّ
 شَيْءٍ قَائِمٌ بِهِ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ صَائِرٌ إِلَيْهِ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ
 هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ (٣٨) يَا مَنْ لَا مَفْرَأَ إِلَّا إِلَيْهِ يَا مَنْ لَا مَفْزَعَ إِلَّا إِلَيْهِ يَا مَنْ لَا مَقْصَدَ إِلَّا إِلَيْهِ يَا مَنْ
 لَا مَنجَا مِنْهُ إِلَّا إِلَيْهِ يَا مَنْ لَا يُرْغَبُ إِلَّا إِلَيْهِ يَا مَنْ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِهِ يَا مَنْ لَا يُسْتَعَانُ إِلَّا بِهِ
 يَا مَنْ لَا يُتَوَكَّلُ إِلَّا عَلَيْهِ يَا مَنْ لَا يُرْجَى إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يُعْبَدُ إِلَّا هُوَ (٣٩) يَا خَيْرَ الْمَرْهُوبِينَ يَا
 خَيْرَ الْمَرْغُوبِينَ يَا خَيْرَ الْمَطْلُوبِينَ يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ يَا خَيْرَ الْمُقْصُودِينَ يَا خَيْرَ
 الْمَذْكُورِينَ يَا خَيْرَ الْمُشْكُورِينَ يَا خَيْرَ الْمُحْبُوبِينَ يَا خَيْرَ الْمَدْعُوبِينَ يَا خَيْرَ الْمُسْتَأْنَسِينَ
 (٤٠) اللَّهُمَّ أَنِي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

ص: ٢٤٩

يَا غَافِرٌ يَا سَاتِرٌ يَا قَادِرٌ يَا قَاهِرٌ يَا فَاطِرٌ يَا كَاسِرٌ يَا جَابِرٌ يَا ذَاكِرٌ يَا نَاطِرٌ يَا نَاصِرٌ (٤١) يَا مَنْ
 خَلَقَ فَسْوَى يَا مَنْ قَدَّرَ فَهَدَى يَا مَنْ يَكْشِفُ الْبَلْوَى يَا مَنْ يَسْمَعُ النَّجْوَى يَا مَنْ يُنْقِذُ
 الْغَرَقَى يَا مَنْ يُنْجِي الْهَلَكَى يَا مَنْ يَشْفِي الْمَرْضَى يَا مَنْ اضْحَكَكَ وَأَبْكَى يَا مَنْ أَمَاتَ
 وَأَحْيَى يَا مَنْ خَلَقَ الزَّوْجِينَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى (٤٢) يَا مَنْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ سَبِيلُهُ يَا مَنْ فِي
 الْأَفَاقِ آيَاتُهُ يَا مَنْ فِي الْآيَاتِ بُرْهَانُهُ يَا مَنْ فِي الْمَمَاتِ قُدْرَتُهُ يَا مَنْ فِي الْقُبُورِ عِبْرَتُهُ يَا مَنْ
 فِي الْقِيَامَةِ مُلْكُهُ يَا مَنْ فِي الْحِسَابِ هَيْبَتُهُ يَا مَنْ فِي الْمِيزَانِ قِضَاؤُهُ يَا مَنْ فِي الْجَنَّةِ ثَوَابُهُ يَا
 مَنْ فِي النَّارِ عِقَابُهُ (٤٣) يَا مَنْ إِلَيْهِ يَهْرَبُ الْخَائِفُونَ يَا مَنْ إِلَيْهِ يَفْرَعُ الْمُدْنِبُونَ يَا مَنْ إِلَيْهِ

يَقْصِدُ الْمُنِيبُونَ يَا مَنْ إِلَيْهِ يَرْغَبُ الزَّاهِدُونَ يَا مَنْ إِلَيْهِ يَلْجَأُ الْمُتَحِيرُونَ يَا مَنْ بِهِ يَسْتَأْنَسُ
 الْمُرِيدُونَ يَا مَنْ بِهِ يَفْتَخِرُ الْمُحِبُّونَ يَا مَنْ فِي عَفْوِهِ يَطْمَعُ الْخَاطِئُونَ يَا مَنْ إِلَيْهِ يَسْكُنُ
 الْمُوقِنُونَ يَا مَنْ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ (٤٤) اللَّهُمَّ أَنْتَ اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا حَبِيبُ يَا طَيِّبُ
 يَا قَرِيبُ يَا رَقِيبُ يَا حَسِيبُ يَا مُهَيْبُ يَا مُثِيبُ يَا مُجِيبُ يَا خَيْرُ يَا بَصِيرُ (٤٥) يَا اقْرَبَ مِنْ
 كُلِّ قَرِيبٍ يَا احْبَبَّ مِنْ كُلِّ حَبِيبٍ يَا ابْصَرَ مِنْ كُلِّ بَصِيرٍ يَا اخْبَرَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ يَا اشْرَفَ
 مِنْ كُلِّ شَرِيفٍ يَا ارْفَعَ مِنْ كُلِّ رَفِيعٍ يَا اقْوَى مِنْ كُلِّ قَوِيٍّ يَا اغْنَى مِنْ كُلِّ غَنِيٍّ يَا اجْوَدَ
 مِنْ كُلِّ جَوَادٍ يَا ارَافَ

ص: ٢٧٠

مِنْ كُلِّ رَوْوْفٍ (٤٦) يَا غَالِبًا غَيْرَ مَغْلُوبٍ يَا صَانِعًا غَيْرَ مَصْنُوعٍ يَا خَالِقًا غَيْرَ مَخْلُوقٍ يَا
 مَالِكًا غَيْرَ مَمْلُوكٍ يَا قَاهِرًا غَيْرَ مَقْهُورٍ يَا رَافِعًا غَيْرَ مَرْفُوعٍ يَا حَافِظًا غَيْرَ مَحْفُوظٍ يَا نَاصِرًا
 غَيْرَ مَنْصُورٍ يَا شَاهِدًا غَيْرَ غَائِبٍ يَا قَرِيبًا غَيْرَ بَعِيدٍ (٤٧) يَا نُورَ النُّورِ يَا مُنَوَّرَ النُّورِ يَا خَالِقَ
 النُّورِ يَا مُدَبِّرَ النُّورِ يَا مُقَدِّرَ النُّورِ يَا نُورَ كُلِّ نُورٍ يَا نُورًا قَبْلَ كُلِّ نُورٍ يَا نُورًا بَعْدَ كُلِّ نُورٍ يَا
 نُورًا فَوْقَ كُلِّ نُورٍ يَا نُورًا لَيْسَ كَمِثْلِهِ نُورٌ (٤٨) يَا مَنْ عَطَاؤُهُ شَرِيفٌ يَا مَنْ فَعْلُهُ لَطِيفٌ يَا
 مَنْ لَطْفُهُ مُقِيمٌ يَا مَنْ احْسَانُهُ قَدِيمٌ يَا مَنْ قَوْلُهُ حَقٌّ يَا مَنْ وَعْدُهُ صَدَقٌ يَا مَنْ عَفْوُهُ فَضْلٌ يَا
 مَنْ عَذَابُهُ عَدْلٌ يَا مَنْ ذَكَرَهُ حَلُوٌّ يَا مَنْ فَضْلُهُ عَمِيمٌ (٤٩) اللَّهُمَّ أَنْتَ اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا
 مُسَهِّلُ يَا مُفَصِّلُ يَا مُبَدِّلُ يَا مُدَلِّلُ يَا مُنَزِّلُ يَا مُنَوِّلُ يَا مُفْضِلُ يَا مُجْزِلُ يَا مُمَهِّلُ يَا مُجْمِلُ
 (٥٠) يَا مَنْ يَرَى وَلَا يُرَى يَا مَنْ يَخْلُقُ وَلَا يُخْلَقُ يَا مَنْ يَهْدِي وَلَا يُهْدَى يَا مَنْ يُحْيِي وَلَا
 يُحْيَا يَا مَنْ يَسْأَلُ وَلَا يُسْأَلُ يَا مَنْ يَطْعَمُ وَلَا يُطْعَمُ يَا مَنْ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ يَا مَنْ يَقْضِي
 وَلَا يُقْضَى عَلَيْهِ يَا مَنْ يَحْكُمُ وَلَا يُحْكَمُ عَلَيْهِ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا
 أَحَدٌ (٥١) يَا نِعْمَ الْحَسِيبُ يَا نِعْمَ الطَّيِّبُ يَا نِعْمَ الرَّقِيبُ يَا نِعْمَ الْقَرِيبُ يَا نِعْمَ الْمُجِيبُ يَا
 نِعْمَ الْحَبِيبُ يَا نِعْمَ الْكَفِيلُ يَا نِعْمَ الْوَكِيلُ يَا نِعْمَ الْمَوْلَى يَا نِعْمَ النَّصِيرُ (٥٢) يَا سُرُورَ
 الْعَارِفِينَ يَا مُنَى

ص: ٢٧١

الْمُحِبِّينَ يَا أُنَيْسَ الْمُرِيدِينَ يَا حَبِيبَ التَّوَّابِينَ يَا رَازِقَ الْمُقْلِينَ يَا رَجَاءَ الْمُذْنِبِينَ يَا قُرَّةَ عَيْنِ
 الْعَابِدِينَ يَا مُنْفَسِّعًا عَنِ الْمَكْرُوبِينَ يَا مُفْرَجًا عَنِ الْمَغْمُومِينَ يَا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ (٥٣)
 اللَّهُمَّ أَنْتَ اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا رَبَّنَا يَا هِنَا يَا سَيِّدَنَا يَا مَوْلَانَا يَا نَاصِرَنَا يَا حَافِظَنَا يَا دَلِيلَنَا يَا
 مُعِينَنَا يَا حَبِيبَنَا يَا طَبِيبَنَا (٥٤) يَا رَبَّ النَّبِيِّينَ وَالْأَبْرَارِ يَا رَبَّ الصَّادِقِينَ وَالْأَخْيَارِ يَا رَبَّ
 الْجَنَّةِ وَالنَّارِ يَا رَبَّ الصَّغَارِ وَالْكَبَارِ يَا رَبَّ الْحُبُوبِ وَالْثَمَارِ يَا رَبَّ الْأَنْهَارِ وَالْأَشْجَارِ يَا رَبَّ
 الصَّحَارَى وَالْقَفَارِ يَا رَبَّ الْبَرَارِ وَالْبَحَارِ يَا رَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَا رَبَّ الْأَعْلَانِ وَالْأَسْرَارِ
 (٥٥) يَا مَنْ نَفَذَ فِي كُلِّ شَيْءٍ أَمْرَهُ يَا مَنْ لَحِقَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمُهُ يَا مَنْ بَلَغَتْ إِلَى كُلِّ شَيْءٍ
 قُدْرَتُهُ يَا مَنْ لَا تُحْصَى الْعِبَادُ نِعْمَهُ يَا مَنْ لَا تَبْلُغُ الْخَلَائِقُ شُكْرَهُ يَا مَنْ لَا تُدْرِكُ الْأَفْهَامُ
 جَلَالَهُ يَا مَنْ لَا تَنَالُ الْأَوْهَامُ كُنْهَهُ يَا مَنْ الْعِظَمَةُ وَالْكَبْرِيَاءُ رِذَاؤُهُ يَا مَنْ لَا تَرُدُّ الْعِبَادُ قِضَاءَهُ
 يَا مَنْ لَا مُلْكَ إِلَّا مَلِكُهُ يَا مَنْ لَا عَطَاءَ إِلَّا عَطَاؤُهُ (٥٦) يَا مَنْ لَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى يَا مَنْ لَهُ
 الصِّفَاتُ الْعُلْيَا يَا مَنْ لَهُ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى يَا مَنْ لَهُ الْجَنَّةُ الْمَأْوَى يَا مَنْ لَهُ الْآيَاتُ الْكُبْرَى يَا
 مَنْ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يَا مَنْ لَهُ الْحُكْمُ وَالْقِضَاءُ يَا مَنْ لَهُ الْهَوَاءُ وَالْفِضَاءُ يَا مَنْ لَهُ الْعَرْشُ
 وَالثَّرَى يَا مَنْ لَهُ السَّمَاوَاتُ الْعُلَى (٥٧) اللَّهُمَّ أَنْتَ اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا عَفُوًّا يَا غَفُورًا يَا صَبُورًا
 يَا شَكُورًا يَا

ص: ٢٧٢

رُؤُوفًا يَا عَطُوفًا يَا مَسْئُولًا يَا وَدُودًا يَا سُبُوحًا يَا قُدُّوسًا (٥٨) يَا مَنْ فِي السَّمَاءِ عِظَمَتُهُ يَا
 مَنْ فِي الْأَرْضِ آيَاتُهُ يَا مَنْ فِي كُلِّ شَيْءٍ دَلَالَتُهُ يَا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ يَا مَنْ فِي الْجِبَالِ
 خَزَائِنُهُ يَا مَنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يَعِيدُهُ يَا مَنْ إِلَيْهِ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ يَا مَنْ أَظْهَرَ فِي كُلِّ شَيْءٍ
 لُطْفَهُ يَا مَنْ أَحْسَنَ كُلِّ شَيْءٍ خَلْقَهُ يَا مَنْ تَصَرَّفَ فِي الْخَلَائِقِ قُدْرَتُهُ (٥٩) يَا حَبِيبَ مَنْ لَا
 حَبِيبَ لَهُ يَا طَبِيبَ مَنْ لَا طَبِيبَ لَهُ يَا مُجِيبَ مَنْ لَا مُجِيبَ لَهُ يَا شَفِيقَ مَنْ لَا شَفِيقَ لَهُ يَا
 رَفِيقَ مَنْ لَا رَفِيقَ لَهُ يَا مُغِيثَ مَنْ لَا مُغِيثَ لَهُ يَا دَلِيلَ مَنْ لَا دَلِيلَ لَهُ يَا أُنَيْسَ مَنْ لَا أُنَيْسَ لَهُ
 يَا رَاحِمَ مَنْ لَا رَاحِمَ لَهُ يَا صَاحِبَ مَنْ لَا صَاحِبَ لَهُ (٦٠) يَا كَافِيًا مَنْ اسْتَكْفَاهُ يَا هَادِيًا

مَنْ اسْتَهْدَاهُ يَا كَالِيَّ مَنْ اسْتَكْلَاهُ يَا رَاعِيَّ مَنْ اسْتَرَعَاهُ يَا شَافِيَّ مَنْ اسْتَشْفَاهُ يَا قَاضِيَّ مَنْ
 اسْتَقْضَاهُ يَا مُغْنِيَّ مَنْ اسْتَعْنَاهُ يَا مُوفِيَّ مَنْ اسْتَوْفَاهُ يَا مُقْوِيَّ مَنْ اسْتَقْوَاهُ يَا وَكِيَّ مَنْ اسْتَوْلَاهُ
 (٦١) اللَّهُمَّ أَنْتَ اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا خَالِقُ يَا رَازِقُ يَا نَاطِقُ يَا صَادِقُ يَا فَالِقُ يَا فَارِقُ يَا فَاتِقُ
 يَا رَاتِقُ يَا سَابِقُ يَا سَامِقُ (٦٢) يَا مَنْ يُقَلِّبُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ يَا مَنْ جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالْأَنْوَارَ يَا
 مَنْ خَلَقَ الظِّلَّ وَالْحَرُورَ يَا مَنْ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ يَا مَنْ قَدَّرَ الْخَيْرَ وَالشَّرَّ يَا مَنْ خَلَقَ
 الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ يَا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ يَا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ
 شَرِيكٌ فِي الْمَلِكِ يَا

ص: ٢٧٣

مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَكِيٌّ مِنَ الذُّلِّ (٦٣) يَا مَنْ يَعْلَمُ مُرَادَ الْمُرِيدِينَ يَا مَنْ يَعْلَمُ ضَمِيرَ الصَّامِتِينَ
 يَا مَنْ يَسْمَعُ أَيْنَ الْوَاهِنِينَ يَا مَنْ يَرَى بُكَاءَ الْخَائِفِينَ يَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ يَا مَنْ
 يَقْبَلُ عُذْرَ التَّائِبِينَ يَا مَنْ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ يَا مَنْ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ يَا مَنْ لَا
 يَبْعُدُ عَنْ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ يَا أَجُودَ الْأَجُودِينَ (٦٤) يَا دَائِمَ الْبَقَاءِ يَا سَامِعَ الدُّعَاءِ يَا وَاسِعَ
 الْعَطَاءِ يَا غَافِرَ الْخَطَاةِ يَا بَدِيعَ السَّمَاءِ يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ يَا جَمِيلَ الثَّنَاءِ يَا قَدِيمَ السَّنَاءِ يَا كَثِيرَ
 الْوَفَاءِ يَا شَرِيفَ الْجَزَاءِ (٦٥) اللَّهُمَّ أَنْتَ اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا سِتَّارُ يَا غَفَّارُ يَا قَهَّارُ يَا جَبَّارُ يَا
 صَبَّارُ يَا بَارُّ يَا مُخْتَارُ يَا فَتَّاحُ يَا نَفَّاحُ يَا مُرْتَّاحُ (٦٦) يَا مَنْ خَلَقَنِي وَسَوَّأَنِي يَا مَنْ رَزَقَنِي
 وَرَبَّأَنِي يَا مَنْ أَطْعَمَنِي وَسَقَانِي يَا مَنْ قَرَّبَنِي وَادَّنَانِي يَا مَنْ عَصَمَنِي وَكَفَّأَنِي يَا مَنْ حَفَظَنِي
 وَكَلَّأَنِي يَا مَنْ اعَزَّنِي وَأَغْنَانِي يَا مَنْ وَفَّقَنِي وَهَدَانِي يَا مَنْ آنَسَنِي وَآوَأَنِي يَا مَنْ أَمَاتَنِي
 وَأَحْيَانِي (٦٧) يَا مَنْ يُحَقِّقُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ يَا مَنْ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ
 الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ يَا مَنْ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَا مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ يَا مَنْ لَا
 مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ يَا مَنْ لَا رَادَّ لِقَضَائِهِ يَا مَنْ أَنْقَادَ كُلِّ شَيْءٍ لِأَمْرِهِ يَا مَنْ السَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ
 بِيَمِينِهِ يَا مَنْ يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ (٦٨) يَا مَنْ جَعَلَ الْأَرْضَ مِهَادًا يَا مَنْ
 جَعَلَ

ص: ٢٧٤

الْجِبَالَ أَوْ تَادَا يَا مَنْ جَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا يَا مَنْ جَعَلَ الْقَمَرَ نُورًا يَا مَنْ جَعَلَ اللَّيْلَ لِبَاسًا يَا
 مَنْ جَعَلَ النَّهَارَ مَعَاشًا يَا مَنْ جَعَلَ النَّوْمَ سُبَاتًا يَا مَنْ جَعَلَ السَّمَاءَ بِنَاءً يَا مَنْ جَعَلَ الْأَشْيَاءَ
 أَزْوَاجًا يَا مَنْ جَعَلَ النَّارَ مَرِصَادًا (٦٩) اللَّهُمَّ أَنِي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا سَمِيعُ يَا شَفِيعُ يَا رَفِيعُ
 يَا مَنِيعُ يَا سَرِيعُ يَا بَدِيعُ يَا كَبِيرُ يَا قَدِيرُ يَا خَبِيرُ يَا مُجِيرُ (٧٠) يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ يَا حَيًّا
 بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ يَا حَيُّ الَّذِي لَيْسَ كَمَثَلِهِ حَيٌّ يَا حَيُّ الَّذِي لَا يُشَارِكُهُ حَيٌّ يَا حَيُّ الَّذِي لَا
 يَحْتَاجُ إِلَى حَيٍّ يَا حَيُّ الَّذِي يُمِيتُ كُلَّ حَيٍّ يَا حَيُّ الَّذِي يَرْزُقُ كُلَّ حَيٍّ يَا حَيًّا لَمْ يَرِثِ
 الْحَيَاةَ مِنْ حَيٍّ يَا حَيُّ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى يَا حَيُّ يَا قِيَوْمُ لَا تَأْخُذُهُ سَنَةٌ وَلَا نَوْمٌ (٧١) يَا مَنْ
 لَهُ ذِكْرٌ لَا يُنْسَى يَا مَنْ لَهُ نُورٌ لَا يُطْفِئُ يَا مَنْ لَهُ نَعْمٌ لَا تُعَدُّ يَا مَنْ لَهُ مَلَكٌ لَا يَزُولُ يَا مَنْ لَهُ
 ثَنَاءٌ لَا يُحْصَى يَا مَنْ لَهُ جَلَالٌ لَا يُكَيَّفُ يَا مَنْ لَهُ كَمَالٌ لَا يُدْرَكُ يَا مَنْ لَهُ قَضَاءٌ لَا يُرَدُّ يَا
 مَنْ لَهُ صِفَاتٌ لَا تُبَدَّلُ يَا مَنْ لَهُ نَعْوَتٌ لَا تُغَيَّرُ (٧٢) يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ يَا مَالِكَ يَوْمِ الدِّينِ يَا
 غَايَةَ الطَّالِبِينَ يَا ظَهَرَ اللَّاجِينَ يَا مُدْرَكَ الْهَارِبِينَ يَا مَنْ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ يَا مَنْ يُحِبُّ
 التَّوَّابِينَ يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ يَا مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (٧٣)
 اللَّهُمَّ أَنِي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا شَفِيقُ يَا رَفِيقُ يَا حَفِيزُ يَا مُحِيطُ يَا مُقِيتُ يَا مُغِيثُ يَا مُعْزُ يَا
 مُدَلُّ يَا مُبْدِيُّ يَا

ص: ٢٧٥

مُعِيدُ (٧٤) يَا مَنْ هُوَ أَحَدٌ بِلَا ضِدٍّ يَا مَنْ هُوَ فَرْدٌ بِلَا نَدٍّ يَا مَنْ هُوَ صَمَدٌ بِلَا عَيْبٍ يَا مَنْ هُوَ
 وَتَرٌ بِلَا كَيْفٍ يَا مَنْ هُوَ قَاضٍ بِلَا حَيْفٍ يَا مَنْ هُوَ رَبُّ بِلَا وَزِيرٍ يَا مَنْ هُوَ عَزِيزٌ بِلَا ذُلٍّ يَا
 مَنْ هُوَ غَنِيٌّ بِلَا فَقْرٍ يَا مَنْ هُوَ مَلِكٌ بِلَا عَزْلِ يَا مَنْ هُوَ مَوْصُوفٌ بِلَا شَبِيهِ (٧٥) يَا مَنْ ذَكَرَهُ
 شَرَفٌ لِلذَّاكِرِينَ يَا مَنْ شَكَرَهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ يَا مَنْ حَمَدُهُ عِزٌّ لِلْحَامِدِينَ يَا مَنْ طَاعَتُهُ نَجَاةٌ
 لِلْمُطِيعِينَ يَا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِلطَّالِبِينَ يَا مَنْ سَبِيلُهُ وَاضِحٌ لِلْمُنْبِينِ يَا مَنْ آيَاتُهُ بُرْهَانٌ
 لِلنَّاطِرِينَ يَا مَنْ كِتَابُهُ تَذَكُّرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ يَا مَنْ رِزْقُهُ عُمُومٌ لِلطَّائِعِينَ وَالْعَاصِينَ يَا مَنْ رَحْمَتُهُ
 قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (٧٦) يَا مَنْ تَبَارَكَ اسْمُهُ يَا مَنْ تَعَالَى جَدُّهُ يَا مَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ يَا مَنْ

جَلَّ ثَنَاؤُهُ يَا مَنْ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ يَا مَنْ يَدُومُ بَقَاؤُهُ يَا مَنْ الْعِظْمَةُ بِهَاؤُهُ يَا مَنْ الْكِبَرِيَاءُ
رِدَاؤُهُ يَا مَنْ لَا تُحْصَى الْأَوْهُ يَا مَنْ لَا تُعَدُّ نِعْمَاؤُهُ (٧٧) اللَّهُمَّ أَنِي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُعِينُ
يَا آمِينَ يَا مُبِينُ يَا مَتِينُ يَا مَكِينُ يَا رَشِيدُ يَا حَمِيدُ يَا مُجِيدُ يَا شَدِيدُ يَا شَهِيدُ (٧٨) يَا ذَا
الْعَرْشِ الْمَجِيدِ يَا ذَا الْقَوْلِ السَّدِيدِ يَا ذَا الْفِعْلِ الرَّشِيدِ يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ يَا ذَا الْوَعْدِ
وَالْوَعِيدِ يَا مَنْ هُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ يَا مَنْ هُوَ فَعَالٌ لِمَا يُرِيدُ يَا مَنْ هُوَ قَرِيبٌ غَيْرَ بَعِيدٍ يَا مَنْ
هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ يَا مَنْ هُوَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ (٧٩) يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرًا
مَنْ لَا شَبِيهَ لَهُ وَلَا نَظِيرًا يَا

ص: ٢٧٦

خَالِقَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ الْمُنِيرِ يَا مُغْنِيَ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ يَا رَازِقَ الطُّفْلِ الصَّغِيرِ يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ
الْكَبِيرِ يَا جَابِرَ الْعِظْمِ الْكَاسِرِ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ يَا مَنْ هُوَ بَعَادَهُ خَيْرٌ بِصِيرٍ يَا مَنْ
هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٨٠) يَا ذَا الْجُودِ وَالنِّعَمِ يَا ذَا الْفَضْلِ وَالْكَرَمِ يَا خَالِقَ اللُّوحِ وَالْقَلَمِ
يَا بَارِيَّ الذَّرِّ وَالنَّسَمِ يَا ذَا الْبَأْسِ وَالنِّقَمِ يَا مُلْهَمَ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ يَا كَاشِفَ الضَّرِّ وَالْأَلَمِ يَا
عَالِمَ السِّرِّ وَالْهَمَمِ يَا رَبَّ الْبَيْتِ وَالْحَرَمِ يَا مَنْ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ مِنَ الْعَدَمِ (٨١) اللَّهُمَّ أَنِي
أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا فَاعِلُ يَا جَاعِلُ يَا قَابِلُ يَا كَامِلُ يَا فَاصِلُ يَا وَاصِلُ يَا عَادِلُ يَا غَالِبُ يَا
طَالِبُ يَا وَاهِبُ (٨٢) يَا مَنْ أَنْعَمَ بِطَوْلِهِ يَا مَنْ أَكْرَمَ بِجُودِهِ يَا مَنْ جَادَ بِلُطْفِهِ يَا مَنْ تَعَزَّزَ
بِقُدْرَتِهِ يَا مَنْ قَدَّرَ بِحُكْمَتِهِ يَا مَنْ حَكَّمَ بِتَدْبِيرِهِ يَا مَنْ دَبَّرَ بِعِلْمِهِ يَا مَنْ تَجَاوَزَ بِحِلْمِهِ يَا مَنْ
دَنَا فِي عُلُوِّهِ يَا مَنْ عَلَا فِي دُنُوِّهِ (٨٣) يَا مَنْ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ يَا مَنْ يَهْدِي
مَنْ يَشَاءُ يَا مَنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ يَا مَنْ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ يَا مَنْ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ يَا مَنْ يُعِزُّ مَنْ
يَشَاءُ يَا مَنْ يُذِلُّ مَنْ يَشَاءُ يَا مَنْ يُصَوِّرُ فِي الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ يَا مَنْ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ
(٨٤) يَا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا يَا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا يَا مَنْ لَا يُشْرِكُ فِي
حُكْمِهِ أَحَدًا يَا مَنْ جَعَلَ الْمَلَائِكَةَ رُسُلًا يَا مَنْ جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا يَا مَنْ جَعَلَ

ص: ٢٧٧

الْأَرْضَ قَرَارًا يَا مَنْ خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا يَا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمْدًا يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ

عَلَمًا يَا مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا (٨٥) اللَّهُمَّ أَنْتَ اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا أَوَّلَ يَا آخِرَ يَا ظَاهِرَ
 يَا بَاطِنَ يَا بَرَّ يَا حَقًّا يَا فَرْدًا يَا وَتْرًا يَا صَمَدًا يَا سَرْمَدًا (٨٦) يَا خَيْرَ مَعْرُوفٍ عُرْفٍ يَا أَفْضَلَ
 مَعْبُودٍ عَبْدًا يَا أَجَلَ مَشْكُورٍ شُكْرًا يَا اعَزَّ مَذْكُورٍ ذِكْرًا يَا أَعْلَى مَحْمُودٍ حَمْدًا يَا أَقْدَمَ مَوْجُودٍ
 طَلَبًا يَا أَرْفَعَ مَوْصُوفٍ وَصْفًا يَا أَكْبَرَ مَقْصُودٍ قُصْدًا يَا أَكْرَمَ مَسْئُولٍ سُئُلًا يَا أَشْرَفَ
 مَحْبُوبٍ عُلْمًا (٨٧) يَا حَبِيبَ الْبَاكِينَ يَا سَيِّدَ الْمُتَوَكِّلِينَ يَا هَادِيَ الْمُضِلِّينَ يَا وَكِيَّ الْمُؤْمِنِينَ
 يَا أُنَيْسَ الذَّاكِرِينَ يَا مَفْرِعَ الْمَلْهُوفِينَ يَا مُنْجِيَّ الصَّادِقِينَ يَا أَقْدَرَ الْقَادِرِينَ يَا أَعْلَمَ الْعَالَمِينَ
 يَا إِلَهَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ (٨٨) يَا مَنْ عَلَا فَفَقِهَرَ يَا مَنْ مَلَكَ فَفَقَدَرَ يَا مَنْ بَطَنَ فَفَخْبَرَ يَا مَنْ عَبْدًا
 فَشَكَرَ يَا مَنْ عُصِيَ فَفَغْفَرَ يَا مَنْ لَا تَحْوِيهِ الْفِكْرُ يَا مَنْ لَا يُدْرِكُهُ بَصَرٌ يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ
 أَثْرٌ يَا رَازِقَ الْبَشَرِ يَا مُقَدِّرَ كُلِّ قَدَرٍ (٨٩) اللَّهُمَّ أَنْتَ اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا حَافِظًا يَا بَارِيًّا يَا
 ذَارِيًّا يَا بَادِخًا يَا فَارِحًا يَا فَاتِحًا يَا كَاشِفًا يَا ضَامِنًا يَا أَمْرِي يَا نَاهِيَّ (٩٠) يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ
 إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَخْلُقُ الْخَلْقَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ إِلَّا هُوَ
 يَا مَنْ لَا يَتِمُّ النُّعْمَةَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَقْلِبُ الْقُلُوبَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يُدَبِّرُ الْأُمُورَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا
 يَنْزِلُ

ص: ٢٧٨

الْغَيْثَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَبْسُطُ الرِّزْقَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يُحْيِي الْمَوْتَى إِلَّا هُوَ (٩١) يَا مُعِينَ
 الضُّعْفَاءِ يَا صَاحِبَ الْغُرَبَاءِ يَا نَاصِرَ الْأَوْلِيَاءِ يَا قَاهِرَ الْأَعْدَاءِ يَا رَافِعَ السَّمَاءِ يَا أُنَيْسَ الْأَصْفِيَاءِ
 يَا حَبِيبَ الْأَتْقِيَاءِ يَا كَنْزَ الْفُقَرَاءِ يَا إِلَهَ الْأَغْنِيَاءِ يَا أَكْرَمَ الْكِرْمَاءِ (٩٢) يَا كَافِيًّا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ
 يَا قَائِمًا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ لَا يُشْبِهُهُ شَيْءٌ يَا مَنْ لَا يَزِيدُ فِي مَلِكِهِ شَيْءٌ يَا مَنْ لَا يَخْفَى
 عَلَيْهِ شَيْءٌ يَا مَنْ لَا يَنْقُصُ مِنْ خَزَائِنِهِ شَيْءٌ يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ يَا مَنْ لَا يَعْرُبُ عَنْ
 عِلْمِهِ شَيْءٌ يَا مَنْ هُوَ خَيْرٌ بِكُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ وَسَعَتْ رَحْمَتُهُ كُلَّ شَيْءٍ (٩٣) اللَّهُمَّ أَنْتَ
 اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُكْرِمًا يَا مُطْعَمًا يَا مُنْعِمًا يَا مُعْطَى يَا مُغْنَى يَا مُقْنَى يَا مُفْنَى يَا مُحْيَى يَا
 مُرْضَى يَا مُنْجَى (٩٤) يَا أَوَّلَ كُلِّ شَيْءٍ وَآخِرَهُ يَا إِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكَهُ يَا رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ
 وَصَانِعَهُ يَا بَارِيَّ كُلِّ شَيْءٍ وَخَالِقَهُ يَا قَابِضَ كُلِّ شَيْءٍ وَبَاسِطَهُ يَا مُبْدِيَّ كُلِّ شَيْءٍ وَمُعِيدَهُ

یا مُنْشَى كُلِّ شَيْءٍ وَمَقْدَرَهُ یا مُكُونُ كُلِّ شَيْءٍ وَمَحْوَلُهُ یا مُحْيِي كُلِّ شَيْءٍ وَمَمِيتُهُ یا خَالِقُ
 كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثُهُ (۹۵) یا خَيْرَ ذَاكِرٍ وَمَذْكُورٍ یا خَيْرَ شَاكِرٍ وَمَشْكُورٍ یا خَيْرَ حَامِدٍ
 وَمَحْمُودٍ یا خَيْرَ شَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ یا خَيْرَ دَاعٍ وَمَدْعُوٍّ یا خَيْرَ مُجِيبٍ وَمُجَابٍ یا خَيْرَ مُؤْنِسٍ
 وَأَنْيسٍ یا خَيْرَ صَاحِبٍ وَجَلِيسٍ یا خَيْرَ مَقْصُودٍ وَمَطْلُوبٍ یا خَيْرَ حَبِيبٍ وَمَحْبُوبٍ (۹۶) یا
 مَنْ هُوَ لِمَنْ دَعَاهُ

ص: ۲۷۹

مُجِيبٌ یا مَنْ هُوَ لِمَنْ اطَاعَهُ حَبِيبٌ یا مَنْ هُوَ الی مَنْ احْبَبَهُ قَرِيبٌ یا مَنْ هُوَ بِمَنْ اسْتَحْفَظَهُ
 رَقِيبٌ یا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجَاهُ كَرِيبٌ یا مَنْ هُوَ بِمَنْ عَصَاهُ حَلِيبٌ یا مَنْ هُوَ فِی عَظَمَتِهِ رَحِيبٌ یا
 مَنْ هُوَ فِی حَكْمَتِهِ عَظِيبٌ یا مَنْ هُوَ فِی احْسَانِهِ قَدِيبٌ یا مَنْ هُوَ بِمَنْ ارَادَهُ عَلِيبٌ (۹۷) اللّٰهُمَّ
 اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ یا مُسَبِّبٌ یا مُرْعِبٌ یا مُقَلِّبٌ یا مُعَقِّبٌ یا مُرْتَبٌ یا مُخَوِّفٌ یا مُحَذِّرٌ یا
 مُذَكِّرٌ یا مُسَخِّرٌ یا مُغَيِّرٌ (۹۸) یا مَنْ عَلِمَهُ سَابِقٌ یا مَنْ وَعَدَهُ صَادِقٌ یا مَنْ لَطْفَهُ ظَاهِرٌ یا مَنْ
 اَمْرُهُ غَالِبٌ یا مَنْ كِتَابُهُ مُحْكَمٌ یا مَنْ قِضَاؤُهُ كَاتِنٌ یا مَنْ قُرْآنُهُ مُجِيدٌ یا مَنْ مُلْكُهُ قَدِيبٌ یا
 مَنْ فَضْلُهُ عَمِيبٌ یا مَنْ عَرْشُهُ عَظِيبٌ (۹۹) یا مَنْ لَا یَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ یا مَنْ لَا یَمْنَعُهُ فِعْلٌ
 عَنْ فِعْلٍ یا مَنْ لَا یُلْهِیهِ قَوْلٌ عَنْ قَوْلٍ یا مَنْ لَا یَغْلُطُهُ سُؤَالٌ عَنْ سُؤَالٍ یا مَنْ لَا یَحْجِبُهُ شَيْءٌ
 عَنْ شَيْءٍ یا مَنْ لَا یُبْرِئُهُ اِلْحَاحُ الْمَلْحِینِ یا مَنْ هُوَ غَايَةُ مُرَادِ الْمُرِیدِینِ یا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى
 هِمَمِ الْعَارِفِینِ یا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى طَلَبِ الطَّالِبِینِ یا مَنْ لَا یَخْفَى عَلَیْهِ ذَرَّةٌ فِی الْعَالَمِینِ (۱۰۰)
 یا حَلِيبًا لَا یَعْجَلُ یا جَوَادًا لَا یَبْخُلُ یا صَادِقًا لَا یُخْلَفُ یا وَهَّابًا لَا یَمَلُّ یا قَاهِرًا لَا یُغْلَبُ یا
 عَظِيبًا لَا یُوصَفُ یا عَدْلًا لَا یَحِيفُ یا غَنِيًّا لَا یَفْتَقِرُ یا كَبِیرًا لَا یَصْغُرُ یا حَافِظًا لَا یَغْفَلُ
 سُبْحَانَكَ یا لا اِلهَ اِلَّا اَنْتَ الْغَوْثُ الْغَوْثُ خَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ یا رَبُّ.

ص: ۲۸۰

در تهیه این نوشته از کتابهای زیر استفاده شده است:

- ۱- آموزش فقه، محمد حسین فلاح زاده، دفتر نشر الهادی، چاپ پنجم، ۱۳۷۷.
- ۲- تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، اصغر قائدان، نشر مشعر، چاپ

دوم، ۱۳۷۴.

- ۳- خط سبز سلوک، استاد جواد محدثی، انتشارات نصر، چاپ اول ۱۳۷۶.
- ۴- روایت انقلاب، ج ۱، استاد جواد محدثی، انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم ۱۳۷۱.
- ۵- روایت انقلاب، ج ۲، استاد جواد محدثی، انتشارات تربیت، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
- ۶- ره توشه راهیان نور، ویژه ماه مبارک رمضان (۱۴۱۷ ق، ۱۳۷۶ ش). دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، معاونت آموزش مبلغین (طرح هجرت).
- ۷- ره توشه راهیان نور، ویژه ماه مبارک رمضان، (۱۴۱۸ ق. / ۱۳۷۶ ش). دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. معاونت آموزش مبلغین (طرح هجرت).
- ۸- صلح امام حسن علیه السلام، شیخ راضی آل یاسین، ترجمه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیه الله خامنه‌ای، انتشارات آسیا، چاپ اول، ۱۳۴۸.
- ۹- فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، آیه الله جعفر سبحانی، نشر مشعر. چاپ هشتم، ۱۳۷۶.
- ۱۰- مفاتیح الجنان، ترجمه استاد حاج سید هاشم رسولی محللاتی، انتشارات کتابخانه صدر، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
- ۱۱- یاد ایام، ج ۲، معاونت فرهنگی شورای سیاستگذاری ائمه جمعه، ناشر، شورای سیاستگذاری ائمه جمعه، چاپ اول، ۱۳۷۵.